

مجله بین الملل مهر | شماره ۱۷ | آبان ۹۵

قیمت ۱۰۰۰۰ ریال

مهر مجله بین الملل



مهمان جدید کاخ سفید؟ مرد یازن؟

گفتگو با رئیس پارلمان سوریه

«جاستا» تیغ دولب آمریکا

گفتگو با سفیر انگلیس

آثار امنیتی پذیرش CTBT

فهرست مطالب

ایران در جهان



۳

- ۵ تبعات امنیتی CTBT برای ایران
- ۷ گفتگو با «تیکلاس هاپتون» سفیر انگلستان
- ۹ چرا ایران از تقابل با سعودی ها پرهیز می کند؟
- ۱۰ رمزگشایی از دکترین سلمان

خاورمیانه و شمال آفریقا



۱۲

- ۱۴ گفتگو با «پیتر فیلیپ» کارشناس آلمانی
- ۱۶ گفتگو با «هدیه خلف عباس» رئیس پارلمان سوریه
- ۲۲ ماجراجویی سعودی و آثار اقتصادی آن
- ۳۱ گفتگو با «تیموتی شاو» استاد دانشگاه ماساچوست

اروپا



۳۶

- ۳۸ اولتیماتوم اوربان به اروپای واحد
- ۳۹ رمزگشایی از طرح جدید ناتو در سوریه
- ۴۱ گفتگو با «فاروق لوغ اوغلو» معاون حزب جمهوری خلق ترکیه
- ۴۴ گفتگو با «آرنه لیتس» نماینده پارلمان اروپا

آسیا



۴۶

- ۴۹ موانع موجود در احیای جاده ابریشم
- ۵۱ معامله سایبری آمریکا و چین
- ۵۲ توافق صلح کابل با حکمتیار
- ۵۵ دلایل یورش های اخیر طالبان در افغانستان

آمریکا



۵۶

- ۵۷ گفتگو با «رودنی بروس هال» استاد دانشگاه آکسفورد
- ۶۶ گفتگو با «ریچارد مورفی» سفیر سابق آمریکا در عربستان
- ۷۰ گفتگو با «پل پیلار» مسئول سابق تحلیل عملیات سازمان سیا
- ۷۲ گفتگو با «جیم اسلتری» نماینده سابق کنگره آمریکا



شناختنامه مجله

مدیر مسئول: علی عسگری

شورای سردبیری: سید امیرحسین دهقانی، محمد قادری، حنیف غفاری، جواد حیران نیا

دبیر تحریریه: جواد حیران نیا

همکاران این شماره: مهدی پورحسینی، محمد فاطمی زاده، مهدی ذوالفقاری، شبنم شکوهی، یوسف فیروزی، دیانا محمود

مدیر هنری: محبوبه عزیز

شماره تماس: ۴۳۰۵۱۳۶۰

پست الکترونیک: world@mehrnews.com

آدرس: ایران، تهران، خیابان استاد نجات الهی، کوچه بیمه، پلاک ۱۸

علاقتمندان می توانند مقالات و مطالب خود را برای مجله بین الملل مهر ارسال کنند.



ایران در جهان

دبیران: پیمان یزدانی
وحید پور تجریشی

رامین حسین آبادیان

غوغاسالاری ریاض و مزدوران آن علیه ایران؛ جنایتکاران جنگی مدعی شدند



دولت مستعفی یمن در حالی از تصمیم برای شکایت از ایران در شورای امنیت سازمان ملل به اتهامات واهی سخن می گوید که خود متهم به حمایت تمام قد از ارتکاب جنایت های جنگی علیه مردم بی دفاع یمن است.

«عبدالملک المخلافی» وزیر امور خارجه دولت مستعفی یمن اخیراً در گفتگو با رویترز اعلام کرده است که این دولت قصد دارد علیه ایران در شورای امنیت سازمان ملل متحد شکایت کند. وی مدعی شده است: «نمی توان این موضوع را پنهان کرد که قاچاق سلاح از ایران به یمن همچنان ادامه دارد، برخی از این سلاح ها در مرزهای یمن و عربستان یافت شده و سلاح های مشهور ایرانی هستند».

اظهارات المخلافی در حالی مطرح می شود عربستان سعودی به بهانه بازگرداندن «عبد ربه منصور هادی» رئیس جمهوری مستعفی یمن به قدرت، با حمایت برخی کشورهای عربی و غربی تجاوز گسترده ای را به مناطق مختلف یمن آغاز کرده است. این حملات از ششم فروردین سال ۹۴ تاکنون آغاز شده است و سعودی ها در این حملات از سلاح های مرگبار و ممنوعه علیه شهروندان بیگناه یمن استفاده کرده اند؛ سلاح هایی همچون بمب خوشه ای و فسفوری که نهادهای حقوق بشر بارها نسبت به استفاده از آنها هشدار داده اند.

البته پر واضح است که دولت مستعفی و فراری یمن تنها یک بازیچه در دستان رژیم سعودی بوده و از خود هیچ اختیاری برای اتخاذ تصمیمات مهم ندارد. دولت مستعفی یمن که ریاست آن را «عبد ربه منصور هادی» را بر عهده دارد، با تصمیم ریاض بر سر میز مذاکره با یمنی ها می نشیند و با دستور آن نیز مذاکرات را ترک می کند. بنابراین، بدیهی است که این دولت فراری در زمینی بازی کند که دستور آن از ریاض صادر شده باشد.

اظهارات فرافکنانه المخلافی علیه ایران در حالی است که چندی پیش عربستان سعودی با ارائه نامه ای به شورای امنیت، مدعی شد که ایران قطعنامه ۲۲۱۶ در خصوص یمن را نقض کرده است. «عبدالله بن یحیی المعلمی» نماینده دائم عربستان در سازمان ملل، این نامه را به رئیس شورای امنیت تحویل داده است. سعودیها در این نامه مدعی شده اند که ایران سلاح و مهمات در اختیار یمنی ها قرار می دهد.

اینگونه که به نظر می رسد عربستان سعودی قصد دارد به بهانه های واهی پرونده ای را علیه جمهوری اسلامی ایران در شورای امنیت سازمان ملل متحد مطرح و تهران را محکوم به حمایت تسلیحاتی از مبارزان یمنی کند.

پرواضح است که سعودیها به دنبال تسویه حساب سیاسی با جمهوری اسلامی ایران هستند و خود، به خوبی می دانند که تهران تاکنون هیچگونه حمایت تسلیحاتی از یمنی ها به عمل نیاورده است. شکست های متعدد خاندان سعودی در منطقه به ویژه در عراق، سوریه و یمن موجب شده تا مقامات ریاض از هر فرصتی برای انتقام جویی از ایران - به عنوان اصلی ترین مانع در برابر سیاست های توسعه طلبانه آنها - استفاده کنند.

مقامات سعودی مدت هاست که به دنبال گسترش نفوذ ایران در کشورهای منطقه آشفته شده اند. این رژیم سیاست های منطقه ای جمهوری اسلامی ایران را بزرگترین مانع برای تحقق سیاست های تجزیه طلبانه، جنگ طلبانه و توسعه طلبانه خود در منطقه قلمداد می کند. درست به همین دلیل است که در مناسبت های مختلف بی پروا بر جمهوری اسلامی ایران می تازند و اتهامات واهی را که مورد قبول هیچ عقل سلیمی نیست، علیه آن مطرح می سازند.

از سوی دیگر، امروز دیگر کمتر کسی پیدا می شود که از جنایت های هولناک سعودیها علیه مردم بی دفاع و بی گناه یمن چیزی ندیده و یا نشنیده باشد، به همین دلیل است که بسیاری از ناظران و تحلیلگران سیاسی از ریاض و تل آویو به

عنون دو روی یک سکه یاد می کنند و این نوع نگرش به افکار عمومی نیز تسری پیدا کرده است. بر همین اساس، عربستان سعودی قصد دارد با «غوغاسالاری» و ایجاد هیاهوی تبلیغاتی اندکی از نگاه های افکار عمومی منطقه و جهان به خود کاسته و همه نگاه ها را مطوف به جمهوری اسلامی ایران سازد.

در واقع سعودیها در صدد هستند تا جای متن و حاشیه را با یکدیگر عوض کنند، بدین ترتیب که با مطرح کردن ادعای اقدامات بی ثبات کننده ایران در یمن و کشاندن آن به شورای امنیت و مشروعیت بخشیدن به آن، جنایت های خود در یمن را به حاشیه رانده و بر آنها سرپوش نهند؛ جنایت هایی که هرچقدر دامنه آن گسترده تر می شود، مقاومت مردمی یمن نیز به تبع آن بیشتر می شود و رژیم سعودی را بیش از پیش در باتلاق فرو می برد.

عربستان سعودی قصد دارد به ادعاهای حدود ۲ سال اخیر خود علیه جمهوری اسلامی ایران مبنی بر دخالت در یمن و تسلیح برخی گروه ها در این کشور، مشروعیت ببخشد تا بدین طریق مسئولیت آنچه را که امروز در یمن می گذرد، بر دوش تهران بگذارد. در واقع سعودیها برای فرار از زیر بار مسئولیت پاسخگویی در قبال جنایت های هولناکی که علیه بشریت در یمن مرتکب شده اند، در حال حاضر به دنبال یک مقصّر می گردند و در این میان، گزینه ای جز ایران برای عقده گسای های خود پیدا نکرده اند.

عربستان سعودی به خوبی می داند که در صورت محکومیت جمهوری اسلامی ایران در شورای امنیت سازمان ملل تا حدود زیادی می تواند از فشارهایی که به دلیل ارتکاب جنایت های جنگی در یمن متحمل می شود، رهایی یابد. این در حالی است که سعودیها در طول مدتی که ادعای دخالت ایران در امور یمن را مطرح می کردند، حتی یک سند نیز برای تنویر افکار عمومی منتشر نکرده اند. با این حال، همچنان به طرح ادعاهای واهی و اتهامات بی پایه و اساس علیه ایران ادامه می دهند.

در همین راستا، «محمد بن ناف» ولیعهد سعودی در نشست مجمع عمومی سازمان ملل با تکرار ادعاهای خصمانه سعودی ها علیه ایران مدعی شد که تهران باید به اصل حسن همجواری در منطقه احترام بگذارد. وی با نادیده گرفتن حمایت عربستان از گروه های تروریستی در منطقه و بویژه سوریه و عراق، طی سخنانی مدعی شد که کشورش تلاش زیادی برای

مبارزه با تروریسم و برقراری صلح انجام می دهد. از سوی دیگر، «عبد ربه منصور هادی» رئیس جمهوری مستعفی و فراری یمن نیز که در واقع دست نشانده سعودیها و توکری بی چون و چرای آنهاست، در سخنان خود در مجمع عمومی سازمان ملل، در کمال وقاحت مدعی شد: «ایران تمامی اقدامات برای رسیدن به یک راه حل سیاسی را ناکام می گذارد و برای نابودی یمن برنامه ریزی کرده است».

اظهارات مقامات سعودی و مزدوران و دست نشاندهگان آنها در مجمع عمومی سازمان ملل حکایت از عزم آنها برای مشروعیت بخشیدن به ادعاهایشان علیه ایران دارد. سعودیها بسیار امیدوارند تا با کمک ایالات متحده آمریکا، ایران را در شورای امنیت محکوم کنند تا بدین ترتیب، به زعم خود بخشی از شکست سنگین تجاوز نظامی به یمن را جبران کرده باشند. بعید هم نیست که تشدید تلاش های آنها در این زمینه با چیراغ سبز آمریکایی ها صورت گرفته باشد.

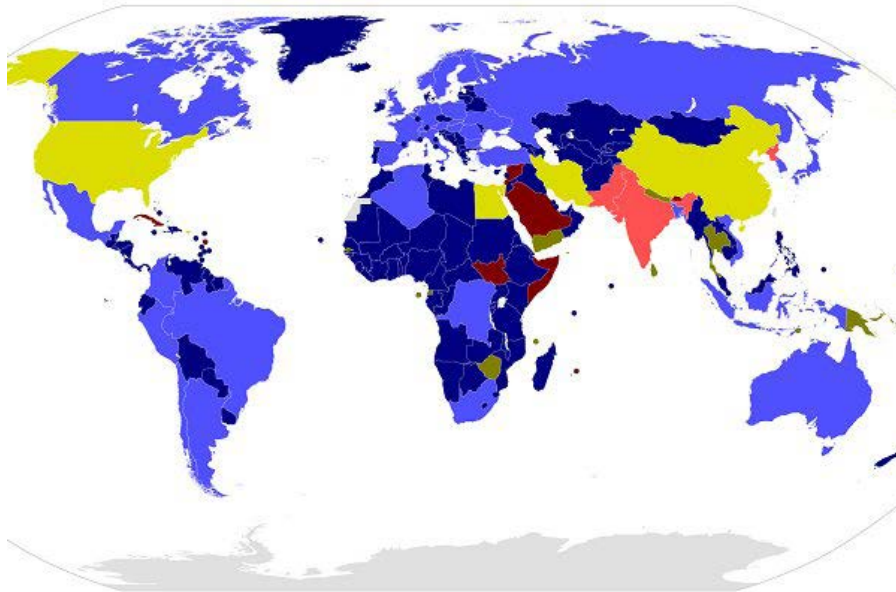
آنچه مشخص است، این است که عربستان سعودی هیچ مدرک و سندی دال بر دخالت ایران در یمن در اختیار ندارد و به همین دلیل به خوبی می داند که بدون «دوبند سیاسی» و «اعطای رشوه» نمی تواند ایران را در شورای امنیت سازمان ملل به حمایت تسلیحاتی از گروه های یمنی محکوم سازد؛ به ویژه اینکه روسیه نیز از جمله کشورهایی است که با توجه به هم پیمانی با جمهوری اسلامی ایران از یک سو و مواضع اخیرش در حمایت از «شورای عالی سیاسی» یمن و اختلافات با ریاض از سوی دیگر، در مقابل قطعنامه احتمالی ضد ایرانی خواهد ایستاد.

در هر صورت در شرایط کنونی، سیر تحولات منطقه این واقعیت را نشان می دهد که عربستان سعودی در موضع ضعف قرار دارد؛ در عراق پیشروی های گسترده ارتش و نیروهای مردمی در نقاط مختلف این کشور ادامه دارد و پناهگاه های تکفیریه های تحت الحمایه ریاض یکی پس از دیگری فتح می شوند و به کنترل نیروهای امنیتی درمی آیند. در سوریه نیز همانگونه که متحدان غربی سعودیها اذعان می کنند، وضعیت بشمار اسد بسیار بهتر از سالهای قبل گشته و قدرت وی نیز افزایش یافته است. در یمن هم سعودیها آنچنان عاجز مانده اند که دست گذاری به ایالات متحده آمریکا دراز کرده و قصد خرید تسلیحات از این کشور برای کشتار مردم بی گناه یمن را دارند.

موضع نامشخص دستگاه دیپلماسی ایران؛

تبعات امنیتی CTBT برای کشور / تصویب قطعنامه ۲۳۱۰ شورای امنیت در سکوت

پیمان یزدانی



تصویب قطعنامه ۲۳۱۰ شورای امنیت سازمان ملل به درخواست آمریکا در حالی صورت می گیرد که موضع دستگاه دیپلماسی ایران بعد از گذشت حدود دو هفته هنوز مشخص نیست.

معاهده جامع ممنوعیت آزمایش های هسته ای (CTBT) در ۲۰ شهریور ۱۳۷۵ مصادف با ۱۰ سپتامبر سال ۱۹۹۶ به عنوان یک معاهده چندجانبه به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید و از ۲۴ سپتامبر همان سال برای امضا در دسترس اعضا قرار گرفت. در همان روز ۷۱ کشور آن را امضا کردند. اولین کشوری که آن را به تصویب رساند فیجی بود که در تاریخ ۱۰ اکتبر ۱۹۹۶ این معاهده را به تصویب رساند.

بر اساس این معاهده، کشورهای عضو از هرگونه انفجار هسته ای در هر مکانی تحت قلمرو یا کنترل دولت عضو منع شده اند. هدف از این معاهده، صرفاً جلوگیری از انجام آزمایش های هسته ای است و «هیچ» منع و محدودیتی در زمینه توسعه این گونه تسلیحات ندارد. به همین جهت، کشورهای دارنده تسلیحات هسته ای که در معاهده NPT مورد شناسایی قرار گرفته اند، عموماً از روند پیشبرد معاهده CTBT استقبال می کنند. مخصوصاً این نکته حائز اهمیت است که آمریکا و سایر کشورهای دارنده تسلیحات، در طول سالیان اخیر، امکان توسعه تسلیحات هسته ای و همچنین نگهداری آنها را بدون تکیه بر انفجارهای آزمایشی محقق کرده اند. به عبارت دیگر، کشورهای فاقد تسلیحات، ناچار به انفجارهای هسته ای آزمایشی هستند، که با منع آن از طریق معاهده CTBT، این تضمین به کشورهای دارنده تسلیحات (مصرح در NPT) داده می شود که «الی اید» آنها تسلیحاتی نباشند که دارنده باقی بمانند. به همین جهت، این معاهده مکمل معاهده منع تکثیر سلاح های هسته ای (N.P.T) شناخته می شود که کشورهای جهان را به طبقه دارها و نادرها در زمینه سلاح های هسته ای تقسیم می نماید. این نکته نیز حائز اهمیت بسیار است، که حتی تعیین مصداق صریح «آزمایش هسته ای» هم در این معاهده روشن نیست و در همین راستا است که کشور ایالات متحده آمریکا، در طی سالیان اخیر آزمایش های هسته ای مختلفی با تعبیر «تست سرد» و زیربحرانی داشته است، بدون این که از سوی CTBT با عکس العملی مواجه شود.

رژیم راستی آزمایی (Verification regime) در این معاهده، اساساً مبتنی بر پایش همه کشورهاست. برای این منظور، از طریق ایجاد و بکارگیری سامانه ای موسوم به «سامانه بین المللی پایش» (International Monitoring System) است که با تکیه بر فناوری های مختلف، لرزه ای، فروصدا، هیدروآکوستیک و رادیونوکلئید و ایجاد شبکه ای منحصر به فرد از حسگرهای مربوطه و پردازش این داده ها در «مرکز بین المللی داده ها» (International Data Centre) تمامی کشورهای جهان (چه عضو و چه غیر آن) به صورت شبانه روزی رصد می شوند. از این رو، یکی از مهمترین ملزومات اجرای این پیمان استقرار سامانه های نظارت

داد و تلاش کرد تا با کوییدن بر طبل صلح، نام خود را به عنوان رئیس جمهوری ثبت کند که بدون جنگ و خونریزی قادر به باز کردن گره های کوری است که دست تاریخ به رابطه واشنگتن با سایر دولت ها زده است.

در پی مخالفت های سناتورهای آمریکایی با تصویب این معاهده زمزمه هایی مبنی بر تلاش اوپاما برای بردن این مسئله به شورای امنیت سازمان ملل و تصویب آن در این نهاد بین المللی شنیده شد. «ارنست مونیز» وزیر انرژی آمریکا با حضور در جلسه استماع کنگره، خطاب به سناتورهای این کشور از تصمیم اوپاما برای جلب حمایت سازمان ملل پیرامون این مسئله خبر داد به ویژه آنکه سپتامبر امسال (۲۰۱۶) مصادف بود با بیستیمین سالگرد امضای معاهده منع جامع آزمایش هسته ای یا همان «CTBT» که در سال ۱۹۹۶ میلادی از سوی «بیل کلینتون» رئیس جمهوری وقت آمریکا امضا شد، اما هرگز به تصویب مجلس سنای این کشور نرسید.

تصویب قطعنامه ۲۳۱۰ و اهداف اوپاما

قطعنامه ۲۳۱۰ مد نظر دولت اوپاما در روز ۲۳ سپتامبر به تصویب شورای امنیت رسید قطعنامه ای که در آن «عرف بین الملل» به عنوان ملاک ارزیابی کشورهای عضو معاهده معرفی شده است. نکات مهمی هم در این زمینه وجود دارد که برخی از آنها به این قرار هستند: اولاً فقط مصر رأی مخالف داده، ثانیاً معلوم نیست دستگاه دیپلماسی ما در مورد این معاهده چه موضعی داشته یا دارد ثالثاً آقای «لاسینا زربو» مدیر اجرایی کمیسیون آماده سازی معاهده در سخنانی که بلافاصله پس از تصویب این قطعنامه ایراد کرد، اشاره به اهمیت توافق هسته ای ایران (برجام) کرده و تذکر داده که فضای خلع سلاح در شرایط کنونی متأثر از آن است. رابعاً در این قطعنامه آمده است که تمامی کشورهای میزبان ایستگاه های شبکه بین المللی پایش، حتی در شرایط عدم لازم الاجراء شدن این

بین المللی از جمله ایستگاه های لرزه نگاری فروصدا در کشورهای عضو است. در حال حاضر ۳۳۷ ایستگاه و مرکز جمع آوری داده های اطلاعاتی در ۸۹ کشور جهان مستقر هستند که به صورت دقیق معیارهای مدنظر معاهده منع جامع آزمایش های هسته ای در مناطق مختلف جهان را جمع آوری و به مقرر CTBT در وین ارسال می کنند تا به مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد.

کشورهای امضا کننده این پیمان

بنا به گزارش کمیسیون آماده سازی (Preparatory Commission) این معاهده موسوم به «CTBT» تا تاریخ ۳۱ دسامبر سال ۲۰۱۵ میلادی ۱۸۳ کشور این معاهده را امضاء کرده اند که از میان آنها ۱۶۴ کشور این معاهده را به تصویب نهایی در نظام حقوقی داخلی خود رسانده اند و در این میان ۱۹ کشور هم با اینکه این معاهده را امضا کرده اند ولی آن را به تصویب نهایی در نظام حقوق داخلی خود نرسانده اند امری که موجب می شود تا آنها نسبت به اجرای این معاهده متعهد نباشند. همچنین در این میان ۱۳ کشور هم بطور کلی از امضای آن خودداری کرده اند.

در میان کشورهای عضو دایم شورای امنیت سازمان ملل در حالیکه روسیه، انگلستان، فرانسه این معاهده را امضا و به تصویب نهایی در پارلمان های خود رسانده اند. آمریکا و چین کشورهای هستند که این معاهده را امضا کرده ولی به تصویب نهایی در نظام حقوق داخلی خود نرسانده اند.

در سال ۱۹۹۹ میلادی، مجلس سنای آمریکا به بهانه های امنیتی به اتفاق آراء با تصویب CTBT مخالفت کرد و همین بهانه ای شد تا چین نیز از تصویب نهایی آن خودداری کند.

مخالفت سناتورهای جمهوری خواه آمریکا با تصویب CTBT در حالی صورت می گیرد که «باراک اوپاما» رئیس جمهور آمریکا از همان نخستین روزهای تکیه زدن بر مسند ریاست جمهوری آمریکا شعار تلاش برای ایجاد جهانی عاری از سلاح هسته ای را سر

معاهده بایستی نصب این ایستگاهها و ارسال دادهها به مرکز بین المللی دادهها را جدی بگیرند و این در حالی است که ایران با عنایت به لازم الاجرا نبودن این معاهده، و اشکالاتی که کارکرد شبکه پایش در روند فعالیت های معمول کشور ایجاد می کند و همچنین به این استناد که میزان سودبخشی این معاهده در روند «خلع سلاح» و نه فقط تکیه بر «منع گسترش»، از ایجاد ایستگاههای مربوطه استنکاف ورزیده است.

فارغ از اینکه کشمکش جمهوریخواهان و دموکرات ها در این خصوص می تواند یک بازی داخلی برای کلاهبرداری از جامعه جهانی باشد، می توان اهداف زیر را برای این اقدام احتمالی باراک اوباما در چند ماه باقی مانده تا انتخابات ریاست جمهوری این کشور متصور بود.

*اوباما از همان نخستین روزهای تکیه زدن بر مسند ریاست جمهوری آمریکا شعار تلاش برای ایجاد جهانی عاری از سلاح هسته ای را سر داد. لذا هر گونه دست آوردی در این خصوص در حالی که چند ماه به انتخابات ریاست جمهوری آمریکا باقی مانده است می تواند به نفع حزب وی و کاندیدای دموکرات مورد حمایت وی یعنی هیلاری کلینتون منجر شود.

*همزمانی انتخابات کنگره آمریکا با انتخابات ریاست جمهوری این کشور همچنین می تواند موجبات تقویت موضع دموکراتها در این انتخابات را نیز فراهم کند و تغییراتی در ترکیب کنگره به نفع حزب دموکرات ایجاد کند.

*احتمالاً بعد از به تصویب رساندن این طرح در شورای امنیت نظام آمریکا با یک بازی داخلی می تواند از حفظ حق انحصاری تسلیحات اتمی این کشور اطمینان حاصل کند.

*همچنین با گنجاندن «عرف بین الملل» به عنوان ملاک ارزیابی عملکرد کشورهای عضو CTBT راه برای برخورد های سیاسی این کشور و متحدانش با پرونده

های مطروحه دیگر کشورهای عضو باز خواهد بود.

وضعیت جمهوری اسلامی ایران و معاهده CTBT

این معاهده در سال ۱۹۹۶، در معرض امضاء کشورها قرار گرفت. شرط نافذ شدن این معاهده، امضاء و تصویب پارلمانی آن توسط ۴۴ کشور دارای توان هسته ای می باشد در حالیکه از سال ۱۹۹۶ تا کنون تنها ۳۳ کشور آن را امضاء کرده اند، دستگاه دیپلماسی ایران در همان زمان، شتابان اقدام به امضای این معاهده نمود. پس از آنکه امضای مقدماتی این معاهده بدون مصوبه مجلس از سوی ایران انجام شد، برخی از این سیستم های لرزه نگاری در دهکده چاران کرج نصب گردید و انتقال اطلاعات به وین انجام گرفت. ظاهراً شورای عالی امنیت ملی در آن دوران، نصب این تجهیزات را مغایر با منافع کشور تشخیص نداده و انتقال اطلاعات به وین با هماهنگی نهادهای عالییه تصمیم گیری در جریان است.

ماهیت معاهده و تبعات تصویب آن توسط کشورهای امضا کننده و ایران

شکل معاهده مزبور چندان مطول و گسترده نیست. اما محتوای آن بسیار سنگین است بطوریکه تیم بازرسی دارای مصونیت فوق العاده بوده و چنانچه در کشور میزبان مرتکب هرگونه تخلف و جرم از قبیل جاسوسی و سوء استفاده از مصونیت های خود گردند، کشور پذیرنده هیچ گونه صلاحیتی برای بازجویی از آنها ندارد و در واقع تیم بازرسی از صلاحیت قضایی کشور پذیرنده خارج است.

کشور میزبان تنها می تواند مراتب را به دبیر کل سازمان گزارش نماید و سازمان صلاحیت بررسی

موضوع را دارد. در صورتی که جرم بازرسی (از قبیل تجاوز، قتل، سوء استفاده و ...) محرز گردد، دبیر کل سازمان فقط می تواند عدم تکرار مسئله را به بازرسی هشدار دهد. در نتیجه از کشور میزبان سلب صلاحیت قضایی شده است. به موجب معاهده، بازرسان حتی سال ها پس از بازگشت به کشور خود، از حیث مأموریت های بازرسی خود، مصونیت دارند.

همچنین تیم بازرسی در انجام مأموریت های بازرسی خود برای دسترسی به هر نقطه کشور محل مأموریت، حتی کاخ ریاست جمهوری از آزادی کامل برخوردارند. بازرسان با استفاده از اصل دخالت نامحدود که در معاهده پیش بینی گردیده، از آزادی تام و مطلق برخوردارند.

بر اساس مفاد معاهده، تیم بازرسی باید مأموریتش را با حداقل شیوه دخالت آمیز ممکن از سوی دولت پذیرنده آغاز نماید و سپس در صورتی که لازم دیده شود، برای جمع آوری اطلاعات لازم به شیوه دخالت آمیز بیشتری مبادرت خواهد ورزید.

همچنین تصویب چنین معاهده ای توسط ایران درحالیکه بزرگترین رقیب منطقه ایش یعنی عربستان حتی آن را امضا نکرده و بزرگترین دشمن اش یعنی رژیم اسرائیل آن را به تصویب نرسانده است می تواند منافع ملی و امنیت ملی کشور را با تهدیدات جدی مواجه کند.

همچنین گنجانده شدن «عرف بین الملل» به عنوان ملاک ارزیابی عملکرد کشورهای عضو CTBT می تواند راه برای برخوردهای سیاسی آمریکا و متحدانش با پرونده های مطروحه دیگر کشورهای عضو باز کند. در صورت تصویب این معاهده توسط ایران و پیوستن رسمی ایران به آن زمینه برای دخالت ها و بهانه جویی های سیاسی بیشتر آمریکا و متحدانش به ویژه در خصوص فعالیت های موشکی ایران هموارتر خواهد شد

فارین پالیسی:

آمریکادر مسأله سوریه مستقیماً با ایران مذاکره کند

دبیرالزور، علاوه بر تلفات گسترده نظامیان سوری موجب تسلط تروریست ها به منطقه مذکور شده و آتش بس توافقی با روسیه را به بن بست کشاندند.

این در حالیست که جنگنده های وابسته به ائتلاف موسوم به مبارزه با داعش به سرکردگی آمریکا با حمله چند هفته گذشته به مواضع ارتش سوریه در

یک نشریه آمریکایی با اشاره به جایگاه ایران در منطقه به واشنگتن پیشنهاد کرد تا درخصوص بحران سوریه به صورت مستقیم با تهران وارد مذاکره شود. «فارین پالیسی» در مطلبی از مقامات آمریکایی خواست تا درباره بحران سوریه به صورت مستقیم با ایران به مذاکره بپردازد.

«فارین پالیسی» بدون اشاره به حمایت های آشکار آمریکا از تروریست ها در سوریه به ویژه «جبهه فتح الشام» در این مطلب نوشت: هرگاه روزنه امیدی برای حل بحران سوریه به وجود می آید، فوراً با خاموشی مواجه می شود به نحوی که از بین رفتن توافق آتش بس در سوریه و حمله به کاروان امدادسانی سازمان ملل در حلب را می توان از نمونه های برجسته آن برشمرد. نشریه آمریکایی «فارین پالیسی» در ادامه مطلب تحلیلی خود با اشاره به حضور مستشاران نظامی ایران در سوریه افزود: این در حالی است که ایران دارای نقش برجسته تری در سوریه در مقایسه با روسیه است.

نشریه مذکور در ادامه این مطلب تأکید کرد: آمریکا باید با درک جایگاه ایران در منطقه به جای روسیه با این کشور وارد مذاکره شود.



گفتگوی اختصاصی با سفیر انگلستان:

در مورد پیشینه رابطه با ایران ترجیح می دهیم به گذشته فکر نکنم!

مریم خرمائی - مهدی سپهوند



سوریه علاقمند است. البته ما لزوماً با راهی که ایران از طریق آن منافع خود را در سوریه دنبال می کند، موافق نیستیم و به گفتگو با ایران در این زمینه ادامه می دهیم.

همچنین درباره توافق جامع هسته ای ایران (برجام) و دستاوردهای آن، هاپتون اظهار داشت که برجام رابطه میان ایران و باقی کشورهای جهان را وارد مرحله جدیدی کرده است.

وی در این باره افزود: مسئولیتی متقابل بر عهده دولت و مسئولین ایران و در عین حال جامعه بین المللی برای اجرای برجام است.

سفیر انگلستان با اشاره به جنبه های اقتصادی توافق هسته ای، تأکید کرد که بخشی از برجام در جهت تسهیل توانایی ایران و شرکت های ایرانی به تجارت و داد و ستد در سطح جهانی به گونه ای که در زمان برقراری رژیم تحریم ها مقدر نبود؛ اختصاص داده شده است.

هاپتون ادامه داد: در حال حاضر، مراحل اجرای برجام رو به پیشرفت است و با گذشت ۹ ماه از زمان تحقق آن، نشانه های رضایت بخشی در اقتصاد ایران در حال ظهور است. من می دانم که دولت شما در سال جاری و همچنین سالهای بعد به دنبال نرخ متناسبی از رشد اقتصادی است و شرکت های انگلیسی و اروپایی علاقه وافری به داد و ستد با ایران دارند و حتی در همین سفارتخانه نیز ما میزبان دستکم

صدها شرکت بریتانیایی بوده ایم که جویای امکان تجارت با ایران هستند. وی ادامه داد: در حال حاضر یکی از مسائلی که اغلب از سوی دولت لندن و حتی شخص من مطرح می شود، عدم خدمات رسانی مالی از جمله بانکی برای پشتیبانی از قراردادهای تجاری-اقتصادی است. من به این مسئله واقف هستم که حل این مسئله به ویژه در مورد بانک ها زمان بر است و نه تنها در انگلستان بلکه به طور کلی در دیگر کشورهای اروپایی نیز، بانک های بزرگ درباره تعامل با ایران خیلی محتاط هستند. اگرچه من می دانم که این شرایط تا حدی آزار دهنده است، اما نباید متعجب باشیم چراکه این بانک ها از بابت تحریم ها خیلی نگران بوده

«نیکلاس هاپتون» در زمینه بی اعتمادی تاریخی ملت ایران نسبت به انگلستان، گفت: ترجیح می دهیم در پاسخ به این سوال به آینده نظر داشته باشیم تا به گذشته!

«نیکلاس هاپتون» سفیر انگلستان در ایران در مصاحبه ای که با مجموعه مهر و تهران تایمز داشت از به رسمیت شناختن حق ایران برای پیگیری سیاست خارجی مطابق با منافع ملی خود و معیارهای مورد پذیرش از سوی جامعه جهانی خبر داد.

به گفته هاپتون، هر کشوری این حق را دارد تا سیاست خارجی خاص خود را برگزیند و از آن در جهت برآورده کردن منافع ملی خود استفاده کند. در عین حال، هر کشوری باید تابع قوانین بین المللی باشد که در قطعنامه های شورای امنیت و منشورهای بین المللی متعدد با هدف نظارت و کنترل رفتار دولت ها ارائه شده است و البته ایران نیز در این زمینه به مانند هر کشور دیگری است و حق برخورداری از سیاست خارجی و پیگیری آن را از راه های مسالمت آمیز دارد. انگلستان همواره آماده همکاری با شرکای خود در تلاش برای دستیابی به راه حل های صلح آمیز در جهت رفع درگیری هاست و در تعامل با متحدین خود و همچنین دیگر کشورها حضوری فعال در سطح منطقه خاورمیانه دارد تا بلکه راهی برای حل مشکلات و درگیری ها بیابد.

وی ادامه داد: ایران در گذشته و حال به عنوان قدرتی منطقه ای در خاورمیانه نقش آفرینی کرده است و کشوری مهم تلقی می شود و تا جایی که امکان داشته باشد، انگلستان مایل به تعامل با ایران برای بحث پیرامون مسائل و تلاش برای یافتن راهی به سمت پیشرفت است. البته، ما در همه موارد با یکدیگر اتفاق نظر نداریم و می دانم که در حال حاضر دیدگاه های مختلفی درباره برخی مسائل به ویژه سوریه داریم.

سفیر انگلستان در ادامه اظهارات خود با تأکید بر لزوم تعامل دیپلماتیک برای جمعیت تلاش ها در جهت یافتن راه حلی مسالمت آمیز گفت: ما به روندی سیاسی برای فائق آمدن بر این وضعیت نیاز داریم. ایران به وضوح به آینده

اند... اما حالا اطمینان دارم که این حس احتیاط به مرور زمان برطرف می شود و حتی از هم اکنون شاهد آماده شدن برخی از بانک های اروپایی به تأمین خدمات مالی قراردادهای تجاری ایران هستیم.

سفیر انگلیس گفت: فکر می کنم که اصولاً روند کار و جهت حرکت به این صورت است و به مرور زمان ضریب اطمینان افزایش می یابد. انگلستان و به ویژه دولت فعلی در زمینه تعامل با همکاران ایرانی و همچنین همکاری نزدیک با بانک های لندن - البته بانک های اروپایی هم در لندن مستقر هستند - بسیار کوشا بوده است و سعی به اعتمادسازی در سیستم مالی بین المللی دارد تا به این ترتیب، سیستم بانکی قادر به پشتیبانی از توافقات انجام گرفته با شرکت های ایرانی و دولت ایران باشد.... اطمینان دارم که مزایای برجام به تدریج در داخل ایران قابل درک و رویت خواهد بود.

هاپتون همچنین با تأکید بر تلاش های خود در مقام سفیر انگلستان مبنی بر تسهیل روابط تجاری میان تجار ایرانی و انگلیسی، گفت: ما با صدها تن از تجار بریتانیایی که علاقمند به همکاری با شرکت های ایرانی هستند، تماس داشته ایم. فعلاً در ابتدای کار

هستیم. اما من تیم کوچکی در داخل سفارت دارم که به مسائل مربوط به سرمایه گذاری و امور تجاری رسیدگی می کنند و همه وقتشان به این کار اختصاص می یابد. خود من نیز بسیاری از اوقات خود را صرف ملاقات با تجار قدیمی و با سابقه انگلیسی و البته تجار ایرانی می کنم تا با ایشان در باره یافتن راه های پیشرفت بحث و تبادل نظر کنم.

وی ادامه داد: خوشبین هستم که این اقدام به افزایش فرصت ها و توافقاتی در جهت تأمین منافع مردم ایران و همچنین انگلستان منجر خواهد شد و دولت لندن چه از طریق سفارتخانه متبوع خود در ایران و چه از طریق نمایندگی های دیپلماتیک خود در لندن به ویژه نهاد جدیدی تحت عنوان دپارتمان تجارت بین المللی، علاوه بر تداوم همکاری خود با دفاتر خارجی و وزارت خزانه داری، همچنان از صاحبان مشاغل که خواهان ایجاد رابطه بین دو کشور و توسعه روابط تجاری هستند، حمایت می کند. همانطور که گفتیم به مرور زمان، این روند برای همه سودآور خواهد بود.

سفیر انگلستان در ادامه به پیشرفت هایی در رابطه تجاری لندن-تهران اشاره کرد و گفت: فکر می کنم که در ایجاد هر رابطه



آن دارد تلاش برای همکاری با شرکایمان در جهت ایجاد ثبات و برقراری صلح در منطقه می باشد.

هایتون افزود: من فکر می کنم که جامعه بین الملل باید با همکاری یکدیگر - تاکید می کنم این بسیار مهم است که در همکاری با یکدیگر - و نه لزوماً به صورت فردی برای حل مشکل اقدام کند. انگلستان با شرکای خود، حال می خواهد ناتو باشد یا ائتلافی از دیگر شرکایمان، همکاری می کند اما دولت لندن امیدوار است که از خلال این تلاش، قادر به ایجاد ثبات باشد و به برقراری صلح، امنیت و به تبع آن رفاه مردم خاورمیانه کمک کند.

سفیر انگلستان در پاسخ به این استدلال که حضور نیروهای خارجی نظم امنیتی پایداری را که مطلوب ایران است و با مشارکت کشورهای منطقه و نه لزوماً بیگانگان تامین می شود، به تأخیر خواهد انداخت، گفت: به عقیده من در جایی که کشورها و قدرت های منطقه ای از توانایی توفیق در فروراندن و کاهش درگیری ها برخوردار باشند، دولت لندن هم خوشحال خواهد بود تا همه تلاش خود را برای حمایت از آنها به کار گیرد. خیلی بهتر است که این قبیل مسائل در داخل یک کشور و یا به صورت منطقه ای حل و فصل شود. اما متأسفانه جهان به این شکل نیست و به نظر می آید که درگیری ها به ویژه در آفریقا و خاورمیانه به مدد نیروهای منطقه ای فروکش نکرده و حل و فصل آنها تلاش های چند جانبه را می طلبد - به ویژه تلاش هایی که به رهبری سازمان ملل متحد و با هدف برقراری آرامش، صلح و امنیت و به منظور حل مسائل نه از راه خشونت بلکه با توسل به گفت‌وگو سیاسی انجام می گیرد. در سال های اخیر این اهداف در بسیاری از موارد، که فکر می کنم به خصوص در مورد آفریقا بتوانم به آنها اشاره کنم، محقق شده اند.

هایتون در ادامه افزود: همانگونه که انگلستان و ایران هر دو به آن اذعان می کنند، سازمان ملل متحد نقش مهمی را ایفا می کند و به همین دلیل است که برای پیشرفت در موضوع سوریه، به لزوم حمایت قاطع جامعه بین الملل از تلاش های آقای «دی میستورا» نماینده ویژه سازمان ملل متحد باور داریم و از همین رو است که مذاکره و گفت‌وگو سیاسی راه حل مسائل موجود است چراکه سوریه به یک مشکل جهانی تبدیل شده و به عنوان مثال شاهد جاری شدن سیل مهاجرت به اروپا از سوی مردمی هستیم که آواره شده اند و این مسئله ای است که بر ما تأثیر می گذارد و بنابراین فکر می کنیم مهم است که ما هم نقش خودمان را در کنار دیگر شرکایمان در تلاش برای رسیدن به راهکاری مسالمت آمیز در حل بحران سوریه ایفا کنیم.

وی در پاسخ به این پرسش که آیا «برگزیت» باعث افزایش همکاری های نظامی و تسلیحاتی بریتانیا با اعضای شورای همکاری خلیج فارس خواهد شد، نیز گفت: من رابطه مستقیمی بین این دو مسئله نمی بینم. به عقیده من، برگزیت موقعیت جدیدی است و انگلستان و اتحادیه اروپا در حال کار بر روی تبعات خروج انگلستان از اتحادیه هستند. من فکر نمی کنم که این مسئله به هیچ وجه تأثیر منفی در رابطه با ایران داشته باشد.

هایتون افزود: برعکس به عقیده من از آنجایی که انگلستان بیش از پیش بر روی توسعه رابطه با کشورهای خارج از اتحادیه اروپا تمرکز خواهد کرد، ایران نیز در مقام شریک در عرصه روابط تجاری و اقتصادی حتی از اهمیت بیشتری برای انگلستان برخوردار خواهد شد و فکر می کنم این موضوع در رابطه با دیگر کشورهای سراسر جهان هم صدق کند - کشورهای مهمی که اقتصادهای تکنو محور دارند از جمله اعضای شورای همکاری خلیج فارس (GCC) که ما هم رابطه قوی با آنها داریم و همچنان به توسعه آن ادامه می دهیم. سفیر انگلیس در نهایت با کم رنگ نشان دادن دغدغه ناشی از کاهش احتمالی رشد و مانیتورینگ تجارت سلاح به عنوان یکی از تبعات برگزیت گفت: نتیجه ای که من از برگزیت برداشت می کنم شاید افزایش سطح تجارت به مرور زمان باشد حال آنکه در حال حاضر هم تجارت کلانی بین انگلستان و شورای همکاری خلیج فارس وجود دارد و کشورهای GCC از جمله سرمایه گذاران بزرگ در عرصه املاک و مستغلات، بازرگانی و بسیاری از حوزه های دیگر در انگلستان هستند. اما من رابطه مستقیمی بین برگزیت و تجارت سلاح نمی بینم.

است چراکه موجب افزایش تماس مردم ایران و انگلستان شده و روابط دو کشور را تقویت می کند.

سفیر انگلستان در خصوص تلاش های کنسولی برای تسهیل سفر بین انگلستان و ایران، گفت: در حال حاضر خدمات رسانی محدودی در هر دو کشور برای اتباع انگلیسی و ایرانی وجود دارد. این نخستین قدم و در واقع بخشی از همان اعتمادسازی، ایجاد رابطه، تماس ملتها و تعامل تجاری است که پیشتر درباره آن صحبت کردیم. شما خواستار سفر هستید و ما هم خوشحالیم که خدمات ارائه ویزا را در تهران از سر گرفته ایم. ما همچنین خواستار توسعه ی خدمات بخش ویزا در تهران جهت تشویق ایرانیان به سفر به انگلستان هستیم. امیدوارم که به مرور زمان، روند مسافرت قانونی بین دو کشور افزایش یابد و این امر، البته باز هم به مرور زمان، مستلزم افزایش خدمات رسانی در سرویس ارائه ویزا است.

هایتون، در اظهار عقیده خود درباره گزارش اخیر روزنامه «ایندپندنت» مبنی بر اینکه انگلستان به بزرگترین صادر کننده سلاح به خاورمیانه بدل خواهد شد، گفت: دولت بریتانیا با دقت هرگونه صادرات تسلیحاتی انگلستان به دیگر کشورها را رصد می کند حال می خواهد به خاورمیانه باشد یا هر جای دیگر. ما قوانین و بررسی های بسیار موشکافانه ای را برای نظارت بر استفاده نهایی از هر گونه سلاحی رعایت می کنیم. پس اجازه دهید تا به شما از بابت این موضوع اطمینان دهم که پارلمان انگلستان و همچنین مردم و رسانه های این کشور این قبیل مسائل را با دقت موشکافانه ای دنبال می کنند و ما قوانین ثابتی در این خصوص داریم که حتماً رعایت می شوند.

وی در ادامه با توجه به احداث پایگاه دریایی انگلستان در کشور بحرین و در توجیه پارادوکسی که ناشی از واکنش گروه های افراطی به حضور نظامیان خارجی است و با تشدید احتمالی فعالیت آنها موجب اختلال در برقراری امنیت در منطقه می شود، گفت: ما به دعوت پادشاهی بحرین، مشغول ساخت یک پایگاه دریایی در این کشور هستیم و این سرمایه گذاری مهمی برای انگلستان محسوب می شود - سرمایه گذاری که نه به قصد بی ثباتی بلکه با هدف تلاش و همچنین حمایت از برقراری صلح و امنیت در منطقه طراحی شده است. من با این برداشت که نتیجه همیشگی حضور نظامی قدرت های خارجی دامن زدن به افراط گرایی است، مخالف هستم. شاید گاهی این مسئله صحت داشته باشد اما آنچه که دولت انگلستان سعی به انجام

نزدیکی خواه بین دولت ها باشد یا مردم، همواره فراز و نشیب هایی وجود دارد. به لحاظ تاریخی، انگلستان و ایران در قرن های اخیر رابطه خیلی نزدیکی با یکدیگر داشته اند و ما در طول سالها در برخی زمینه ها تماس ها و همکاری های زیادی با یکدیگر داشته ایم.

هایتون در زمینه بی اعتمادی تاریخی ملت ایران نسبت به انگلستان، گفت: ترجیح می دهم در پاسخ به این سوال به آینده نظر داشته باشم تا به گذشته. من به این واقعیت باور دارم که مردم ایران و انگلستان همدیگر را به خوبی می شناسند و قابلیت های یکدیگر را می ستایند و فکر می کنم که هر دوی ما (بریتانیایی ها و ایرانی ها) ملت های بزرگی هستیم و این مبنای درستی است که به ما اجازه برقراری یک همکاری دو جانبه قویتر بین دو کشور را می دهد. این همان موردی است که این سفارتخانه و تیمی که در آن مشغول به کار است، سعی به انجام آن دارند. یکی از اولویت های من در مقام یک سفیر، تلاش برای اعتمادسازی بیشتر با هدف افزایش همکاری هاست و یکی از راه هایی که ما می توانیم برای نیل به این مقصود امتحان کنیم، تقویت همکاری اقتصادی و افزایش روابط تجاری بین کشورهایمان است.

سفیر انگلستان در پاسخ به سوالی مبنی بر تلاشهای رسانه های انگلیسی به جلوه دادن تفرقه سیاسی در ایران، اظهار داشت: دولت بریتانیا لزوماً با هر چیزی که رسانه های این کشور به آن می پردازند، موافق نیست و اختلاف نظرهای بسیار زیادی وجود دارد. دولت لندن و این سفارتخانه در دوره جدیدی از رابطه با ایران، بر روی یافتن راه های سازنده ای از تعامل در باب مسائل مرتبط با مردم بریتانیا تمرکز می کنند. هایتون در ادامه گفت که دولت انگلستان انجام اقداماتی را در زمینه بهبود روابط دوجانبه با ایران نه تنها در سطوح تجاری و دولتی بلکه در سطح عمومی (مردمی) نیز در نظر دارد.

وی در این باره گفت: دولت انگلستان از هر امکانی برای کمک جهت ارائه تسهیلات بانکی به ایران در جریان اجرای برجام استفاده می کند تا روند تجاری بین دو کشور آسانتر شود. در عین حال تلاش ما در جهت برقراری رابطه بین ملت ها است. برای مثال، مرکز تقاضای روادید و مهاجرت بریتانیا از ماه میلادی فوریه به این سو کار ارائه خدمات را از سر گرفته است. همچنین با خطوط هوایی بریتانیا نیز که خدمات پرواز مستقیم لندن - تهران را شش بار در طول هفته ارائه می دهد، همکاری داشته ایم. این اقدام بسیار مثبتی



کیهان برزگر تحلیل کرد؛

چرا ایران از تقابل با سعودیها پرهیزی کند؟

کیهان برزگر در تحلیلی نوشت: پرهیز ایران از تقابل با سعودیها بیشتر با هدف جلوگیری از بازگشت نظامی آمریکا به منطقه صورت می‌گیرد. دکتر کیهان برزگر رئیس پژوهشکده مطالعات خاورمیانه و استاد دانشگاه علوم و تحقیقات در مقاله‌ای در «میدل ایست آی» به بررسی این موضوع می‌پردازد که رویکرد ایران در قبال عربستان با این درایت صورت می‌گیرد که مانع از حضور آمریکا در منطقه شود.

علی‌رغم افزایش تنش و لفاظی‌های خصمانه بین ایران و عربستان سعودی در سطوح دیپلماتیک، افکار عمومی و رسانه‌ای و اخیراً هشدار فرمانده نیروی دریایی سپاه در مورد برگزاری مانور دریایی عربستان در محدوده تنگه هرمز، ایران همچنان پرهیز از تقابل با سعودیها است، چون مسئله را گسترده‌تر از مناسبات دوجانبه، بیشتر مربوط به احتمال بازگشت نظامی آمریکا به منطقه می‌بیند.

غالباً ریشه تقابل کنونی بین ایران و عربستان سعودی به مسئله رقابت ایدئولوژیک بین شیعه و سنی یا رقابت ژئوپلیتیک برای افزایش نقش دو کشور در منطقه ارتباط داده می‌شود که با فاجعه منا در سال گذشته که در آن صدها زائر ایرانی به شهادت رسیدند تشدید شده است. اما یک مسئله مهم دیگر در این معادله را هم نباید فراموش کرد و آن دیدگاههای متضاد دو کشور در مورد حضور آمریکا در منطقه و چالش‌های امنیتی ناشی از آن است.

سعودیها بطور سنتی حضور آمریکا در منطقه را به نفع منافع خود و تامین امنیت منطقه‌ای می‌دانند. از دیدگاه آنها، این حضور برای مهار نقش فزاینده ایران در منطقه ضروری است. آنها از آمریکا گله دارند که، با سرنگونی طالبان و صدام، توازن قوای منطقه‌ای را به نفع ایران بهم زده و اکنون با «سیاست تعامل» اوپاما در پرتو توافق هسته‌ای (برجام)، واشنگتن در مسیر پذیرش نقش غالب منطقه‌ای ایران قرار می‌گیرد. برای مقابله با این وضعیت، سعودیها یک سیاست دوجنبه‌ای را در پیش گرفته‌اند. نخست، طراحی سیاست‌های مستقل و تهاجمی در منطقه، معروف به دکترین سلمان، که هدف اصلی آن مهار نقش ایران در همه جا در منطقه (سوریه و یمن) و در جهان و با تمامی ابزارهای موجود سیاسی، امنیتی و اقتصادی است. دوم، لابی کردن گسترده در کنگره و اندیشکده‌های آمریکایی برای به چالش کشیدن زمینه‌های مثبت برجام بین ایران و آمریکا.

پشت پرده این سیاست سعودیها یک هدف عمیق‌تر نهفته است و آن اینکه آمریکا در مسیر تقابل احتمالی بین عربستان و ایران به ناچار مجبور به انتخاب عربستان شده و بار دیگر به منطقه کشانده شود. مثلاً آنها امید دارند که آمریکا را به هرنحو ممکن به مداخله مستقیم نظامی در سوریه وادار کنند. یا آمریکا را متعهد به یک اتحاد نظامی نهادینه شده در خلیج

فارس کند که در آن سعودیها رهبری کشورهای کوچک عربی دیگر را بر عهده بگیرند. به همین دلیل، سعودیها برای پایان ریاست جمهوری اوپاما لحظه شماری می‌کنند.

در مقابل، ایران حضور آمریکا در منطقه را به ضرر منافع خود و همچنین امنیت منطقه‌ای در نظر می‌گیرد. از دیدگاه ایران، حضور آمریکا در منطقه، فراتر از تهدیدات مستقیم امنیتی مثلاً در قالب سیاست «تغییر رژیم» و تلاش‌های آمریکا برای به حداقل رساندن نقش منطقه‌ای آن، ریشه اصلی گسترش افراتر گرایشی و شکاف‌های قومی است. در این ارتباط، جنگ‌های آمریکا در افغانستان و عراق به گروه‌های افراطی و تروریستی بهانه‌های لازم را برای استخدام نیروی‌های جدید برای تداوم «جنگ مقدس» اشان با نیروی اشغالگر خارجی داده است. حاصل این امر چالش‌های جدید امنیتی در اطراف مرزهای ایران است که می‌توانند این کشور را درگیر منازعات پیچیده و بعضاً ناخواسته کنند.

برای مقابله با این وضعیت، ایران هم یک سیاست دوجنبه‌ای را در پیش گرفته است. نخست، کمک به تقویت حکومت‌های ملی و فراگیر در کشورهای دوست مثل عراق و سوریه و بسیج نیروهای سیاسی محلی برای مقابله با جریان‌های تروریستی از جمله داعش و القاعده. دوم، تلاش برای گسترش همکاری

پشت پرده این سیاست سعودیها یک هدف عمیق‌تر نهفته است و آن اینکه آمریکا در مسیر تقابل احتمالی بین عربستان و ایران به ناچار مجبور به انتخاب عربستان شده و بار دیگر به منطقه کشانده شود

های منطقه‌ای به خصوص با بازیگران اصلی منطقه، یعنی عربستان سعودی و ترکیه، برای حل مسائل منطقه‌ای. هدف اصلی هر دو سیاست رفع توجیه مداخله احتمالی نظامی آمریکا در منطقه است.

البته نباید اشتباه کرد. در این معادله ایران الزاماً خواهان نفی یا به خطر انداختن منافع آمریکا در منطقه نیست، بلکه بیشتر خواهان تامین منافع خود در یک قالب چندجانبه و از طریق تثبیت نقش خود و متحدان منطقه‌ای اش به عنوان یک ضرورت در دستیابی به راه حل جامع برای مشکلات جاری منطقه است. بهمین دلیل ایران هیچوقت خواهان استتار کردن آمریکا یا

عربستان یا هر بازیگر دیگری از مذاکرات صلح سوریه نبوده، چون معتقد است هیچیک از ائتلاف‌های سیاسی-امنیتی موجود به تنهایی قادر به پیروزی در این بحران چند لایه و پیچیده نیست.

این برداشت دقیقاً در نوع نگاه وزیر امور خارجه ایران محمد جواد ظریف در پیشنهاد ایجاد یک «مجمع گفتگوی منطقه‌ای» مشاهده می‌شود. دکتر ظریف اخیراً در مورد تنش‌های اخیر بین نیروهای دریایی ایران و آمریکا در خلیج فارس می‌گوید این امریکائی‌ها هستند که به مرزهای ما نزدیک شده و امنیت ما را به خطر می‌اندازند نه ما به مرزهای آنها. این نشان می‌دهد که چگونه حس ناامنی از حضور آمریکا در منطقه از نگاه ایرانی تعریف می‌شود.

اکنون در مورد نوع برخورد با سیاست تهاجمی سعودی‌ها دو دیدگاه در ایران وجود دارد. دیدگاه نخست معتقد است که ایران باید مواضع سخت‌تری نسبت به عربستان داشته باشد، چون در غیر اینصورت پیام اشتباه از نقش و قدرت خود به آمریکا می‌دهد و این می‌تواند منجر به دلسردی متحدان منطقه‌ای ایران و به تبع تضعیف مواضع منطقه‌ای آن شود.

اما دیدگاه دوم و البته حاکم، معتقد به سیاست صبر و انتظار در برابر سعودی‌ها است. این دیدگاه معتقد است که عربستان اکنون فراتر از ظرفیت استراتژیک و توانایی‌های ملی خود در منطقه عمل می‌کند و چون آمریکا خواهان دخالت نظامی برای پایان دادن به بحران‌های جاری در سوریه و یمن نیست، پس سیاست تهاجمی و جنگ‌افروزانه سعودی‌ها در این کشورها دوام چندانی نخواهد داشت.

در واقع، سیاست کنونی ایران در پرهیز از تنش و تقابل با سعودی‌ها بیشتر با هدف جلوگیری از درگیر شدن یا متعهد کردن نظامی آمریکا در منطقه صورت می‌گیرد. سیاست اوپاما در عدم مداخله نظامی در سوریه و تاکید بر ضرورت مشارکت همه بازیگران، از جمله ایران، در مذاکرات صلح منطقه‌ای، یک تحول استراتژیک در جهت تقویت دیپلماسی چندجانبه‌گرا در منطقه است. واقعیت این است که تنها این نوع دیپلماسی می‌تواند منجر به کاهش تنش بین ایران و عربستان سعودی شود. رئیس‌جمهور بعدی آمریکا، چه کلینتون چه ترامپ، بهتر است این سیاست آمریکا را ادامه دهد تا از این طریق راه را برای دستیابی به صلح و امنیت پایدار در منطقه فراهم شود.

رمز گشایی از «دکترین سلمان» در منطقه؛ مهار نفوذ ایران در دستور کار



عربستان سعودی به منظور مقابله با نفوذ روزافزون ایران در منطقه به ناچار روی به عملیاتی ساختن «دکترین سلمان» آورده و برای تحقق آن از ابزارهای مختلف سیاسی، اقتصادی و امنیتی بهره می‌برد.

طی حدود چهار دهه‌ای که از انقلاب اسلامی ایران می‌گذرد، سیاست‌های تهران و ریاض در منطقه همواره در نقطه مقابل یکدیگر قرار داشته است. عربستان سعودی همواره به عنوان یکی از متحدان اصلی ایالات متحده آمریکا، در راستای تحقق بخشیدن به اهداف این کشور در منطقه و همچنین جامه عمل پوشاندن به رؤیای خود مبنی بر رهبری کشورهای جهان عرب و اسلام، گام برداشته است؛ این در حالی است که جمهوری اسلامی ایران از هم ابتدا اعلام کرده که سیاست خارجی اش بر حمایت از مستضعفان، مبارزه با مستکبران و ایستادن در کنار جریان مقاومت استوار است.

در واقع، سیاست‌های اصولی جمهوری اسلامی ایران طی قریب به چهار دهه گذشته موجب شده تا عربستان سعودی یا به اهداف ترسیم شده خود در دست پیدا نکند و یا دستیابی به این اهداف برای آن با تأخیر طولانی مواجه گردد؛ مسأله‌ای که چه در عهد «عبدالله بن عبدالعزیز» پادشاه سابق سعودی و چه در زمان پادشاه کنونی یعنی «سلمان بن عبدالعزیز» موجبات نگرانی و در عین حال خشم سعودیها را فراهم آورد.

عربستان سعودی به منظور مقابله با سیاست‌های ایران در منطقه از چند سال گذشته تاکنون پروژه «ایران‌هراسی» را کلید زده تا بدینوسیله افکار عمومی را علیه ایران تحریک کرده و تهران را در دو سطح منطقه و بین الملل به انزوا بکشاند. این رویکرد البته طی سالهای اخیر بی‌نتیجه مانده و طی سالهای اخیر نفوذ جمهوری اسلامی ایران در منطقه بیش از پیش افزایش یافته است. به عنوان نمونه می‌توان به برگزاری شانزدهمین دوره نشست جنبش غیرمتعهدها در تهران در شهریور ماه سال ۱۳۹۱ اشاره کنیم که مقامات بیش از ۱۰۰ کشور در آن حضور پیدا کردند؛ مشارکتی که سعودیها و هم‌پیمانان صهیونیست آنها را تا حدود بسیاری برآشفته.

در هر صورت، در شرایط کنونی عربستان سعودی برای مقابله همه جانبه با جمهوری اسلامی ایران با «دکترین سلمان» وارد میدان شده است. هدف اصلی سعودی از «دکترین سلمان» مهار نقش ایران در تمامی کشورهای منطقه به ویژه در سوریه، عراق و یمن و همچنین در جهان است. عربستان سعودی با بهره‌برداری از تمامی ابزارهای موجود سیاسی، امنیتی و اقتصادی قصد داشته و دارد که «دکترین سلمان» را عملیاتی سازد.

اقدامات گسترده عربستان سعودی در ترویج وهابیت در سراسر نقاط جهان در چارچوب «دکترین سلمان» قابل بررسی است، چراکه عربستان سعودی از این طریق قصد دارد به نوعی «وهابیت» را در مقابل تشیع که در حال حاضر جمهوری اسلامی ایران پرچمدار اصلی آن در منطقه و جهان است، عَلم کند. سعودیها با تضعیف تشیع در واقع قصد دارند با یک تیر دو هدف را نشانه بروند؛ اول اینکه جمهوری اسلامی ایران را تضعیف سازند و دوم اینکه مذهبی را که از لحاظ ایدئولوژیک با آن سر جنگ دارند، به زعم خود به زمین بزنند.

علاوه بر ترویج ایدئولوژی وهابیت در سراسر نقاط جهان، ریاض هم‌زمان سرکوب شیعیان را نیز در دستور

کار خود قرار داده است تا مبادا به زعم خود، ایران به جذب آنها به سمت خود مبادرت نماید. به عنوان مثال می‌توان به مسأله پرداخت رشوه به مقامات مالزیایی از سوی عربستان سعودی برای سرکوب شیعیان در این کشور اشاره کرد. علاوه بر این، سرکوب شیعیان در مناطق شرقی عربستان و همچنین شیعیان بحرین از دیگر نمونه‌های شیعه‌ستیزی رژیم سعودی محسوب می‌شوند. در مجموع، عربستان سعودی

هریک از پروژه‌های «ایران‌هراسی» و «شیعه‌هراسی» بدون دیگری را بی‌فایده می‌داند و به همین دلیل هردو پروژه را به صورت مکمل در چارچوب «دکترین سلمان» بکار گرفته و هم‌زمان اجرایی می‌سازد. در زمینه امنیتی نیز شاهد آن هستیم که رژیم سعودی طی سالهای اخیر همواره تلاش کرده تا جمهوری اسلامی ایران را در عرصه منطقه‌ای وارد بحران‌ها و چالش‌های متعددی سازد. یکی از اصول دکترین سلمان خواهان منزوی کردن ایران در منطقه و گرفتار کردن آن در بحران‌های منطقه‌ای مانند بحران سوریه و داعش است. بر اساس دکترین سلمان رهبران عربستان معتقدند: ۱- اسد باید از سوریه حذف شود ۲- برنامه‌های منطقه‌ای و هسته‌ای ایران باید متوقف شوند و ۳- باید شبه نظامیان شیعه در عراق، سوریه، لبنان و یمن را گروه‌های تروریستی نامید و همه آنها را نابود کرد.

هدف اصلی سیاست‌های جنگ طلبانه عربستان سعودی در کشورهای منطقه به ویژه در عراق و سوریه، تضعیف جمهوری اسلامی ایران است. در واقع عربستان سعودی در چارچوب «دکترین سلمان» قصد دارد از طریق تضعیف هم‌پیمانان ایران در منطقه، این کشور را از لحاظ امنیتی در موقعیت ضعف قرار داده تا در زمانی مناسب بتواند سناریوی نظامی احتمالی علیه آن را عملیاتی سازد. سعودیها در صدد هستند تا با به زیر کشیدن «بشار اسد» پل ارتباطی میان سوریه و حزب الله لبنان را قطع و پس از آن، گروه‌های مقاومت فلسطین را از

پای درآورند تا در مرحله آخر با فراغ بال به رویارویی مستقیم نظامی با ایران بپردازند. در عراق نیز حمایت‌های بی‌دریغ رژیم سعودی از تروریست‌های تکفیری داعش یکی دیگر از استراتژی‌های این رژیم برای ضربه زدن به متحدان ایران و مهار نفوذ آن در منطقه، در چارچوب «دکترین سلمان» است. برای رژیم سعودی بسیار مهم است که عراق به سه بخش «شیعه، کرد و سنی» تجزیه شود، تا بدین ترتیب نفوذ جمهوری اسلامی ایران در آن محدود شود. در یمن و دیگر کشورهای منطقه نیز وضعیت به همین صورت است و عربستان سعودی تمام تلاش خود را به کار بسته تا به هر نحوی از نفوذ روزافزون جمهوری اسلامی ایران جلوگیری کند. یاده‌گویی‌های مکرر «عادل الجبیر» وزیر خارجه سعودی در خصوص نقش ایران در تسلیح نیروهای یمنی و همچنین ادعای طولانی شدن بحران‌های سوریه و عراق در پی دخالت‌های ایران هم گوشه‌ای از استراتژی «جنگ روانی» ریاض هم‌زمان با عملیاتی ساختن پروژه‌های ضد ایرانی در منطقه محسوب می‌شود. علاوه بر آنچه که گفته شد، «جنگ رسانه‌ای» نیز نقش بسزایی در «دکترین سلمان» برای تضعیف جایگاه ایران در منطقه دارد. رسانه‌های سعودی و حامیان آن از جمله «العربیه»، «الحدث» و «الجزیره» همواره از طریق انتشار اخبار دروغین و تحریف شده که در واقع با هدف فضا سازی علیه ایران صورت می‌گیرد، تلاش می‌کنند تا نقشی هرچند اندک را در تحقق «دکترین سلمان» ایفا کنند. بر همین اساس، «جنگ روانی» از طریق مقامات دیپلماتیک و «فضاسازی تبلیغاتی» از طریق رسانه‌ها دیداری و نوشتاری به صورت هم‌زمان با اقدامات عملی در عرصه میدانی برای مقابله با نفوذ ایران در منطقه، در دستور کار سعودیها قرار دارد. از سوی دیگر، «ترکی الفیصل» رئیس سابق دستگاه

اصلی خود از واشنگتن مطرح کرده و می‌کند. در زمینه اقتصادی نیز شاهد آن هستیم که ریاض برنامه مشخصی برای ضربه زدن به اقتصاد ایران دارد. کاهش قیمت نفت از جمله توطئه‌های عربستان سعودی برای ضربه زدن به اقتصاد ایران محسوب می‌شود. هرچند سعودیها خود نیز از این اقدام متضرر شده و می‌شوند، اما تمامی خسارت‌های وارده از این ناحیه را برای تضعیف اقتصاد ایران به جان خریدند. عربستان سعودی همچنان به بازی با قیمت نفت، به منظور جلوگیری از افزایش سود حاصل از صادرات نفت جمهوری اسلامی ایران، ادامه می‌دهد. بر اساس آنچه که گفته شد، عربستان سعودی در حال حاضر «دکترین سلمان» را با هدف مهار نفوذ ایران در منطقه و یا حداقل معانعت از افزایش این نفوذ، به کار گرفته و بسیار امیدوار است با تکیه بر این استراتژی و بهره‌گیری از تمامی ظرفیت‌های سیاسی، نظامی و اقتصادی خود، به آن جامه عمل بپوشاند؛ این در حالی است که با وجود تمامی توطئه‌های سعودی علیه تهران، نه تنها نفوذ جمهوری اسلامی ایران در منطقه کاهش پیدا نکرده است، بلکه در بسیاری از موارد نیز شاهد افزایش آن بوده ایم، درست به همین دلیل است که مقامات سعودی از جمله عادل الجبیر عنان اختیار از کف داده و گاه و بی‌گاه به بیان اظهارات گستاخانه و بعضاً مضحک علیه ایران می‌پردازد.

بازنشسته سعودی و رئیس مرکز تحقیقات استراتژیک این رژیم چندی پیش ضمن سفر به تل‌آویو با تنی چند از مسئولان رژیم صهیونیستی دیدار و گفتگو کرد و پس از آن نیز به گرفتن عکس یادگاری با آنها مبادرت نمود. ناگفته نپیادست که یکی از مشترکات اصلی تل‌آویو و ریاض، دشمنی با ایران است. توطئه مشترک سعودیها و صهیونیستها علیه تهران طبق «دکترین سلمان» زمانی بیش از پیش آشکار شد که سردار سرلشکر «محمد علی جعفری» فرمانده کل سپاه پاسداران جمهوری اسلامی ایران اخیراً در سخنانی با بیان اینکه آل‌سعود خائن این روزها خیال توطئه در کشورهای شیعه‌نشین را دارد، تصریح کرده است: «ما اطلاعات کامل داریم که آل‌سعود با همکاری رژیم صهیونیستی در حال تلاش برای ایجاد توطئه در کشور ما هستند». علاوه بر این، سعودیها هیچگاه از لابی کردن گسترده در کنگره و اندیشکده‌های آمریکایی برای تشدید اقدامات واشنگتن علیه ایران به ویژه در عرصه‌های اقتصادی و اعمال تحریم‌های هرچه بیشتر علیه تهران، غافل نبوده‌اند؛ استراتژی که یکی از ستون‌های اصلی «دکترین سلمان» محسوب می‌شود، چراکه عربستان سعودی در قبال حمایت از منافع آمریکایی‌ها در منطقه، بدون شک تضعیف جایگاه جمهوری اسلامی ایران در عرصه‌های مختلف را همواره به عنوان یکی از مطالبات

اطلاعات رژیم سعودی و مقام بلندپایه این رژیم حدود سه ماه پیش در همایش سالیانه فرقه رجوی در پاریس اقدام به ایراد سخنرانی کرد. الفیصل در همایش مذکور و در میان تشویق‌های مکرر حضار خطاب به «مریم رجوی» که دشمنی با جمهوری اسلامی ایران را از بزرگترین افتخارات خود قلمداد می‌کند، می‌گوید: «از خداوند می‌خواهیم تا شما را در رسیدن به اهدافتان یاری دهد». وی در ادامه گروهک منافقین را خطاب قرار می‌دهد و می‌گوید: «ما با شما هستیم؛ ما در کنار شما هستیم». از همین روی، ناگفته نپیادست که در «دکترین سلمان»، منافقین ایفاگر نقش بسیار مهمی هستند. حمایت علی رژیم سعودی از «مریم رجوی» از شاخص‌ترین چهره‌های منافقین نشان از آن دارد که عزم سعودیها برای ارائه هرگونه حمایت به گروهک منافقین جزم شده است. عربستان سعودی قصد دارد با این اقدام، همچون سوریه، یک گروه از معارضین خارج‌نشین را برای جمهوری اسلامی ایران به وجود آورده و به آن مشروعیت بخشد. در واقع، این اقدام نوعی ایجاد دو قطبی «حکومت اسلامی و معارضان» در ایران محسوب می‌شود. از جمله دیگر مؤلفه‌های «دکترین سلمان» در نزد سعودیها می‌توان به تقویت روابط آنها با رژیم صهیونیستی و علنی شدن این روابط اشاره کرد. در همین ارتباط لازم به ذکر است که «أنور عشقی» ژنرال

ریچارد هویت اعلام کرد:

محورهای گزارش مصوب «راهبرد روابط میان اتحادیه اروپا و ایران»

«نقش آفرینی دیپلماتیک بیشتر در راستای تنش زدایی در منطقه» محسوب می‌شوند. «ریچارد هویت» واکنش به منتقدین این گزارش که خود را مخالف جنگ‌های نیابتی می‌دانند را اینگونه بیان کرد: این منتقدین خود مانند نایبان جنگ‌ها عمل می‌کنند. به خاطر دارم که زمانی در یکی از سفارتخانه‌های اعضای اتحادیه اروپا در خاورمیانه بودم که به من گفته شد احتمال بمباران ایران از عدم امکان تحقق این امر محتمل تر است. اما توافق هسته‌ای با ایران توانست مانع از جنگ دیگری در خاورمیانه شود و لذا پارلمان اروپا حق دارد که به صورت مسئولانه‌ای به تعهدات خود درخصوص آن پایبند باشد. لازم به ذکر است، بر اساس گزارش جدید «راهبرد روابط میان اتحادیه اروپا و ایران» که امروز در پارلمان اروپا به تصویب رسید، توافق هسته‌ای امکان موفقیت‌هایی را حتی برای دست‌یابی به راه‌حلی اساسی درخصوص بحران کنونی در یمن و سوریه فراهم آورده است. «ریچارد هویت» (Richard Howitt) گزارشگر این نشست با تأکید بر اینکه انتقادهای موجود معطوف به لابی‌هایی بود که با کلیت توافق مذکور مخالف بودند، از سرگیری روابط حقوق بشری، سیاسی و اقتصادی میان ایران و اتحادیه اروپا را از موارد تأیید شده در گزارش امروز اعلام کرد. موضوعاتی از قبیل بازگشایی سفارت اتحادیه اروپا در ایران، اعتمادسازی در زمینه امنیت کشتیرانی در خلیج فارس، هدف‌گذاری برای رسیدن به یک توافق همکاری و شراکت و نیز پیمان سرمایه‌گذاری مشترک میان این اتحادیه و تهران، احیای گفتگوهای بین‌المجالس و ایفای نقش گسترده‌تر «یورونیوز فارسی» اهم موضوعاتی است که در متن ۶۲ پاراگرافی این گزارش به چشم می‌خورد.



مخالف است. پایان دادن به اعدام کودکان و یا اعدام مجازات‌های مواد مخدر که در این گزارش آمده است می‌تواند کاهش ۸۰ درصدی اعدام‌ها را به دنبال داشته باشد که امیدوارم موفق به انجام آن شویم. گزارشگر نشست امروز پارلمان اروپا ادامه داد: حدود ۲۴ منبع در گزارش حقوق بشری مذکور وجود دارد؛ اما این تعداد به اندازه‌ای نیست که برای جلب رضایت منتقدین کافی باشد. آن‌هایی که از حقوق بشر دفاع می‌کنند، ما اهرم (فشار) ما برای تأثیرگذاری را به مخاطره می‌اندازند، باید وجدان خود را مورد بررسی قرار دهند. بر اساس اعلام این سایت، گزارش مذکور حق حاکمیت و عدم مداخله تمامی کشورها در خاورمیانه به ویژه احترام به صلح و امنیت فلسطینیان و رژیم صهیونیستی و نیز پایان دادن به حمایت‌های مالی از شاخه نظامی حزب الله و آنچه احترام به یهودیان و دیگر اقلیت‌های دینی در ایران ادعا شده را مورد حمایت قرار می‌دهد. وی در ادامه گزارش امروز را موجب توانمندی اروپا برای حفظ اعتماد و نقش آفرینی در مواردی اعلام کرد که به زعم خود

محورهای گزارش مصوب «راهبرد روابط میان اتحادیه اروپا و ایران» که در نشست امروز پارلمان اروپا بر مبنای توافق هسته‌ای به تصویب رسید، طیف گسترده‌ای از موضوعات را در خود جای داده است. «ریچارد هویت» (Richard Howitt) گزارشگر نشست امروز پارلمان اروپا درخصوص تصویب گزارش جدید «راهبرد روابط میان اتحادیه اروپا و ایران»، مصوبه مذکور را پیشرفتی به دنبال موفقیت دیپلماتی در توافق هسته‌ای سال گذشته میان ایران و کشورهای ۵+۱ (برجام) توصیف کرد. «ریچارد هویت» در این باره گفت: درست است که اتحادیه اروپا به تعهدات خود در قبال برجام پایبند است؛ اما به همان مخالفتی مواجه است که در کنگره آمریکا درباره «برجام» شاهد آن هستیم. گزارشگر نشست امروز پارلمان اروپا درخصوص تصویب گزارش جدید «راهبرد روابط میان اتحادیه اروپا و ایران» تأکید کرد: مخالفان این گزارش باید توجه داشته باشند که اعتراض آن‌ها به نوعی مخالفت در برابر توافق هسته‌ای نیز به شمار می‌آید. آن‌ها باید بدانند که تبعات واقعی شکست احتمالی برجام؛ رقابت‌های تسلیحات هسته‌ای در خاورمیانه است. این امر نوعی تضعیف تلاش‌های دیپلماتیک برای فائق آمدن بر درد و رنج‌ها، مرگ و تخریب در سوریه و یمن نیز خواهد بود. وی تصریح کرد: پایبندی به توافق نشان داد که دیپلماتی و توافقی که مبنای مذاکره داشته باشد می‌تواند جایگزین خوبی برای دنیای بحران زده کنونی ما به شمار آید. «ریچارد هویت» در پاسخ به منتقدان حقوق بشری این گزارش مدعی شد: گزارش مذکور نشان می‌دهد که اتحادیه اروپا با مجازات‌های اعدام در ایران به هر نحو ممکن



خاورمیانه و شمال افریقا

دبیران: سمیه خماری باقی
رامین حسین آبادیان

معاون مجلس وحدت المسلمین پاکستان:

ماهیت و هابیت بر اهل سنت هم مشخص شده است

علی کاوسی نژاد



حجت الاسلام و المسلمین سید شفقت حسین شیرازی گفت: مسلمانان باید در سایه بیانات مقام معظم رهبری به وظایف خود در مقابل آل سعود عمل کنند.

در مراسم حج سال گذشته وقایعی چون سقوط جرقیل در شهر مکه و فاجعه منا و کشته شدن تعداد زیادی از حجاج خانه خدا دل مسلمان جهان را به درد آورد و این خود بی کفایتی مقامات سعودیها را در برگزاری مراسم حج به جهانیان ثابت کرد. در این حوادث متأسفانه تعدادی از هموطنان عزیز ایرانی نیز جان خود را از دست دادند که موجب خشم و انزجار دولت و ملت ایران از آل سعود شد.

آل سعود نه تنها بعد از روی دادن این حوادث از ملل مسلمان عذرخواهی نکردند بلکه با ایجاد کارشکنی های گوناگون مانع از حضور حجاج ایرانی در مراسم امسال حج شد و این خود اهداف پلید آل سعود را هر چه بیشتر آشکار می سازد.

مقام معظم رهبری آیت الله سید علی خامنه ای در بیانیه ای رشنگرانه در استانه حج به افشای ماهیت حقیقی آل سعود پرداختند و تصریح کردند: «آنان که حج را به یک سفر زیارتی - سیاحتی فروکاسته و دشمنی و کینه ای خود با ملت مؤمن و انقلابی ایران را در زیر عنوان «سیاسی کردن حج» پنهان ساخته اند، شیطانهای خرد و حقیرند که از به خطر افتادن مطامع شیطان بزرگ، آمریکا، به خود می لرزند. حکام سعودی که امسال صد عن سبیل الله و المسجد الحرام کرده و راه حج غیور و مؤمن ایرانی به خانه محبوب را بسته اند، گمراهانی روسپاهند که بقای خود بر اریکه قدرت ظالمانه را در دفاع از مستکبران جهانی و هم پیمانی با صهیونیسم و آمریکا و تلاش برای برآوردن خواسته های آنان می دانند و در این راه از هیچ خیانتی روی گردان نیستند»

حجت السلام و المسلمین دکتر «سید شفقت حسین شیرازی» معاون بین الملل دبیر کل مجلس وحدت المسلمین پاکستان در خصوص نوع مواجهه آل سعود با موضوع حج به خبرنگار مهر گفت: رهبر معظم انقلاب اسلامی بر اساس روح اسلام و قرآن بیانیه ای صادر کرده اند و با جرات و بصارتی مثال زدنی نظر خود را در باره مساله حج و آل سعود بیان کرده اند. در حال حاضر بسیاری از رهبران جهان اسلام با آگاهی از حقایق دنیای اسلام آنقدر جرات و شهامت ندارند که بر علیه آل سعود و اعمال و افعال مجرمانه مقامات سعودی سخنی بر زبان بیاورند.

وی در ادامه افزود: تمام دنیا از جنایات آل سعود آگاه هستند و همه می دانند که آل سعود چگونه در منا حجاج گرامی را با نهایت بی رحمی به شهادت

کنند. رهبر معظم انقلاب اسلامی با توجه به شرایط حال حاضر حج خود را بر مسلمانان تمام کرده است و در این باره بیانیه ای شدید اللحنی بر علیه آل سعود صادر فرموده اند.

وی افزود: در روزهای گذشته بزرگان و مفتیان اهل سنت و جماعت در شهر «گروزی» در کشور چین سمیناری برگزار کردند و در آنجا فتوا دادند که وهابیت و سلفیت هیچ ارتباطی با دین اسلام و اهل سنت ندارند. در حال حاضر اهل سنت در تمام دنیا حقیقت وهابیت و آل سعود را بخوبی آشکار کرده اند.

وی در ادامه یادآور شد: آل سعود باید بخوبی به این موضوع توجه کند که دو بازوی اسلام یعنی «اهل سنت» و «تشیع» از آنها اعلام برائت کرده اند. وهابی ها و سلفی ها در عربستان سعودی بر «حرمین شریفین» و اماکن متبرکه اسلامی تسلط یافته اند در حالیکه آنها هیچ رابطه ای نه با اهل سنت دارند و نه با اهل تشیع.

معاون بین الملل دبیر کل مجلس وحدت المسلمین پاکستان تأکید کرد: وهابیت به عنوان یک مسلک جعلی بر مقدسات اسلامی مسلط شده است و در آنجا حجاج گرامی را با نهایت بیرحمی به شهادت می رساند و خانواده های آنها را در غم عزیزانشان سوگواری می کنند.

وی در پایان گفت: بعد از روی دادن حوادث سقوط جرقیل در مکه و فاجعه منا نه تحقیقی و تخصصی به عمل آمد و نه عاملان این حوادث مورد تعقیب و بازجویی قرار گرفتند. در این برهه از زمان مسلمانان باید در سایه بیانات مقام معظم رهبری به وظایف خود در مقابل آل سعود عمل کنند.

رسانند و اینقدر شهامت و جرات نداشتند که در مقابل دنیای اسلام و خانواده قربانیان حادثه منا عذرخواهی کنند و از کرده خود اظهار پشیمانی کنند. وی در ادامه یادآور شد: در حقیقت کشورهای که حج آنها در حادثه منا جان خود را از دست داده بودند باید در دادگاه بین المللی شکایت می کردند و مجرمان را به سزای اعمال خود می رساندند. اما به جز حضرت آیت الله خامنه ای که همیشه هدایت و رهبری شیعیان جهان را بخوبی انجام داده اند، کسی دیگر جرات اعتراض به این موضوع را نداشت.

معاون بین الملل دبیر کل مجلس وحدت المسلمین پاکستان تأکید کرد: ما شاهد آن هستیم آل سعود امروز در یمن، سوریه و عراق مسلمانان را به خاک و خون کشیده اند. بدتر از آن اینکه با رژیم صهیونیستی ارتباط برقرار کرده و به جهان اسلام خیانتی بزرگ کرده اند. خیانت در مسئله فلسطین و بیت المقدس از سوی سعودیها انجام گرفته است و باید تمام مسلمانان به این موضوع اعتراض می کردند.

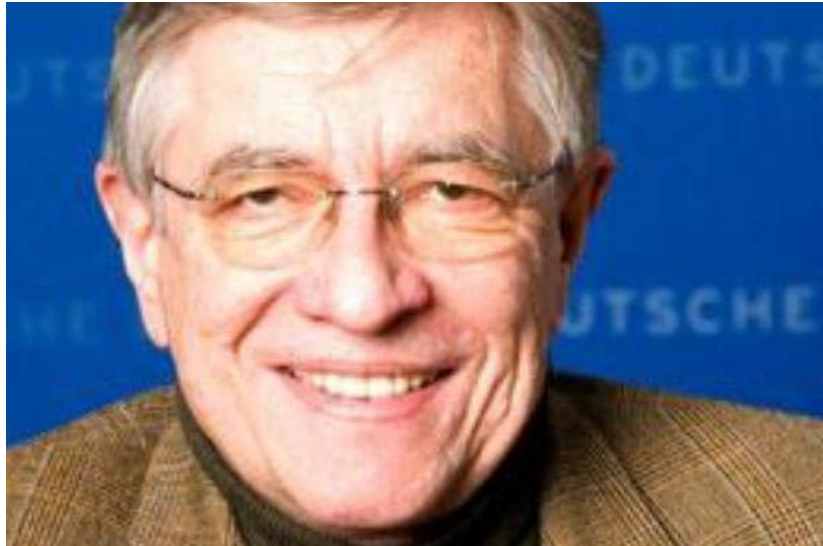
وی در ادامه یادآور شد: امروز بار دیگر رهبر معظم انقلاب اسلامی حج خود را بر مسلمانان جهان تمام کرده و اعلام داشته اند که حکومت سعودی مسلمانان را از انجام دادن فریضه الهی حج محروم می کند در حالیکه انجام فریضه حج حق اولیه و بنیادین هر مسلمانی به شمار می رود.

حجت الاسلام شفقت شیرازی در ادامه افزود: از سویی دیگر آل سعود لیاقت برگزاری چنین مراسمی به این بزرگی و عظمت را نداشته و نمی تواند به حج خانه خدا خدمات رسانی کند. وظیفه امت مسلمان و نهادهای اسلامی این است که با همکاری هم برنامه ای را برای بدست گرفتن امور حج تدوین

کارشناس آلمانی:

عربستان سعودی از داعش حمایت می کند / دلایل کتمان ریاض

شقایق لامع زاده



همین راستا از مخالفان اسد حمایت های مجدانه ای کرده و می کند.

ریاض حمایت از داعش را انکار می کند، اما این اطمینان وجود دارد که این امر از کانال های خصوصی انجام می شود تا اینکه جایگاه خاندان سعودی در غرب تنزل پیدا نکند. هدف ریاض این است که سوریه تحت رهبری سنی ها قرار گیرد و به این واسطه سعودی ها از نفوذ و تاثیرگذاری بیشتری در این کشور برخوردار می شوند.

جمهوری اسلامی از مدتها پیش روابط تنگاتنگ با اکثریت شیعیان لبنان برقرار کرده و کمک در اختیار حزب الله قرار می دهد و از دولت بشار اسد حمایت می کند.

معاوضه قدرت در سوریه می تواند بر همه اینها سایه بیندازد، دلیل کافی برای این امر آن است که بشار اسد بطور مستقیم از سوی نیروهای نظامی ایران مورد حمایت قرار می گیرد و در این میان امیدواری نیز هنوز وجود دارد.

شک و تردید زیادی نسبت به چشم انداز موفقیت آمریکا و روسیه در سوریه وجود دارد. سه بازیگر اصلی منطقه در سوریه باید به منظور تحقق موفقیت متصور تغییراتی را در خط مشی خود اعمال کنند. هر سه باید با مشاوره های روسیه و آمریکا درباره سوریه مشارکت داشته باشند. علیرغم اینها مشکلات و تنش های موجود میان این سه کشور به قوت خود باقی است.

|| شما موازنه قوا در منطقه خاورمیانه را در آینده چگونه ارزیابی می کنید؟

قبلا از این عنوان، توازن استراتژیک قدرتهای استعماری استنباط می شد که قصد داشتند جهان و حتی خاور نزدیک و خاورمیانه را بین خود تقسیم کنند.

براساس توافق نامه سیکس- پیکو میان انگلیس و فرانسه در سال ۱۹۶۱ در خلال جنگ جهانی اول و با رضایت روسیه برای تقسیم امپراتوری عثمانی منعقد شد. این توافق نامه به تقسیم سوریه، عراق، لبنان و فلسطین میان فرانسه و بریتانیا منجر شد. این مناطق قبل از آن تحت کنترل ترک های عثمانی بودند.

بدینسان از این ترس دارند که شاید روسیه و آمریکا بتوانند التزام جدیدی از چنین قراردادی را مطالبه کنند. این اشتباه بسیار بزرگی است، اما جستجو برای یافتن موازنه قدرت در میان قدرتهای مهم منطقه خطرناک است. زیرا چنین جستجویی به قیمت درگیری نظامی و جنگ های مدنی تمام می شود.

|| با توجه به ظهور گروه های تروریستی که در زمره State محسوب نمی شوند و حقوق بین الملل که هنوز تعریفی مورد اجماع از تروریست ارائه نداده است، آیا تروریسم قابل ریشه کن شدن است؟

حقیقت این است که نمی توان تا مدتهای مدید انتهایی برای رفع تروریسم یافت. واضح تر بگویم باید دید که در آزادی و بدون تهدید و خطر زندگی کردن بهتر است یا اینکه هر زمان خطر را وارد زندگی کنیم؟! نخبگان باید در این میان مراقب بوده و اجازه ندهند که دولت هایشان با خودرایی و برای کسب قدرت دست به اقدامات ناموزون بزنند. متأسفانه این خلاء در منطقه به چشم می خورد.

خاورمیانه، مقالات و تحلیل های بسیاری در حوزه خاورمیانه به رشته تحریر در آورد. وی از سال ۲۰۰۹ میلادی خود را در ظاهر بازنشسته کرد، اما همچنان علاوه بر مطالعه درباره خاورمیانه تحلیل های دقیق و تاثیرگذاری در خصوص خاورمیانه می نویسد.

|| آمریکا و روسیه اعلام کرده اند در خصوص بحران سوریه به توافقاتی دست یافته اند. به نظر شما در توافق نهایی منافع بازیگران منطقه ای چون ایران، عربستان و ترکیه چگونه لحاظ خواهد شد؟

پیشرفت های آمریکا و روسیه در روند گفتگوهای سوریه مطمئناً قابل ارزش و تقدیر است. تلاش هایی که تاکنون برای حل و فصل درگیری ها صورت گرفته، نشان می دهد که پیشرفت ها تنها در حد میزهای کنفرانس بوده و دوام و تاثیرگذاری کوتاه مدتی دارند، به همین دلیل است که نمی توان نسبت به آنها امیدواری زیادی داشت.

روسیه و آمریکا علاقمندی های خود را در سوریه دنبال می کنند و این راه یکسان و هماهنگی نیست. مسکو پشت بشار اسد ایستاده و آمریکا حامی گروه های معارض و مخالفین دولت حاکم. این همان ایفای نقش برخی قدرت ها در سوریه است. ترکیه به ظاهر مدت زمان طولانی است که واکنشی از خود در قبال تحولات سوریه نشان نمی دهد، اما نقش فعالی در تدارکات نظامی و حمایت اشخاص وابسته به داعش دارد.

اگر ترکیه در حال حاضر رسماً در جنگ علیه داعش شرکت دارد، پس در وهله نخست به منظور آنکه همزمان از قوت گرفتن مناطق کرد/سوری که آنکارا آنها را به عنوان بازوی امتداد یافته پ ک ک قلمداد می کند ممانعت به عمل می آورد. عربستان که از همان ابتدا در زمره مخالفان «بشار اسد» جای گرفته و خواهان سرنگونی حکومت وی بوده و در

یک کارشناس آلمانی اظهار داشت که سعودی ها با حمایت از معارضین سوری بدنبال قدرت گیری گروه های سنی در این کشور هستند.

«آلفرد ماهان» آمریکایی در سال ۱۹۰۲ میلادی برای نخستین بار به منظور توصیف خاور دور و نزدیک از اصطلاح «خاورمیانه» استفاده کرد. این اصطلاح پس از آن از سوی نشریه های انگلیسی مانند تایمز مورد استفاده قرار گرفت.

نکته حائز اهمیت آن است که خاورمیانه به علت برخورداری از تنوع بافت اجتماعی، تنوع قومی - نژادی و همچنین منابع و امکانات مادی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. از منظر فرهنگی خاورمیانه خاستگاه و زادگاه ادیان بزرگ توحیدی - الهی است. این منطقه پیامبران اولوالعزم را در به منظور اشاعه اسلام در خود جای داده بود.

اهمیت خاورمیانه برای غربی ها تا جایی است که «زیبگنیو برژینسکی» تئوریسین برجسته سیاست خارجی آمریکا و مشاور امنیت ملی «جیمی کارتر» رئیس جمهور سابق آمریکا درباره خاورمیانه و خلیج فارس معتقد است که این منطقه شبیه «زه کمانی» است که تا انتها کشیده شده و آماده پرتاب تیری کشنده به سمت جهان است. این «زه» از شاخ آفریقا تا افغانستان و از ایران تا خاور نزدیک بوده و کانون رقابت سنگین ابرقدرت ها است.

با توجه به شرایط حاکم در منطقه خاورمیانه بخصوص اوضاع سوریه خبرنگار مهر گفتگویی با «پیتر فیلیپ» کارشناس آلمانی انجام داده که در ادامه از نظر می گذرد.

«پیتر فیلیپ» ۲۳ سال به عنوان خبرنگار اعزامی از سوی رادیو آلمان، روزنامه های تاگس آنسایگر، زودویچه و شمار دیگری از مطبوعات و رسانه های آلمان فعالیت داشته است. فیلیپ از سال ۱۹۹۱ بار دیگر به رادیو آلمان بازگشت و علاوه بر عهده داری مسئولیت بخش

فروش تسلیحات آمریکا به سعودی؛ واشنگتن در صدد تحمیل طرح کری به یمن

رامین حسین آبادیان

جدید از واجبات آن است برای مقابله با متجاوزان حفظ کنند».

ایالات متحده آمریکا با ارائه این طرح صرفاً جانبدارانه با یک تیر دو نشان را هدف قرار دهد؛ اول اینکه مصالح و منافع متحد استراتژیک خود در منطقه یعنی عربستان سعودی را تأمین کند و دوم اینکه زمینه مناسب برای خروج ریاض از باتلاق یمن را فراهم آورد.

با این حال هوشیاری شورای عالی سیاسی در یمن موجب شد تا تیر ایالات متحده به سنگ خورده و هیچگونه مذاکره ای میان دو طرف در خصوص طرح ارائه شده از سوی آمریکا آغاز نشود؛ مذاکراتی که بدون شک در صورت انجام، تنها هدف آن امتیازگیری از

یمنی‌ها می‌بود تا حل و فصل بحران این کشور، آنچه که در ابتدا سعودیها و سپس آمریکایی‌ها را به فکر ارائه طرح‌های مختلف برای برون رفت از باتلاق یمن انداخت، تشکیل «شورای عالی سیاسی» در این کشور بود. سعودیها و هم‌پیمان آنها یعنی ایالات متحده هیچگاه گمان نمی‌کردند که احزاب و جریان‌های سیاسی یمن به ویژه «انصارالله» و «کنگره ملی» به توافقی دست پیدا کنند که حاصل آن تشکیل شورای عالی سیاسی بشود.

پس از مورد مخالفت قرار گرفتن طرح «جان کری» وزیر خارجه آمریکا برای حل و فصل بحران یمن که در واقع با نیت دیگری ارائه شده بود، مجلس سنای ایالات متحده با اتفاق آراء طرح فروش تسلیحات به عربستان سعودی به ارزش بیش از یک میلیارد دلار را تصویب کرد. در واقع هدف اصلی واشنگتن از تصویب این طرح، اعمال فشار بر «شورای عالی سیاسی» یمن برای پذیرفتن طرح جان کری است.

درست همزمان با این تصویب این طرح، جنگنده‌های رژیم سعودی با تسلیحات آمریکایی مناطقی در استان الحدیده را هدف حملات هوایی سنگین خود قرار دادند؛ حملاتی که یکی از بزرگترین فجایع ۱۹ ماه گذشته را آفرید و طی آن ۲۵ نفر شهید و ۵۰ تن دیگر زخمی شدند. تصویب طرح فروش تسلیحات نظامی به عربستان سعودی توسط مجلس سنای آمریکا این حقیقت تلخ را برای افکار عمومی به اثبات رساند که آمریکایی‌ها به صورت مستقیم در کشتار مردم بی دفاع یمن نقش آفرینی می‌کنند.

نکته دیگری که در این زمینه حائز اهمیت به نظر می‌رسد این است که ریاض دیگر از قدرت خود برای به زانو درآوردن مردم یمن کاملاً ناامید شده و دست‌گدایی در مقابل واشنگتن دراز کرده تا بدین ترتیب با تجهیز بیش از پیش ارتش خود، بارقه امید برای غلبه بر یمنی‌ها در میان نظامیان‌ش به وجود آورد.

در هر صورت، به نظر می‌رسد که تلاش ریاض و همچنین هم‌پیمانان آن برای ارائه طرح‌های سریالی به منظور خروج از باتلاق یمن همچنان ادامه داشته باشد. بدون شک آنچه که موجب شده تا حملات ددمنشانه سعودیها به یمن پس از ۱۹ ماه همچنان ادامه یابد، سکوت سنگین همراه با حمایت جامعه جهانی از این حملات بوده است؛ حملاتی که سر تحولات میدانی در یمن نشان می‌دهد که تاکنون هیچیک از اهداف استراتژیک ریاض در یمن را محقق نکرده‌اند.



همسایگان یمن را تهدید می‌کند، ممنوع‌گرداند. ارائه طرحی به منظور پایان جنگ در یمن آن هم توسط مسئولان رژیم سعودی در وهله اول این پیام را مخابره می‌کند که ریاض از تحقق اهداف از پیش تعیین شده خود برای یورش نظامی به مردم بی دفاع یمن ناامید شده است.

با این حال، شورای عالی سیاسی یمن مخالفت خود با این طرح را به صورت رسمی اعلام و تأکید کرد که عربستان سعودی با چنین طرحی از یک سو به دنبال خلع سلاح ارتش و کمیته‌های مردمی یمن بوده و از سوی دیگر برای تقویت گروه‌های تروریستی - تکفیری در این کشور تلاش می‌کند.

در هر صورت این طرح مورد موافقت شورای عالی سیاسی یمن به عنوان اصلی‌ترین مرجع سیاست‌گذاری حال حاضر در این کشور، واقع نشد. پس از عدم موافقت یمنی‌ها با این طرح، «جان کری» وزیر خارجه آمریکا با حضور در شهر «جده» عربستان در یک نشست چهار جانبه با سران ریاض، ابوظبی و لندن شرکت کرد. وزیر خارجه آمریکا در این نشست طرح به اصطلاح صلح خود برای پایان بحران یمن را ارائه کرد. طرح وزیر خارجه ایالات متحده آمریکا طبق اعلام رسمی وی دارای ۳ بند اساسی است؛

۱- تشکیل فوری دولت وحدت ملی در یمن که قدرت در میان طرف‌ها تقسیم شود.

۲- نیروهای انصارالله از صنعا و مناطق کلیدی عقب نشینی کنند.

۳- همه تسلیحات سنگین از جمله موشک‌های بالستیک از انصارالله و نیروهای متحد آن‌ها به طرف ثالث انتقال پیدا کنند.

این طرح کاملاً جانبدارانه تنظیم شده و تنها یک هدف را دنبال می‌کند و آن چیزی نیست جز به زانو درآوردن «انصارالله» یمن و کمیته‌های مردمی این کشور. «یگان موشکی» وابسته به انصارالله و ارتش یمن در واکنش به طرح جان کری، در پیامی که سخنگوی این جنبش، آن را در صفحه رسمی خود در فیسبوک منتشر کرد، نوشت: «کسی که به گرفتن سلاح ما چشم طمع دارد ما نیز به گرفتن جان وی طمع خواهیم کرد».

در پیام انصارالله و ارتش یمن آمده بود: «نیروهای موشکی با تمامی اعتماد و اطمینان خود اعلام می‌کنند که علاوه بر داشتن اراده جنگ و مبارزه، توانایی‌ها و امکانات لازم را برای مقابله با ائتلاف سعودی در اختیار دارند و تلاش‌های خود را در تمامی سطوح افزایش خواهند داد تا اقتدار ملی را که ساخت موشک‌های

تصمیم آمریکا برای فروش یک میلیارد دلار تسلیحات به رژیم سعودی همزمان با کشتار یمنی‌ها در «الحدیده» توسط این رژیم، نشان می‌دهد که واشنگتن قصد تحمیل طرح به اصطلاح صلح کری به یمنی‌ها را دارد.

با وجود تداوم جنایت‌های عربستان در یمن، اعضای مجلس سنای آمریکا اخیراً با اکثریت آراء لایحه فروش سلاح‌های این کشور به عربستان به ارزش یک میلیارد و ۱۵۰ میلیون دلار را تصویب کردند.

سناورهای موافق با طرح فروش سلاح به عربستان اعلام کردند که این کشور هم‌پیمان خوب آمریکا در طول سالیان دراز بوده است و باید این روابط خود را ریاض را حفظ کرد. این در حالی است که ماه گذشته میلادی نیز مقامات آمریکایی از تصمیم خود برای فروش بیش از ۱۳۰ دستگاه تانک «آبرامز» و ۲۰ خودروی زرهی و تجهیزات دیگر به عربستان خبر داده بودند. از زمان آغاز تجاوز نظامی عربستان سعودی به مردم بی‌گناه و بی‌دفاع یمن از حدود ۱۹ ماه پیش، ایالات متحده آمریکا از حامیان اصلی این تجاوز بوده و هست. حمایت‌های واشنگتن از عربستان سعودی در تجاوز نظامی این کشور به یمن طی این مدت، تنها به ارائه حمایت‌های سیاسی محدود نشد، بلکه از لحاظ تجهیز نظامیان سعودی به پیشرفته‌ترین تسلیحات جنگی نیز این حمایت‌ها ادامه پیدا کرد.

در حال حاضر دیگر بر هیچکس پوشیده نیست که جنایتکاران سعودی با سلاح‌های آمریکایی مردم بی‌دفاع یمن را به خاک و خون می‌کشند. در شرایط کنونی حتی خود آمریکایی‌ها نیز با گذشت ۱۹ ماه، دیگر نمی‌توانند وجود تسلیحات این کشور در دستان سعودیها برای کشتار مردم یمن را انکار کنند. درست به همین دلیل است که اخیراً سخنگوی وزارت خارجه آمریکا در پاسخ به سوآلی در خصوص چرایی استفاده عربستان از تسلیحات آمریکایی در جنگ علیه یمن، تصریح کرده است: «ما طبق قراردادهای نظامی امضا شده میان دو طرف این تسلیحات را به عربستان واگذار کردیم و هیچ مسئولیتی در قبال اینکه آنها در کجا از این تسلیحات بهره‌برداری کرده و می‌کنند، متوجه واشنگتن نیست».

عربستان سعودی از مدت‌ها پیش تلاش می‌کند تا به نحوی از باتلاقی که در یمن برای خود ایجاد کرده است، رهایی یابد. پس از آنکه امارات نیز رژیم سعودی را در حملات بی‌وقفه به یمن تنها گذاشت، مقامات ریاض تلاش‌های جدی تری را برای خروج از باتلاق یمن آغاز کردند. سعودیها برای تحقق این خواسته خود طرح ۴ ماده‌ای را ارائه کردند.

محورهای اصلی این طرح به شرح ذیل هستند؛

۱- نیروهای نظامی از شهر صنعا پایتخت یمن و شهرهای مهم و راهبردی خارج شوند.

۲- سلاح‌های سنگین و موشک‌های انصارالله و متحدان آن به طرف سومی تحویل داده شود.

۳- دولت وحدت ملی یمن باید به امنیت و عدم نقض قوانین بین‌المللی احترام بگذارد.

۴- دولت وحدت ملی توزیع هر نوع سلاحی که

«عبدالاله الماحوزی»:

ارتکاب هر حماقتی علیه شیخ عیسی، سر آغاز نابودی آل خلیفه است



محمد فاطمی زاده

بنابراین تداوم تظاهرات و حضور مردم در برابر منزل رهبرشان موید این موضوع است که حکام بحرین در نقشه خود مبنی بر ساکت کردن و سرکوب مردم، خاموش کردن آتش انقلاب و جلوگیری از بیان اظهارات ضدآل خلیفه، ناکام مانده اند.

واکنش های داخلی و خارجی در دفاع از آیت الله عیسی قاسم را چگونه ارزیابی می کنید؟

هر موضعی که در حمایت از مردم بحرین مطرح شود، موضعی است که ما آن را ارج می نهمیم. زیرا چنین موضعی در دفاع و حمایت از مردم و تلاش ها و احساساتشان برای دفاع از رهبر دینی شان بیان می شود. ما سازمان ها و افرادی که این مواضع را در دفاع از شیعیان بحرین مطرح می کنند، تشویق و ترغیب می کنیم که به این روند ادامه دهند. زیرا راهی که در برابر مردم بحرین قرار گرفته است، بسیار سخت است و رنج های بسیاری دارد.

همانگونه که می دانید قرار است روز دوشنبه ۵ مهر جلسه محاکمه شیخ عیسی برگزار شود. رژیم آل خلیفه در خصوص محاکمه آیت الله «عیسی قاسم» چگونه اقدام خواهد کرد؟ آیا امکان یورش نظامیان این رژیم به منزل شیخ عیسی و بازداشت ایشان وجود دارد؟

در رابطه با استفاده از گزینه های خشونت آمیز و یا یورش به منزل آیت الله عیسی قاسم، باید بگویم که این موضوع ارتکاب حماقت است؛ هیچ کس انتظار ندارد و پیش بینی نمی کند که از این گزینه علیه شیخ عیسی قاسم استفاده شود و البته هیچ کس اطلاعی از این موضوع ندارد اما در صورتی که آل خلیفه به گزینه های این چنینی روی آورد، مردم نیز به دفاع از خویشان، رهبرشان، عزت و کرامتشان خواهند پرداخت. حل این موضوع در دست علما و افراد عاقل است. امیدواریم که امور در روند خوبی پیش رود و موجب خونریزی نشود و همگان در امنیت و آرامش زندگی کنند ولی ارتکاب چنین حماقتی آغازی است برای زوال و نابودی آل خلیفه.

رهبرشان است. زیرا ممکن است که مردم با آسیب هایی در این گونه اقدامات مواجه شوند و زخمی گردند. آل خلیفه نزدیک به ۷۰ نفر از علما را تاکنون احضار و حدود ۲۰ نفر از آنها را بازداشت کرده است. زندانی کردن و حبس علما، بحرانی برای آل خلیفه محسوب می شود و از سوی دیگر آزاد بودن علما نیز آل خلیفه را با بحران و مشکل مواجه می کند. در هر ۲ صورت آل خلیفه در معرض بحران است. زیرا حبس علما نشانگر بازداشت ظالمانه شان است و در صورت آزادی نیز، این علما عامل تحریک مردم و انقلاب خواهند بود. در ضمن حضور علما در زندان موجب افزایش روحیه دیگر زندانیان است که تعدادشان به حدود ۳ و ۴ هزار نفر می رسد و خود این موضوع برای آل خلیفه مشکل ساز است.

تحلیل شما از مانع تراشی آل خلیفه در برگزاری نماز جمعه در منطقه الدراز محل سکونت آیت الله عیسی قاسم چیست؟

جلوگیری از برگزاری نماز جمعه در یک کشور اسلامی، خود دلیلی برای ظلم طائفه ای به شیعیان بحرین است. این اقدام نشان می دهد که همه چیز در بحرین مورد حمله و تعرض است. علاوه بر نماز جمعه، خود شیعیان و به صورت کلی همه مردم توسط حکام بحرین مورد تعرض قرار گرفته است.

تاثیر تظاهرات گسترده مردم بحرین در نقاط مختلف این کشور برای فشار آوردن به آل خلیفه چیست؟

تداوم تظاهرات گسترده و پرشور مردم در نقاط مختلف بحرین در دفاع از شیخ عیسی قاسم و محکومیت سیاست های آل خلیفه نشان می دهد که شعله های انقلاب همچنان روشن است و مردم در تحقق مطالباتشان پافشاری و اصرار دارند و این اقدامات خود را ادامه می دهند. همچنین این تظاهرات بیانگر این نکته است که هدف اصلی در حمله ها به شیعیان یا شکست مواجهه شده است و آل خلیفه به پیروزی دست نیافته است.

رئیس سازمان حقوق بشر بحرین در سخنانی تاکید کرد ارتکاب هر نوع حماقتی از سوی آل خلیفه در حق آیت الله عیسی قاسم و یورش به منزل ایشان برای محاکمه وی، سرآغاز روند نابودی و زوال این رژیم خواهد بود. پس از گذشت حدود ۳ ماه از اقدام رژیم آل خلیفه در سلب تابعیت آیت الله «عیسی قاسم» رهبر شیعیان بحرین که به تعبیر مقام معظم رهبری همچون ستاره ای در آسمان تشیع هستند، مردم انقلابی بحرین همچنان برای دفاع از رهبر خود در صحنه حاضر هستند و در برابر منزل ایشان تحصن کرده اند. همچنین علما حامی شیخ عیسی به مسئولیت خطیر خود مبنی بر روشننگری و تبیین راه های مبارزه با ظلم آل خلیفه پایبند هستند؛ امری که بیش از پیش موجب برانگیخته شدن خشم آل خلیفه شد و نظامیان این رژیم در ادامه سیاست های سرکوبگرانه خود اقدام به بازداشت و حبس چندین عالم برجسته این کشور و احضار ده ها عالم دیگر کردند. دادگاه وابسته به آل خلیفه قصد دارد روز دوشنبه این هفته مصادف با ۵ مهر دادگاه محاکمه رهبر شیعیان بحرین را برگزار کند. بر همین اساس برای بررسی ابعاد این رویداد مهم با «عبدالاله الماحوزی» رئیس سازمان حقوق بشر و دموکراسی بحرین مستقر در کشور آلمان گفتگو کردیم که شرح آن در ادامه می آید.

حضور علما و روحانیون را در میان مردم برای دفاع از آیت الله عیسی قاسم و هدایت انقلاب بحرین چگونه ارزیابی می کنید؟ علت حمله آل خلیفه به علما و بازداشت آنها طی هفته های اخیر چیست؟

حضور علما در برابر منزل آیت الله عیسی قاسم و دفاع از ایشان، اقدامی بود که پیش از این انتظار انجام آن را در این پیچ سرنوشت ساز و تاریخی داشتیم. علما پیشاپیش و جلوتر از تمامی مردم بحرین برای دفاع از رهبر دینی خود حرکت کردند؛ زیرا حمله و تعرض به شیخ عیسی قاسم، حمله و تعرض به تمامی شیعیان است. همچنین حضور علما در صحنه، بقیه مردم کشور را نیز برای حضور در برابر منزل شیخ عیسی قاسم ترغیب می کند. این اقدامات یک پیام را برای آل خلیفه دارد مبنی بر اینکه همگان اعم از علما و عموم مردم فدایی آیت الله عیسی قاسم هستند.

از سوی دیگر حضور علما در کنار مردم، مهر تایید بر شرعی بودن حرکت مردم و حضور آنها در برابر منزل



رئیس پارلمان سوریه:

عذرخواهی آمریکارزشی ندارد / تشکیل انجمن دوستی ایران و سوریه

سمیه خمارباقی



های ملت سوریه هستند.

|| ارزیابی شما از آتش بس اخیر مورد توافق آمریکا و روسیه در سوریه و حمله آمریکایی ها به مواضع ارتش سوریه در شهر دیر الزور چیست؟

رویدادهای سوریه از آغاز بحران این کشور تاکنون ثابت کرد که آمریکا در پی وارونه جلوه دادن حقایق در سوریه و گمراه کردن افکار عمومی] و حمایت از تروریسم و هماهنگی با گروه های تروریستی است، حمله به مواضع ارتش سوریه در شهر دیرالزور بارزترین نمونه این همکاری و هماهنگی است. هجوم به ارتش سوریه در دیرالزور آنهم به مدت بیش از ۴۵ دقیقه بیانگر این است که این حمله تصادفی نبوده است بلکه حمله ای در راستای حمایت از گروه های تروریستی بوده است. از سوی دیگر حمله آمریکا به ارتش سوریه عدم پابندی واشنگتن به توافقنامه آتش بس امضا شده با روسیه را نشان داد. نقض آتش بس اخیر در حالی از سوی گروه های تروریستی در حلب، حماه، دیرالزور و دیگر مناطق صورت می گیرد که ارتش سوریه و هم پیمانان آن متعهد به آتش بس هستند.

چگونه ارزیابی می کنید و این دیدارها چه نتایجی در برداشته است؟

این سفر در چارچوب روابط استراتژیک و دوستانه میان دو کشور و دو ملت دوست و برادر یعنی ایران و سوریه صورت می گیرد و هدف از آن توسعه روابط در راستای خدمت به مسائل مورد اهتمام طرفین و مقابله با توطئه های تکفیری- وهابی مورد حمایت کشورهای غربی و آمریکا و مزدوران آنها در منطقه است.

در جریان این سفر همچنین با تشکیل انجمن دوستی ایران و سوریه برای پیشبرد همکاری دوجانبه در تمامی زمینه ها همچون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و علمی به گونه ای که خواست ملت های ایران و سوریه را محقق کند موافقت شد.

|| راه حل واقعی بحران سوریه پس از گذشت بیش از ۵ سال را در چه می دانید؟

ما برای حل بحران سوریه در ۲ مسیر گام برمی داریم: ۱- مبارزه با تروریسم و گروه های تروریستی- تکفیری و بازگرداندن امنیت و ثبات به سرتاسر سوریه ۲- روند سیاسی از طریق گفتگوهای سوری- سوری و به دور از هر گونه دخالت خارجی.

ملت سوریه خود درباره آینده اش تصمیم گیری می کند و ما در عرصه میدانی و نیز آشتی ملی در مناطق مختلف سوریه، دستاوردهایی را کسب کردیم که این امر در مسیر حمایت از روند سیاسی حل بحران سوریه قرار دارد.

|| وزیر خارجه روسیه اعلام کرده است که آمریکایی ها از ارتش سوریه بابت حمله به مواضع ارتش سوریه در دیر الزور عذرخواهی کرده اند، هر چند این عذرخواهی غیر مستقیم صورت گرفته است آیا می توان از آن پیامی دریافت کرد؟

عذرخواهی آمریکایی ها مادامی که همراه با اقدامات ملموس آنها در عرصه عمل نباشد و سیاست واشنگتن و راهبرد آن در حمایت از گروه های تروریستی را تغییر ندهد و به تلاش واقعی آنها در مبارزه با تروریسم در چارچوب هماهنگی و همکاری با دولت سوریه و هم پیمانان آن منجر نشود و همچنین کشورهای منطقه را به توقف حمایت مالی و تسلیحاتی از تروریسم و اعزام تروریست ها به سوریه برای کشتار ملت سوریه وادار نکند ارزشی نخواهد داشت.

|| سفر به ایران و دیدار با مقامات ایرانی را

رئیس پارلمان سوریه با اعلام اینکه عذرخواهی آمریکایی ها از دمشق به خاطر حمله به مواضع ارتش سوریه در دیر الزور ارزشی ندارد به تشریح نتایج سفر خود به ایران و راه حل واقعی بحران سوریه پرداخت. «هدیه خلف عباس» رئیس پارلمان سوریه در راس هیئتی از نمایندگان پارلمان این کشور به دعوت «علی لاریجانی» رئیس مجلس کشورمان به ایران سفر کرده است.

وی در جریان این سفر با «حسن روحانی» رئیس جمهوری اسلامی ایران، «علی اکبر ولایتی» مشاور امور بین الملل مقام معظم رهبری و «حسین امیرعبداللهیان» دستیار ویژه رئیس مجلس شورای اسلامی ایران در امور بین الملل دیدار و گفتگو کرد. رئیس پارلمان سوریه در حاشیه سفر خود به تهران با خبرنگار مهر گفتگو کرد که مشروح آن از نظر می گذرد:

|| نمایندگان ملت سوریه برای نخستین بار شما را به عنوان یک زن برای ریاست پارلمان این کشور انتخاب کردند، این انتخاب چه پیامی دارد؟

این انتخاب که برای اولین بار صورت گرفته بیانگر بعد دموکراسی و اجتماعی در سوریه است و به تمدن این کشور اشاره دارد. همچنین حاوی این پیام است که سوریه در مسیر دموکراسی و آزادی رو به پیشرفت است و این اقدام در شرایطی صورت می گیرد که بسیاری از کشورهای منطقه برای زنان، حق رای قائل نیستند و زنان در پارلمان حضور ندارند و این کشورها حتی شکل صندوق رای گیری و انتخابات را ندیده اند اما از نبود دموکراسی در سوریه سخن می گویند.

نمایندگان پارلمان سوریه که نماینده تمامی طیف های مختلف در این کشور هستند با انتخاب من به عنوان رئیس پارلمان، این پیام را به کشورهای دیگر منتقل کردند مبنی بر اینکه واقیعت های سوریه برخلاف ادعاهای آنها است. کشورهای دیگر ادعا می کنند که در سوریه آزادی و دموکراسی وجود ندارد، در واقع این کشورها با توطئه های خود به دنبال نابودی تاریخ و تمدن و ارزش

سلیم الجبوری:

پیروزی در موصل به معنای پاکسازی تمامی اراضی عراق از لوث داعش است

در عملیات موصل فقط طرد نشود بلکه به صورت کامل نابود گردد. زیرا ما به نیابت از تمامی جهان با داعش می جنگیم و نابودی این غده سرطانی و عدم شکل گیری مجدد آن در نقاط دیگر برای ما مهم است.



وی در پایان گفت: پیروزی در نبرد موصل زمینه را برای گفتگوهای گسترده ملی فراهم می کند. گفتنی است منابع عراقی از ورود فرمانده سپاه بدر در راس هزاران رزمنده به نینوا و آزادسازی چند روستای جدید در شمال شرق موصل خبر دادند.

رئیس پارلمان عراق تاکید کرد که پیروزی عراق در موصل فقط به معنای آزادسازی استان نینوا نیست بلکه به معنای آزادسازی تمامی اراضی عراق از کنترل داعش است.

رئیس پارلمان عراق در سخنانی تاکید کرد که پیروزی در عملیات موصل به معنای پاکسازی کامل اراضی عراق از لوث تروریست های داعش است.

بر اساس این گزارش «سلیم الجبوری» رئیس پارلمان عراق در سخنانی در جمع فرماندهان نظامی و میدانی در استان نینوا اظهار داشت: مردم عراق از شما حمایت می کنند. عملیات موصل بسیار حساس و تاریخی است و حضور تمامی نیروهای ما در این عملیات به موفقیت سریع تر آن کمک می کند. زیرا همه نیروهای حاضر در این عملیات توانمند هستند.

وی در ادامه سخنان خود تصریح کرد: موصل در طول تاریخ بارها تجربه جنگ را داشته است؛ پیروزی عراق در موصل فقط به معنای آزادسازی استان نینوا نیست بلکه به معنای آزادسازی تمامی اراضی عراق از کنترل داعش است. زیرا پیروزی در نبرد الحویجه و برخی دیگر از مناطق غربی عراق نیز حتمی است. رئیس پارلمان عراق تاکید کرد: امیدوارم داعش

اقتصاد آل سعود در لبه پر تگاه؛ «ریاضت اقتصادی» به عربستان هم رسید

رامین حسین آبادیان



عربستان از مدت‌ها پیش با بحران «کسری بودجه» مواجه شده است؛ بحرانی که رفته رفته علائم آن در حال خودنمایی و آشکار شدن است و مقامات ریاض را وادار به اتخاذ سیاست «ریاضت اقتصادی» کرده است.

«سلیمان بن عبدالعزیز» پادشاه سعودی اخیرا با صدور احکامی جداگانه حقوق و مزایای اعضای مجلس مشورتی عربستان و وزیران را کم کرده؛ اقدامی که در وهله اول کسری بودجه این کشور را بیش از پیش نمایان ساخته و آن را آشکار کرد. طبق احکام صادره، سلمان بن عبدالعزیز دستمزد وزرا را به میزان ۲۰ درصد و اعضای مجلس مشورتی را به میزان ۱۵ درصد کاهش می دهد. احکام صادره از سوی پادشاه سعودی از ابتدای ماه محرم سال جدید قمری اجرا خواهد شد. ملک سلمان همچنین دستور داده که میزان کمک های سالیانه به اعضای مجلس مشورتی از جمله تسهیلات در زمینه مسکن و امکانات رفاهی دیگر به میزان ۱۵ درصد کاهش یابد.

این در حالی است که سلسله احکام صادره از سوی پادشاه سعودی علاوه بر وزرا و مقامات این کشور، دامن بسیاری از شهروندان عربستانی به ویژه کارمندان را گرفت، چراکه طبق اعلام ملک سلمان، بسیاری از قوانین مربوط به جذب کارمندان، مرخصی های آنها و حقوق مزایایشان دستخوش تغییر و با محدودیت جدی مواجه شده است. همین مسأله موجب برانگیخته شدن موجی از اعتراضات در نزد مردم عربستان شده است.

به نظر می رسد که عربستان سعودی سیاست «ریاضت اقتصادی» را برای جبران کسری بودجه خود برگزیده است؛ سیاستی که به دنبال افزایش میزان کسری بودجه به مبلغی بالغ بر ۸۷ میلیارد دلار، اتخاذ شده است. پس از نهایه شدن بودجه سال کنونی میلادی عربستان سعودی، مشخص شد مجموع بودجه این کشور در سال ۲۰۱۶، ۵۱۳ میلیارد ریال سعودی است که از این میزان، هزینه های دولت ۸۴۰ میلیارد ریال سعودی برآورد شد. بر همین اساس، وزارت خزانه داری عربستان سعودی میزان کسری بودجه این کشور در سال کنونی میلادی را ۳۲۷ میلیارد ریال سعودی (۸۷ میلیارد دلار) تخمین زده بود که این رقم در ۱۰ سال گذشته در عربستان بی سابقه بوده است.

در همین ارتباط، «عصام الزامل» کارشناس مسائل اقتصادی در عربستان سعودی، یک پرسش و پاسخ در خصوص دیدگاه مردم این کشور نسبت به اوامر اقتصادی اخیر

پادشاه سعودی در صفحات خود در شبکه های اجتماعی منتشر کرد که نتایج آن نشان می دهد بیش از ۵۰ درصد از مردم با سیاست های اقتصادی اخیر مخالف هستند. طبق اعلام الزامل، چیزی حدود ۳۳ هزار نفر در این پرسش و پاسخ مشارکت داشتند.

بسیار از کارشناسان و تحلیلگران بر این باورند که علت اصلی کسری بودجه عربستان سعودی که اقتصاد این کشور را در معرض خطر قرار داده کاهش قیمت نفت است، چراکه عربستان سعودی در زمره کشورهایی است که بخش عمده درآمدهای آن وابسته به فروش نفت است. با این وجود، در کنار عامل کاهش قیمت نفت به عنوان علت اصلی کسری بودجه عربستان، عوامل دیگری نیز وجود دارند که به این بحران (کسری بودجه) دامن زده و می توان از آنها تحت عنوان «عوامل خودساخته» سعودیها یاد کرد. برخی از این عوامل به شرح ذیل هستند؛

۱- تشکیل ائتلاف سعودی برای تجاوز نظامی به مردم بی دفاع و بی گناه یمن؛ رژیم سعودی از حدود ۱۹ ماه گذشته تمامی ظرفیت های نظامی خود را برای به زانو درآوردن مردم یمن و اشغال این کشور به کار بسته است. در طول این مدت، سعودیها روزانه بارها به بمباران مناطق مختلف یمن پرداخته و توپخانه های آنها نیز در مناطق مرزی از جمله «جیزان»، «نجران» و «عسیر» با ارتش و نیروهای مردمی یمن همواره در حال درگیری بوده اند.

بر همین اساس، رژیم سعودی تاکنون هزینه های سنگینی را به دلیل جنگی که علیه مردم یمن آغاز کرده و هم اکنون نیز مشغول آن است، متحمل شده است. خرید تسلیحات پیشرفته جنگی از کشورهای مختلف از جمله ایالات متحده آمریکا برای جبران کمبودها در جنگ علیه یمن یکی از عمده ترین دلایل مواجهه سعودیها با کسری بودجه است.

جویی در هزینه های جاری کشور که در نهایت به جیب شاهزادگان و وزرا می رود، بخشی از مشکلات شهروندان و نیازمندان حل و فصل کنند.

تداوم سیاست های ریاضتی که در حقیقت ناشی از اقدامات نابخردانه سعودیها در داخل و خارج از کشور است، صدای مردم عربستان را درخواهد آورد. آل سعود به خوبی می داند که مردم عربستان تا ابد تاوان سیاست های ناپخته داخلی و خارجی آن را پس نخواهد داد و در صورت تداوم این وضعیت و شرایط، روزی لب به اعتراض خواهند گشود. به همین دلیل می توان گفت که زنگ خطر وقوع یک «بحران اجتماعی» برای سعودیها به صدا درآمده است.

در همین ارتباط، «سن عبد ربه المصری» کارشناس مسائل سیاسی و اقتصادی تصریح می کند: «همزمان با اعلام کسری بودجه عربستان، قیمت آب و برق و گاز در این کشور بالا رفته و قیمت بنزین هم تا ۵۰ درصد افزایش یافته است.» وی همچنین ادامه می دهد: «در صورت ادامه این وضعیت، مردم عربستان از ابعاد مختلف متضرر خواهند شد و معتقدم در صورت طولانی شدن این مسأله، یک بحران اجتماعی از دل بحران اقتصادی عربستان سعودی متولد خواهد شد.»

وضعیت کسری بودجه عربستان سعودی به جایی رسیده است که پیشتر بسیاری از رسانه ها گمانه زنی هایی را مبنی بر تصمیم مقامات ریاض برای استقراض از بازارهای بین المللی مطرح کردند؛ مسأله ای که در صورت تحقق، برای بار اول خواهد بود که صورت می پذیرد. رسانه های عربی پیشتر اعلام کرده بودند که عربستان سعودی برای جبران کسری بودجه ۸۷ میلیارد دلاری خود قصد دارد مبلغی بالغ بر ۵ میلیون دلار را از بازارهای بین المللی استقراض کند؛ مسأله ای که عمق بحران اقتصادی در عربستان را نشان می دهد، چراکه پیشتر استقراض ریاض از بازارهای بین المللی مسبوق به سابقه نبوده است.

در هر صورت، در حال حاضر اکثر مردم عربستان به صورت کامل بدبینانه به احکام اقتصادی اخیر که از سوی ملک سلمان صادر شده است، می نگرند؛ مسأله ای که می تواند زمینه آغاز یک بحران داخلی را فراهم آورد. در صورتی که شاهزادگان سعودی از خوش گذرانی های بی حد و حصر خود در داخل کشور و ماجراجویی های کودکانه در خارج از کشور پایان ندهند، بدون شک باید منتظر واکنش معترضانه مردم خود باشند؛ واکنشی که به احتمال قوی یک بحران داخلی بزرگ را با خود به همراه خواهد آورد.

در همین ارتباط اخیرا نیز عنوان شده است که سعودیها قصد دارند تسلیحاتی به ارزش بیش از یک میلیارد دلار از آمریکا خریداری کنند. بدون شک ریاض قصد دارد این تسلیحات را در جنگ علیه یمن بکار گیرد. ۲- حمایت از گروه های تروریستی - تکفیری در منطقه؛ عربستان سعودی طی سالهای گذشته خدمات غیرقابل انکاری را در اختیار گروه های تروریستی - تکفیری به ویژه در عراق، سوریه و لبنان قرار داده است. این رژیم در راستای ساقط کردن دولت قانونی «بشار اسد» با هدف تسهیل راه های دستیابی به منافع و مصالح توسعه طلبانه خود در منطقه، طی حدود شش سال گذشته مبالغ هنگفتی را صرف کمک مالی به تکفیریها در سوریه کرده است. علاوه بر این، در عراق و لبنان نیز، گروه های تکفیری مورد حمایت مالی - تسلیحاتی سعودیها هستند؛ حمایت هایی که جز از طریق پرداخت مبالغ هنگفت محقق نمی شوند.

۳- اعطای رشوه به کشورهای مختلف به منظور همسو ساختن دولت های آن با سیاست های ریاض؛ سعودیها تا به امروز از هیچ تلاشی برای اعمال نفوذ خود در مناطق و کشورهای مختلف در سراسر جهان دریغ نکرده اند. به عنوان مثال می توان به مسأله اعطای رشوه به مقامات مالزیایی از سوی ریاض اشاره کرد که با هدف ضربه زدن به شیعیان ساکن این کشور صورت گرفته بود. بدون شک نمونه های گسترده ای از اعطای رشوه از سوی مقامات ریاض به کشورهای گوناگون با هدف سرکوب شیعیان و ترویج فرهنگ و تفکر وهابیت وجود دارد؛ هرچند که تاکنون قسمت کوچکی از آنها علنی شده است.

۴- بالا بودن هزینه های جاری دولت سعودی؛ مقامات سعودی هر ساله مبالغ هنگفتی از بودجه عربستان را رتق و فتق امور داخلی خود اختصاص می دهند؛ این در حالی است که آنها می توانند با صرفه



سست همچون خانه عنکبوت؛ ناکار آمدی استراتژی نظامی رژیم صهیونیستی

فرزاد فرهادی

۲۶۲ هزار نفر بوده‌اند. برخی گزارش‌های سازمان ملل حاکی از آن است که در سال ۲۰۵۰ آمار اعراب در فلسطین به ۱۱۸ میلیون نفر در برابر ۱۰۰۱ اسرائیلی برسد. از دیگر چالش‌های پیش روی رژیم صهیونیستی می‌توان به مقاومت مردمی در داخل اراضی فلسطین به شکل مردمی و به شکل اقدام نظامی از سوی فلسطینی‌هاست. تهدید مقاومت فلسطین و لبنان نیز در این راستا تعریف می‌شود. شکست رژیم صهیونیستی در جنگ ۳۳ روزه در واقع اسطوره شکست ناپذیری این رژیم را خط بطلانی کشید.

از سویی چالش دیگر رژیم صهیونیستی در فقدان مقامات آن است به طوری که نسلی از مسئولان رژیم که در شکل‌گیری این رژیم نقش ایفا کرده‌اند، دیگر حضور ندارند و به عبارت دیگر این رژیم از نظر سیاسی نیز متزلزل‌تر از قبل شده است.

مسئولان رژیم صهیونیستی از ابتدا به مهاجرت یهودیانی که در سراسر دنیا حضور دارند حساب ویژه‌ای باز کردند و یهودیان را از مناطق مختلف دنیا به فلسطین اشغالی کشاندند اما این روند نیز دچار کاهش شده و در مواردی روند معکوس به خود گرفته است و آنچه سرزمین موعود خوانده می‌شود در میان نسل کنونی صهیونیستها کم فروغ شده است.

صهیونیستها با عقب نشینی از غزه و برخی شهرک‌ها در کرانه باختری به همان نظریه سابق یعنی مناطق امن که قابل دفاع باشد، بازگشته‌اند.

در جلسه معرفی «گادی ایزنکوت» رئیس ستاد مشترک ارتش رژیم صهیونیستی، بنیامین نتانیاهو، با بر شمردن تهدیدات غزه، حزب الله، جولان و ایران به نوعی به چالش‌های امنیتی این رژیم اشاره کرد و اینکه این رژیم هنوز ناتوان در برقراری امنیت برای شهرک نشینان و صهیونیستهاست.

مسئولان رژیم صهیونیستی حساب ویژه‌ای از ابتدای پیدایش روی استراتژی نظامی باز کردند اما به نظر می‌رسد که این اصل اساسی نیز در معرض خطر قرار گرفته است.

اخیرا پایگاه اسرائیل دیفنس، پرده از راز تلخی برای صهیونیستها برداشت؛ فرار افسران ارشد و ورزیده از خدمت و بازگشت به زندگی غیرنظامی و اینکه بسیاری از پست‌های حساس و کلیدی ارتش رژیم صهیونیستی خالی مانده است.

به نوشته این پایگاه: ارتش رژیم صهیونیستی با بزرگترین بحران از زمان شکل‌گیری روبرو است. حتی افسرانی با درجه سروان هم کم در ارتش پیدا می‌شوند. افسران اسرائیلی به دلایل مالی و برخی شرایط اجتماعی حاضر به خدمت نیستند. آنگونه که این پایگاه اسرائیلی نوشته است؛ دیگر صهیونیستها تمایلی برای خدمت نظامی ندارند و خانواده‌های اسرائیلی ترجیح می‌دهند که فرزندان‌شان در ارتش خدمت نکنند. دیگر جامعه صهیونیست علاقه به خدمت نظامی فرزندان‌شان ندارند. چالش‌های پیش روی رژیم صهیونیستی موضوعی است که خود تحلیلگران صهیونیست نیز به آن اذعان کرده‌اند.

«اری شایویت» در تحلیلی در روزنامه صهیونیستی هارتس مورخه ۲۰۱۶/۹/۲۲ نوشته است:

با وجود سال‌های آرامش در برهه اخیر، سال‌های سختی

یکی از اصولی که مقامات رژیم صهیونیستی از بدو شکل‌گیری این رژیم مورد توجه قرار داده‌اند، استراتژی نظامی است که در این سال‌ها نشانه‌های تزلزل آن بیش از پیش آشکار شده است.

رژیم صهیونیستی میراث شوم استعمارگران در خاورمیانه است. این رژیم از بدو شکل‌گیری با کمک غرب، همواره برای حفاظت از خود، سیاست‌های امنیتی و نظامی را در پیش گرفته تا بتواند در برابر تغییرات محیط اطراف دوام بیاورد.

از سال ۱۹۴۸ سیاست مقامات رژیم اسرائیل بر پایه اصل نظامی استوار بوده و کابینه‌های مختلف این رژیم در طی تقریباً هفتاد سال از پیدایش این رژیم این اصل را بسیار مورد توجه قرار داده‌اند و از حمایت نظامی، اقتصادی و سیاسی غرب به ویژه آمریکا برخوردار بوده و هستند.

مسئولان رژیم صهیونیستی به دنبال نظامی کردن جامعه این رژیم بوده‌اند. مسئولان این رژیم معمولاً هر پنج سال یکبار جنگی نابرابر را به راه انداخته‌اند اما نتوانسته‌اند به اهداف توسعه طلبانه خود برسند و مقاومت فلسطینی‌ها ضد اشغال را از بین ببرند.

مرحله اول اعلان موجودیت این رژیم با چالش‌های امنیتی روبرو بود که اساس این رژیم جعلی را نشانه رفته بود و همه محیط اطراف بر ضرورت نابودی رژیم صهیونیستی به عنوان راهکار حل بحران عربی-صهیونیستی اصرار داشتند. این مرحله تا پس از جنگ سال ۱۹۷۳ ادامه یافت تا اینکه مصر این گزینه را رها کرد و به سراغ گزینه دیگری که پذیرفتن این رژیم بود، رفت. این روند ادامه یافت تا اینکه مقاومت لبنان و جنبش‌های آزادی بخش در داخل اراضی از جمله حماس و جهاد اسلامی شکل گرفتند.

رژیم اسرائیل گرچه توانست منابع تهدید نخست یعنی کشورهای عربی را از بین ببرد اما در مقابل موج تهدید دوم یعنی حزب الله و مقاومت اسلامی فلسطین ناکام مانده است و همواره از مقاومت فلسطین و لبنان احساس خطر می‌کند. از همین رو است که دیوار آهنین در اطراف فلسطینی اشغالی کشیده است.

از سویی در غزه دیوار بتنی کشیده است تا هم موشک‌های مقاومت فلسطین به داخل اراضی اشغال شلیک نشود و هم رزمندگان نتوانند از راه تونل و از روی زمین به فلسطین اشغالی نفوذ کنند. گنبد آهنین و هزینه‌های نظامی هنگفتی نیز با هدف حفاظت این رژیم از مقاومت لبنان و فلسطین است. صهیونیستها احساس امنیت ندارند و همواره در ترس و نگرانی به سر می‌برند.

در واقع کمک‌های نظامی آمریکا به این رژیم و قرار دادن پیشرفته‌ترین سلاحها در اختیار تل آویو نیز ناشی از ترسی است که این رژیم دارد.

ناظران امور سرزمین‌های اشغالی، به برخی تهدیدات ضد صهیونیستها اشاره کرده‌اند که از جمله آنها به مسائل ترکیب جمعیتی پرداخته و اعلام کرده‌اند که واقعیت دیموگرافی و جمعیت شناختی به نفع اعراب در فلسطین اشغالی است. براساس آمار سال ۲۰۱۲، فلسطینی‌ها در قدس ۳۹۷ هزار نفر و شهرک نشینان

پیش رو است. مسابقه دیوانه‌وار تسلیحاتی و نبود ثبات منطقه‌ای، عملاً تاکنون به نفع اسرائیل بوده است اما در آینده ممکن است که ضد آن باشد. سئوالاتی وجود دارد؛ آیا از دوران طلانی آشوب و بی‌ثباتی کنونی استفاده کرده ایم؟ آیا تلاش کرده ایم که این آرامش به آرامش مصنوعی تبدیل نشود؟ هرگز هرگز.

«ایال زیسر» پژوهشگر مرکز مطالعات استراتژیک خاورمیانه و شمال آفریقای «دایان» با دیدگاه شایع هم‌رای است و در مقاله‌ای در روزنامه صهیونیستی اسرائیل الیوم در مورخه ۲۰۱۶/۹/۱۸ نوشت: اسرائیل هنوز نتوانسته است به راهکار ریشه‌ای برای چالش امنیتی که از دو دهه قبل با آن روبرو است یعنی تهدید موشک‌های حزب الله و حماس راهکاری بیابد. هرچند اسرائیل نتوانسته آرامشی برقرار کند اما بهای این آرامش و بازدارندگی متقابل میان اسرائیل و حزب الله و حماس، تقویت بیشتر حزب الله و حماس بوده است.

«ایتن هابر» تحلیلگر سیاسی رژیم صهیونیستی بسیار دقیق‌تر به حجم چالش‌های رژیم صهیونیستی اشاره کرد و سیاست‌های این رژیم و سیاست‌گذاران آن را زیر سؤال برد.

وی در مقاله‌ای در روزنامه صهیونیستی یدیعوت آحارونوت در مورخه ۲۰۱۶/۹/۲۱ می‌نویسد: شارون راهکار نظامی را در پیش گرفت و جنگ‌های کوچک و بزرگ با هزاران زخمی رخ داد و ما بسیاری از فلسطینی‌ها را بازداشت کردیم و صدها منزل را تخریب کردیم و سیاست حصار کشی و انزوا را در پیش گرفتیم اما حاصل این چه شد؟ اینکه هزاران نظامی و سرباز در خیابان‌های قدس و الخلیل هستند را چگونه تعبیر کنیم؟ اگر راهکار نظامی موثر است پس حوادث حملات با سلاح سرد در روزهای اخیر را چگونه تعبیر کنیم؟ حوادثی که قبلاً و در آینده رخ می‌دهد را چگونه ارزیابی کنیم؟

قدر مسلم آن است که رژیم اسرائیل با بحران فزاینده‌ای در استراتژی متکی بر جنگها روبرو است که نتایج آن در سال‌های آتی آشکارتر خواهد شد. از نشانه‌های آن از بین رفتن نظریه‌ای اصل بازدارندگی اسرائیل است. تلاش‌های کابینه‌های مختلف رژیم صهیونیستی برای از بین بردن مقاومت ملت فلسطین بی نتیجه بوده است. دیگر جامعه صهیونیست به ارتش خود اعتمادی ندارند. اسرائیل با توجه به افزایش فرار از خدمت از ارتش این رژیم با شکست استراتژیکی دیگری روبرو خواهد شد. این سرآغاز فروپاشی یکی از مهمترین ارکان استراتژی کلاسیک رژیم صهیونیستی یعنی نظامی کردن جامعه صهیونیست است. زنان و مردان صهیونیست از سربازی رفتن رویگردان هستند و تمایلی برای ورود به ارتش ندارند. اعتماد جامعه صهیونیست به ارتش کم و کمتر می‌شود.

فعال بحرینی:

احتمال اجیر کردن تکفیری‌ها علیه شیعیان معترض بحرینی وجود دارد

محمد فاطمی زاده



پس از گذشت حدود ۳ ماه از اقدام رژیم آل خلیفه در سلب تابعیت آیت الله «عیسی قاسم» رهبر شیعیان بحرین که به تعبیر مقام معظم رهبری همچون ستاره ای در آسمان تشیع هستند، مردم انقلابی بحرین همچنان برای دفاع از رهبر خود در صحنه حاضر هستند و در برابر منزل ایشان تحصن کرده‌اند. همچنین علمای حامی شیخ عیسی به مسئولیت خطیر خود مبنی بر روشنگری و تبیین راه های مبارزه با ظلم آل خلیفه پایبند هستند؛ امری که بیش از پیش موجب برانگیخته شدن خشم آل خلیفه شد و نظامیان این رژیم در ادامه سیاست های سرکوبگرانه خود اقدام به بازداشت و حبس چندین عالم برجسته این کشور و احضار ده ها عالم دیگر کردند.

بر همین اساس برای بررسی ابعاد این رویداد مهم با سید «عباس شبر الموسوی» رئیس بخش آزادی های دینی در سازمان صلح برای دموکراسی و حقوق بشر بحرین گفتگو کردیم که شرح آن در ادامه می آید:

|| حضور علما و روحانیون را در میان مردم برای دفاع از آیت الله عیسی قاسم و هدایت انقلاب بحرین چگونه ارزیابی می کنید؟ علت حمله آل خلیفه به علما و بازداشت آنها طی هفته های اخیر چیست؟

بسیاری از علما تلاش کردند که وارد منطقه تحت محاصره الدراز به ویژه در برابر منزل آیت الله عیسی قاسم شوند اما نیروهای امنیتی به آنها اجازه ورود ندادند؛ با این حال باز هم شماری از علما با اصرار و پای فشاری فراوان موفق شدند که خود را به محل تحصن مردم در برابر منزل رهبرشان برسانند که این موضوع تاثیر شگرفی در میان تحصن کنندگان داشت.

در میان این علما که خود را به مردم رساندند، شخصیت های برجسته ای همچون علامه سید «عبدالله الغریفی»، علامه شیخ «عبدالحسین الستری»، علامه شیخ «الریبعی» و سید «مجید المشعل» رئیس هیأت علمای بحرین بودند که حضورشان در میان مردم بسیار تاثیرگذار بود. علما در رهبری حرکت مردم در طول دهه های گذشته به ویژه در برابر ظالمین نقش مهمی داشتند. دفاع علما از آیت الله عیسی قاسم رهبر معنوی مردم و بیان مظلومیت های ایشان به ویژه سلب تابعیت شان از سوی آل خلیفه از جمله مهم ترین عوامل بازداشت آنها بوده است. حکام بحرین در صدد هستند تا از طریق بازداشت این تعداد از علما، دیگر روحانیون را نیز از چنین سرنوشتی برترسانند و مانع از ادامه تحصن در برابر منزل آیت الله عیسی قاسم شوند.

|| تحلیل شما از مانع تراشی آل خلیفه در برگزاری نماز جمعه در منطقه الدراز محل سکونت آیت الله عیسی قاسم چیست؟

نماز جمعه در هدایت مردم و رساندن مفاهیم و ارزش های ناب محمدی به آنها بسیار نقش دارد. آل خلیفه در صدد است تا کنترل بیان این گونه مفاهیم و همچنین مدیریت امور مربوط به شیعیان را از طریق به کارگیری روحانیونی وابسته به خود در اختیار بگیرد اما در تحقق

گیرد، موثر است و آنچه که در این خصوص بسیار حائز اهمیت است، تداوم و استمرار این گونه اقدامات می باشد که به معنای پابرجاماندن موضوع و مطالبات در عین مسالمت آمیز بودن آن است.

علما نیز بر ادامه تحرکات به همین صورت و پرهیز از خونریزی در این تحرکات تاکید دارند و معتقدند که حقوق مردم باید با حداقل هزینه ها استیفا شود که به نظر من هم این رویکرد صحیح است اما متأسفانه آل خلیفه برای جلوگیری از برگزاری راهپیمایی ها و تجمعات مسالمت آمیز تلاش می کند. حکام بحرین در همین راستا اقدام به انحلال برخی از جریان های سیاسی و بازداشت شماری از شخصیت های سیاسی و همچنین علما کرده اند تا بدین صورت حرکت مردم را متوقف کنند؛ این اقدامات موجب خونریزی بیشتری شده و احتمال دارد مردم شیوه دیگری را در این رابطه در دستور کار قرار دهند. البته علما نسبت به پیش آمدن چنین وضعی به حکام بحرین بسیار هشدار داده اند.

|| در چه صورت گزینه مسالمت آمیز مردم به گزینه سخت و خشن تبدیل خواهد شد؟

گزینه مسالمت آمیز بنابه تاکیدات علما به ویژه آیت الله عیسی قاسم یک گزینه راهبردی است و امکان ندارد که مردم بحرین این گزینه را تغییر دهند مگر در یک صورت و آن هم اینکه آل خلیفه مرتکب حماقتی در حق شیخ عیسی قاسم گردد؛ در این صورت هیچ کس حتی علما نمی توانند جلوی مردم را بگیرند.

|| همانگونه که می دانید قرار است روز دوشنبه ۵ مهر جلسه محاکمه شیخ عیسی برگزار شود. رژیم آل خلیفه در خصوص محاکمه آیت الله «عیسی قاسم» چگونه اقدام خواهد کرد؟ آیا امکان یورش نظامیان این رژیم به منزل شیخ عیسی و بازداشت ایشان وجود دارد؟

روز دوشنبه نمایش سیاسی آل خلیفه که با هدایت سعودی ها علیه بزرگترین رهبر شیعیان بحرین آغاز شده است، کامل می شود تا بدین صورت مردم از خواسته هایشان برای انجام تغییرات سیاسی دست بردارند.

در این خصوص چندین سناریو مطرح است؛ نخست اینکه دادگاه محاکمه شیخ عیسی را به تعویق بیندازند تا از این طریق وقت بیشتری برای از بین بردن و تضعیف اراده مردم حاضر در برابر منزل رهبر دینی شان به دست آورند.

سناریوی دوم این است که امکان دارد دادگاه آل خلیفه حکمی را علیه شیخ عیسی صادر کند که این اقدام آتش بحران در کشور و منطقه را شعله ورتر می کند. سناریوی دیگر که احتمال وقوع آن وجود دارد این است که یک شخصیت تکفیری به منطقه تحصن مردم با نزدیکی منزل شیخ عیسی اعزام شود؛ به ویژه اینکه مردم حاضر در برابر منزل شیخ عیسی نیز دست خالی هستند و برای دفاع از رهبرشان فقط می توانند سینه خود را سپر کنند.

این امر موفق نشده است. زیرا فقها، مانعی در برابر این نقشه حکومت بحرین محسوب می شوند و از سوی دیگر مردم نیز تعرض به فقه های دینی خود را که دژ مستحکم دین و مذهب هستند، نمی پذیرند. بنابراین نقش تریبون و منبر نماز جمعه در بیان مفاهیم و ارزش هایی که احتمال دارد برخی به دلایلی از آن غفلت و یا به آن خیانت کنند، بسیار حائز اهمیت است.

|| موضع ایران در حمایت و دفاع از انقلاب مردم بحرین را چگونه ارزیابی می کنید؟

مواضع صادر شده از سوی شخصیت های ایرانی و به صورت کلی هر شخصیتی در هر کشور دیگر طبیعتاً تاثیر خوبی بر روی مردم بحرین دارد. به ویژه اینکه مردم بحرین در شرایطی به سر می برند و آلام و رنج هایی را تجربه می کنند که ملت ایران در دوران دیکتاتوری شاه ایران و نظام شاهنشاهی حاکم بر ایران آن را تجربه کرده اند.

از بیان مواضع مسوولان ایرانی به ویژه رهبر معظم انقلاب اسلامی بسیار تشکر می کنیم. از سوی دیگر اظهاراتی که توسط مقامات بحرین در قبال ایران مطرح می شود، خارج از عرف دیپلماتیک است و ارزشی ندارد. زیرا طبق خواست مردم بیان نشده است. به ویژه اینکه ایران تاکنون شیوه نصیحت کردن را در پیش گرفته است. در همین راستا باید بیان کنم که دکتر «محمود شریف بسیونی» یکی از کارشناسان برجسته در زمینه حقوق کیفری است که به دستور پادشاه بحرین ریاست کمیته مستقلی را برای انجام تحقیقات در حوادث سال ۲۰۱۱ میلادی برعهده گرفت و پس از انجام تحقیقات در این خصوص در سخنانی صراحتاً تاکید کرده بود که ایران در روند تحرکات مردم و مطالبات آنان در بحرین مداخله نکرده است؛ با این حال مقامات بحرینی باز هم به سخنان کسی که خودشان برای پیگیری این موضوع تعیین کرده بودند، توجه نکردند. زیرا آنها از اراده و خواست مردم می ترسند.

|| تاثیر تظاهرات گسترده مردم بحرین در نقاط مختلف این کشور برای فشار آوردن به آل خلیفه چیست؟

تمامی تحرکات از سوی مردم در هر سطحی که صورت

تحلیگر اردنی:

ترور «ناھض حتر» بی ارتباط به حمایت وی از جریان مقاومت نیست

محمد مظھری



رسانه ای برای مصاحبه در این خصوص حائز اهمیت است.

|| در حال حاضر از انتشار کاریکاتور توسط ناهض حتر، به عنوان علت ترور وی نامبرده می شود. آیا در این کاریکاتور، به اسلام توهین شده بود؟ انتشار این کاریکاتور را چگونه تفسیر می کنید؟

مشکل در نوع ترویج و انتشار کاریکاتور ناهض حتر توسط دشمنان وی است؛ متأسفانه دشمنان وی موفق شدند که این کاریکاتور را به نحوی خاص ترویج کنند و وانمود کردند که این کاریکاتور، اهانت به اسلام و ذات الهی است. دشمنان وی، گروهی را علیه ناهض حتر گردآوردند. ناهض حتر قصد داشت که تفکری خاص را ترویج کند اما دشمنان این نویسنده اردنی، خلاف خواسته ی وی را ترویج کردند و علیه او شوریدند.

|| علت بازداشت و تبعید متفکران و شخصیت هایی همچون ناهض حتر در جهان عرب چیست؟

پس از اینکه فردی برای احقاق حقوق اعراب قیام کند، جهان عرب تلاش می کند تا منطقه را از ندهای آزادی خواهانه و شریف که با سلطه صهیونیستی-آمریکایی مخالف است، تهی کند؛ زیرا این سلطه، خیر و قیام مجدد در جهان عرب را نمی خواهد. سلطه صهیونیستی-آمریکایی افزایش هیمنه خارجی ها، فرقه گرایی، افراط، آشوب، عقب ماندگی و به صورت کلی دودستگی و جاهلیت را می خواهد. بر همین اساس نیز افرادی را که با طرح ها و نقشه های سلطه صهیونیستی-آمریکایی مخالفت کنند، ترور، بازداشت و تبعید می کند.

|| موضع ناهض حتر در حمایت از سوریه و بشار اسد چه تاثیری در ترور وی داشت؟
ناهض حتر به حمایت از مقاومت، حزب الله، سوریه

اخیرا «ناھض حتر» نویسنده اردنی از سوی عوامل ناشناس هدف ترور قرار گرفت؛ پس از ترور وی کشورها و گروه های محور مقاومت از جمله ایران و حزب الله لبنان با صدور بیانیه ای این اقدام را محکوم کردند و از اقدامات این نویسنده اردنی در دفاع و حمایت از محور مقاومت و مبارزه با صهیونیست ها تمجید کردند. برای بررسی ابعاد حادثه ترور ناهض حتر و علل این اقدام، خبر نگار مهر با «هشام الهیپشان» تحلیگر سیاسی اردن گفتگویی انجام داده است که شرح آن در ذیل می آید:

|| علل ترور «ناھض حتر» چیست؟ عاملان این ترور چه کسانی هستند؟

در ابتدا تاکید می کنیم که ترور ناهض حتر اقدامی خطرناک و بی سابقه و نقض حداقل آزادی ها در اردن محسوب می شود. علت ترور وی نیز انتشار کاریکاتوری در صفحه شخصی این نویسنده اردنی بود. همچنین عامل این ترور فردی افراطی است که تاکنون به ارتباط با گروهی اعتراف نکرده است و به نظر می رسد که عامل ترور ناهض حتر به تنهایی دست به چنین اقدامی زده است.

*چرا دولت اردن برای حمایت از ناهض حتر در برابر تهدیدات تروریست ها تدابیر لازم را اتخاذ نکرد؟

قاعدتا یک دولت عادل، قانون را برای تمامی مردم وضع می کند و مردم را در چارچوب قانون مورد حساب قرار می دهد. دولت اردن در تأمین امنیت و حفاظت از حتر بسیار کوتاهی کرده است و بخشی از مسئولیت حمله به حتر، متوجه دولت اردن است. تاکید می کنیم که مسأله ترور ناهض حتر و دیگران، مستحق این است که مدت طولانی مورد توجه قرار گیرد؛ به ویژه اینکه نوع برخورد نظام سیاسی اردن با این مسأله، گردآمدن برخی گروه های وابسته به اخوان المسلمین و پروپاگاندای

و بشار اسد شناخته شده و معتقد بود که علیه کشور سوریه، توطئه ای طراحی شده است. وی همچنین با داعشی ها دشمن و با تجاوز به عراق مخالف بود. همه این موارد نشانگر این است که دشمنان وی تحمل چنین شخصیتی را نداشته اند. بنابراین تاکید می کنم راهی که ناهض حتر در پیش گرفت و حمایت او از سوریه و مقاومت به وسیله قلم و فکرش، نقش مهمی در گردآمدن دشمنان سوریه علیه ناهض حتر دارد. بر همین اساس عملیات ترور ناهض حتر و تفکر حامی مقاومت او، به هم بی ربط نیست.

|| آیا انتظار این می رود که پس از ترور ناهض حتر، آشوب در اردن رخ دهد؟

عملیات ترور ناهض حتر، نخستین بار در نوع خود محسوب می شود و هدف از آن، ساکت کردن این نویسنده اردنی و مصادره آزادی بیان وی بود. ترور وی ضربه ای در تمامی سطوح اردن و لکه سیاهی در طول تاریخ مملو از امنیت کشور محسوب می شود. بنابراین این اقدام نیازمند انجام فعالیت هایی امنیتی و تحقیقاتی عمیق در بُعد سیاسی و امنیتی است تا برای عدم تکرار چنین حوادثی و پیشگیری از ایجاد آشوب در کشور، سریعاً تدابیر لازم اتخاذ گردد.

فارین پالیسی گزارش داد؛

راه حل جنگ طلبان کنگره آمریکا برای بحران سوریه: ترور «بشار اسد»



یک نشریه آمریکایی با اشاره به تلاش جنگ طلبان حاضر در کنگره آمریکا (شاهین ها) برای روی آوردن به گزینه های نظامی شدید در قبال سوریه از پیشنهاد آنها برای ترور رئیس جمهوری این کشور خبر داد. فارین پالیسی در گزارش خود می نویسد: شاهین ها در کنگره مدت زیادی است که کاخ سفید را برای اتخاذ گزینه های تهاجمی تر در سوریه تحت فشار قرار داده اند.

کارشناسی که این سوال از وی مطرح شده بود «فیلیپ گوردون» هماهنگ کننده سابق خاورمیانه در کاخ سفید بود که این پیشنهاد را رد کرده و آن را غیرقانونی و بی تاثیر دانست. این موضوع از سوی سه نفر از حاضرین در این نشست تأیید شده است. گوردون در پاسخ به این پرسش گفت: این طرح بر خلاف قانون است و هیچ تفاوتی را ایجاد نمی کند زیرا روسیه هنوز در سوریه منافع دارد و ایران نیز در سوریه دارای منافع است. به نوشته فارین پالیسی، فردی که این پیشنهاد را مطرح کرده مشخص نیست و افرادی که شاهد رد و بدل شدن این اظهارات بوده اند حاضر به افشای نام وی نشده اند.

اقداماتی همچون از حمله موشکی با موشک های کروز به مناطق پرواز ممنوع گرفته تا راه های امداد رسانی. اما در یکی از جلسات محرمانه در کپیتال هیل که روز پنجشنبه برگزار شد یکی از کارمندان «داگ لامبورن» از اعضای جمهوریخواه کنگره یک گزینه مجزا و جسورانه را پیشنهاد داد. این فرد در ادامه صحبت های خود افزود: نظر شما درباره ترور رئیس جمهور سوریه چیست؟ به نوشته فارین پالیسی، این پیشنهاد در ابتدا تعجب حاضرین در جلسه ای که شامل ۷۵ نفر از کارکنان کپیتال هیل بود و به میزبانی شورای روابط خارجی برگزار شده بود را برانگیخت.

ماجرای اجویی سعودی و آثار اقتصادی آن / سایه سنگین «جاستا» بر سر سعودی

فرزاد فرهادی



با آن دست و پنجه نرم می کنند و سبب اقدامات ریاضت اقتصادی شده است ممکن است به پایان برسد اما اقتصاد عربستان هرگز همانند سابق نخواهد شد به ویژه که هزینه های نجومی و سرسام آور جنگ یمن وجود دارد. وی افزود: هر روز که می گذرد، خسارت های فراوانی بر سعودی ها وارد می شود. به نظر می رسد

رفتار سعودی ها در عرصه منطقه ای و بین المللی زبان های فراوانی به اقتصاد این رژیم وارد کرده و ریاض را به اقدامات شتابزده برای مقابله با کسری بودجه بی سابقه، وادار کرده است.

عربستان زمانی سرمرست از پترو دلارها سعی در پیشبرد سیاست های خود در منطقه و جهان داشت و گمان می برد که سرمایه های بادآورده نفتی تا ابد می تواند ابزاری در این زمینه باشد اما با مرور زمان اوضاع بر وفق مراد آل سعود پیش نرفت.

سعودی ها با توجه به افزایش قیمت نفت که در برهه ای صورت گرفت، خزانه ها را پر کردند و علاوه بر ایجاد مدارس و هابی در مناطق مختلف به نوعی برای از صحنه خارج کردن رقبای منطقه ای و کسب نفوذ بیشتر در مناطق مختلف اقداماتی انجام دادند.

تا زمانی که ملک عبدالله زنده بود این کشور با احتیاط بیشتری حرکت می کرد اما هنگامی که ملک سلمان به همراه پسرش محمد روی کار آمدند، ماجراجویی های عربستان به اوج رسید. دخالت ریاض در امور سوریه و عراق که در دوره زمامدار قبلی وجود داشت در این دوره هم با شدت بیشتر دنبال شد و ماجراجویی مستقیم نظامی علیه کشور همسایه فقیر یعنی یمن، نیز به آن افزوده شد.

این ماجراجویی هزینه گزافی را بر اقتصاد عربستان که عمدتاً بر نفت متکی است، وارد کرد. این در حالی بود که مقامات سعودی تلاش کردند که از سلاح نفت برای ضربه زدن به مسکو و تهران استفاده کنند و از این رو با جریانی همراه شدند که نتایج آن کاهش بهای نفت بود. این اقدام جاه طلبانه و از روی عناد سعودی ها در نهایت دامان خود سعودی ها را گرفت زیرا از سوی قیمت نفت ذخایر مالی عربستان را با کاهش روبرو کرد و از سوی هزینه های نظامی هم باری بر این اقتصاد متکی بر نفت بود.

اقتصاد عربستان کندترین روند رشد را ظرف سه سال گذشته پیدا کرده است.

بر اساس آمارهای منتشر شده، کندی رشد اقتصادی در عربستان از اوایل سال ۲۰۱۵ با شدت بیشتر دنبال شد و کاهش قیمت نفت به کاهش درآمدهای عربستان منجر شد و مقامات سعودی را به فکر سیاست های ریاضت اقتصادی انداخت.

اقتصاد عربستان به نظر می رسد که در سرانجام افتاده است. اقدامات ریاضت اقتصادی که با برداشتن سوبسیدها آغاز شده بود به حقوق وزیران و اعضای مجلس مشورتی عربستان کشیده شد و هنوز ادامه دارد. عربستان با وضع قوانین و مالیات ها و عوارض جدید همچنان به دنبال مهار نابسامانی های اقتصادی است. سعودی ها مالیات بر ارزش افزوده بر کالاها و خدمات اساسی و دیگر خدمات ارائه شده به شهروندان عربستانی کرده اند. عوارضی بر جاده ها وضع کرده اند.

احمد همام کارشناس اقتصادی در گفتگویی با اسپوتنیک اعلام کرد: بحران اقتصادی که سعودی ها هم اکنون

کند.

وی با اشاره به قانون جاستا گفت: برخی کشورهای پیشرفته مایل به سیطره بر ثروتهای عربستان هستند. جیسون توفی کارشناس ویژه اقتصادی امور خاورمیانه در لندن گفت: شواهد حاکی از کند شدن شدید بخش غیرنفتی عربستان است و این روند بیش از آنچه دولت عربستان اعلام می کند، است.

با توجه به اینکه مقامات آل سعود به دنبال پایین آوردن حقوق و مزایای کارکنان دولتی هستند؛ این روند درآمد بسیاری از سعودی ها را سخت تحت تاثیر قرار می دهد و بانکها را با مشکلات عدیده ای روبرو می کند.

سیاست های نابخردانه سعودی ها به ویژه در جنگ یمن هم اینک بیش از گذشته خود را نشان می دهد و همانند تازانه ای بر سر آل سعود فرود آمده است. همراه با شکست های گسترده نظامیان سعودی در مرز با یمن، تبعات جنگ افروزی به اقتصاد آن هم سرایت کرده است.

ریاض هزینه های زیادی را صرف خرید جنگ افزار برای به کار گیری آن علیه ملت یمن کرده و هزینه های بسیاری را نیز صرف تطمیع و خاموش کردن دیگران کرده و این علاوه بر موارد مالی است که به همپیمانان در ائتلاف ضد یمن می دهد.

قدر مسلم آن است که در برهه کنونی تصمیمات سیاسی اثر شگرفی بر اقتصاد دارد و از همین رو است که تصمیمات کنگره آمریکا و تصویب قانون جاستا ضد عربستان به شکل آنی و فوری بر اقتصاد عربستان تاثیر می گذارد.

محمد بن سلمان جانشین ولیعهد عربستان با تصمیمات نابخردانه خود در زمینه به راه انداختن جنگ یمن سبب شد که بودجه این کشور در برابر اراده ملت یمن به زانو درآید. همانطور که در جنگ نفتی با ایران بازنده شد و در سرنگونی نظام سوریه توفیقی به دست نیاورد.

در واقع مصوبه کنگره آمریکا به مثابه زلزله ای بود که پس لرزه های اولیه آن ریتال سعودی را نشان گرفت و در مراحل بعد تبعات بیشتری را به دنبال خواهد داشت. رفتار سعودی ها از نگاه بسیاری از تحلیلگران همانند رفتار کسی است که به پای خود تیر شلیک می کند. تیرهایی که سعودی ها به پای اقتصاد خود شلیک کردند عبارتند از کاهش قیمت نفت برای از صحنه خارج کردن ایران، جنگ یمن، دخالت در پرونده های منطقه ای و امضای قراردادهای جنون آمیز آل سعود. سیاست های ایران هراسی و دخالت های عربستان در منطقه، ریاض را به سوی سرنویشت نامعلومی سوق خواهد داد.

که مقامات سعودی دچار نوعی آشفتگی شده اند. آنها دست به اقدامات حساب نشده می زنند؛ زمانی حقوق و هزینه ها را پایین می آورند و زمان دیگر تهدید می کنند که برنامه های تأمین اجتماعی را کم می کنند. بهترین راه در این زمان حل مشکلات سیاسی و دست برداشتن از برخی پرونده ها به نفع طرفهای دیگر بین المللی است.

این کارشناس امور اقتصادی می افزاید: سعودی ها نباید در راهکارهای اقتصادی، محاسبات سیاسی را در کوتاه مدت و دراز مدت نادیده بگیرند. سعودی ها فقط در نبرد سیاسی نیستند بلکه بحرانهای سیاسی-نظامی است که هزینه ها را زیاد می کند و در نهایت عربستان باید به وام گیری از برخی طرفها روی آورد و واضح و مبهم است که وام دهندگان هم برای خود شروطی دارند.

احمد همام اعلام کرد: احتمالاً این بحران اقتصادی بر طرح زمانبندی شده مربوط به بومی سازی کارکنان و کارشناسان با توجه بر حقوق بالای کارکنان خارجی در این کشور، تاثیر گذار است.

سعودی ها پس از اینکه به کاهش یارانه سوخت و خدمات اساسی و بنزین، برق و آب روی آوردند؛ اقدام به وضع مالیتهای غیر مستقیم بر عربستانی ها مانند مالیات بر ارزش افزوده و عوارض معاملات و اسناد رسمی کردند و هفته قبل نیز حقوق و مزایای وزیران و اعضای مجلس مشورتی را کاهش دادند تا این سیاست ها ادامه دارد تا با کسری بودجه ۹۰ میلیارد دلاری در سال جاری و ۱۰۰ میلیارد دلاری در سال قبل، غلبه کنند.

در پنجشنبه گذشته ارزش ریتال سعودی در مقابل دلار در بازار معاملات پس از رای کنگره آمریکا به قانون جاستا به نفع خویشاوندان حوادث یازده سپتامبر با کاهش بی سابقه ای روبرو شد.

اخیراً بانک مرکزی عربستان بیش از بیست میلیارد دلار یعنی معادل ۵.۳ میلیارد دلار به بخش بانکی این کشور تزریق کرده است. این اقدام برای مقابله با کمبود نقدینگی در نظام بانکی عربستان صورت گرفت که به دنبال کاهش درآمدهای نفتی رخ داده است. این در حالی است که سالها نقدینگی به بانکهای عربستان سرازیر می شد و در ماه ژوئن گذشته اوضاع در مقایسه با مدت مشابه همان ماه در سال گذشته کاهش ۳.۳ درصدی را تجربه کرد.

احمد الجبیر تحلیلگر سعودی عملاً اذعان کرد که اوضاع کنونی عربستان از نظر اقتصادی به نحوی است که همسویی و همکاری شهروندان با دولت را طلب می

نماینده پارلمان سوریه مطرح کرد:

راهکار دولت سوریه در حلب / مصالحه و ایجاد گذرگاه‌های امن

سمیه خماری باقی

همچنین خواستار آشتی ملی در حلب شده است و برای خروج ساکنان حلب از این شهر، امنیت گذرگاه‌ها را تامین و مناطق امنی را برای عبور مردم ایجاد کرده است و مردم حلب از مناطق شرقی این شهر به سوی اماکن امن در حال انتقال هستند.

وی افزود: دولت سوریه در چارچوب آشتی ملی در حلب از گروه‌های مسلح در این شهر خواسته است که سلاح‌های خود را واگذار کنند و به مناطق دیگری همچون ادلب بروند با این اطمینان که دولت سوریه آمادگی دارد با این افراد وارد گفتگو و مصالحه شود چرا که آغوش سوریه به سوی تمامی کسانی که فریب خورده‌اند باز است. ما خواهان صلح هستیم و برای آن تلاش می‌کنیم و می‌خواهیم در سوریه و تمامی جهات صلح برقرار شود و این همان چیزی است که همه ادیان به آن توصیه می‌کنند.

نهی جانان درباره سفر اخیر خود به ایران و دیدار با مقامات ایرانی نیز گفت: ایران از ابتدای بحران سوریه تاکنون فهم عمیقی از آنچه در سوریه رخ می‌داد، داشت لذا به عنوان یک کشور دوست و برادر با تمام توان خود به حمایت از دولت سوریه پرداخته است. دیدار با مقامات ایرانی در سفر اخیر نیز در این راستا انجام گرفت و بر ضرورت همکاری دوستانه و برادرانه در تمامی زمینه‌ها تاکید شد. من به نمایندگی از مردم و دولت سوریه از ملت و رهبری ایران در حمایت سیاسی، نظامی و اقتصادی از سوریه در شرایطی که این کشور در معرض تروریسم قرار دارد، تشکر می‌کنم.



حلب در تصرف تروریست‌ها و نیمی دیگر در کنترل ارتش سوریه قرار دارد لذا در چنین شرایطی کمک‌رسانی به مردم با سختی‌هایی همراه است. گروه‌های تروریستی با حمایت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی خود به تخریب هر چه بیشتر زیرساخت‌های حلب و محاصره این شهر و ساکنان آن می‌پردازند و روند کمک‌رسانی به مردم حلب را به چالش کشیده‌اند.

نماینده پارلمان سوریه خاطرنشان کرد: دولت سوریه با وجود این شرایط از هیچ کوششی برای کمک‌رسانی به مناطق مختلف حلب دریغ نمی‌کند و برای تحقق این مهم به ایجاد راه‌های جایگزین برای کمک‌رسانی به مناطق آسیب‌دیده حلب روی آورده است. دولت سوریه

نماینده پارلمان سوریه ضمن تشریح اوضاع میدانی حلب به تلاش‌های انجام شده دولت در این شهر برای بهبود اوضاع حلب اشاره کرد.

«نهی جانان» نماینده پارلمان سوریه و ساکن شهر حلب اخیراً سفری به ایران داشت که در جریان آن گفتگویی را با وی انجام دادیم. وی درباره مذاکرات حل بحران سوریه در دوره‌های مختلف گفت: دولت سوریه در حل بحران این کشور بسیار جدی است و به دنبال راهکاری است که مبتنی بر خواست ملت سوریه و آرمان‌های ملی آن و حفظ حاکمیت و وحدت اراضی کشور باشد. از همین رو در مذاکراتی که تاکنون برگزار شده است این مهم را در نظر داشته و حسن نیت خود را ثابت کرده است اما طرف دیگر یعنی [مخالفان سوریه تحت حمایت ریاض] تمامی تلاش‌های انجام شده برای حل بحران سوریه را با دشواری مواجه کرده است و این گروه‌ها در راستای طولانی کردن بحران و تخریب هر چه بیشتر سوریه کام برمی‌دارند، این اقدامات نیر همگی با هدف خدمت به توطئه‌های رژیم صهیونیستی و آمریکا در منطقه صورت می‌گیرد.

جانان درباره اوضاع میدانی حلب گفت: شهر حلب همچنان شاهد درگیری شدید میان تروریست‌ها و نیروهای ارتش سوریه است و مردم این شهر علیرغم اینکه در شرایط دشواری بسر می‌برند اما همچنان با وجود نبود آب، برق و خدمات مورد نیاز همچنان به مقاومت ادامه می‌دهند. در حال حاضر نیمی از شهر

طرح جدید کمیته ۴ جانبه؛ کاتالیزوری برای سازش عربی

محمد محسن فایضی

به میان آمده است. ایجاد دولت فلسطینی بدون سلاح، یک امتیاز بزرگ برای صهیونیست‌ها محسوب می‌شود. همچنین در طرح فرانسه به‌صراحت سخن از پذیرش اسرائیل به‌عنوان یک کشور یهودی، تأمین نیازهای امنیتی، تدوین معیارهایی توسط هر دو

طرح صلح فرانسه در بهمن‌ماه سال گذشته از سوی فایوس وزیر خارجه سابق فرانسه به‌طور رسمی مطرح شد. طرح صلح فرانسه تفاوت‌هایی با طرح صلح عربی دارد. در طرح فرانسه به‌صراحت سخن از «احترام به حاکمیت کشور فلسطینی عاری از سلاح»

بررسی طرح کمیته ۴ جانبه نشان می‌دهد این طرح سه مرحله از جمله به پایان رساندن پرونده جنبش فتح، تشکیل حاکمیت و سلاح مشترک در کرانه باختری و غزه و سپردن طرح سازش به کشورهای عربی را دنبال می‌کند.

بررسی طرح جدید کمیته ۴ جانبه نشان می‌دهد این طرح سه مرحله را دنبال می‌نماید. مرحله نخست شامل به پایان رساندن پرونده جنبش فتح و جایگزین کردن مهره‌ای جدید به جای محمود عباس است. مرحله دوم شامل تشکیل حاکمیت و سلاح مشترک در کرانه باختری و غزه است که نشان دهنده خلع سلاح مقاومت است. مرحله سوم سپردن طرح سازش به کشورهای عربی و حذف مخالفان سازش است.

طرح‌های مطرح شده در یک سال گذشته برای حل مسئله فلسطین

سالی که گذشت را می‌توان سال «طرح‌های صلح» برای مسئله فلسطین دانست. طرح صلح فرانسه، طرح صلح سیسی و طرح صلح کمیته چهارجانبه بین‌المللی را می‌توان مهم‌ترین آنان دانست.



۲- حکومت و سلاح قانونی یکسان در سراسر فلسطین

در این طرح پس از گذر از حل مشکلات جنبش فتح و تشکیلات خودگردان، به موضوع وحدت ملی تحت عنوان حاکمیت و سلاح یکسان در سراسر کرانه باختری و نوار غزه پرداخته شده است. وحدت میان تشکیلات و حماس موضوعی است که همواره به آن پرداخته شده است اما این طرح با مطرح کردن «سلاح قانونی» به خوبی فاش می‌سازد که منظور از وحدت ملی نه تنها وحدت سیاسی و همکاری در اداره امور دولتی است بلکه منظور وحدتی است که باید منجر به یک نیروی مسلح یکسان منجر شود. این طرح غیرمستقیم سخن از خلع سلاح حماس به بهانه وحدت ملی پرداخته است.

۳- اتحادیه عرب: مجری سازش و تصمیم گیر در سرکوب مقاومت

یکی از بندهای طرح به صراحت سخن از طرح صلح عربی و نظارت اتحادیه عرب بر وحدت ملی سخن به میان آمده است؛ اما آنچه بسیار جالب است آن است که این طرح پیش بینی تحقق نیافتن وحدت ملی را به دلیل مقاومت گروه‌های مقاومت در فلسطین و غزه در مقابل طرح سازش عربی و خلع سلاح را نموده است.

در این طرح به صراحت آمده است در صورتی که فلسطینی‌ها به توافق آشتی ملی دست نیابند، اتحادیه عرب برای اعمال آنچه به نفع و مصلحت مردم فلسطین است، دست به کار می‌شود و مداخله می‌کند و در صورتی که فلسطینی‌ها به دودستگی ادامه دهند، برخی از کشورهای عربی برای نوع تعامل با این موضوع در دستور کار قرار دادن گزینه‌های دیگر را بررسی خواهند کرد. این دو بخش از طرح نشان می‌دهد که آمریکا، روسیه، اتحادیه اروپا و سازمان ملل به دنبال آن هستند که گروه‌های مقاومت در غزه بالاخص حماس و جهاد اسلامی را از معادلات فلسطین حذف نمایند و سازش میان فلسطین و اسرائیل از سوی اتحادیه عرب و تشکیلات خودگردان مدیریت گردد. نکته جالب این است که در بخشی از طرح آمده است اگر وحدت ملی رخ ندهد گزینه‌های پیش رو را اتحادیه عرب اعمال خواهد نمود. این نشان می‌دهد که این طرح به دنبال افزایش نفوذ اتحادیه عرب و کشورهای مصر و سعودی در مسئله فلسطین است. ضمن آنکه این طرح افزایش فشار بر روی حماس را در قالب اتحادیه عرب و مقصر نشان دادن حماس در عدم وحدت ملی را پی‌ریزی می‌نماید.

نتیجه‌گیری

بررسی طرح جدید کمیته ۴ جانبه نشان می‌دهد این طرح سه مرحله را دنبال می‌نماید. مرحله نخست، به پایان رساندن پرونده جنبش فتح و جایگزین کردن مهره‌های جدید به جای محمود عباس است، مرحله دوم شامل تشکیل حاکمیت و سلاح مشترک در کرانه باختری و غزه است که نشان دهنده خلع سلاح مقاومت است. مرحله سوم سپردن طرح سازش به کشورهای عربی و حذف مخالفان سازش است.

محورهای این توافق تشکیل می‌گردد. - در صورتی که فلسطینی‌ها به توافق آشتی ملی دست نیابند، اتحادیه عرب برای اعمال آنچه به نفع و مصلحت مردم فلسطین است، دست به کار می‌شود و مداخله می‌کند.

- وحدت فلسطینی‌ها موجب خواهد شد که طرح صلح عربی مجدداً مطرح گردد. همچنین وحدت فلسطینی‌ها در دعوت از جامعه بین‌المللی برای فشار وارد کردن به اسرائیل تأثیر دارد.

- در صورتی که فلسطینی‌ها به دودستگی ادامه دهند، برخی از کشورهای عربی برای نوع تعامل با این موضوع در دستور کار قرار دادن گزینه‌های دیگر را بررسی خواهند کرد.

- قوانین از طریق برگزاری انتخابات عمومی قانون گذاری، ریاست جمهوری و شورای ملی تجدید شوند.

- از سرگیری طرح عربی بدون اعمال هیچ اصلاحی و دعوت از جامعه بین‌المللی برای حمایت از آن.

- در پیش گرفتن اقدامات عملیاتی و فراهم کردن حمایت لازم از قدس و ساکنان آن به همراه مقابله با یهودی‌سازی قدس.

واکاوی برخی بندهای طرح جدید

۱- به پایان رساندن پرونده جنبش فتح

بند اولیه و مهم این طرح را می‌توان شروع سازش در پازل حل مشکلات جنبش فتح دانست. شروع دوباره نهادهای تشکیلات خودگردان با حضور و مذاکره میان تمام گروه‌های تشکیلات به‌عنوان یک اتفافی پیش از وحدت ملی و سازش در این طرح مطرح شده است. امروزه یکی از موضوعاتی که بسیار در رسانه‌ها مطرح شده است تلاش برخی کشورهای عربی برای کنار گذاشتن محمود عباس ۸۰ ساله و جایگزین کردن اشخاصی چون محمد دحلان به جای اوست. موضوعی که در بندهای طرح جدید کمیته ۴ جانبه به‌طور ظریفی به آن اشاره شده است. السفیر در گزارشی به چرایی مطرح بودن دحلان برای رهبری تشکیلات خودگردان پرداخته است. در این گزارش آمده است: رتوبین بارکو شرق شناس صهیونیست مدعی شده است برخی کشورهای عربی از جمله عربستان، اردن و مصر در حال مدیریت آشتی در جنبش فتح هستند تا بتوانند با آتشی میان دحلان و عباس، محمود دحلان را به ریاست تشکیلات خودگردان برسانند. همچنین روزنامه «اسرائیل الیوم» و «عاموس هارثیل» تحلیلگر نظامی روزنامه هارتنس فاش نمودند که دحلان از دوستان نزدیک اویگدور لیبرمن وزیر جنگ امروز اسرائیل است. السفیر در ادامه گزارش خود آورده است که معاون وزیر خارجه اسرائیل گفته است که از ابتدای سال کنونی میلادی انتظار دارد دحلان رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین شود زیرا کانال خوبی برای تماس با اسرائیل دارد و فردی عملگرا و هوشمند است.

مجموعه اظهارات مطرح شده در رسانه‌های عربی و عبری نشان می‌دهد که بندهای طرح شده در خصوص آشتی فتح و گفتگوی میان گروه‌های تشکیلات در پازل انتقال قدرت از محمود عباس به شخص دیگری مانند دحلان است.

طرف برای تضمین امنیت رژیم صهیونیستی و مبارزه با تروریسم (مقاومت) مطرح شده است. پذیرش «اسرائیل» با هویت یهودی در کنار اتخاذ تدابیر امنیتی و سرکوب مقاومت غزه از دیگر امتیازات این طرح برای صهیونیست‌ها است. نشست نخست این طرح در حالی در نیمه خرداد امسال برگزار شد که با مخالفت شدید رژیم صهیونیستی همراه بود؛ زیرا نتانیاهو معتقد بود برای صلح باید میان فلسطینیان و این رژیم گفتگوی مستقیم انجام گیرد.

طرح صلح سیاسی یکی دیگر از طرح‌های مطرح شده است، طرحی که نتانیاهو علناً در اظهارنظری در تماس تلفنی خود با جان کری درباره آن گفت: «طرح عبدالفتاح سیسی رئیس‌جمهور مصر را به طرح فرانسه ترجیح می‌دهم. به عقیده من مشارکت دادن کشورهایی که از منطقه فاصله دارند (طرح فرانسه)، در روند صلح بی‌فایده است بلکه بایستی کشورهای منطقه در این امر مشارکت داشته باشند و من به روند صلحی تمایل دارم که طی آن کشورهای منطقه برای پیشبرد روند عادی سازی روابط با اسرائیل و مذاکرات بین اسرائیل و فلسطینیان اقدام کنند.» برخی سایت‌های عربی طی گزارش‌هایی طرح پیشنهادی سیسی به تل‌آویو را بسیار متفاوت از طرح صلح عربی می‌دانند. بر اساس طرح سیسی برای حل دو موضوع اختلافی یعنی کرانه باختری و بازگشت آوارگان راه حل‌های عجیبی پیشنهاد شده است. بر اساس این تمام طرح کرانه باختری بخشی از کشور فلسطین نخواهد بود و دولت فلسطینی شامل بخشی از صحرای سینا، صحرای نقب و نوار غزه خواهد بود. همچنین بخش‌هایی از کرانه باختری (به‌جز شهر کها) در قالب یک دولت خودمختار در اختیار فلسطینیان خواهد بود.

طرح جدید کمیته ۴ جانبه

کمیته ۴ جانبه از آمریکا، روسیه و نمایندگان اتحادیه اروپا و سازمان ملل تشکیل شده است. این کمیته در سال ۲۰۰۲ با اوج‌گیری انتفاضه دوم به‌منظور ایجاد توافق سازش میان فلسطینیان و اسرائیل تشکیل شد. این کمیته از سال ۲۰۰۲ تاکنون به دلیل وجود قدرت‌های مختلف و منافع گوناگون و عدم توجه رژیم صهیونیستی به بیانیه‌ها و قطعنامه‌های این کمیته به موفقیتی دست نیافته است.

کمیته ۴ جانبه در ماه گذشته طرحی جدید ارائه نمود که مورد توجه رسانه‌های منطقه‌ای قرار گرفت. در راستای این طرح جان کری با محمود عباس دیدار نمود و در خصوص این کمیته گفتگو نمودند. برخی از بندهای طرح کمیته چهارجانبه عبارت‌اند از:

- پس از مشورت با تمامی گروه‌های سازمان آزادی‌بخش و اعضای آن، نهادهای مربوط به این سازمان مجدداً شروع به کار کنند.

- پس از پایان رساندن پرونده جنبش فتح، مذاکره با گروه‌های فلسطینی و دعوت از آن‌ها برای برگزاری نشست دائمی در قاهره پایتخت مصر در دستور کار قرار می‌گیرد.

- توافق آشتی برای این است که کرانه باختری و نوار غزه تحت کنترل حکومتی یکسان و سلاح قانونی یکسانی باشند.

- کمیته‌ای عربی برای نظارت بر روند اجرای توافق آشتی و الزام تمامی طرف‌ها برای پایبندی به

سرنوشت قذافی و صدام در انتظار آل سعود است

وی در ادامه در تشریح سیاست خارجی عربستان گفت: حکومت عربستان سعودی از جمله حکومت‌های ایدئولوژیک و هویتی است که تحت تاثیر تفکرات محمد ابن عبدالوهاب است؛ تفکراتی که تاثیرات جدی در لایه‌های سیاسی این کشور از جمله سیاست خارجی آن داشته است.

عضو گروه مطالعات خلیج فارس در ادامه افزود: حکومت سعودی بر اساس آموزه‌های وهابیت دو اصل را در سیاست خارجی خود بطور همزمان دنبال می‌کند یکی رهبری جهان اسلام و دیگری نزدیکی و همراهی با سیاست‌های غرب و آمریکا در منطقه.

به گفته وی عربستان برای تحقق اهداف سیاست خارجی خود همزمان با تلاش برای نفوذ در کشورهای اسلامی با اتخاذ سیاست‌های متعادل در برابر غرب همواره سعی کرده تا علاوه بر تعدیل سیاست‌های رادیکال جهان عرب در قبال غرب به نفوذ فرقه وهابیت مشروعیت نیز بخشد.

وی همچنین تلاش‌های عربستان برای مقابله با جهان تشیع به رهبری ایران به ویژه بعد از بهار عربی را ناشی از آموزه‌های ضد شیعی وهابیت دانسته گفت: عربستان برای مقابله با نفوذ ایران و ایجاد نوعی توازن قوا با ایران در سال‌های اخیر به مصالحه با آمریکا و رژیم سرانیل روی آورده است.

وی با اشاره به همکاری و سرمایه‌گذاری مشترک آمریکا و غرب و عربستان در ایجاد و حمایت از گروه‌های افراطی در ۵۰ سال گذشته، گفت: دو طرف چه در گذشته و چه در زمان حال و آینده منافع مشترکی داشته و دارند که از این گروه‌ها به عنوان ابزاری برای پیشبرد اهداف خود استفاده کرده و می‌کنند و خواهند کرد. بطوریکه در گذشته از این جریان‌ها برای مقابله با نفوذ اتحاد جماهیر شوروی سابق در افغانستان و دیگر کشورهای منطقه استفاده کرده‌اند و بعد از انقلاب اسلامی هم هدف مشترک آنها مقابله با نفوذ جمهوری اسلامی ایران بوده و هنوز ادامه دارد و همچنین انتظار می‌رود در آینده عربستان و غرب تلاش کنند با گسترش این گروه‌ها در آسیای میانه و منطقه قفقاز از این گروه‌ها به عنوان ابزاری برای مهار روسیه و چین نیز استفاده کنند.



پاکستان) و داعش و جبهه النصره و... را بررسی کرد. وی در پایان سخنان خود تاکید کرد که عربستان با ایجاد وضعیت درگیری و نزاع در منطقه و تغذیه فکری و مالی از گروه‌های تروریستی سعی در القای این موضوع دارد که هژمون منطقه است و در پی ایجاد تنش و درگیری برای مقابله با نفوذ ایران در منطقه خاورمیانه و آفریقا است اما خود با استفاده از ریسمان پوسیده ایالات متحده در جنگ‌های نیابتی وارد شده و چهره اسلام واقعی را مخدوش کرده است.

وی در پایان یادآور شد: رهبران عربستان سعودی باید دست از ماجراجویی منطقه‌ای بردارند و گزینه به سرنوشت قذافی و صدام حسین دچار خواهند شد. پیمان یزدانی نیز در ادامه این نشست گفت: پرداختن به موضوع نقش وهابیت در سیاست خارجی عربستان سعودی قاعدتا باید بر اساس رویکرد سازه‌انگاری (constructivism) که در آن هویت و ارزش‌ها بر سیاست خارجی تاثیر گذار هستند مورد بررسی قرار گیرد.

نشست «نقش وهابیت در پیشبرد سیاست خارجی عربستان» به همت گروه مطالعات خلیج فارس پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه با حضور «علیرضا محمدی نیگجه» پژوهشگر میهمان مرکز و «پیمان یزدانی» عضو گروه مطالعات خلیج فارس در محل این مرکز برگزار شد.

علیرضا محمدی نیگجه در این نشست به بررسی «نقش وهابیت در پیشبرد سیاست خارجی عربستان سعودی» پرداخت و پس از بررسی وضعیت منطقه خاورمیانه، وضعیت جنگ سرد جدید خاورمیانه را مورد بررسی قرار داد. در ادامه ایشان با ذکر دلایلی چند به قدرت‌طلبی و ماجراجویی عربستان در منطقه اشاره کرد. وی با بررسی سیاست خارجی عربستان و تغییر و تحول آن بعد از تحولات عربی پرداخت و بطور خلاصه چهار مولفه را مورد بررسی قرار داد: ۱- موازنه قدرت؛ ۲- رهبری جهان اسلام و عرب؛ ۳- حفظ حکومت‌های غیر مردمی و غیرمنتخب عرب در خاورمیانه و شمال آفریقا؛ ۴- صدور وهابیت در جهان اسلام.

محمدی نیگجه پس از بررسی مراکز علمی و دانشگاهی که برای گسترش وهابیت در منطقه و جهان فعال هستند گفت: عربستان سعودی با صرف هزینه‌های گزاف و ایجاد دانشگاه‌های مختلف و مراکز دینی و دادن بورسیه‌های مختلف به جوانان عمدتاً فقیر کشورهای منطقه و شمال آفریقا سعی در گسترش آیین وهابیت دارد تا از این طریق بتواند نفوذ خود را بصورت سیستماتیک اعمال کرده و بتواند مقابل رقیب قدرتمند خود جمهوری اسلامی ایران بایستد.

این کارشناس مسایل خاورمیانه از صرف هزینه‌های بسیار عربستان سعودی در ایجاد گروه‌های تندرو وهابی سلفی تکفیری در سراسر جهان بخصوص خاورمیانه و شمال آفریقا خبر داد و در ادامه به بررسی گروه‌های تکفیری وهابی که توسط عربستان سعودی ایجاد و حمایت مالی و فکری می‌شوند اشاره کرده و فرایند ایجاد و حمایت عربستان از این گروه‌ها را در آفریقا (بوکو حرام) در آسیای میانه، طالبان (افغانستان و



نماینده پارلمان سوریه:

«دی میستورا» صادق نیست / اوضاع میدانی سوریه به نفع ارتش است

سمیه خماریاکی

نیست و نیازهای ساکنان این مناطق بسیار زیاد است.

نماینده پارلمان سوریه ضمن تشریح آخرین وضعیت کمک رسانی به مناطق مختلف این کشور اعلام کرد که نماینده سازمان ملل برای حل بحران سوریه صادق نیست و همه چیز را به بازی می گیرد.

حسین راغب الحسین نماینده پارلمان و معاون رئیس کمیته آشتی ملی سوریه اخیراً به همراه هیئتی از نمایندگان پارلمان این کشور به ایران سفر کرد. در جریان این سفر گفتگویی را با وی انجام شده که مشروح آن به شرح زیر است:

|| اوضاع میدانی سوریه در حال حاضر چگونه است؟

اوضاع میدانی سوریه در حال حاضر به نفع ارتش سوریه است و نیروهای سوریه در عرصه نبرد با گروه های تروریستی در مناطق مختلف سوریه به ویژه در حلب و حومه آن موفقیت های بزرگی کسب کرده اند، این پیروزی ها با یاری هم پیمانان ما در ایران و حزب الله و با مشارکت روسیه در حلب، لاذقیه، حماه و دیگر مناطق سوریه رخ می دهد. این بیانگر این است که دولت سوریه مصمم به بیرون راندن تروریست ها از سوریه و سپس مشارکت تمامی طرف ها در روند سیاسی کشور پس از برقراری کامل امنیت در سوریه است.

|| حلب و کمک رسانی به مناطق مختلف سوریه در چه وضعیتی قرار دارد و چه موانعی در این زمینه وجود دارد؟

دولت سوریه در کمک رسانی به مناطق مختلف کشور از جمله حلب جدیت کافی را دارد اما باید گفت که گروه های مسلح و تروریستی مورد حمایت ترکیه، قطر و عربستان سعودی بر سر راه کمک رسانی به مناطق آسیب دیده و تحت محاصره خود اخلال ایجاد می کنند. به عنوان مثال، دولت سوریه اخیراً کمک هایی را به دارپا ارسال کرده است و حتی این کمک ها شامل خانواده های افراد مسلح و تروریست هایی که سلاح خود را به زمین بگذارند، می شود چرا که آغوش ملت سوریه به سوی این افراد باز است.

بر سر راه کمک رسانی به مناطق مختلف سوریه موانعی وجود دارد که این موانع از سوی گروه های مسلح و تروریستی ایجاد می شود، در مناطق تحت محاصره تروریست ها مثل دیرالزور، الفوعه و کفریا از تاریخ ۲۰۱۶/۴/۳۰ تاکنون کمکی ارسال نشده است و این مناطق ۲۰ هزار شهروند غیر نظامی از جمله زنان، کودکان و افراد مسن و بیمار را در خود جای داده است. همچنین ۶۰۰ زخمی در این شهرها وجود دارد که از بسیاری از بیماری های واگیردار و مزمن رنج می برند. کفریا و الفوعه ۵۵ کیلومتر از مناطق تحت کنترل دولت سوریه دور هستند لذا ما با دشواری در ارسال کمک ها به این مناطق مواجه هستیم، دولت سوریه از طریق هوایی اقدام به توزیع مواد غذایی و دارویی به دیرالزور، الفوعه و کفریا می کند اما در حقیقت این روش کافی



پای صندوق های رای رفتند و به بشار اسد رای دادند و با رای خود اعلام کردند که ما می خواهیم به کشورمان بازگردیم و حکومت به دست بشار اسد اداره شود.

|| چرا این مذاکرات تاکنون نتیجه بخش نبوده است؟

زیرا مخالفان سوریه خارج نشین، مخالفان وابسته به آمریکا و رژیم صهیونیستی اولاً پایگاهی در سوریه ندارند دوماً این عنوان درباره کسانی که کار گرفته می شود که ارزشی ندارند و سوماً این افراد مزدوران توطئه های رژیم صهیونیستی در منطقه هستند. مخالفان خارج نشین تنها به دنبال کشتار مردم سوریه و تجزیه این کشور هستند اما دولت سوریه خواهان برقراری امنیت و ثبات است به همین دلیل است که مذاکرات سوریه با وجود چنین مخالفانی به سرانجام نمی رسد.

مخالفان سوریه خارج نشین دارای محبوبیت و پایگاه مردمی نیستند بلکه در ورای آنها حامیان منطقه ای و بین المللی قرار دارد که خواهان امنیت و ثبات در سوریه نیستند از همین رو مذاکرات حل بحران سوریه موفقیت آمیز نیست. همچنین در مواضع مخالفان سوریه خارج نشین و حامیانشان دوگانگی وجود دارد، برخی از آنها در جایی می گویند سوریه درگیر انقلاب است و برخی دیگر اعتقاد دارند سوریه دچار جنگ داخلی شده است. ما می گوئیم چنین سخنانی اشتباه است و سوریه شاهد جنگ داخلی نیست بلکه در نبرد با گروه های تروریستی و مسلح است. ما اخیراً شاهد بودیم تروریست ها ۴۰ شهروند سوریه را همچون گوسفند ذبح کردند در چنین شرایطی سازمان های حقوق بشری کجا هستند؟ «استفان دی میستورا» نماینده سازمان ملل برای حل بحران سوریه کجا هست؟

حتی استفان دی میستورا نیز صادق نیست و همه چیز را به بازی گرفته است. وی در راستای خدمت به پروژه ای خاص فعالیت می کند لذا در چنین شرایطی بحران سوریه تنها از طریق پاکسازی کامل کشور از تروریست ها و مزدوران قاتل صورت می گیرد.

|| موضع ترکیه در قبال سوریه قبل و بعد از کودتای نافرجام این کشور را چگونه ارزیابی می کنید؟

ما شنیده ایم که موضع ترکیه پس از کودتای نافرجام این کشور تغییر کرده است اما تاکنون تغییری را حس نکرده ایم. حتی این تغییر موضع را از دوستان ایرانی خود نیز شنیده ایم اما ما شاهد تغییر واقعی ترکیه نبوده ایم و مرزهای این کشور همچنان باز است و تروریست ها به سوریه اعزام می شوند و همچنان اراضی سوریه توسط ترکیه نقض می شود لذا ما به «رجب طیب اردوغان» و کابینه وی اطمینانی نداریم.

|| آتش بس مورد توافق آمریکا و روسیه که اخیراً در سوریه به اجرا گذاشتند تا چه گونه ارزیابی می کنید؟

در واقع دولت سوریه با هر گونه راهکار سیاسی برای حل بحران این کشور و هر نوع راهکاری که مانع از کشتار شهروندان سوریه شود موافق است اما گروه های مسلح به ویژه گروه های تحت حمایت عربستان سعودی و قطر به این آتش بس پایبند نیستند. به عنوان مثال در روز نخست برقراری آتش بس در الفوعه و کفریا ۱۷ بار آتش بس توسط تروریست ها نقض شد. این نقض آتش بس در حومه حلب و دمشق نیز وجود داشت. گروه های مسلح و حامیان آنها خواهان برقراری آرامش در سوریه و تداوم آتش بس نیستند و هدف آنها تجزیه این کشور است اما به حول و قوه الهی و با حمایت هم پیمانان سوریه این اتفاق رخ نخواهد داد.

|| وزیر خارجه روسیه اعلام کرده است که آمریکایی ها از ارتش سوریه بابت حمله به مواضع ارتش سوریه در دیرالزور عذر خواهی کرده اند، هر چند این عذر خواهی غیر مستقیم صورت گرفته است آیا می توان از آن پیامی دریافت کرد؟

«بشینه شعبان» مشاور اطلاع رسانی بشار اسد در این رابطه اعلام کرده است که عذر خواهی آمریکا به طور رسمی به دست ما نرسیده است و تا زمانی که رسماً این اتفاق نیفتد ما آن را به رسمیت نخواهیم شناخت. ما به عذر خواهی نیاز نداریم بلکه می خواهیم آمریکایی ها در عملکرد خود در قبال سوریه صادق و بی طرف باشند. ما می خواهیم آمریکا فراق تروریست و دولت سوریه را بداند. دولت سوریه حامی ملت و سرزمین خود است و حال آنکه تروریست ها، کودکان و شهروندان بیگناه سوریه را قتل عام می کنند. واشنگتن از تروریسم حمایت می کند و ما چیزی را که از این کشور می خواهیم توقف حمایت از گروه های تروریستی است نه عذر خواهی شفاهی.

|| راه حل واقعی بحران سوریه پس از گذشت بیش از ۵ سال را در چه می دانید؟

راه حل بحران سوریه واضح و آشکار است، عربستان سعودی، قطر و ترکیه باید حمایت خود را از تروریست ها متوقف کنند. ملت سوریه خود به تنهایی می تواند مشکلاتش را حل و فصل کند. گفتگوهای ملی بهترین راه حل بحران سوریه است گفتگوهایی که تمامی طیف های سوریه در آن مشارکت داشته باشند. شهروندان سوریه نمی خواهند کسی از خارج بر آنها حکومت کند، آنها از طریق صندوق های رای و انتخاباتی که تحت نظارت روسیه، ایران، ونزوئلا و دیگر کشورهای جهان برگزار شد، بشار اسد را به عنوان رئیس جمهور انتخاب کردند. این انتخابات در بیروت نیز برگزار شد، جایی که سوریه در آن سلطه ندارد اما حتی در بیروت نیز آوارگان سوریه به

دیانا محمود

کارشناس نظامی سوریه:

واکنش رزمندگان یمن به جنایت صنعا ناگهانی و متنوع خواهد بود

های خود در حمایت از ائتلاف، در صدد حفظ آبروی خود است.

وی در همین زمینه تاکید کرد: این دیدگاه و اعتقاد، متزلزل و غیرحتمی است. آمریکا در قبال رعایت حقوق بشر حریص نیست و باید این تجاوز را متوقف کند. زیرا عدم این کار برای آن پیامدهای جهانی دارد که موجب فراهم شدن زمینه برای گسترش تروریسم خواهد شد. جنایت صنعا افکار عمومی را در سطح جهان تغییر خواهد داد و مردم به ویژه مردم آمریکا بر دولت های خود فشار وارد خواهند کرد. همچنین زشتی و قبح سیاست آمریکا و غرب برای افکار عمومی آشکار می گردد. جهانیان، سیاست تک قطبی را نمی پذیرند. آنچه که امروز در جهان مشاهده می شود، مقاومت کشورهای متحد در محور مقاومت در برابر رژیم های امپریالیستی است که به استفاده از دیگران در راستای منافع خود تمایل دارند اما دوره کنونی تغییر می کند.

علی مقصود در پایان در خصوص واکنش یمنی ها به تجاوزات سعودی ها نیز بیان داشت: طبق گفته های فرماندهان ارتش و کمیته های مردمی یمن، واکنش یمنی ها ناگهانی است و رضایت شهروندان یمنی را در پی خواهد داشت. سعودی ها نیز در این مرحله توان تحمل این واکنش ها را ندارند. امکان حملات به مناطق حیاتی و تاسیسات راهبردی نیز وجود دارد. چندین گزینه در این خصوص وجود دارد که از سوی یمنی ها بررسی می شود و آنها با شناختی که از منطقه دارند، به خوبی راه های پاسخ دادن به این جنایت بزرگ را در اختیار دارند. در هر صورت واکنش و پاسخ نیروهای یمنی، آتش برافروخته در سینه یمنی ها را خاموش خواهد کرد.



ندارد. این در حالی است که در جبهه مقابل سعودی ها، مومنینی وجود دارند که در برابر تروریسم ایستاده و از کشور و حششان دفاع می کنند و این راه پایانی جز پیروزی ندارد.

علی مقصود در ادامه گفت: هدف قرار دادن شخصیتی خاص در حملات به مراسم ختم در صنعا موضوعیت ندارد؛ زیرا تفاوتی میان اشخاص وجود ندارد. در میان افراد حاضر در این مراسم شخصیت هایی از کمیته های مقاومت مردمی به ویژه برخی از علما به همراه برخی فرماندهان نظامی وجود داشتند.

پژوهشگر نظامی سوری در خصوص تجدیدنظر آمریکا در خصوص حمایت از ائتلاف متجاوز سعودی نیز تصریح کرد: این گونه اظهارات از سوی مقامات آمریکایی فقط برای سرپوش گذاشتن بر حمایت واشنگتن از این ائتلاف و غرق شدنش در این باتلاق به دلیل حمایت از تروریسم و تکفیری ها است. در حقیقت آمریکا با ادعای تجدیدنظر در سیاست

وی در ادامه تصریح کرد: این جنایت سعودی ها در سطح بین المللی پیامدهایی دارد و تلاش متجاوزان برای گسترش رعب، تسلیم و شکست اراده مردم یمن و کمیته های مردمی و ارتش این کشور ناکام ماند. به کارگیری تمامی ابزارها، سازوکارها و جنایت علیه مردم یمن نیز موجب شکست مردم یمن نشد. هدف جنایتکارانه که در صدد شکست مقاومت مردم یمن است به سلاخی تبدیل خواهد شد که به همراه خشم یمنی ها موجب نابودی ارکان سعودی ها و متحدان آن خواهد شد.

تحلیلگر سوری در همین راستا بیان داشت: افکار عمومی به قدرتی تبدیل خواهد شد که موجب تحکیم مقاومت و پایداری یمنی ها می شود و حاکمیت سعودی ها را از بین می برد. زیرا سعودی ها بدون اعتقاد، جنگی غیراخلاقی و متجاوزانه را به راه انداخته اند و هدف بارزشی که شایسته این باشد که سعودی ها به خاطر تحقق آن بجنگند، برای آنها وجود

کارشناس نظامی سوری تاکید کرد سعودی ها بدون اعتقاد، جنگی غیراخلاقی و متجاوزانه را به راه انداخته اند و هدف بارزشی که شایسته این باشد که سعودی ها به خاطر تحقق آن بجنگند، برای آنها وجود ندارد.

متجاوزان سعودی روز شنبه در ادامه سلسله حملات ددمشانه و وحشیانه خود مراسم ختمی را در جنوب صنعا هدف قرار دادند که منجر به شهادت و زخمی شدن حدود ۷۰۰ شهروند یمنی از جمله چندین فرمانده نظامی و استاندار صنعا شد؛ در پی این حمله غیرانسانی سعودی ها، فرماندهان ارتش و کمیته های مردمی یمن به ویژه رهبران انصارالله یمن متجاوزان سعودی را تهدید کردند که در روزهای آینده پاسخی درخور به این اقدام سعودی ها خواهند داد.

سرتیپ «علی مقصود» تحلیلگر و پژوهشگر سوری در حوزه مسائل استراتژیک و نظامی در خصوص جنایت سعودی ها در حق شهروندان مظلوم یمن به خبرنگار مهر اظهار داشت: حملات سعودی ها به مراسم ختمی در صنعا، جنایتی غیرانسانی است که حصار در این مراسم را هدف قرار داده بود. هدف متجاوزان از این گونه اقدامات، پایان دادن به ترس و رعبی است که بر اثر شلیک موشک از سوی یمنی ها به مواضع متجاوزان در دل سعودی ها ایجاد شده است. این موضوع نشانگر پایداری و مقاومت مردم یمن و ارتش این کشور است که این جنایات را تحمل می کند. این در حالی است که آنچه که متجاوزان در صدد تحقق آن بودند، محقق نشد و متجاوزان بیش از پیش در باتلاق جنایات خود فرو رفتند.

انصارالله و کنگره ملی یمن طرح اسماعیل ولدالشیخ را نپذیرفتند

طرح نماینده ویژه سازمان ملل در امور یمن برای پایان درگیری ها در این کشور مورد پذیرش هیأت انصارالله و کنگره ملی یمن قرار نگرفت.

نماینده ویژه سازمان ملل در امور یمن امروز سه شنبه صنعا پایتخت یمن را ترک کرد.

بر اساس این گزارش «اسماعیل ولدالشیخ» نماینده ویژه سازمان ملل در امور یمن در سخنانی گفت: صنعا را با نراحتی بسیار ترک می کنم. من با هیأت انصارالله و

گفتنی است پیش از این نیز صالح الصماد رئیس شورای عالی سیاسی یمن تاکید کرده بود که آتش بس مد نظر «اسماعیل ولدالشیخ» در راستای سرپوش نهادن بر جنایات سعودی ها در عرصه بین الملل است.



کنگره ملی دیدار و طرح صلح یمن را به آنها ارائه کردم.

وی در ادامه سخنان خود در این خصوص مدعی شد: طرحی که برای صلح یمن ارائه کردم، راهکاری جامع و کامل برای درگیری ها در این کشور بود.

روز دوشنبه منابع وابسته به سازمان ملل در خصوص طرح ولدالشیخ برای حل بحران یمن تصریح کردند که طبق این طرح دولت وحدت ملی با حضور حامیان منصور هادی رئیس جمهور فراری یمن و حامیان انصارالله یمن تشکیل می شود.

ولدالشیخ قرار است این طرح را هفته آتی در شورای امنیت مطرح کند. این در حالی است که علی عبدالله صالح رئیس جمهور سابق یمن پیش از این، بعد از سفر ولدالشیخ به صنعا در سخنانی اعلام کرد: ولدالشیخ بی طرف نیست؛ وی اکنون نماینده سعودی ها است.

فعال بحرینی:

تعرض به شیخ عیسی خط قرمز ملت بحرین؛ امکان مقابله مردم وجود دارد

محمد فاطمی زاده



پس از گذشت حدود ۴ ماه از اقدام رژیم آل خلیفه در سلب تابعیت آیت الله «عیسی قاسم» رهبر شیعیان بحرین که به تعبیر مقام معظم رهبری همچون ستاره ای در آسمان تشیع هستند، مردم انقلابی بحرین همچنان برای دفاع از رهبر خود در صحنه حاضر هستند و در برابر منزل ایشان تحصن کرده اند. همچنین علمای حامی شیخ عیسی به مسئولیت خطیر خود مبنی بر روشنگری و تبیین راه های مبارزه با ظلم آل خلیفه پایبند هستند؛ امری که بیش از پیش موجب برانگیخته شدن خشم آل خلیفه شد و نظامیان این رژیم در ادامه سیاست های سرکوبگرانه خود اقدام به بازداشت و حبس چندین عالم برجسته این کشور و احضار ده ها عالم دیگر کردند. بر همین اساس برای بررسی ابعاد این رویداد مهم با دکتر «مسعود جهرمی» استاد دانشگاه و فعال بحرینی گفتگو کردیم که شرح آن در ادامه می آید:

حضور علما و روحانیون را در میان مردم برای دفاع از آیت الله عیسی قاسم و هدایت انقلاب بحرین چگونه ارزیابی می کنید؟ علت حمله آل خلیفه به علما و بازداشت آنها طی هفته های اخیر چیست؟

علمایی که روش و سیره اهل بیت (علیهم السلام) را پیروی می کنند، دائما در تحرکات مردم پیشرو هستند و حلقه اتصالی میان رهبران و عموم مردم محسوب می شوند. این موضوع در مسأله دفاع از آیت الله عیسی قاسم رهبر شیعیان بحرین متبلور شد. علما در دفاع از ایشان نیز پیشگام بودند و کفن پوش همراه با مردم در برابر منزل شیخ عیسی تجمع کرده اند. آنها برای جانفشانی و دفاع از رهبر خود آمادگی کامل دارند که خود این اقدام نیز التزام عملی علما به سیره اهل بیت و اصحابشان را نشان می دهد. در خصوص علت بازداشت علما نیز باید عرض کنم که آل خلیفه همچون مردم اهمیت حضور علما در صحنه، همراهی با مدافعان خط و ولایت، نقش فعال آنها در تداوم حرکت انقلابی مردم و همچنین ترغیب مردم برای حضور در میدان و تحمل سختی ها را درک کرد. بنابراین از ابتدا برای تضعیف علما تلاش کرد؛ آنها از طریق گسترش روحانیونی که در لباس علما را بر تن کرده بودند اما در حقیقت هوی و هوس و همچنین حب دنیا بر آنها غلبه کرده بود، در صدد تضعیف روحانیون واقعی بودند اما در این توطئه خود شکست خوردند. در نتیجه به بازداشت علما روی آوردند تا بدین طریق عظمت و هیبت علما را بشکنند، مردم را بترسانند و شیعیان و مقدساتشان را نیز تضعیف کنند.

تحلیل شما از مانع تراشی آل خلیفه در برگزاری نماز جمعه در منطقه الدر از محل سکونت آیت الله عیسی قاسم چیست؟

آل خلیفه به ارزش های اسلامی و انسانی احترام نمی گذارد و ممکن است برای حفظ منافع خاندان حکومتی و تبعیت از سیاست های سعودی ها و روش تکفیری دست به هر کاری بزنند. در همین راستا نیز از برگزاری نماز جمعه و نماز جماعت در چندین منطقه جلوگیری کرده است.

برخورد نظامیان آل خلیفه با مناسک عاشورایی و مراسمات که شیعیان بحرین برای عزاداری امام حسین علیه السلام برگزار می کنند را چگونه ارزیابی می کنید؟

نظامی که هیچ حرمتی را نگه نمی دارد، مساجد را تخریب کردند، قرآن را سوزاندند، حسینیه ها را تخریب کردند، تحمل دیدن پرچم و علائم عزاداری را ندارند. زیرا اینها می دانند تا وقتی که مردم بر محور امام حسین علیه السلام و ولایت پایدار باشند، امکان ندارد شکست بخورند و آن شاء الله پیروز هستند.

موضع ایران و دیگر کشورها را در حمایت و دفاع از انقلاب مردم بحرین چگونه ارزیابی می کنید؟

آیت الله عیسی قاسم شخصیتی اسلامی است که از لحاظ علمی و عملی شهره است؛ تعرض به ایشان دلیل آشکاری برای انجام حملات علیه شیعیان بحرین است و واکنش نشان دادن به سلب تابعیت ایشان امری طبیعی است و نشان می دهد که ایشان از لحاظ علمی و عملی و همچنین محافظت از مسالمت آمیز ماندن حرکت انقلابی بحرین جایگاه والایی دارند. به عنوان یک شهروند بحرینی هر اقدامی را که توسط ایران و دیگر کشورها برای رساندن صدای مظلومیت ما به جهانیان و سازمان های حقوقی و انسانی و همچنین افشای حقیقت جنایات آل خلیفه و تعرض این رژیم به شیعیان و مقدسات آنها صورت می گیرد، ارج می نهمیم و از آن استقبال می کنیم.

تاثیر تظاهرات گسترده مردم بحرین در نقاط مختلف این کشور برای فشار آوردن به آل خلیفه چیست؟

تداوم راهپیمایی مردم نشانگر باقی ماندن حرکت انقلابی آنها برای مطالبه حقوق عادلانه و شهروندی تمامی مردم بحرین است؛ از جمله این حقوق نیز دولت منتخب است. بنابراین آل خلیفه برای جلوگیری از برگزاری این راهپیمایی های مسالمت آمیز مردم فعالیت می کند.

زیرا این راهپیمایی ها در صورت انعکاس در رسانه ها، شکست حکام بحرین در ساکت کردن مردم و باطل بودن اظهارات مقامات آل خلیفه مبنی بر عدم مسالمت آمیز بودن حرکت مردم و تروریست بودن تایید کنندگان آن را نشان می دهد.

در چه صورت گزینه مسالمت آمیز مردم به گزینه سخت و خشن تبدیل خواهد شد؟

آرزو می کنیم که نظام بحرین عقل ورزی را پیشه و درک کند که تعرض به آیت الله عیسی قاسم خطرناک است؛ تعرض به ایشان بلاشک خط قرمز مردم بحرین محسوب می شود و بدون شیخ عیسی قاسم، همه چیز بی ارزش است. در شرایطی که این تعرضات ادامه یابد و مقدسات مردم نیز مراعات نشود، هیچ کس نمی تواند مسالمت آمیز ماندن تحرکات مردم را تضمین کند و از مردم نمیتوان درخواست کرد که با نظام آل خلیفه مقابله نکنند.

رژیم آل خلیفه در خصوص محاکمه آیت الله عیسی قاسم چگونه اقدام خواهد کرد؟ آیا امکان یورش نظامیان این رژیم به منزل شیخ عیسی و بازداشت ایشان وجود دارد؟

محاکمه آیت الله عیسی قاسم در راستای سلسله حملات آل خلیفه علیه شیعیان و مقدسات آنها صورت می گیرد. حکام بحرین پس از سلب تابعیت شیخ عیسی، به ایشان اتهام زدند و برای احضار رهبر شیعیان بحرین به دادگاه تلاش کردند اما شیخ عیسی حضور در دادگاه را نپذیرفت. اگر نظام در صدد تشدید تقابل خود باشد، احتمالا حکم غیابی صادر می کند؛ این اقدام بعید نیست. به ویژه پس از اینکه جماعت تکفیری و رژیم سعودی در درگیری های مختلف خود در منطقه شکست خوردند. با این حال بعید می دانم که آل خلیفه جرأت کند در شرایطی که مردم در برابر منزل شیخ عیسی تجمع کرده اند، به منزل ایشان یورش ببرد. زیرا پیش از این واکنش مردم را به این اقدام خود سنجیده و مشاهده کرده که صد ها نفر از فدائیان آیت الله عیسی قاسم فوراً در برابر منزل ایشان گرد آمده اند.

خران در روابط عربستان و مصر / مناسبات فصلی است یا استراتژیک؟

فرزاد فرهادی



موضع اخیر مصر درباره سوریه به مذاق سعودی‌ها خوش نیامد و روابط دو کشور را تحت تاثیر قرار داد. عربستان در سالهای اخیر با استفاده از تحولات منطقه تلاش کرد که قاهره را به حاشیه براند.

روابط مصر و عربستان به ویژه در برهه اخیر حساب گونه بوده است. مصر همواره یکی از کشورهای مهم در عرصه جهان عرب است.

عربستان در سالهای اخیر با استفاده از تحولات منطقه تلاش کرد که قاهره را به حاشیه براند و به سیاست های تخریبی در جهان اسلام و عرب و کل منطقه بپردازد. اوج اختلاف دو کشور در موضوع سوریه است که با وجود اینکه مصر همواره بر حاکمیت و تمامیت ارضی سوریه تاکید کرده؛ اما در مقابل ریاض به نقش خرابکارانه و حمایت از گروههای تروریستی ضد سوریه ادامه می دهد.

هنگامی که عبدالفتاح السیسی در مصر روی کار آمد با توجه به مشکلات اقتصادی که داشت سعی کرد که به کشورهای ثروتمند شورای همکاری خلیج فارس به ویژه عربستان نزدیک شود. سعودی‌ها نیز با مخالفت با اخوان المسلمین سعی کردند که روابط خود را با مصر قوی کنند. اگر چه در این زمینه سعی کرد در برهه هایی از اخوان المسلمین در راستای اعمال فشار بهره بگیرد. نمونه آن زمانی بود که دستگاه قضایی مصر احکامی را علیه رهبران اخوان صادر کرد که با مخالفت عربستان همراه شد.

عربستان به همراه برخی دیگر از کشورهای شورای همکاری خلیج فارس وعده کمک ۱۲ میلیارد دلاری به مصر به شکل قرض را دادند و اینکه از نظر نفتی نیازهای مصر را برآورده کنند. سعودی‌ها به همراه امارات و کویت در سال ۲۰۱۳ به افزایش ذخایر ارزی بانک مرکزی مصر کمک کردند. همین کمکها بود که سبب شد السیسی، عربستان را در زمره کشورهای قرار دهد که به آن سفر کند. در سال ۲۰۱۴ رئیس جمهوری مصر به ریاض رفت و در سال ۲۰۱۶ ملک سلمان به قاهره.

السیسی همواره با اتخاذ مواضعی تلاش کرد که کمک اقتصادی عربستان و دیگر کشورهای شورای همکاری خلیج فارس را به ارمان آورد اما هرگز تلاش نکرد در مسیر خواسته های سعودی‌ها حرکت کند. در بحران یمن هیچگاه زیر بار اعزام نیروی زمینی نرفت و در بحران سوریه نیز این موضوع را داخلی دانست و با مداخله خارجی مخالفت کرد.

همه داستان از همین مواضع قاهره در قبال سوریه شروع و تشدید شد. مصر در شورای امنیت به طرح پیشنهادی روسیه برای بحران سوریه رای مثبت داد و این به طور حتم خوشایند سعودی‌ها نبود.

عبدالله المعلمی نماینده سعودی‌ها در سازمان ملل این رای را در دناک توصیف کرد و شرکت آرمکو از تصمیم خود برای قطع کمک های نفتی عربستان به مصر خبر داد.

در این میان لحن رسانه ای نیز عوض شد. احمد موسی معروف به مواضع حامی عربستان در زمان بحران جزایر تیران و صنافیر در تغییر لحن آشکار، اعلام کرد که مصر

از آب نیل است، برآیند.

اصولا روابط مصر و عربستان استراتژیک نبوده و می توان از آن به عنوان روابط فصلی و براساس تصمیمات مقطعی یاد کرد. در این میان سعودی‌ها معمولا اصل را بر همراهی دائمی دیگر کشورها می گیرند و اگر کشورهای عربی از سیاست های ریاض تخطی کنند دیگر دوست عربستان نیستند. آنها هرگز اجازه ندارند به سوی دشمنان آل سعود حرکت کنند. البته ممکن است ریاض برای از دست ندادن مصر به مشوق های اقتصادی مجدد روی آورد.

همانطور که گفته شد عمده اختلاف میان مصر و عربستان به موضوع سوریه مربوط می شود. سامح شکری وزیر خارجه مصر به اختلاف نظر دو طرف در موضوع سوریه اشاره کرد و گفت: سعودی‌ها خواستار تغییر نظام حکومتی در سوریه هستند و مصر در این راستا حرکت نمی کند. دخالت روسیه در سوریه مانع از گسترش تروریسم است و ضربه ای به داعش به حساب می آید. مصر مخالف دخالت نظامی در سوریه است و از راهکار سیاسی برای بحران این کشور حمایت می کند.

عبدالفتاح السیسی رئیس جمهور مصر در سپتامبر ۲۰۱۵ گفت: فروپاشی ارتش سوریه و افتادن سلاح در دست داعش یا جبهه النصره خطری برای مصر محسوب می شود.

این مواضع به خوبی نظریه ای که روابط دو کشور را استراتژیک نمی داند، مورد تایید قرار می دهد. اصولا رابطه ای را می توان استراتژیک دانست که در همه موضوعات منطقه ای میان طرفین تفاهم وجود داشته باشد و این میان قاهره و ریاض در موضوعات یمن و سوریه حاکم نیست و اختلافات هم اکنون علنی شده است.

مصر حامی وحدت سوریه و ارتش آن و ضد گروههای مسلح از جمله جبهه النصره است در حالی که سعودی‌ها از این گروهها حمایت پنهان و آشکار می کنند. مصر حامی راهکار سیاسی برای بحران سوریه است و سعودی‌ها بر ضرورت حذف بشار اسد اصرار دارند و آنرا راهکار حل بحران سوریه می دانند.

در موضوع یمن، مصری‌ها تجربه تلخی در دهه شصت قرن گذشته دارند و هرگز نمی خواهند وارد باتلاق یمن شوند.

البته اینکه سعودی‌ها کمک های خود را به مصر قطع می کنند به بحران مالی و کسری بودجه و سیاست های ریاضتی عربستان نیز مربوط می شود. سعودی‌ها که مجری سیاست های آمریکا و رونق دهنده بازار تسلیحات آن بوده اند برای جبران کسری بودجه دست به هر کاری می زنند. در این میان مصری‌ها باید به فکر گزینه های جایگزین باشند.

به هر حال به نظر می رسد که جنگ رسانه های دو کشور آغاز شده و روزنامه الوطن مصر به شدت به ملک سلمان و سیاست های آن حمله کرده و نوشته است: از زمانی که ملک سلمان زمام امور را در مصر به دست گرفته است؛ حمایت مالی و نظامی مستقیم عربستان از گروههای تروریستی در یمن و سوریه ادامه دارد. ملک سلمان از استراتژی جنگ ضد تروریسم به حمایت از القاعده و دیگر گروهها در سوریه و یمن روی آورده است.

به زانو در نمی آید. به نظر می رسد که تنش در روابط طی روزهای آتی به اوج برسد. سعودی‌ها معمولا از همه حربه ها ضد کشورهایی که با دیدگاه توسعه طلبانه و جاه طلبانه آنها در مجامع منطقه ای و بین المللی مخالفت می کنند، استفاده می کنند.

آنها زمانی که لبنان بر خلاف تمایل آنها رفتار کرد، از همه طرفهها ضد این کشور استفاده کردند. سعودی‌ها که دشمنی سختی با نظام سوریه دارند از اینکه مصر به طرح روسیه که با منطقه ممنوعه پروازی مخالف و بر ضرورت حملات به تروریستها تاکید دارد، سخت عصبانی شدند.

ریاض مواضع مصر را در راستای گرایش به سوریه و ایران در برهه کنونی می داند و اینکه پس از کمک های اقتصادی عربستان به مصر، انتظار چنین موضعی را نداشته است. سعودی‌ها با مشارکت نمادین مصر در ائتلاف ضد یمن و خودداری قاهره از مشارکت نظامی در جنگ کنار آمدند اما اینکه مصر به سوی دشمنان آن حرکت کند را بر نمی تابد.

شاید موضوع به نشست گروزی که در چچن مربوط به اهل سنت که سعودی‌ها به آنها دعوت نشدند و بیانیه این نشست ضد وهابیت نیز مربوط باشد. عربستان مرکزیت الازهر را بر نمی تابد و در صدد است تا مرکزیت جهان اهل تسنن را در قبضه خود داشته باشد. البته در کنفرانس گروزی اعلام داشته شد که نه تنها این مرکزیت مورد قبول اهل تسنن نیست بلکه وهابیت نیز در زمره اهل سنت به شمار نمی رود.

از زمان روی کار آمدن ملک سلمان روابط میان مصر و عربستان با نوسان همراه بوده است از داستان مراسم ختم ملک عبدالله گرفته تا سفر ملک سلمان به مصر و داستان مربوط به احداث پل میان دو کشور و جزایر صنافیر و تیران و هم اینک بحث رای مصر به طرح روسیه.

برخی ناظران احتمال می دهند که در واکنش به این سیاست های ریاض پس از رای مثبت قاهره به طرح مسکو در شورای امنیت، مصر به سوی روسها و نزدیکی بیشتر با ایران، تغییر مواضع در قبال یمن و تجدید نظر در موضوع جزایر تیران و صنافیر و تقویت روابط با سوریه حرکت کنند.

تحلیلگران احتمال می دهند که سعودی‌ها نیز به سیاست های انتقام جویانه خود ضد مصر ادامه دهند کمک های مالی به مصر را متوقف کنند و درها را به روی کارگران مصری ببندند و در راستای توسعه روابط با اتیوپی که به دنبال احداث سد و کم کردن سهم مصر

کارشناس لبنانی:

عربستان سعودی در ارتکاب جنایت جنگی از صهیونیست‌ها پیشی گرفته است

دیانا محمود



زمانی حرف خود را پس گرفت که آمریکایی‌ها در جیب او دلار گذاشتند.

حطیط در پاسخ به سؤالی پیرامون هدف اصلی رژیم سعودی از حمله وحشیانه به مجلس عزا در شهر صنعاء و اینکه آیا این رژیم شخصیت‌های معینی را هدف قرار داده است یا خیر، گفت: آنچه که در عرصه نظامی به یک عَرَف تبدیل شده، این است که هدف قرار دادن مجموعه‌ای از انسان‌ها با هدف کشتن یک یا چند نفر، اقدامی غیرمنطقی است.

این کارشناس سیاسی در همین زمینه ادامه داد: اقدام نظامی برای خود قاعده‌ای دارد و اینگونه نیست که هر اقدامی صورت داده شود. با این حال، عربستان سعودی هیچ ارزشی برای هیچ قاعده و قانونی قائل نیست، بر همین اساس شاید قصد داشته تا یک مقام سیاسی و یا دیپلماتیک را به قتل برساند، فارغ از اینکه این اقدام ممکن است چه آسیب‌هایی به دیگر غیرنظامیان برساند.

حطیط در خصوص موضع ترکیه نیز اظهار داشت: بسیار عجیب است که ترکیه تا این لحظه در قبال چنین حادثه‌ای سکوت اختیار کرده است. در واقع آنکارا برای راضی نگاه داشتن عربستان سعودی سکوت کرده است و این نشان از نفاق سیاسی دولت اردوغان دارد؛ از یک طرف برای غیرنظامیان سوری اشک تسلیح میریزد و از سوی دیگر در قبال کشته شدن افراد بی‌گناه در یمن سکوت می‌کند.

وی در خصوص موضع اتحادیه عرب و سکوت آن نیز گفت: اتحادیه عرب سازمانی در چنگ رژیم سعودی است و دستورات خود را از مقامات این رژیم می‌گیرد. مواضع اتحادیه عرب در عرصه منطقه‌ای هیچ ارزشی ندارد و هیچکس در هیچ موردی منتظر شنیدن مواضع این اتحادیه نیست.

وی در خصوص موضع اتحادیه عرب و سکوت آن نیز گفت: اتحادیه عرب سازمانی در چنگ رژیم سعودی است و دستورات خود را از مقامات این رژیم می‌گیرد. مواضع اتحادیه عرب در عرصه منطقه‌ای هیچ ارزشی ندارد و هیچکس در هیچ موردی منتظر شنیدن مواضع این اتحادیه نیست. عربستان سعودی با دلارهای کیف خود، صدای سازمان‌های عرب‌زبان را قطع کرده است. حطیط ضمن موفقیت آمیز ارزیابی کردن واکنش اولیه ارتش و کمیته‌های مردمی یمن به جنایت سعودیها در صنعاء، گفت: واکنش یمنی‌ها به این جنایت سعودیها همچنان ادامه پیدا خواهد کرد.

مردم یمن بود. ریاض با این اقدام تلاش کرد تا اینگونه القاء کند که هیچکس در یمن از حملات هوایی جنگنده‌های سعودی در امان نیست.

حطیط ضمن «قاطعانه» توصیف کردن پاسخ یمنی‌ها به حمله وحشیانه رژیم سعودی، گفت: ارتش و کمیته‌های مردمی یمن بجای عقب نشینی و تسلیم شدن، ۲۵ نظامی سعودی را در خاک این کشور به هلاکت رساندند.

وی در خصوص تصمیم آمریکا برای تجدیدنظر در حمایت از ائتلاف سعودی علیه یمن، اظهار داشت: آمریکا با هدف فریب افکار عمومی چنین موضعی را اتخاذ کرده است؛ این موضع شرم آور است.

همه می‌دانند که آمریکا در جنایت‌هایی که در یمن رخ می‌دهد با عربستان سعودی شریک است. آمریکا ائتلاف سعودی را رهبری می‌کند، از آن حمایت می‌کند و به آن سلاح می‌دهد. اگر آمریکا در این زمینه جدی بود، یا عربستان سعودی را به شورای امنیت سازمان ملل می‌کشاند و یا یک کمیته حقیقت‌یاب برای بررسی جنایت رخ داده، تشکیل می‌داد.

حطیط همچنین اظهار داشت: باید گفتار آمریکا را در عمل آن بررسی کرد. آمریکایی‌ها مسئول تجاوز نظامی عربستان به یمن هستند و اظهارات اخیر آنها هم تا زمانی که در حد حرف و سخن باقی بماند، هیچ ارزشی ندارد.

این کارشناس مسائل سیاسی با اشاره به حمایت‌های غرب از عربستان سعودی، افزود: غرب به دو دلیل به سعودیها سلاح می‌دهد: اول اینکه سعودیها ابزار نظامی کشورهای غربی هستند که می‌توانند سیاست‌های غرب را پیاده کنند و دوم اینکه عربستان، بازار مناسبی برای فروش تسلیحات غرب است.

وی افزود: آمریکا در جنایت‌های سعودی مسئول است. همه شاهد بودند زمانی که «بان کی مون» در گزارشی عربستان سعودی را به عنوان ارتکاب جنایت جنگی علیه کودکان یمنی معرفی کرد، از موضع خود بازگشت. وی

«امین محمد حطیط» معتقد است که سعودیها در ارتکاب جنایت جنگی از رژیم صهیونیستی پیشی گرفته اند و به آلت دست غرب و ایالات متحده آمریکا تبدیل شده اند.

عربستان سعودی اخیراً مرتکب جنایت بزرگی در شهر «صنعاء» یمن شده است. جنگنده‌های این رژیم روز شنبه هفته جاری با بمباران کردن یک مراسم عزا در شهر «صنعاء» بیش از ۹۰۰ شهروند یمنی را شهید و یا زخمی کردند. در همین ارتباط خبرنگار مهر گفتگویی را با «امین محمد حطیط» کارشناس مسائل سیاسی انجام داده است که مشروح آن از نظر می‌گذرد؛

«امین محمد حطیط» نویسنده و کارشناس سیاسی در گفتگو با مهر با اشاره به جنایت اخیر سعودیها در صنعاء، گفت: این جنایت، پس از آنچه که در «قانا» اتفاق افتاد، بزرگترین جنایت در خاورمیانه محسوب می‌شود. اسرائیل و عربستان در وحشی‌گری با یکدیگر برابری می‌کنند، اما تعداد افرادی که به دنبال حملات سعودیها قربانی شدند بیشتر از کسانی هستند که توسط صهیونیستها جان باخته‌اند. بدون شک این یک جنایت جنگی است. عربستان سعودی باید به عنوان جنایتکار جنگی در محاکم بین‌المللی محاکمه شود.

این تحلیلگر سیاسی همچنین افزود: عربستان سعودی در حمله به مجلس عزا در صنعاء دو هدف را دنبال کرد: اول اینکه خواست با این حمله انتقام شکست یک سال و نیم گذشته خود از یمنی‌ها را بگیرد. پر واضح است که سعودیها طی یک سال و نیم گذشته نتوانستند اهداف خود در یمن را محقق سازند و میلیاردها دلار برای این هدف هزینه کرده بودند که همه این مبلغ از دست رفت. هدف دوم رژیم سعودی از این حمله ایجاد رعب و وحشت در صفوف





استاد دانشگاه ماساچوست:

بهار عربی نتیجه عدم توسعه امنیت انسانی بود

وحید پور تجربی

«تیموتی شاو» با تاکید بر اینکه امکان تجمیع امنیت انسانی و امنیت دولتی در یک جا وجود ندارد، گفت: بهار عربی از نتایج عدم توسعه امنیت انسانی بود. امنیت دولت و کشور از دوران پس از شکل گیری دولت - ملت ها همواره به عنوان نوع کلاسیک امنیت در عالم سیاست و مطالعات امنیتی موضوعیت داشته است. به این معنا که تامین امنیت دولت به عنوان بازیگر اصلی نظام بین الملل از اهداف اولیه رئالیسم کلاسیک به حساب می آمده است. البته این موضوع به معنای آن نیست که دولت در مکاتب دیگر فکری روابط بین الملل بی مفهوم بوده است.

اما از اوایل دهه ۹۰ میلادی و با اتمام جنگ سرد و مخاصمه میان دو بلوک شرق و غرب، مفاهیمی چون بازدارندگی، بقاء، لزوم اتحاد در برابر دشمن و بسیاری از مفاهیم پر کاربرد در ادبیات رئالیست ها آهسته آهسته رنگ باخت.

پست مدرنیسم بی اعتقاد به ساختارهای ایده آلیستی و رئالیستی که نقایص هر کدام در دوران جنگ های جهانی اول و دوم به همگان اثبات شده بود، با پایان جنگ سرد، به عنوان مکتب فکری غالب در جوامع غربی به خصوص آمریکا، درآمد. البته پست مدرنیسم را باید نتیجه تغییر محوری اندیشه سیاسی از دولت به انسان دانست.

اومانیسیم مدرن، مکتب فکری فلسفی بود که با فروپاشی بلوک های شرق و غرب ظهور کرده و البته بسیاری از مکاتب دیگر در حوزه های مختلف انسانی که مفاهیم اصلی همگی آنها مبتنی بر همین مکتب هستند، نیز به یاری این جریان شتافتند.

شاید بتوان رفتارگرایی مدرن را از جمله این مکاتب فکری دانست که ریشه در روانشناسی داشته اما با ایجاد دگرگونی در محور علم سیاست و روابط بین الملل به سمت انسان، این شاخه از علوم انسانی نیز

وارد مباحث سیاسی شد که شاید بتوان پرکارترین موضوع این دخالت را در پیش بینی نتایج انتخابات بر اساس محاسبات روانشناسانه رفتارشناسان دانست. در چنین فضایی بود که امنیت انسانی به عنوان مفهومی جدید و جایگزینی مناسب برای امنیت کلاسیک مطرح شد و از اواسط دهه ۹۰ میلادی، مفهوم امنیت دولت جای خود را به امنیت انسان داد. در نتیجه، دیگر این شهروندان نیستند که باید برای تامین امنیت دولت جانفشانی کنند، بلکه از اینجا به بعد، این دولت است که موظف به تامین امنیت شهروندان خود بوده و باید در برابر آنها پاسخگو باشد.

«تیموتی ام. شاو»، متفکر و پروفیسور روابط بین الملل دانشگاه ماساچوست آمریکا و از متخصصان حوزه امنیت انسانی، مطالعات تعارض و حکمرانی جهانی، در کتاب خود با نام «یک دهه پس از امنیت انسانی» که توسط انتشارات «شگیت» در آمریکا منتشر شده، به طرح و پیشنهاد راهکارهای لازم برای تامین امنیت انسانی پرداخته و البته شرایط مورد نیاز برای محقق شدن چنین اهدافی می پردازد.

اهمیت مساله امنیت انسانی در چیست؟ مفهوم امنیت انسانی سالها پیش از پایان یافتن جنگ سرد نیز وجود داشت. چرا پس از پایان جنگ سرد، از جایگاه و اهمیت خاصی برخوردار شد؟

پایان نظام دو قطبی، منجر شد تا بسیاری از کشورها، توسعه امنیت انسانی را جایگزین امنیت دولت کنند... البته جنایات و خسارات جانی در وقایع روانده، سودان، سوریه و مواردی شبیه به آنها نیز باعث افزایش اهمیت بیشتر امنیت انسانی شد و این سوال پیش آمد که آیا بازیگران و یا شبکه ای از بازیگران غیر دولتی هم می توانند در توسعه امنیت انسانی دخیل شوند یا خیر؟

اینها پرسشهایی هستند که در گفتگوی خبرنگار مهر با «تیموتی شاو» مورد بررسی قرار گرفته است که در ادامه آمده است.

|| آیا به نظر شما بهار عربی نتیجه بی توجهی دولت ها به امنیت انسانی بوده است؟

بهار عربی یکی از نتایج عدم توسعه امنیت انسانی یا توسعه انسانی توسط رژیم های ملی و بین المللی بود. بنابراین سایر جنبش های اجتماعی رو به پیشرفت شامل جنبش های سبز، طرفدار دموکراسی، ضد بنیادگرایی و شبکه های مبارزه با مواد مخدر همگی از همین مساله تبعیت می کنند.

|| دیوان کیفری بین المللی اخیرا حق رسیدگی به جرایم مربوط به محیط زیست را یافته است. به این معنا که می توان برای هر نوع تخریب و تعرض به محیط زیست به دیوان مراجعه کرده و طرح دعوی کرد. آیا به عقیده شما، این مساله می تواند به عنوان قدمی بزرگ در راه توسعه امنیت انسانی به حساب بیاید؟

بله، هرگونه حرکت حرکت ملی، منطقه ای و جهانی در راستای برخورد با سیاست ها و اعمال مجرمانه علیه مردم، بشر، ثروت بشری و غیره، باشد مورد تشویق قرار گیرد. نه تنها اعمال مجرمانه زودگذر، بلکه مسائلی همچون خشونت های جنسیتی، قاچاق اسلحه، اشاعه هسته ای و برخورد موردی با مذهبی باید محکوم شده و تحت تعقیب قرار گیرند.

|| برخی از دانشمندان معتقدند که مفهوم «امنیت جامع» می تواند ترکیبی درست میان امنیت دولت و امنیت انسانی ایجاد کند. آیا این دو مفهوم می توانند در یک جا با هم جمع شوند؟

از آنجا که عموما دولت برای خود امتیازاتی خاص به عنوان دستاویزی برای اعمال خشونت علیه شهروندان قائل هستند، رعایت و احترام همزمان به هر دو مفهوم، آن هم به یک نسبت مساوی، کاری بسیار مشکل است. لذا امنیت انسانی یا شهروندی در صورتی که جهان بخواهد خود را از چنگ مسائلی چون تغییرات آب و هوایی و غیره نجات دهد، امری دستوری و واجب به حساب می آید. ما برای کاهش (اهمیت دولت) و به حداکثر رسانیدن امنیت انسانی نیاز به حکومتی جهانی داریم.

امنیت انسانی یا شهروندی در صورتی که جهان بخواهد خود را از چنگ مسائلی چون تغییرات آب و هوایی و غیره نجات دهد، امری دستوری و واجب به حساب می آید |

عضو شورای روابط خارجی آمریکا:

مدارس مذهبی عربستان در سطح جهان مروج تروریسم هستند

وحید پور تجربیشی



نماینده پیشین کنگره آمریکا معتقد است برخی از سعودی ها از طریق هزینه های مستقیم و یا غیر مستقیم اقدام به تاسیس مدارسی در سطح جهان اسلام می کنند که از این طریق به ترویج تروریسم می پردازند. قانون عدالت در برابر حامیان تروریسم معروف به «جاستا» چندی پیش توسط اکثریت مجلس نمایندگان و سنا به تصویب رسید و توتی «باراک اوباما» توسط کنگره باطل شد. اما این لایحه با رد توتی اوباما توسط سنا به قانون تبدیل شد.

بر اساس این قانون که هدف اصلی اش عربستان است خانواده قربانیان حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر اجازه شکایت علیه عربستان و دیگر کشورهایی را که در حملات تروریستی به خاک آمریکا مشارکت داشته اند را می توانند در دادگاه های آمریکا تحت تعقیب قرار دهند. بلافاصله بعد از تصویب این قانون خانواده یکی از قربانیان این حادثه از دولت عربستان شکایت کرد و اولین دادخواست از ریاض در آمریکا بابت نقش آفرینی در حادثه ۱۱ سپتامبر به ثبت رسید.

تصویب این قانون نگرانی هایی را برای حاکمان عربستان سعودی به وجود آورده است. در خصوص اهمیت این موضوع گفتگویی داشته ایم با «جیمز چارلز اسلتری» نماینده سابق کنگره و عضو شورای روابط خارجی آمریکا داشته ایم که مشروح آن در زیر آمده است.

|| باراک اوباما قانون «جاستا» را که به

تصویب کنگره آمریکا رسیده بود را وتو کرد و متعاقب آن کنگره توتی اوباما را باطل کرد. چرا کنگره آمریکا مخالف عربستان سعودی شده است؟

من فکر نمی کنم که این قانون نیاز به مطالعه چندانی داشته باشد. برای اعضای کنگره بسیار سخت است علیه قانونی رای دهند که به خانواده های قربانیان حادثه ۱۱ سپتامبر اجازه تعقیب قانونی سعودی هایی را می دهد که احتمالاً تأمین هزینه های تروریست های دخیل در این حادثه را بر عهده داشته اند. به همین دلیل است که رای کنگره (به این قانون) تا این حد بزرگ و مهم به حساب می آید.

|| دلایل توتی «جاستا» از سوی اوباما چه بود و آیا کنگره علیرغم رد توتی اوباما آنرا تعدیل خواهد کرد؟

دلیل توتی این قانون از سوی رئیس جمهور این است که تصویب چنین قانونی عواقب خطرناکی را متوجه آمریکا می کند. من معتقدم در نهایت اصلاحیه ای بر قانون جاستا به تصویب خواهد رسید که اجرای آن را محدود خواهد کرد. اما اصل حق پیگیری قانونی سعودی ها که در شکل گیری حادثه ۱۱ سپتامبر نقش داشتند محفوظ خواهد بود.

|| **اقدام گروه ها و احزاب بر تصویب این لایحه اصرار داشته اند؟ چرا؟**

آگاهی فزاینده ای در این خصوص ایجاد شده که پول های عربستان سعودی از طریق افرادی مشخص، پشتوانه انجام عملیات ۱۱ سپتامبر بوده است. سعودی ها طبیعتاً نمی خواهند کنگره آمریکا بیش از این بر روی مساله دست داشتن عربستان در ماجرای ۱۱ سپتامبر تمرکز کند. منافع رو به رشدی در بخش محرمانه گزارش کمیسیون تحقیق ۱۱ سپتامبر وجود دارد.

|| **مجلس مشورتی عربستان سعودی درباره این مصوبه هشدار داده و اعلام داشته است این قانون جامعه بین المللی را نگران کرده و تبعات زیادی نیز برای عربستان خواهد داشت؟**

برخی از سعودی ها از طریق هزینه های مستقیم و یا غیر مستقیم اقدام به تاسیس مدارسی در سطح جهان اسلام می کنند که از این طریق به ترویج تروریسم می پردازند. ترس من از این است که میلیون ها جوان سنی مسلمان در این مدارسی که از طریق بودجه کلان سعودی تأمین می شوند، گمراه گردند.

حلب و تاکتیک های گام به گام برای درهم شکستن تروریسم

تروریستها را در مساکن هنانو زیر فشار شدید قرار داده است.

هدف ارتش سوریه بازپس گیری مساکن هنانو، الشیبایی و رسیدن به مساکن پژوهش های عملی و کوی طریق الباب در جاده فرودگاه بین المللی حلب است. ارتش سوریه در شیخ سعید در جنوب شرق حلب درگیری های شدیدی با فتح الشام داشت و مراکز خود را تثبیت کرد و مواضع تروریستها را در جبهه الطراب در شرق و مجاور قسطل الحرامی در شهر قدیمی از سمت کوی اغیور را نابود کرد و در بستان پاشا در شمال شرق مرکز شهر حلب پیشروی هایی داشت.

ارتش سوریه در جریان نبرد با تروریستها در جبهه های کرم الطراب، المجبل، البریج، مساکن هنانو در حلب شماری زیادی از آنها را به هلاکت رسانده است از جمله عمر الشیخ ملقب به ابو عوش.

پوشش هوایی از محور مدرسه کشاورزی بر مناطق جدید مسلط شد. ارتش بر بخش اعظم کوی ارض الحمرا و مدرسه کشاورزی و ساختمان ها و کارخانه های واقع میان العویجه مسلط شده و

لانه شبه نظامیان مسلح در شمال شرق حلب حرکت می کند و در منطقه الشیبایی پیشروی های مهمی به دست آورده است. ارتش سوریه با کمک همپیمانان و



نبرد ارتش سوریه با تروریست ها در حلب در حالی ادامه دارد که همه بازیگران به اهمیت راهبردی سرنوشت جنگ در این شهر در معادله حل بحران سوریه واقف هستند.

حلب همچنان مورد توجه طرفهای درگیر در سوریه است. با توجه به اهمیت راهبردی تسلط بر این شهر هم ارتش سوریه می کوشد که به سوی مناطق شرقی تحت کنترل تروریستها حرکت کند و هم تروریستها نمی خواهند که به آسانی این شهر مهم را از دست بدهند. روند تحولات حلب از چند منظر قابل بررسی است.

نخست وضعیت میدانی:

در بُعد تحولات میدانی ارتش سوریه با قدرت تمام به سوی مساکن هنانو به عنوان مهمترین و بزرگترین مرکز و

آبستن تحولات و سناریوهای مختلف است به ویژه که مرحله شکست تروریستها در حلب گام به گام در حال طی شدن است. در حال حاضر تلاش می شود که با توقف حملات هوایی سوریه و روسیه، فرصتی به تلاش های آشتی و جدا کردن تروریستها از گروههای مسلح داده شود اما؛ ارتش سوریه و همپیمانان آن تا شکست تروریستها دست از نبرد بر نمی دارند. ارتش سوریه در واقع ضد افراط گرایی، عقب ماندگی و جهل می جنگد. غرب و همپیمانانش می داند که اگر سوریه در نبرد ضد تروریستها موفق شود در بازی سیاسی بین المللی نقش مضاعفی خواهد یافت و از همین رو نگران است و از همین رو از هیچ کمک به ویژه در اختیار گذاشتن تسلیحات پیشرفته دریغ نمی کند.



به هر حال هدف از توقف حملات هوایی، مجال دادن به غیرنظامیان برای خروج امن از شهر و عقب نشینی گروههای مسلح از طریق گذرگاه های اختصاص یافته شده است. دو معبر برای خروج گروههای مسلح از مسیر جاده کاستیلو و کوی المشارفه به سمت ادلب فراهم می شود و ۶ گذرگاه دیگر برای خروج غیرنظامیان و زخمی شدگان است. اوضاع گروههای مسلح در شرق حلب بسیار بحرانی است و احتمال فرو ریختن مواضع آنها با توجه به پیشروی ارتش سوریه یا تسلیم شدن آنها و پیدا کردن سرنوشت مناطقی دیگر سوریه که طی آن گروههای مسلح مجبور به خروج شدند، وجود دارد. ارتش سوریه به دنبال فرسوده کردن گروههای مسلح در شرق حلب از طریق تشدید محاصره و تقلیل و نابودی مهمات و پیشروی به موازات آن است.

مشورتهای نظامی ایران در جبهه سوریه، کمک شایانی به ارتش سوریه کرده است. ارتش سوریه با پیروزی های جدیدی که به دست آورده است در مسیر فرودگاه حلب در شرق این شهر حرکت می کند. همزمان نفرت مردم سوریه به ویژه حلب از اقدامات و جنایات تروریستها روز به روز بیشتر می شود و مزدوری آنها بیش از قبل برای مردم سوریه آشکار شده است. دشمنان سوریه در حال حاضر آخرین برگه های خود را حلب و دیگر مناطق به کار می گیرند تا شاید از شکست فرار کنند. تلاش های غربی ها و همپیمانان منطقه ای آن راه به جایی نخواهد برد. بر اساس برآورد ناظران امور، تسلط ارتش سوریه بر حلب امکان مانور بالایی

حلب از گروههای مسلح را فراهم آورده است.

واکنش مایوسانه تروریستها

گروههای مسلح در برابر پیشروی های ارتش سوریه و فشار مردمی به حربه همیشگی یعنی گلوله باران مناطق مسکونی روی آورده اند. تروریستها مناطق الحمدانیه، المنشیه، المشارقه، المحافظه در اطراف بیمارستان زایشگاه و السلیمانیه را هدف قرار داده اند. تا به حال بر اثر گلوله باران تروریستها شماری از غیرنظامیان کشته و زخمی شده اند. قدر مسلم آن است که نبرد حلب مهم است و گواه این مدعا نیز تکاپو و دست و پا زدن های حامیان غربی و عربی تروریستهاست. سیطره بر حلب شرایط جدیدی را به وجود می آورد. بشار اسد

در جبهه عزیزه در جنوب شهر حلب نیز درگیری میان ارتش سوریه و تروریستها در جریان است و در مسیر روستای الایوبیه در مجبل الحص در نزدیکی کارخانه الدفاع در حومه جنوبی حلب نبرد ادامه دارد. توپخانه ارتش سوریه به شدت مواضع تروریستها را زیر آتش قرار داده است. در این میان ارتش سوریه مواضع و جاده های امداد رسانی و تحرکات گروههای تروریستی را در المنصوره و داره عزه زیر آتش قرار می دهند. ارتش سوریه بر مدرسه کشاورزی، المجبل، هنکارات، منطقه کارخانه ها، مقلع الزفت، الکسارات و المناشر در شرق العویجه در شمال حلب مسلط شده اند.

به موازات درگیری ها و تحولات میدانی، تلاشها برای خروج افراد مسلح از شرق حلب ادامه دارد. بیش از دو هزار فرد مسلح به همراه خانواده های خود برای خروج از حلب ابراز آمادگی کرده اند تا از طریق گذرگاههای امن که در بخش غربی حلب قرار داده شده است، از شرق حلب به غرب آن بروند.

در این میان از سویی گروههای مسلح با فشار مردمی و تظاهرات برای خروج روبرو هستند و از سوی دیگر از واکنش و انتقام جبهه فتح الشام هراس دارند. تروریستها مانع از هر تلاش مصالحه در حلب شده اند و اجازه نمی دهند که افرادی که مایل به خروج از شرق حلب هستند از طریق گذرگاه به مناطق تحت کنترل ارتش سوریه بروند اما امیدواری برای طرحهای مصالحه در مناطق تماس به ویژه سیف الدوله، صلاح الدین، بستان پاشا، کرم الجبل، بستان القصر و دیگر مناطق وجود دارد.

در همین راستا، نیروی هوایی سوریه اقدام به پرتاب بسته هایی برای افراد مسلح کرده است. محتوای این بسته ها شامل پرچم سوریه، البسه سفید، ژلیت و صابون به همراه نامه ای برای افراد مسلح که در آن درخواست شده است که این افراد سلاح خود را بر زمین بگذارند و غیر نظامیان را آزاد کنند.

نیروی هوایی سوریه با این اقدام در راستای به زانو درآوردن گروههای مسلح استفاده می کند و به آنها می نمایاند که از مردانگی نیست که غیرنظامیان را به عنوان سپر انسانی قرار دهند و بهتر است که آنها غیرنظامیان را آزاد بگذارند که تا ارتش سوریه آنها را به مناطق امن ببرد. ارتش سوریه در این اعلامیه ها از گروههای مسلح می خواهد که سلاح بر زمین بگذارند و شهر را ترک کنند.

این در حالی است که محاصره و گرسنگی و عوامل دیگر از جمله بازداشت های گسترده ساکنان از سوی افراد مسلح، مقدمات ناراضی ساکنان شرق

به دمشق برای وارد کردن ضربات به تروریستها در دیگر جبهه ها می دهد. از آن گذشته حلب از اهمیت راهبردی به سبب اینکه راه مهم امداد رسانی برای تروریستها از ترکیه از طریق آن می گذرد، برخوردار است. آمریکا برای مقابله با شکست تروریستها در حلب به گزینه های مختلفی توجه کرد که از جمله آنها گزینه نظامی بود اما با توجه به جنگ عراق و جبهه بد آمریکا به نظر می رسد که از این گزینه صرف نظر کرده است. وانگهی ملت سوریه دیکته خارجی را نمی پذیرد. واشنگتن و همپیمانان غربی آن از گزینه های نظامی و فشار دیپلماسی، سیاسی و رسانه ای بهره می برند تا مانع از سقوط لانه های تروریستها و تکفیری ها در شرق حلب شوند. بدون شک روزها و هفته های آتی

رئیس جمهوری سوریه از عزم جدی برای پیروزی در حلب سخن گفته است و آن را به منزله مقدمه ای برای بازپس گیری دیگر مناطق از تروریستها دانسته است.

پیروزی های ارتش سوریه در حلب، آمریکا و همپیمانانش را دیوانه کرده است. اتهام و تهدید و نگرانی آنها در هم آمیخته است. آنها می دانند که بازپس گیری حلب به منزله شکست شش سال توطئه ضد دمشق است. از همین رو است که رسانه های آنها بیش از قبل فعال شده است و مسئولان آمریکای و همپیمانان غربی و عربی آنها نشست های متوالی برای حلب برگزار می کنند و تلاش می کنند که طرحهای مختلفی برای نجات تروریستها مورد حمایت خود ارائه دهند. در این میان حمایت هوایی روسیه و

نماینده «عمار حکیم»:

حشد الشعبی نزد اهل سنت نیز محبوبیت دارد

محمد فاطمی زاده



اعلام کرده بود که اربیل و بغداد در خصوص سرنوشت مناطق آزادشده موصل در آینده با یکدیگر توافق کرده اند. در این خصوص و همکاری نیروهای پیشمرگه با نیروهای عراقی توضیح دهید.

تمامی نیروها و احزاب سیاسی در عراق در صف واحدی قرار گرفته اند تا اراضی کشور را از چنگال تروریست های داعش آزاد کنند. مرحله مهم تر مرحله پس از آزادسازی موصل و دیگر مناطق از کنترل داعش است و در این راستا رایزنی ها و مذاکرات و اقدامات سیاسی صورت می گیرد که محور این مذاکرات نیز پیروزی مردم و دولت و نیروهای عراقی است. این اقدامات در مرحله پس از نابودی داعش اساس کار است. بنابراین سخن گفتن در خصوص این توافقات از الان زود است.

|| عادل الجبیر وزیر خارجه سعودی اخیرا اعلام کرده بود که حضور نیروهای حشد الشعبی در عملیات موصل موجب می شود که حمام خون به راه بیفتد. علت مداخلات عربستان در عراق چیست؟

این سخنان بر اساس اطلاعات غلط و اشتباه بیان می شود و یا اینکه می خواهند که اشتباه باشد و نشانگر ضعف در تحلیل و موضع سعودی ها در قبال عراق است. همچنین این سخنان تلاشی است برای دفاع از اهل سنت. این در حالی است که در حال حاضر حدود ۶ هزار نیروی عشائری سنی در منطقه حاضر هستند که برای شرکت در عملیات موصل در کنار نیروهای حشدالشعبی در آمادگی کامل به سر می برند. تاکید می کنم که این گونه اظهارات به گذشته تعلق دارد و در برهه کنونی ارزشی ندارد. رهبران منطقه باید هوشیار باشند که عراق در شرایط جدیدی به سر می برد که بر استقلال کشور و آزادی مردانش متکی است و دارای قدرت روبه رشدی است که به کمک آن قادر به تاثیرگذاری مثبت بر روی تمامی کشورهای منطقه است.

|| در رابطه با اخراج ثامر السبهان سفیر سعودی از عراق و جاگزینی یک کاردار به جای وی توسط عربستان و همچنین روابط کنونی بغداد با ریاض نیز توضیح دهید.

در حال حاضر روابط میان طرفین در حالت سردی به سر می برد و باید تا پایان عملیات موصل صبر کنیم تا آن موقع مشخص شود. فرستادن کاردار به بغداد نیز

نیروهای عراقی و تمامی دوستداران عراق در سطح بالایی است. در هر صورت این عملیات مورد توجه محافظ سیاسی بین المللی و رسانه های جهان است و امیدواریم که با همت نیروهای عراقی و کمک حامیان عراق به ویژه ایران این پیروزی محقق شود.

همچنین عناصر داعش در حال فرار از موصل به سوی اراضی سوریه هستند و هیچ جایگاهی در عراق ندارند. بنابراین پیروزی در عملیات موصل تاثیرات بین المللی دارد و موجب قدرتمند شدن دولت عراق در مقابله با چالش های موجود اعم از مداخله برخی کشورها و اهانت برخی کشورها به دولت و مردم عراق و حشدالشعبی می شود. به علاوه پیروزی در این عملیات موجب می شود عراق از تمامی هیمنه های داخلی آزاد گردد و دهان برخی مزدوران که با سخنان و اظهارات خود در صدد تضعیف عراق هستند، بسته شود.

|| برخی رسانه ها از فرار ابوبکر البغدادی از موصل خبر می دهند. آیا این اخبار صحت دارد؟

اینگونه اخبار بارها از سوی رسانه ها منتشر شده است و طبق بیان رسانه ها ابوبکر البغدادی تاکنون بارها کشته شده است! با پراکندن این گونه اخبار در صدد سست کردن برخی افراد هستند. در حال حاضر مهم نیست که البغدادی کشته شده و یا فرار کرده است. عناصر این گروه تروریستی سرنوشتی همچون سرنوشت دیگر عناصری که به هلاکت رسیده اند را در پیش خواهند داشت. نیروهای عراقی در این عملیات تمامی مراکز و سرکردگان و عناصر داعش را هدف قرار می دهند.

مقامات ارشد ترکیه از جمله رئیس جمهور و وزیر خارجه این کشور بارها بر حضور نظامی خود در عملیات موصل تاکید کرده بودند. روز دوشنبه نیز هیأتی ترکی برای دیدار با مسئولان عراقی وارد بغداد شد. در خصوص مداخلات ترکیه در عملیات موصل و برخورد نیروهای عراقی با نظامیان ترک در صورت مواجهه با آنها در خاک عراق توضیح بفرمایید.

از زمان آغاز عملیات موصل تحرکی نداشته اند. آنچه که تاکنون رخ داده، بیان سخنانی از سوی اردوغان رئیس جمهور ترکیه و دیگر مقامات این کشور بوده است اما زمانی که مردم و دولت عراق پاسخ مقامات ترکیه را در همان سطح دادند، مشاهده می کنیم که در مواضع مقامات آنکارا ضعف و سستی ایجاد شد و سفر هیأت ترکیه به بغداد برای رایزنی با مسئولان عراقی به ریاست معاون وزیر خارجه ترکیه نیز نشانگر همین وضعی بود که در مقامات ترکیه ایجاد شد.

نظامیان ترکیه اقدامی صورت نمی دهند و اگر دست به کاری بزنند به عنوان نظامی متخاصم محسوب می شوند. زیرا به درخواست بغداد و برای حمایت از نیروهای عراقی در خاک ما حضور نیافته اند. نظامیان ترکیه اجازه هیچ گونه تحرکی در عراق را ندارند و در صورت تحرك با آنها برخورد می شود.

|| مسعود بارزانی رئیس اقلیم کردستان

ماجد غماس تاکید کرد نظامیان ترکیه به درخواست بغداد و برای حمایت از نیروهای عراقی در خاک ما حضور نیافته اند؛ اگر دست به کاری بزنند به عنوان نیروی دشمن محسوب می شوند و با آنها برخورد می شود.

عملیات بزرگ آزادسازی شهر «موصل» در استان نینوا عراق سرانجام در ساعت حدود ۵:۰۰ بامداد روز دوشنبه با دستور مستقیم «حیدر العبادی» فرمانده کل نیروهای مسلح عراق کلید خورد.

پیشروی های نیروهای عراقی در مقابله با تکفیریهها در محورهای مختلف شهر موصل تنها طی ساعات اولیه آغاز عملیات بزرگ آزادسازی این شهر، آنقدر بر حامیان منطقه ای و بین المللی تکفیریهها سنگین آمد که تصمیم گرفتند فشارهای سیاسی و میدانی خود بر دولت و ارتش عراق در این عملیات را کلید بزنند.

ارتش ترکیه خود را آماده کرده است تا در صورت لزوم و تنگ تر شدن عرصه بر تکفیریههای تحت الحمایه خود، به صورت مستقیم وارد عمل شده و تحت پوشش مبارزه با داعش، راه فراری را برای اعضای این گروه فراهم آورده و آنها را نجات دهد. در این میان، اظهارات «رجب طیب اردوغان» رئیس جمهوری ترکیه نیز خود گویای این حقیقت تلخ است که آنکارا قصد دارد حتی به قیمت زیر پا گذاشتن آشکار قوانین بین المللی به حمایتش از مزدوران داعشی خود ادامه دهد. رئیس جمهوری ترکیه صراحتا اعلام کرده است که کشورش بدون مجوز در عملیات آزادسازی موصل مشارکت می کند. در همین راستا و برای بررسی بیشتر تحولات کنونی عراق با «ماجد غماس» رئیس دفتر مجلس اعلای عراق در تهران و نماینده «عمار حکیم» رهبر این مجلس و رئیس ائتلاف ملی عراق گفتگو کردیم که شرح آن در ذیل می آید:

|| در خصوص عملیات آزادسازی موصل و اهمیت راهبردی این عملیات توضیح دهید.

امیدواریم که نیروهای عراقی اعم از حشدالشعبی و ارتش عراق در عملیات آزادسازی موصل موفق شوند و به دستاوردهای خود ادامه دهند. عملیات موصل مرحله جدیدی از عملیات نیروهای عراقی است که پس از کسب دستاوردهای پیاپی در دیگر مناطق از جمله تکریت، دیالی، فلوجه و الرمادی کلید خورده است. ۲ منطقه موصل در عراق و الرقه در سوریه مرکز اصلی تروریست های مورد حمایت از سوی خارجی ها است. پیروزی در موصل علاوه بر اینکه موجب آزادسازی بخش وسیعی از مناطق تحت اشغال داعش در عراق می شود، هیمنه پوشالی این گروه تروریستی را که با انجام اقدامات وحشیانه در حال ترسناک جلوه دادن خود است، از بین می برد.

این در حالی است که اهالی منطقه هیچ گونه ترسی از این تهدیدهای داعش ندارد و از سوی دیگر نیز روحیه

طرح جدید «ولد الشیخ» برای یمن؛ حل بحران یا حمایت از جنایات سعودی؟

رامین حسن آبادیان



گسترش کشتار مردم این کشور توسط رژیم سعودی است. به نظر می‌رسد که فرستاده ویژه سازمان ملل در امور یمن در طرحی که برای برون رفت از بحران این کشور ارائه کرده، اولویت‌ها را نادیده گرفته و دچار اشتباه محاسباتی شده است.

بحران کنونی یمن نشأت گرفته از حملات متجاوزانه رژیم سعودی به مردم بی دفاع و بی گناه این کشور است؛ این در حالی است که سازمان ملل و فرستاده ویژه آن در یمن، سطح این بحران را به یک دعوی سیاسی ساده میان احزاب و جریان‌های یمنی از یک سو و «عبدربه منصور هادی» از سوی دیگر بر سر تصاحب قدرت، تنزل داده‌اند. سازمان ملل قصد دارد اینگونه وانمود کند که سعودیها هیچ نقشی در بروز این بحران نداشته‌اند؛ حال آنکه این بحران ساخته دست سعودیها بوده و به دنبال نقض آشکار تمامی قوانین بین‌المللی توسط آنها، ظهور و بروز پیدا کرده است.

در طرح جدید «اسماعیل ولد الشیخ» فرستاده ویژه سازمان ملل در یمن بر لزوم عقب نشینی نیروهای نظامی از مناطق مختلف این کشور تأکید شده است. این در حالی است که همانگونه که گفته شد در این طرح سخنی از عربستان سعودی و جنایت‌های آن علیه مردم بی گناه به میان نیامده است. در حال حاضر در عرصه تحولات میدانی، ارتش و کمیته‌های مردمی یمن ابتکار عمل در بسیاری از نقاط را به دست گرفته‌اند و درست به همین دلیل است که سعودیها بیش از پیش خشمگین شده و حملات خود را تشدید کرده‌اند. در واقع، این بند از طرح سازمان ملل را می‌توان نوعی حمایت از رژیم سعودی قلمداد کرد؛ سازمان ملل به خوبی می‌داند که هم‌اکنون نیروهای یمنی در عرصه میدانی دست برتر را دارند اما با این حال، باز هم سخن از عقب نشینی آنها به میان می‌آورد.

نکته قابل تأمل در طرح جدید فرستاده ویژه سازمان ملل در امور یمن، این است که ولد الشیخ هیچ تضمینی برای توقف حملات رژیم سعودی به مناطق مختلف این کشور در صورت پایبندی گروه‌های یمنی به تعهدات احتمالی، ارائه نکرده است. این در حالی است که نیروهای یمنی هنوز بدعهدی‌های سعودیها در مراحل مختلف مذاکرات و رایزنی‌های پیشین را فراموش نکرده‌اند. به عنوان نمونه می‌توان به توافقنامه امضا شده میان دو طرف در زمینه مبادله اسرا اشاره کرد که به دنبال آن نیروهای یمنی شمار زیادی از اسرای سعودی را آزاد کردند؛ با این حال، ریاض از عمل به تعهدات خود در آن توافقنامه و آزادی اسرای یمنی هیچ واکنشی سرباز زد.

فرستاده ویژه سازمان ملل در امور یمن اخیراً طرحی را برای حل بحران این کشور ارائه کرده است که نگاهی اجمالی به آن، این شائبه را به ذهن متبادر می‌سازد که وی به دنبال جانبداری از سعودیها است.

با وجود گذشت بیش از یک سال نیم از حملات ددمنشانه رژیم سعودی به مناطق مسکونی و زیرساخت‌های یمن، سازمان ملل متحد همچنان در جلوگیری از ادامه این حملات، عاجز مانده است. در این میان، رایزنی‌های «اسماعیل ولد الشیخ» فرستاده ویژه سازمان ملل در امور یمن نیز تاکنون هیچ نتیجه‌ای دربر نداشته و سعودیها هم‌زمان با این رایزنی‌ها به ارتکاب جنایت‌های بیشتر علیه غیرنظامیان به ویژه زنان و کودکان یمنی ادامه می‌دهند.

تاکنون طرح‌های بسیاری از سوی سازمان ملل متحد برای حل بحران یمن ارائه شده است که این طرح‌ها یا به نفع عربستان سعودی بوده و با مخالفت شدید یمنی‌ها مواجه شده و یا طرح‌هایی عادلانه و بدون جانبداری بوده که با کارشکنی‌های گسترده رژیم سعودی و ایالات متحده آمریکا مواجه شده است. با این حال، «اسماعیل ولد الشیخ» اخیراً بار دیگر طرحی را به منظور حل بحران یمن ارائه کرده است.

اگر طرف‌های یمنی بر روی پیشنهاد جدید ولد الشیخ توافق کنند، باید برای «عبدربه منصور هادی» رئیس‌جمهور مستعفی یمن معاونی جدید انتخاب شود و «علی محسن الاحمر» معاون فعلی او ۲۴ ساعت بعد از امضای توافق استعفا خود را ارائه دهد. به گفته این منابع بر اساس این طرح هادی نیز باید همه اختیارات خود را به معاون جدیدش انتقال دهد و معاون جدید که به صورت توافقی انتخاب شده باید دستور تشکیل دولت وحدت ملی را بدهد که اعضای آن به صورت منصفانه از میان حامیان هادی، انصار الله و کنگره مردمی یمن ظرف ۳۰ روز انتخاب می‌شوند.

این طرح بر لزوم ایجاد اصلاحات در قانون اساسی یمن، به رأی گذاشتن آن و سپس برگزاری انتخابات ریاست جمهوری یک سال بعد از امضای توافق تأکید دارد. در زمینه نظامی هم بر اساس این طرح باید از صنایع، تمز و حدیده در طول یک ماه بعد از امضای توافق عقب نشینی صورت بگیرد و کمیته مرکزی نظامی و امنیتی تشکیل شود که کمیته‌های فرعی در همه استان‌های یمن داشته باشد.

اسماعیل ولد الشیخ در حالی طرح اخیر خود برای حل بحران یمن را ارائه کرده است که در آن هیچ سخنی از لزوم توقف هرچه سریعتر حملات ددمنشانه و وحشیانه رژیم سعودی به یمن به میان نیامده است. بدیهی است در کشوری که توپ و گلوله حرف اول و آخر را می‌زند، تحقق هرگونه راه حل سیاسی برای برون رفت از بحران، منوط به توقف جنگ است. با این حال، شاهد هستیم که سازمان ملل متحد از ظرفیت‌های بسیار بالایی که در اختیار دارد به عنوان اهرم فشار بر عربستان سعودی برای توقف جنگ به منظور فراهم آوردن زمینه جهت تحقق راهکار سیاسی، بهره‌برداری نمی‌کند. جای هیچ شک و شبه نیست که علل سازمان ملل و انفعال آن در قبال جنایت‌های هولناکی که سعودیها مرتکب می‌شوند، از عوامل تشدید بحران یمن و

اقدامی از سوی سعودی‌ها با هدف حفظ روابط حداقلی میان بغداد و ریاض و عدم قطع کامل و فروپاشی این روابط بود.

|| فعالیت‌های حشدالشعبی در عملیات موصل و علت دیدار اخیر رهبران حشدالشعبی با عمار حکیم و حیدر العبادی را تشریح کنید.

نیروهای حشدالشعبی در آزادسازی موصل نقش مهم و اساسی دارند. علت این نقش مهم نیز به توانمندی نظامی، فداکاری و شجاعت حشدالشعبی باز می‌گردد اما نکته مهم‌تر این است که نیروهای حشدالشعبی با پایبندی به اعتقادات، دفاع از مقدسات و وطن و بر اساس فتوای آیت الله سیستانی مبنی بر جهاد با تروریست‌های داعش وارد میدان شدند که باعث می‌شود اقدامات آنان حامل بشارت پیروزی باشد.

بر همین اساس نیز یک نیروی قوی محسوب می‌شوند که قابل تضعیف شدن نیست و نمی‌توان آن را نادیده گرفت و به حاشیه راند. از سوی دیگر حشدالشعبی از تجربه خوبی در برخورد با اهالی مناطق به ویژه آوارگان در فلوچه برخوردار است. بنابراین مسأله مشارکت دادن نیروهای حشدالشعبی در عملیات موصل مسأله مهمی است که تصمیم‌گیری در این حوزه نیز به دست حیدر العبادی فرمانده کل نیروهای مسلح عراق است و این موضوع محور دیدار برخی از فرماندهان و رهبران حشدالشعبی با حیدر العبادی و عمار حکیم بود.

|| شیعیان و اهل تسنن بغداد در پایتخت عراق نماز وحدت خوانند. این اقدام چه پیامی برای دشمنان دارد؟

حشدالشعبی با اقدامات خوبی که انجام داده است، محبوبیت بسیاری در میان گروه‌های اهل تسنن کسب کرده و تعامل آنها با اهالی مناطق نیز موجب ارائه تصویر جدیدی از این نیروها به مردم شد؛ تصویری که داعشی‌ها و دیگران در صدد ارائه نامناسب آن بودند.

در حقیقت دشمنان در صدد ایجاد شکاف گسترده میان شیعیان و اهل تسنن عراق بودند. این نماز وحدت موجب شد که امور به مجاری اصلی خود بازگردد و این توطئه خنثی شود. بنابراین جامعه عراق اعم از اهل تسنن، شیعیان، مسیحیان، کردها، ترکمن‌ها و دیگر اقلیت‌های عراقی با وحدت در کنار هم زندگی می‌کنند. نماز وحدت همچنین شعاری است که ان‌شاءالله اقدامات و فعالیت‌های بیشتر و گسترده‌تر را در پی داشته باشد.



اروپا

دبیر: عبدالحمید بیاتی
مریم خرمائی

استاد دانشگاه آمستردام:

قدرتهای بزرگ در برابر دیوان کیفری پاسخگو نیستند

وحید پور تجریشی



مثال می توان به نقش فرانسه در نسل کشی رواندا، یا به راه انداختن جنگ غیر قانونی و تسخیر عراق توسط دولت بوش اشاره کرد. هیچ یک از این قدرت های بزرگ نمی خواهند زیر بار جوابگویی در قبال کارهای خود بروند. پس بنابراین تنها این دولت های ضعیف مانند کنیا و یا جمهوری دموکراتیک کنگو هستند که باید در مقابل دیوان کیفری بین المللی پاسخگو باشند.

|| نابودی و یا تخریب محیط زیست به تازگی به عنوان جنایت علیه بشریت اعلام شده است. اهمیت تصویب چنین قانونی در چیست؟ آیا به نظر شما این موضوع نشان از توجه بیشتر جامعه بین المللی نسبت به برخی از مصادیق مجرمانه همچون نسل کشی، جنایت علیه بشریت، محیط زیست و یا موارد مشابه نیست؟

نابودی محیط زیست و نابودی انسان، هر دو با یکدیگر در ارتباط هستند. مسائلی همچون بومیان آمازون و یا جنگ بر سر آب در سودان یا بحران منابع در شرق جمهوری کنگو همگی از این دست مسائل هستند. امروز ما در حال فهم بیشتر و بیشتر این مساله هستیم که همزیستی انسانی طی دهه ها و قرن های آینده تحت فشار خواهد بود و تغییرات آب و هوایی ناشی از مداخله انسانی بخشی از این مشکل به حساب می آید.

پیش از این هیچ وقت شاهد استفاده از آنها نبوده ایم. از این دست می توان به استفاده از سیستم هایی همچون قطار مرگ، استفاده از گازهای سمی برای کشتن مردم در کمپ های گاز و یا استفاده از بمب اتم برای نابود کردن یک شهر به همراه تمامی شهروندان و شیوه هایی مانند اینها اشاره کرد. از سوی دیگر ایدئولوژی های افراطی مانند چپ گرایی افراطی (کمونیسم) و راست گرایی افراطی (فاشیسم، نازیسم، ملی گرایی افراطی) از دیگر عوامل موثر در ایجاد کشتار جمعی در قرن بیستم به حساب می آیند. مجموعه این دو فاکتور منجر به ایجاد حجم عظیمی از خشونت در قرن بیستم شد.

|| همانطور که می دانید، کشتار جمعی یکی از مصادیق مجرمانه ای است که در دیوان بین المللی کیفری به آن رسیدگی می شود. اما سوال اینجاست که این دیوان تا چه حد در رسیدگی موثر و عملی به این مساله نقش دارد؟ نظر شما چیست؟

دیوان کیفری بین المللی هنوز ضعیف است و دلیل آن هم این است که همه کشورها در راستای انجام وظایف این دیوان با یکدیگر همکاری نمی کنند. حاکمیت ملی همچنان بیشترین قدرت را در اختیار داشته و دیوان نیز برای رسیدگی به بحران های بزرگی همچون جمهوری آفریقای مرکزی، نیروی انسانی و کارمند کافی در اختیار ندارد.

|| چرا رسیدگی به بسیاری از پرونده های جنایی مانند نسل کشی هنوز تحت ملاحظات سیاسی انجام می شود؟

بله، دلیل این است که ما در جهان پر از نقصانی زندگی می کنیم که دولت ها همگی به دنبال تامین منافع خود بوده و پنج عضو شورای امنیت هم به دنبال تنبیه و تعقیب قانونی خود و یا مقامات خود نیستند. به عنوان

استاد دانشگاه آمستردام هلند با بیان این مساله که قدرت های بزرگ مسئولیت اعمال خود را بر عهده نمی گیرند، دیوان کیفری بین المللی را تحت نفوذ آنها و ناکارآمد دانست.

نسل کشی نه تنها یکی از شایع ترین مفاهیم سیاسی وحشتناک قرن بیستم، بلکه شاید وحشتناک ترین پدیده طی چندین قرن گذشته نیز باشد.

دلایل زیادی می توان آورد که چرا این پدیده تا این حد در قرن بیستم شایع بوده است. به عنوان مثال، تشکیل دولت های ملت ها و پیدایش مرزها به عنوان روزه ای که در قرن نوزدهم آغاز شده و در قرن بیستم به شکل امروزی مفهوم خود را در میان مردم و دولت های جهان پیدا کرد، خود ریشه شکل گیری رقابت های بین المللی، قومی، مذهبی و حتی جنگ های جهانی اول و دوم شد. همین مساله را می توان به عنوان یکی از بزرگترین ریشه ها و دلایل نسل کشی در قرن بیستم به حساب آورد.

پروفسور «اوگور امید اونگور»، استاد دانشگاه آمستردام هلند و نویسنده کتاب «نسل کشی»، در کتاب خود که به تازگی توسط انتشارات دانشگاه «آمستردام» منتشر شده، به نقد و بررسی دلایل، دوره و نتایج نسل کشی پرداخته و معتقد است که در این باب، نگاهی تازه به این موضوع انداخته است.

در همین راستا، خبرنگار مهر گفتگویی با نویسنده این کتاب داشته که متن کامل آن، در ادامه می آید.

|| دلایل افزایش و گسترش نسل کشی در قرن بیستم چیست؟

پاسخ به این سوال در چند خط بسیار کار مشکلی است. اول اینکه من معتقد نیستم که میزان نسل کشی در قرن بیستم نسبت به گذشته افزایش یافته است. اما نکته قابل توجه این است که در قرن بیستم از ابزار و وسایل پیشرفته ای برای نسل کشی استفاده شد که

«اندر مصائب برگزیت»؛ خروج بانک های بین المللی از انگلیس

مصائب برگزیت (خروج از اتحادیه اروپا) برای انگلیس آغاز شده و در همین رابطه گفته می شود که بانک های پیشرو تصمیم به خروج از این کشور گرفته اند.

بانک های بزرگ و پیشرو به دلیل هراس از تبعات برگزیت سال آینده سرمایه های خود را از انگلیس خارج می کنند.

«آنتونی براون» مدیر اجرایی انجمن بانکداران انگلیس در یادداشتی که امروز یکشنبه در نشریه آیزرور منتشر شد، هشدار داد که بانک های بزرگ انگلیسی به دلیل افزایش نگرانی ها از برگزیت درصدد خارج کردن سیستم عملیات اجرایی شان از این کشور هستند.

براون در این یادداشت عنوان کرد که انتظار می رود که این بانک های بزرگ در ماه های نخست سال ۲۰۱۷ میلادی خروج از انگلیس را شروع کنند.

وی همچنین گفت که بسیاری از بانک های کوچک نیز در حال برنامه ریزی برای انتقال عملیاتشان به خارج از انگلیس قبل از کریسمس هستند.

براون در این یادداشت نوشت: سیستم بانکی انگلیس احتمالاً بیش از سایر بخش های اقتصادی چه به لحاظ میزان تاثیر و درجه پیامدها، از برگزیت متاثر خواهد شد.

آیزرور همچنین عنوان کرد که براساس گزارش یک نهاد بانکی، در صورت خروج انگلیس از اتحادیه اروپا بیش از ۷۰ هزار فرصت شغلی مالی در این کشور در معرض خطر قرار خواهد گرفت.

به هر حال تصمیم دولت انگلیس برای کنترل جریان آزاد نیروی کار که از سوی بسیاری از مقامات دولتی پذیرفته شده است، هرگونه شانس را برای حفظ موقعیت کنونی از بین خواهد برد.

انجمن بانکداران انگلیس که ۲۰۰ مقرر بانکی عضو آن هستند، پیش از همه پرسشی ۲۳ ژوئن هشدار داده بود که خروج انگلیس از اتحادیه اروپا آثار منفی بر صنعت بانکداری انگلیس خواهد داشت.

در همه پرسشی ۲۳ ژوئن (سوم تیرماه) ۵۱.۹ درصد مردم بریتانیا به خروج از اتحادیه اروپا و ۴۸.۱ درصد آنها به ماندن در این اتحادیه رای دادند.

«ترزا می» نخست وزیر انگلیس اعلام کرده است که قصد دارد ماده ۵۰ پیمان لیسبون را تا اواخر مارس ۲۰۱۷ فعال سازد که این مساله آغاز گر روند مذاکرات درباره خروج انگلیس از این اتحادیه خواهد بود.

اولتیماتوم اوربان به اروپای واحد/برگزاری همه پرسی در مجارستان

حنیف غفاری



اظهارات اوربان، نوعی اولتیماتوم جدی به اروپای واحد محسوب می شود. این اولتیماتوم درست در زمانی مطرح می شود که اتحادیه اروپا با بدترین بحران مهاجرت پس از جنگ جهانی دوم روبرو شده است.

ویکتور اوربان نخست وزیر مجارستان طی ماههای اخیر به شخصیتی جنجالی در اتحادیه اروپا تبدیل شده است.

همزمان با شکل گیری و تشدید بحران پناهجویان، اوربان ضمن اتخاذ سیاستهای سخت گیرانه مهاجرتی، از همکاری با اروپای واحد بر سر حل بحران پناهجویان و اسکان دادن آنها سر باز زده است. این مسئله منجر به اعتراض شدید کشورهایمانند اتریش شده است. با این حال اوربان ترجیح می دهد بر سیاستهای سخت گیرانه مهاجرتی خود پافشاری کند. اظهارات اخیر نخست وزیر مجارستان نشان می دهد او حاضر نیست در راستای حل و فصل بحران پناهجویان کمترین انعطافی به خرج دهد. او اخراج پناهجویان را تنها راه ممکن برای مواجهه با این مسئله می داند: «اتحادیه اروپا باید همه مهاجران غیر قانونی را اخراج کرده و آنها را در اردوگاه های آوارگان خارج از مرزهای اروپا اسکان دهد. این اردوگاه ها می توانند در یک جزیره یا منطقه ای ساحلی در شمال آفریقا باشد وی امنیت و تجهیزات مورد نیاز این مناطق باید توسط اروپا تضمین شود.»

این سخنان اوربان در حالی بیان می شود که مجارستان قصد دارد ۲ اکتبر همه پرسی را علیه طرح اتحادیه اروپا برای سهیمه بندی مهاجران برگزار کند. تحلیلگران مسائل اروپا معتقدند که نتیجه این همه پرسی به سود اروپای واحد و سیاستهای طریح ریزی شده در این مجموعه (در راستای مواجهه با بحران پناهجویان) نخواهد بود. اوربان طی سالهای ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ میلادی، کنترل شدیدی بر مرزهای جنوبی کشورش اعمال کرده و از پذیرش پناهجویان سر باز می زند. همین مسئله منجر به تقابل سیاستمداران اروپایی و دولت مجارستان شده است. اتریش تهدید کرده است که علیه اوربان و دولت مجارستان به دادگاه عالی اروپا شکایت خواهد کرد. با این حال، چین تهدیداتی توانسته است رویکرد سلبی مجارستان در قبال پناهجویان را متوقف

از کشورهای عضو اتحادیه اروپا با رویکرد آنگلا مرکل صدر اعظم آلمان در خصوص پذیرش پناهجویان مخالف هستند. از سوی دیگر، برگزاری همه پرسی در مجارستان می تواند مقدمه ای برای برگزاری همه پرسی در دیگر کشورهای اروپایی در قبال بحران مهاجرین باشد. این بدترین خبر ممکن برای آنگلا مرکل و دیگر سران اروپایی محسوب می شود.

از سوی دیگر، اظهارات اوربان نقطه آشکار ساز شکافهای موجود میان سران اروپایی بر سر مواجهه با بحران پناهجویان است. برخی تحلیلگران مدعی بودند با گذشت زمان، این شکافها

ترمیم خواهد شد اما با گذار به سال ۲۰۱۶ میلادی و جدی تر شدن بحران پناهجویان و از همه مهم تر، با وجود چشم انداز مبهمی که بر سر توافق صورت گرفته میان اتحادیه اروپا و ترکیه به وجود آمده است، این اختلافات روز به روز جدی تر می شود. بدون شک از این پس شاهد موضع گیری های صریح تر ویکتور اوربان نخست وزیر مجارستان در قبال بحران پناهجویان خواهیم بود. همچنین این احتمال وجود دارد که متعاقب برگزاری همه پرسی در مجارستان بر سر نحوه مواجهه با بحران مهاجرین، شکافها و اختلافات در اروپای واحد تشدید شود. در این صورت، مدیریت بحران مهاجرین عملا از دست افرادی مانند آنگلا مرکل صدر اعظم آلمان خارج خواهد شد.

حمایت از جریانهای افراطی در قاره سبز؛ اتهام جدید اروپا به روسها

بوریس جانسون، هم‌تای انگلیسی خود در لندن گفت: روسیه و نظام بشار اسد باید بفهمند که هرگز نمی توانند جنگ را نهایی کنند.

جانسون نیز گفت: روسها به تدریج درک می کنند که ما فشارهایی را علیه آنها اعمال می کنیم و مسئله مهم ادامه فشارها است.

از سوی دیگر منابع نزدیک به صدر اعظم آلمان اعلام کردند، آنگلا مرکل قصد دارد موافقت دیگر کشورهای عضو اتحادیه اروپا را در خصوص تشدید تحریمها علیه روسیه به خاطر نقشش در جنگ داخلی سوریه به دست آورد.

مساله تحریمها قرار است در نشست روز پنج شنبه و جمعه اتحادیه اروپا به بحث گذاشته شود. در حال حاضر آمریکا و اتحادیه اروپا تحریمهایی را علیه روسیه به خاطر الحاق شبه جزیره کریمه به مسکو در سال ۲۰۱۴ میلادی و به خاطر حمایتش از جدایی طلبان شرق اوکراین اعمال کرده اند.

علیه روسیه خبر داد و نوشت: «جان کری» وزیر امور آمریکا که به لندن سفر کرده گفت: آمریکا افزایش تحریمها علیه روسیه را به دلیل حمله به مناطق تحت سیطره مخالفان در حلب سوریه بررسی می کند. وزیر خارجه آمریکا در کنفرانس مطبوعاتی مشترک با



یک روزنامه غربی از طرح ادعایی جدید علیه روسیه از سوی اتحادیه اروپا خبر داد که به موجب آن امکان وارد کردن فشارهای بیشتر بر مسکو فراهم می شود.

رهبان اتحادیه اروپا قرار است اطلاعات امنیتی درباره اتهام روسیه در حمایت از احزاب و جنبش های مختلف راست افراطی در اروپا را بررسی کنند.

سران اتحادیه اروپا در نشستی که قرار است در تاریخ ۲۰ و ۲۱ اکتبر (۲۹ و ۳۰ مهر) برگزار شود، درباره این اتهام روسیه گفت و گو خواهند کرد.

یکی از دیپلمات ها به روزنامه فاینشال تایمز گفت: این مساله یک نگرانی جدی است و به یک نگرانی برای موجودیت (اتحادیه) بدل شده است.

دستگاه های اطلاعاتی اتحادیه اروپا، روسیه را به مداخله در امور داخلی کشورهای استونی، لتونی، لیتوانی، مجارستان، فرانسه و هلند متهم می کنند.

این وضعیت در حالی است که وال استریت ژورنال نیز در گزارشی از تصمیم آمریکا و انگلیس برای اعمال تحریم

مناقشه بر سر همه پرسی در مجارستان / شوک اوربان به اتحادیه اروپا



حنیف غفاری

رای بیش از ۹۸ درصد از شرکت کنندگان مجارستانی به مخالفت با سیاستهای اروپای واحد در خصوص پناهجویان، شجاعت دولت «ویکتور اوربان» در مخالفت با بروکسل را دوچندان ساخته است. اگرچه به دلیل شرکت کمتر از ۵۰ درصد از شهروندان مجارستانی در همه پرسی دیروز (یکشنبه) بر سر موافقت با طرح های اتحادیه اروپا در خصوص مهاجرین و پناهجویان، این همه پرسی از رسمیت افتاد اما رای بیش از ۹۸ درصد از شرکت کنندگان به مخالفت با سیاستهای اروپای واحد در خصوص پناهجویان، شجاعت دولت «ویکتور اوربان» در مخالفت با بروکسل را دوچندان ساخته است!

نخست وزیر مجارستان در نخستین موضع گیری خود پس از اعلام نتایج همه پرسی در کشورش اعلام کرد که اتحادیه اروپا باید نتیجه این همه پرسی را مدنظر

اروپا را غیر قابل قبول دانسته اند. اگرچه به نظر می رسد در صورت تشدید تقابل دولت مجارستان با اتحادیه اروپا، این گزینه همچنان روی میز قرار داشته باشد. ویکتور اوربان نشان داده است که اساساً قصد ندارد در قبال بحران پناهجویان کمترین انعطافی از خود نشان دهد.

از سال ۲۰۱۰ میلادی، یعنی زمانی که ویکتور اوربان به عنوان نخست وزیر مجارستان انتخاب شد، مخالفت وی با سیاستهای مهاجرتی مشترک در اتحادیه اروپا نمود ویژه ای داشت. با این حال، این مخالفت از سال ۲۰۱۵ میلادی و با تشدید بحران پناهجویان شکل جدی تری به خود گرفته است. ویکتور اوربان معتقد است که اروپای واحد باید مرزهای خود را در راستای جلوگیری از حضور مهاجرین تقویت (کنترل شدید) کند. او در همین راستا مرزهای خود را با کرواسی و صربستان حصار کشی کرده است. این سیاستهای اوربان با مخالفت سازمان عفو بین الملل و دیگر سازمانها و گروههای حقوق بشری مواجه شده است. با این حال اوربان در مقابل این انتقادات کمترین واکنشی نشان نداده و بر سیاستهای قبلی خود اصرار ورزیده است.

در نهایت اینکه مجارستان حاضر نیست دو هزار پناهجویی که سهم این کشور (مطابق سهم بندی اتحادیه اروپا) است را بپذیرد. موضوعی که به نظر می رسد سران اروپای واحد دیگر آن را پذیرفته اند و نسبت به تغییر نظر اوربان در این خصوص نیز کمترین امیدی ندارند.

قرار دهد. ویکتور اوربان تاکید کرده است که اروپای واحد نخواهد توانست خواسته خود را به شهروندان مجارستانی تحمیل کند.

به نظر می رسد متعاقب برگزاری همه پرسی جنجالی در مجارستان، مناقشه تازه ای در اتحادیه اروپا رخ داده است. از یک سو مقامات اروپایی معتقدند به دلیل مشارکت ۴۰ درصدی شهروندان مجارستانی در همه پرسی اخیر، این همه پرسی اساساً قابل استناد نیست. با این حال مقامات مجارستانی معتقدند باید رای بیش از ۹۸ درصدی شرکت کنندگان به مخالفت با سیاستهای اروپای واحد در قبال پناهجویان را مدنظر قرار داد و آن را رسمی و قانونی دانست.

در هر حال، با توجه به نتیجه همه پرسی صورت گرفته، از این پس دولت مجارستان به رویکرد سلبی خود در قبال پناهجویان ادامه خواهد داد. حتی برخی منابع خبری اعلام کرده اند که ویکتور اوربان قصد دارد نتایج همه پرسی صورت گرفته را با وجود ابطال آن به قانون تبدیل کند. از این رو تقابل میان مقامات اروپایی و ویکتور اوربان نخست وزیر مجارستان از این پس وارد فاز تازه ای خواهد شد.

طی ماههای گذشته زمزمه هایی مبنی بر ابطال عضویت مجارستان در اتحادیه اروپا شنیده شد. این موضوع برای نخستین بار از سوی مقامات لوکزامبورگ مطرح شد. با این حال مقاماتی مانند «مارتین شولتز» رئیس پارلمان اروپا ابطال عضویت مجارستان در اتحادیه

رمز گشایی از بسترسازی جدید ناتو برای اجرای پلان B آمریکا در سوریه

مهدی ذوالفقاری

از آنجائیکه ناتو از بدو تأسیس تا کنون سیاست های خود را بر اساس مدیریت تحولات در نقاط راهبردی مورد نظر خود دنبال کرده و رویه توسعه طلبانه ای را نیز علناً پیگیری نموده است، این سخنان به مثابه نشانه هایی از دسیسه جدید این سازمان برای توسعه مداخله جویانه دامنه حضور و تأمین منافع خود در شکل کاملاً نوینی است؛ برنامه خطرناکی که برای پی بردن به ابعاد آن لازم است نگاه مختصری به فعالیت های سازمان پیمان آتلانتیک شمالی در گذشته و حال بیندازیم.

پیشینه ناتو از بدو تأسیس تا زمان حال

با پایان جنگ دوم جهانی و آغاز جنگ سرد، آمریکا و برخی از کشورهای اروپای غربی در ۴ آوریل ۱۹۴۹ میلادی (۱۵ فروردین ۱۳۲۸) به تشکیل ناتو مبادرت ورزیدند؛ اقدامی که هدف آن جلوگیری از تهدیدی به نام توسعه کمونیسم پس از

سخنان کنونی استولتبرگ به مؤلفه های جدیدی مانند «تأمین ثبات در سایر کشورها»، «داره بحران ها»، «گسترش دامنه اقدامات ناتو بدون رعایت هیچ حد و مرزی» و بالاخره «ثبات بلند مدت در گرو تقویت نیروها و نهادهای محلی» اشاره صریح دارد.



وی در ادامه به سیاست های توسعه طلبانه این سازمان اشاره و تأکید کرد: ناتو برای گسترش دامنه اقدامات خود هیچ حد و مرزی نمی شناسد؛ چرا که بر اساس تجربه یافته است که لازمه دست یابی به ثبات بلند مدت، تقویت نیروها و نهادهای محلی است.

دبیرکل ناتو در دانشگاه هاروارد به پیگیری اهداف جدیدی توسط این سازمان اشاره کرد که آثار آن را می توان در تشدید بحران در سوریه توسط محور غرب و کسب جاهت حقوقی به موازات شورای امنیت متصور بود. «ینس استولتبرگ» دبیرکل سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) با اشاره به توسعه مأموریت های این سازمان با هدف گسترش ثبات و امنیت در سخنان ۲۳ سپتامبر خود در دانشگاه هاروارد گفته بود: ناتو به عصر جدیدی از فعالیت های خود مبنی بر توسعه مأموریت هایش در راستای تأمین ثبات در سایر کشورها رسیده است. سازمان پیمان آتلانتیک شمالی در عصر جدید، هم باید به دفاع جمعی بپردازد و هم به اداره بحران ها مبادرت نماید تا از این طریق به اشاعه ثبات در فراسوی مرزهای خود دست یابد.



شورای امنیت سازمان ملل درباره سوریه که مسکو را به «وحشی‌گری» و «همدستی با سوریه در ارتکاب جنایت جنگی» متهم کرده بودند، نشانه روشنی از اقدامات سازمان یافته و هماهنگ غرب برای زمینه‌سازی ورود بازوی نظامی خود یعنی ناتو به بحران سوریه است؛ یعنی دقیقاً همان معیارهایی که در سخنان دبیرکل ناتو مشهود است.

* «میخائیل بوگدانف» معاون وزیر خارجه روسیه دوشنبه (۲۶ سپتامبر) در سخنانی اشاره‌های مقامات آمریکا به وجود نقشه B درباره سوریه بدون توجه به توافق آتش بس را اصرار آنها در به کارگیری راهکار نظامی برای سوریه توصیف کرد.

* سخنگوی وزارت خارجه آمریکا در روزهای گذشته به نقل از «جان کری» وزیر خارجه این کشور تهدید کرد؛ در صورتیکه روسیه اقدامات لازم برای توقف حملات ارتش و نیروهای مردمی سوریه به تروریست‌ها در حلب را متوقف نکنند، تمامی همکاری‌های نظامی واشنگتن و مسکو را متوقف خواهد کرد.

* «اشتون کارتر» وزیر دفاع آمریکا نیز ۲۷ سپتامبر در اتهامی جدید علیه روسیه مدعی شد تلاش برای استفاده از تسلیحات هسته‌ای توسط این کشور و کره شمالی را بسیار بدیهی می‌داند؛ اما پنتاگون اجازه این کار را نداده و لذا با متحدین خود درباره روش‌های جدید تقابل هسته‌ای به مشورت خواهد نشست.

جمع‌بندی
پس از پایان جنگ سرد، ناتو اهداف و نقشه راه خود را در قبال سیاست‌های توسعه طلبانه به بهانه تأمین امنیت مناطق پیرامونی پیگیری نمود تا به مهار کشورهای رقیبی مانند روسیه، چین و ایران مطابق با سیاست اعلام شده خود مبنی بر «نگاه به شرق» مبادرت نماید. اما اکنون در پی آن است تا پس از ابقاء اطمینان در به بن بست رسیدن شورای امنیت سازمان ملل در حل و فصل بحران سوریه؛ بتواند با تکرار سناریوی شبیه به آنچه درباره لیبی به وقوع پیوست به نوعی نقش آفرین مهم پلان B آمریکایی‌ها در این کشور راهبردی در خاورمیانه به شمار آید؛ از این طریق به لحاظ حقوقی مداخلات خود را به رویه نظام مند تبدیل کند، بن بست ایجاد شده در شورای امنیت به واسطه مقاومت چین و روسیه را در هم شکسته، در نهایت با عملکردی به موازات این نهاد بین‌المللی تجاوزات خود را توجیه نموده، این اقدام را مبنای عمل خود در سایر کشورها در آینده قرار دهد.

راهبرد عملیاتی جدید ناتو
اظهارات اخیر «ینس استولتنبرگ» دبیرکل ناتو نمی‌تواند صرفاً تأکیدی بر سیاست‌های توسعه طلبانه پیشین این سازمان (آنچه در بالا به آن اشاره شد) به بهانه تأمین امنیت در مناطق پیرامونی محسوب شود؛ چرا که در این صورت سخنان کهنه‌ای از قبیل لزوم کمک به صلح و ثبات در جهان بدون تأکید بر فاکتورهای زیر ادامه می‌یافت. بر این اساس، بُعد دیگر عباراتی مانند «تأمین ثبات در سایر کشورها»، «اداره بحران‌ها»، «گسترش دامنه اقدامات ناتو بدون رعایت هیچ حد و مرزی» و بالاخره «ثبات بلند مدت در گرو تقویت نیروها و نهادهای محلی» که در سخنان اخیر وی شاهد آن هستیم، به تلاش برای ایفای نقش مرجعیت نظامی و امنیتی در مناطقی که درگیری‌ها به صورت فرسایشی ادامه دار شده اند، اشاره دارد؛ بدین ترتیب که سازمان پیمان آتلانتیک شمالی در صدد است تا دخالت در امور داخلی کشورها را به رویه حقوقی تبدیل کرده، از این رهگذر منافع کثیری را برای اعضاء برجسته ناتو به ارمان آورد.

سازمان مذکور بر آن است تا در شرایط کنونی با مقدمه‌چینی‌هایی حساب شده و گام به گام، زمینه ورود به عرصه بحران در سوریه را به بهانه‌های واهی مانند «تأمین ثبات در سایر کشورها»، «اداره بحران‌ها» و «گسترش دامنه اقدامات ناتو بدون رعایت هیچ حد و مرزی» (که در سخنان دبیر کل ناتو بیان گردید) حتی به قیمت رویارویی با روسیه مهیا کند.

نمونه‌های عینی بسترسازی برای تحقق اظهارات استولتنبرگ
* تأمل در فحوائی سخنان نمایندگان آمریکا، انگلیس و فرانسه در یکشنبه هفته گذشته (۲۵ دسامبر) در نشست

خلاصی از مخاطرات گسترش نازیسم بر مبنای «تئوری استراتژی نگهدارنده جرج کنان» بود.

هر چند پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، از بین رفتن پیمان ورشو و پایان جنگ سرد، ناتو ماهیت وجودی خود را از دست داد؛ این سازمان بحران هویت خود را با تغییر اهداف و نیز به واسطه تغییر از رویکرد نظامی-دفاعی به رویکردهای سیاسی، اجتماعی و حتی فرهنگی جبران نمود، تحولی که کارشناسان چنین بازتعریف اهداف را در سه مقوله همبستگی، آزادی و امنیت (SFS) تبیین کردند.

بازتبیین اهداف در حوزه‌های سه‌گانه فوق‌بسترهای لازم برای آنچه امروز در قالب گسترش ناتو به شرق نظاره گر آن هستیم را مهیا ساخت. به این ترتیب بود که ناتو تجربه‌هایی را در حوزه مداخله‌های نظامی و خلق فجایع عظیم از بالکان آغاز و سپس به عنوان بازوی قهریه قطعنامه «مسئولیت حمایت» (Responsibility to Protect) شورای امنیت سازمان ملل به ایفای نقش پرداخت. اکنون نیز به صورت مستقیم به تسلیح هر چه بیشتر نیروهای نظامی خود در کشورهای اروپای شرقی پرداخته و با تلاش برای اتمام فرایند عضویت «موتنه نگرو» می‌کوشد تا کریدور شمال به جنوب انسداد نفوذ مسکو را در مرزهای غربی این کشور به اتمام برساند. «موتنه نگرو» میان کرواسی در شمال و آلبانی در جنوب قرار گرفته و عضویت آن در ناتو به مثابه تشکیل کریدور شمال به جنوب برای اعمال محدودیت در غرب روسیه است.

گفتگو با معاون حزب جمهوری خلق ترکیه:

توافقاتی میان روسیه و ترکیه در قبال سوریه صورت گرفته است

پیمان یزدانی

وی در ادامه یادآور شد: ترکیه از یک سو باید مواضع ثابت اولیه خود در قبال بشار اسد را کنار بگذارد و از سوی دیگر دو عامل و گروه کرد سوریه «پ ی د» و «پی پ گ» را در زمینه موضوعات امنیتی وسیع تر خود در خصوص تمامیت ارضی، استقلال، صلح و ثبات سوریه قرار دهد.

لوغ اوغلو همچنین درباره ادعای نخست وزیر ترکیه که در جریان دیدار رئیس جمهور روسیه از استانبول گفته بود که دیدگاه‌های روسیه و ترکیه درباره سوریه به هم نزدیک شده اند گفت: یکی از بارقه‌های امید بعد از دیدار پوتین و اردوغان در روز ۱۰ اکتبر در استانبول دیده شد و آن رساندن کمک‌های بشردوستانه به شهر حلب است.

وی افزود: به نظر می‌رسد که ترکیه و روسیه در خصوص این موضوع اولویت دار به توافقاتی رسیده‌اند. در روزهای آینده هم ممکن است خبرهایی از توافقات بیشتر بین دو طرف بشنویم که باید منتظر بمانیم و ببینیم.

وی در ادامه تصریح کرد: یک گام برای برداشتن در این مسیر دیدار و نشست مشترک سه جانبه ایران، ترکیه و روسیه درباره سوریه است. کاری باید کرد زیرا وضعیت در سوریه رو به بهبود نیست و در حال وخیم تر شدن است. تمامی طرف‌های حاضر در منطقه و خارج از منطقه باید با احساس مسئولیت برای پایان دادن به ویرانی‌ها در سوریه تلاش کنند.



اهمیت نقش ایران، روسیه و آمریکا در تحولات و بحران سوریه صحنه گذاشت.

سفیر سابق ترکیه در آمریکا در ادامه تصریح کرد: داشتن روابط خوب و قوی با تمامی این سه قدرت مسئله‌ای است که ترکیه باید سعی کند با همپوشانی دادن بین آنها به بحران در سوریه پایان دهد.

وی در ادامه با تأکید بر لزوم تغییر در سیاست خارجی آنکارا در قبال سوریه تأکید کرد: ترکیه می‌تواند و باید این نقش را بازی کند. اما این اتفاق رخ نخواهد داد تا زمانی که سیاست‌های ترکیه در قبال سوریه بطور بنیادین تغییر کند.

«فاروق لوغ اوغلو» با تأکید بر لزوم تغییر بنیادین سیاست‌های ترکیه در قبال سوریه خواستار روابط نزدیک آنکارا با سه قدرت ایران، روسیه و آمریکا برای حل بحران سوریه شد.

اولین دیدار «ولادیمیر پوتین» رئیس جمهور روسیه از ترکیه بعد از یکسال تنش در روابط مسکو و آنکارا روز ۱۰ اکتبر از شهر استانبول ترکیه صورت گرفت.

در حاشیه کنگره جهانی انرژی در استانبول وی با «رجب طیب اردوغان» هم‌تای ترکیه‌ای خود دیدار داشت و در این دیدار توافقنامه احداث خط لوله گاز «ترکیش استریم» که گاز روسیه را به ترکیه و اروپا منتقل خواهد کرد به امضا رسید.

برخی منابع خبری از برخی توافقات بین دو طرف در خصوص سوریه نیز خبر داده‌اند.

«عثمان فاروق لوغ اوغلو» معاون حزب جمهوری خلق ترکیه در خصوص اظهارات «بنعلی ایلدریم» نخست وزیر ترکیه که اخیراً اعلام داشته وظیفه ترکیه تلاش برای متحد کردن روسیه، ایران و آمریکا برای حل بحران در سوریه است به خبرنگار مهر گفت: «بنعلی ایلدریم» نخست وزیر ترکیه در آخرین اظهارات خود به درستی بر

ایند پیندنت فاش کرد:

همدستی انگلیس در جنایات عربستان / آموزش خلبان برای حمله به یمن

خواهد کرد. این وضعیت در حالی است که در ماه‌های گذشته گروه‌های حقوق بشری در انگلیس بارها از دولت این کشور خواسته بودند تا به واسطه جنایات عربستان در یمن فروش سلاح به ریاض را متوقف کند.

در همین رابطه چندی پیش موسسه مبارزه با تجارت اسلحه با انتشار نامه‌ای ۱۹ صفحه‌ای به دولت انگلیس هشدار داد که به دلیل فروش تسلیحات به عربستان، علیه آن اقدام حقوقی انجام می‌دهد.

بر اساس این گزارش، وکلای موسسه مبارزه با تجارت اسلحه، فرایندی حقوقی را علیه وزارت تجارت، نوآوری و مهارت‌های انگلیس به دلیل تأیید مجوز صادرات سلاح به عربستان آغاز کرده‌اند. آنها معتقدند این وزارتخانه برای جلوگیری از نقض حقوق بین‌الملل بشر دوستانه مرتکب قصور شده است.

انگلیس تنها در فاصله زمانی آوریل ۲۰۱۵ تا مارس ۲۰۱۶ یعنی در اولین سال از جنگ یمن، حدود ۳۳ میلیارد پوند سلاح به عربستان سعودی فروخته است. اما با وجود انتشار گزارش‌های متعدد در مورد کشته شدن غیرنظامیان یمنی در حمله جنگنده‌های ائتلاف نظامی عربستان، دولت انگلیس تاکنون در برابر درخواست نهادهای بین‌المللی و نمایندگان مجلس خود برای توقف فروش سلاح به این کشور مقاومت کرده است.

زیادی درباره بمباران بی‌هدف غیرنظامیان در یمن وجود دارد. دولت بریتانیا باید به شراکت در این جنایت پایان دهد. این اطلاعات، وزیر خارجه را موظف می‌کند تا شش‌صدا فروش هر نوع سلاح به عربستان سعودی را متوقف کند.

«مایکل فالون» وزیر دفاع انگلیس در دفاع از این اقدام دولت گفت به نیروی هوایی عربستان سعودی کمک کرد تا فرآیند هدف‌گیری خود را بهبود ببخشند تا با قوانین بین‌المللی مطابقت بیشتری پیدا کنند.

در هفته گذشته و پس از آنکه عربستان، مسئولیت کشتار بیش از ۱۴۰ غیرنظامی یمنی را در یک مراسم ختم در صنعاء بر عهده گرفت، دولت انگلیس اعلام کرد در شرایط فروش تسلیحات به این کشور تجدید نظر

یک روزنامه غربی در مطلبی با اشاره به روابط گسترده نظامی انگلیس با عربستان سعودی، از آموزش خلبان‌های سعودی توسط لندن برای حمله به یمن خبر داد. این‌پندندنت در گزارش خود می‌نویسد: به رغم آنکه عربستان با اتهام جنایات جنگی در یمن مواجه است اما خلبانان این کشور از سوی انگلیس برای حمله به یمن آموزش می‌بینند.

بر اساس آمارهای موجود، عربستان بزرگترین خریدار تسلیحات نظامی انگلیس است و این در حالی است که گروه‌های حقوق بشری فشار زیادی را بر دولت «ترزا می» نخست وزیر انگلیس، وارد می‌کنند تا لندن روابط نظامی خود با ریاض را کاهش دهد.

موضوع آموزش خلبان‌های سعودی از سوی انگلیس توسط حزب لیبرال دموکرات افشا شده است. حزب لیبرال دموکرات انگلیس که انجام چنین آموزشی را فاش کرده است، این اقدام لندن را شرم‌آور خواند.

«تام بریک» سخنگوی امور بین‌الملل حزب لیبرال دموکرات انگلیس، از وزارت دفاع این کشور خواست به آموزش خلبان‌های سعودی پایان دهد و کنترل سختگیرانه‌تری بر صادرات سلاح به این کشور عربی اعمال کند.

بریک گفت: شرم‌آور است که دولت بریتانیا نه تنها خلبانان سعودی را مسلح می‌کند، بلکه آن‌ها را نیز آموزش می‌دهد. اکنون شواهد



اهداف آنکارا از زیر سوال بردن توافق لوزان و سایکس پیکو

پیمان یزدانی



انتقادات اخیر مقامات ترکیه از توافق لوزان و سایکس پیکو و همزمانی آن با مداخله جویی های این کشور در شمال عراق تردیدهایی را درباره نیت واقعی آنکارا و چراغ سبز غرب و آمریکا به وجود آورده است.

«توافقنامه لوزان» نام پیمان صلحی بود که در لوزان سوئیس در سال ۱۹۲۳ میان ترکیه از یک سو و متفقین از سوی دیگر به امضا رسید و باعث به رسمیت شناخته شدن کشور تازه بنیاد ترکیه از سوی کشورهای جهان شد.

متفقین پس از پیروزی در جنگ جهانی اول برای تنبیه امپراتوری عثمانی طی پیمانی به نام توافق «سور» قلمروی این امپراتوری را به منطقه آناتولی که اهالی آن منحصراً ترک تبار بودند، محدود کردند؛ در آن هنگام، بریتانیا و فرانسه تنگه های «داردanel» و «بسفور» و شهر استانبول را در تصرف خود داشتند.

بر اساس همین پیمان ساحل غربی آناتولی نیز به یونانی ها داده شد و مقرر شد یک ارمنستان بزرگ مستقل و یک منطقه خودمختار کردنشین در بخش های شرقی آناتولی ایجاد شود؛ و این به معنای تجربه و پایان امپراتوری عثمانی بود.

این پیمان اعتراض و شورش ملی گرایان ترک را در پی داشت. آنها با کمک بلشویک های روسیه کشور جدیدالتاسیس ارمنستان بزرگ را از بین برده و قلمروی ارمنیه را محدود به سرزمین کوچک ارمنستان امروزی در ناحیه قفقاز کردند و سپس به جنگ یونان رفتند.

در ماه اوت سال ۱۹۲۱ میلادی ترک ها پس از یک نبرد سه هفته ای یونان را از رودخانه «ساکاریا» عقب رانده و تا یک سال بعد موفق شدند به طور کامل نیروهای یونانی را تا دریای اژه عقب برانند.

پیروزی های نیروهای ملی گرای ترکیه سرانجام باعث شد مقامات کشورهای متفق چون یونان، فرانسه، بریتانیا، ایتالیا، ژاپن، رومانی و پادشاهی صرب و کروات و اسلونی چاره ای نداشته باشند جز اینکه در ۲۴ ژوئن سال ۱۹۲۳ میلادی در شهر لوزان سوئیس برای صلح با ترکیه و ملغی کردن توافق «سور» پشت میز مذاکره بنشینند.

بر اساس پیمان جدید که به توافق لوزان معروف شد ترک ها تنگه های داردانل و بسفور، شهر استانبول، بخش اروپایی

دولت مرکزی عراق، تردیدهایی را درباره نیت واقعی و پشت پرده مقامات آنکارا به وجود آورده است. نیاتی که می تواند صرفاً از طریق هماهنگی ها و توافقات سری پشت پرده این کشور با شرکای غربی خود به ویژه آمریکا محقق شوند. «صادق ملک» کارشناس ارشد خاورمیانه درباره اظهارات اردوغان درباره توافق نامه لوزان و اظهارات وی درباره عراق و اصرار وی به مشارکت ترکیه در عملیات آزادسازی موصل با وجود مخالفت بغداد معتقد است: گویا اردوغان علاوه بر آنکارا بر بغداد نیز حکمرانی می نماید. بی شک جسارت اردوغان در بکارگیری ادبیاتی که طی آن حقوق و حاکمیت کشورها در آن نادیده گرفته می شود، نمی تواند حاصل بهره گیری از قدرت و قابلیت های درونی جامعه متفرق و چند قطبی ترکیه باشد.

وی معتقد است بحران صوری روابط آنکارا-واشنگتن را نباید باور کرد. در خاورمیانه اگر ستون و پای اول آمریکا، اسرائیل است، ستون و پای دوم آمریکا، ترکیه است.

وی معتقد است پروژه خاورمیانه جدید نمرده است بلکه بازبینی و باز تعریف گردیده است و اردوغان در خدمت پروژه خاورمیانه جدید است.

همچنین پروفیسور «نادر انتصار» استاد علوم سیاسی دانشگاه آلابامای جنوبی آمریکا درباره علت اظهارات اخیر مقامات ترکیه و انتقاد آنها از توافقات لوزان و سایکس پیکو به خبرگزاری مهر گفت: مدتی است که به نظر می رسد ترکیه و یا حداقل برخی از مسئولان این کشور نمی توانند در خصوص این مسئله که آیا امپراتوری عثمانی را احیاء کنند و یا اینکه ترکیه را یک کشور مدرن در حال صلح با همسایگانش حفظ کنند، تصمیم گیری کنند.

ترکیه و نیز ساحل شرقی دریای اژه را بازپس گرفتند و ترکیه مدرن را پایه گذاری کردند.

همچنین موافقتنامه سایکس-پیکو توافق سری میان بریتانیای کبیر و فرانسه بود که در ماه مه ۱۹۱۶ در خلال جنگ جهانی اول و با رضایت روسیه برای تقسیم امپراتوری عثمانی منعقد شد. این توافق نامه به تقسیم سوریه، عراق، لبنان و فلسطین میان فرانسه و بریتانیا منجر شد. این مناطق قبل از آن تحت کنترل ترک های عثمانی بودند.

پس از گذشت صد سال از معاهده سایکس پیکو در هفته ها و روزهای اخیر شاهد اظهاراتی از سوی مقامات ارشد ترکیه در انتقاد از توافق لوزان و سایکس پیکو بوده ایم.

«رجب طیب اردوغان» رئیس جمهور روسیه چندی پیش توافق نامه ۱۹۲۳ لوزان را مورد انتقاد قرار داد که به اعتقاد بسیاری از کارشناسان منظور وی از تصمیمات گرفته شده در این توافق درباره خاورمیانه و بخش های از عراق امروز است.

همچنین چند روز قبل «عثمان کور تولوش» معاون نخست وزیر ترکیه در همایشی در استانبول با انتقاد از معاهده سایکس پیکو گفت در سال ۱۹۱۶ برندگان جنگ جهانی اول دور هم نشستند و بدون توجه به مسایل تاریخی و فرهنگی مردم خاورمیانه مرزهای مصنوعی را ترسیم کردند که عامل بسیاری از مشکلات امروز خاورمیانه است.

اظهارات مقامات ترکیه و انتقادات آنها از توافقات لوزان و سایکس پیکو در هفته های اخیر و ورود نظامی این کشور به شمال سوریه و عراق و اصرار این کشور به مشارکت در عملیات آزادسازی موصل که قرار است در روزهای آینده آغاز شود با وجود مخالفت ها و هشدارهای

وی در ادامه گفت: همچنین در حال حاضر توهمی وجود دارد مبنی بر اینکه نئو عثمانی گری هنوز در قرن بیست و یکم پایدار است. من بر این باورم که شرکای ترکیه در ناتو از جمله آمریکا از این مسئله آگاه هستند و می خواهند از این کارت ترکی خود در پیشبرد اهداف و برنامه های کلان تر خود در قالب خاورمیانه بزرگ استفاده کنند.

انتصار درباره موافقت احتمالی پشت پرده آمریکایی ها درباره احتمال تلاش ترکیه برای الحاق بخش هایی از خاک عراق از جمله منطقه نفت خیز موصل به خاک خود، گفت: چیزی که ما باید درباره سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه بدانیم این است که سیاست سیال است یعنی هر سناریویی محتمل است. با این حال من فکر نمی کنم که دولت کنونی آمریکا از الحاق موصل توسط ترکیه حمایت کند.

وی در ادامه گفت: دولت اوباما ممکن است تجاوزات دوره ای نظامی ترکیه در خاک عراق را تحمل کند، اما بطور علنی از الحاق خاک کشور همسایه ترکیه به این کشور که از متحدان آمریکا است حمایت نخواهد کرد.

انتصار درباره اختلافات ترکیه و متحدانش در ناتو بر سر مسئله کردهای ترکیه و احتمال حمایت آمریکا از تشکیل یک دولت مستقل کردی در منطقه، گفت: ترکیه و متحدانش در ناتو وقتی که به مسئله کردهای ترکیه می رسند با هم اختلاف نظر دارند. البته غرب روابط بسیار نزدیک ترکیه با اقلیم کردستان عراق را پذیرفته و از افتادن این اقلیم تحت چتر ترکیه حمایت کرده است. با این حال نه آمریکا و نه هیچ یک از کشورهای عمده غربی در حال حاضر از ایجاد یک دولت مستقل کردی حمایت نمی کنند.

وی درباره موضع احتمالی روسیه درباره تشکیل چنین دولت مستقل کردی و یا تلاش احتمالی ترکیه برای الحاق بخش هایی از خاک عراق به خاک خود گفت:

این مسئله درباره روسیه هم صادق است زیرا مسکو از بروز بی ثباتی های بیشتر در کشورهای همسایه خود نگران است. تنصیر درباره احتمال حمایت دولت های بعدی آمریکا از الحاق بخش هایی از خاک عراق به ترکیه گفت: این مسئله ممکن است اما احتمال آن زیاد نیست، مگر اینکه در آمریکا رئیس جمهوری غیرقابل پیش بینی و دم دمی مزاج روی کار آید و کنگره هم بیشتر از آنچه اکنون است در سیطره راست گرای افراطی قرار گیرد.

کارمند سابق ام آی ۵ افشا کرد:

احتمال هک انتخابات آمریکا توسط سیا و آژانس امنیت ملی است نه روسیه



خود را تقویت کند. بنابراین این امکان وجود دارد؛ اما فکر می‌کنم که اگر چنین حمله‌ای هم بخواهد اتفاق بیفتد، سازمان سیا در خط مقدم است. البته نباید فراموش کرد که در واقع بسیاری از ظرفیت‌ها و جاسوسی‌ها، هنوز توسط آژانس امنیت ملی آمریکا انجام می‌شود.

جالب است که دولت آمریکا می‌گوید که آن‌ها ارتباطات خصوصی رهبران خارجی را هک خواهند کرد و سپس آن را فاش می‌کنند تا باعث شرمساری بشود. اکنون این همان چیزی است که آن‌ها خودشان ویکی‌لیکس را به خاطر این کار محکوم می‌کنند؛ آن‌ها اطلاعات خود را از هر شخص ناشناسی می‌گیرند، هرکس، افشاگران و... و سپس برای اقدامات زشت سیاستمداران آمریکایی استفاده می‌کنند. این همان چیزی است که در انتخابات آمریکا در حال رخ داد است.

من همچنین، یک نکته دیگر را نیز یاد آور می‌شوم. در این مسئله، سرزنش‌های زیادی نسبت به روسیه شده به خاطر اینکه روس‌ها را برای تأثیرگذاری منفی بر انتخابات آمریکا مقصر نشان دهند. اکنون یکی از چیزهایی که آمریکایی‌ها خیلی باید نسبت به آن آگاه باشند، این است که کامپیوترها خودشان رأی می‌دهند، وقتی آنها می‌روند باید آراء را مشخص کرد؛ چرا که تجربه، عدم موفقیت این سیستم‌ها را نشان داده است. آن‌ها را می‌شود از راه دور هک کرد. به این صورت که وقتی شما به یک حزب رأی می‌دهید، آن رأی به سرعت به نفع حزب دیگر تغییر می‌کند. بنابراین، فکر می‌کنم که آمریکایی‌ها باید ترس بیشتری از هک شدن توسط مؤسسات داخلی یا هرکس دیگری داشته باشند تا روس‌ها!

من هیچ‌گونه مدرکی ندیده‌ام. مطمئن هستم اگر آمریکایی‌ها مدرکی داشتند، حتی اگر در گوشه‌ای نیز مخفی بود، آن را پیدا و ارائه می‌کردند. به نظر می‌رسد این موضوع جعلی باشد و بیشتر یک مسئله سیاسی به شمار می‌آید. همچنین جالب است که آن‌ها دارند ویکی‌لیکس را نیز به این سمت می‌کشند، چرا که تعداد زیادی از افشاگری‌ها توسط ویکی‌لیکس انجام شده و ویکی‌لیکس یک مجرای قوی برای به اشتراک گذاشتن اطلاعات مهم توسط افرادی است که دارای اطلاعاتی هستند. همچنین، علاقه عمومی نسبت به آن وجود دارد.

اکنون مقامات آمریکایی این اجازه را به خود می‌دهند که بگویند ویکی‌لیکس بیشتر با مقامات روسی، در ارتباط است و به نظر می‌رسد طرح ناجوانمردانه‌ای در ورای این موضوع وجود داشته باشد که بیشتر مربوط به جنگ سرد بوده و باعث می‌شود که دوباره این اتهام علیه «جولیان آسانژ» استفاده شود تا تلاش کنند وی را به جرم جاسوسی تحت پیگرد قانونی قرار دهند. باید توجه داشت که لایه‌های بسیاری در این جر و بحث‌ها وجود دارد.

سخنگوی ویکی‌لیکس اکنون می‌گوید که حتی اگر حمله سایبری برنامه ریزی شده‌ای علیه روسیه وجود داشته باشد، در واقع کار این اس‌ای (آژانس امنیت ملی آمریکا) است، نه سازمان سیا. نظر شما در این خصوص چیست؟

من فکر می‌کنم که این قضاوت احتمالاً درست باشد، چرا که این اس‌ای، ظرفیت بالایی دارد. اما نباید فراموش کنیم که صدها میلیون دلار، به سازمان سیا تزریق شده تا تجهیزات الکترونیکی

کارمند سابق ام آی ۵ با ارائه استدلال‌هایی مخاطرات مؤسسات آمریکایی در هک کردن انتخابات آتی ریاست جمهوری آمریکا را بیش از روس‌ها می‌داند. بحث هک شدن ایمیل‌های حزب دموکرات توسط روسیه موضوعی است که جنجال‌های زیادی را در رقابتهای انتخاباتی ریاست جمهوری آمریکا باعث شده است.

اگرچه روسیه این موضوع را رد می‌کند ولی دموکراتها با طرح این اتهام پای روسیه را به مباحث این انتخابات باز کرده‌اند تا در کنار تعریفهای ترامپ (نامزد حزب جمهوری خواه) از ولادیمیر پوتین رییس جمهوری روسیه بتوانند علیه ترامپ تبلیغاتی را دامن بزنند. «آنی ماچون» کارمند سابق ام آی ۵ (Military Intelligence, Section ۵) در مصاحبه با خبرگزاری راشا تودی، عمده مخاطرات مربوط به هک شدن انتخابات آتی ریاست جمهوری آمریکا را بیش از آنکه مطابق با جنجال سیاستمداران آمریکایی متوجه روسیه بداند مرتبط با مؤسسات آمریکایی دانست. وی در بخشی از این گفتگو می‌گوید: آمریکایی‌ها باید بدانند دلایل بیشتری وجود دارد تا از دخالت‌های مؤسسات داخلی خودشان در برابر خطر هک شدن بیش از روس‌ها در هراس باشند؛ چرا که هیچ مدرکی نیز برای اثبات این مسئله در دست ندارند. آنچه در ذیل آمده است، مصاحبه وی با خبرگزاری روسی راشا تودی است.

«ولادیمیر پوتین» فکر می‌کند که پرخاشگری‌های آمریکا نسبت به روسیه پس از انتخابات ریاست جمهوری، پایان خواهد یافت. شما تا چه حد با این مسئله موافق یا مخالفید؟

من بیشتر فکر می‌کنم که مسئله مذکور بیشتر به این بستگی دارد که چه کسی به عنوان رئیس جمهور آینده انتخاب خواهد شد. من فکر می‌کنم تهدیدهایی که از آمریکا بیرون می‌آید، بیشتر مربوط به درز تعداد زیادی از ایمیل‌هایی است که «هیلاری کلینتون» را نگران کرده است، زیرا وی دموکرات است و کسی است که مورد علاقه مؤسسات آمریکایی به شمار می‌رود.

بنابراین، این تلافی کردن مؤسسات آمریکایی است و می‌گویند که اگر این مسئله ادامه پیدا کند، ما کاری به تلافی آن انجام خواهیم داد. به هر حال آنها دارند با این فرض برنامه ریزی می‌کنند که بگویند روسیه همه اعضا را هک کرده است.

اکنون با این جریان روبرو هستیم که وی با داشتن تعدادی ایمیل خیلی محرمانه و هزاران ایمیل محرمانه در سرور شخصی اش، قانون را شکسته است و به همین خاطر کماکان تحت پیگرد قانونی قرار دارد. این مسئله بسیار محتمل است که عمده نفوذها از طریق سرور وی انجام شده باشد؛ زیرا که سرور او آسیب پذیر بوده و محافظت نمی‌شده است. حاضرم شرط بندم که ارتباطات خصوصی سیاستمداران روسی، بهتر محافظت می‌شود.

چه چیزی باعث می‌شود که آمریکا، روسیه را مقصر این هک شدن‌ها بداند؟ آیا اصلاً مدرکی وجود دارد که بتواند اثبات کند روسیه در این کار دخالت داشته است؟

گفتگوی اختصاصی با نماینده پارلمان اروپا:

همکاری ایران و اتحادیه اروپا می تواند به حل بحران سوریه کمک کند

شقایق لامع زاده



عضو کمیسیون سیاست خارجی پارلمان اروپا ضمن تاکید بر همکاری ایران و اتحادیه اروپا برای حل بحران سوریه از تشکیل ارتش واحد اروپایی دفاع کرد.

پیشنهاد تشکیل یک ارتش اروپایی ابتدا از سوی وزیر دفاع آلمان و فرانسه مطرح شد و پس از آن مورد حمایت کشورهای ایتالیا و اسپانیا نیز قرار گرفت.

این تلاش اما یک بار در سال ۱۹۵۴ با مخالفت فرانسه و بریتانیا شکست خورد. وزیر دفاع این ۴ کشور اروپایی با ارسال نامه مشترکی به «فدریکا موگربینی» مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا از لزوم برخورداری اروپا از یک سیاست قوی دفاعی و واقع بینانه سخن به میان آوردند. آنها خاطر نشان کردند که ارتش اروپایی می تواند در مناطق بحرانی جهان مانند سومالی و مالی حتی نقشی فراتر از ناتو ایفا کند.

این در حالی است که کارشناسان امور اروپا بر این باورند که تاکید بر تحقق این پیشنهاد در حالی بیشتر می شود که کشورهای اروپایی معتقدند که خروج انگلیس از اتحادیه اروپا نمی تواند ضربه ای به پیکره اروپای واحد وارد کند. وزیر ۴ کشور اروپایی با اشاره به بحران های جاری در اروپا مانند بحران پناهجویان و مشکلات اقتصادی خاطر نشان کردند که حفظ امنیت در این میان می تواند از اهمیت بیشتری برخوردار باشد.

در همین راستا گفتگویی با «آرنه لیتس» نماینده پارلمان اروپا انجام شده که مشروح آن در ذیل می آید. «لیتس» عضو کمیسیون سیاست خارجی، کمیسیون توسعه و همچنین عضو فراکسیون حقوق بشر در پارلمان اروپا است.

|| درباره تاسیس و راه اندازی یک ارتش مشترک اروپایی که اخیرا مطرح شده است چه نظری دارید؟

در اصل من معتقدم که ایده ارتش مشترک، ایده خوبی است که کشورهای عضو اتحادیه اروپا در حوزه امنیت و دفاع با یکدیگر همکاری داشته باشند.

تحقیقات و توسعه تسلیحاتی مشترک، ادغام و اشتراک گذاری تسلیحاتی معنی دار و منطقی است. همزمان باید کشورهای عضو بر سر وضع قوانین و مقررات برای صادرات تسلیحات به اجماع برسند. درباره صادرات تسلیحاتی باید در یک ظرف زمانی طولانی مدت بر اساس اصول و پیش فرض های اروپایی تصمیم گرفته شود.

علاقه مندی و جاذبه های اقتصادی نباید برای تصمیم صادرات تسلیحاتی به عنوان عامل تعیین کننده در نظر گرفته شود، در عوض باید رژیم کنترل تسلیحاتی را بوجود آورد که سبب ارتقای ارزش و علائق اتحادیه اروپا در درازمدت شود.

اروپا دارد؟

نقطه نظرات من در خصوص پیامدهای سیاست خارجی برگزیت در مقاله ای آمده است که خواندن آن را به شما توصیه می کنم.

بطور خلاصه باید بگویم من در برگزیت شانس هایی می بینم، بطور مثال برای تحکیم همکاری ها به منظور ماندن کشورهای عضو در اتحادیه اروپا، یا حداقل یک گروه از کشورهای عضو در چارچوب همکاری های دائم و مشترک در حوزه سیاست امنیتی و خارجی و یا سیاست دفاعی امنیتی مشترک.

انگلیس در گذشته اغلب مانند ترمزی عمل می کرد که اتحادیه اروپا و ناتو در رقابت نباشند و در همین راستا چارچوب ها و محدودیت های تعیین کننده را دو برابر می کرد. من خیلی به این نگرانی انگلیس معتقد نیستم.

اتحادیه اروپا خیلی بیش از یک اتحادیه متشکل از شماری کشور است. ما نهادهای مشترکی هستیم و با یکدیگر در بالاترین حد زمینه های سیاسی کار می کنیم. این مهم است که ما در چارچوب اتحادیه اروپا در تمام این زمینه های سیاسی فعال باشیم.

|| مناسبات ایران و اتحادیه اروپا پس از توافق هسته ای را چگونه ارزیابی می کنید؟

من طبیعتا نمی توانم از جانب کل اتحادیه اروپا در این باره اظهار نظر کنم. من خیلی زیاد از جزئیات توافق هسته ای نمی دانم.

نظر شخصی من این است که ایران و اتحادیه اروپا تبادلات دیپلماتیک قوی داشتند تا به راه حل نهایی در خصوص موضوع هسته ای ایران دست پیدا کردند. همکاری های دیپلماتیک قوی میان دو طرف می تواند در خصوص حل بحران سوریه کمک کننده باشد از آنجایی که ایران به نوعی در این جنگ درگیر است.

این بدان معنی است که این امر رعایت حقوق بشر و حمایت از دموکراسی مشروع، شرایط و امکانات توسعه و پیشرفت طولانی مدت را ارتقا داده و سبب برخورداری از مناسبات صلح آمیز با شرکای خود شود.

|| آیا ارتش مشترک اروپایی برای کشورهای اروپایی ضرورت دارد؟ تشکیل ارتش مشترک اروپایی بنا به چه ضرورتی است؟

ارتش اروپایی یک پروژه طولانی مدت است. کم و بیش اروپایی ها برای همکاری بهتر و کافی بخصوص در زمینه امنیت و دفاع باید آماده شوند. هنوز ۱۰۰ درصد مشخص نیست که چه زمانی انگلیس از اتحادیه اروپا خارج شود. نخست باید دولت انگلیس بطور رسمی روند خروج از اتحادیه اروپا را کلید بزند، چیزی که هنوز روی نداده است.

|| برگزیت چه تاثیر و عواقبی برای انگلیسی ها در بر دارد؟

من گمان می کنم که در کنار پیامدهای اقتصادی کوتاه و طولانی مدت، بطور مثال علاوه بر کاهش ارزش و اعتبار پوند، مشکلات بیشتری را برای آنها بوجود آورد و تاثیرگذاری این کشور در صحنه بین المللی رو به افول می رود. انگلیس به عنوان عضو اتحادیه اروپا در برخی موارد رابطه خوبی با کشورهای اتحادیه اروپا نداشت بطور مثال در عقد برخی قراردادهای اقتصادی و یا تفاهات دیگر.

از طرف دیگر معتقدم که اتحادیه اروپا و انگلیس پس از برگزیت می توانند در خصوص مسائل امنیت بین المللی روابط تنگاتنگی داشته باشند. از آنجایی که هر دو مطالبات و اهداف همسویی دارند.

|| برگزیت چه پیامدهایی برای اتحادیه

طرح تشکیل «ارتش اروپایی» و دلشوره‌های انگلستان

پیمان یزدانی



بعد از رای مردم انگلستان به خروج این کشور از اتحادیه اروپا بار دیگر زمزمه‌هایی درباره تشکیل ارتش واحد اروپایی به گوش می‌رسد که چالشی بزرگ برای انگلیس محسوب می‌شود.

گفته می‌شود فرانسه و آلمان قصد دارند همکاری‌های نظامی خود را افزایش داده و یک صندوق دفاعی مشترک ایجاد کنند که کار خود را از سال ۲۰۱۷ آغاز خواهد کرد و مورد حمایت بانک سرمایه‌گذاری اروپایی قرار خواهد گرفت.

همچنین خبرهایی از دیگر همکاری‌های دفاعی و نظامی بین کشورهای اروپایی به گوش می‌رسد بطوریکه آلمان و هلند نیز با ترکیب تانک‌ها و نیروی دریایی خود قصد دارند بر روی توسعه یک سیستم دفاعی موشکی زمین به هوای مشترک کار کنند.

تمامی شواهد و قرائن حکایت از آغاز حرکت برخی کشورهای اروپایی برای ایجاد ارتش مشترک اروپایی دارد که در گزارش استراتژی جهانی این اتحادیه در بیست و هشتمین نشست سران این اتحادیه به آن اشاره شده بود. در این گزارش که مورد حمایت بسیاری از کشورهای عضو قرار گرفت بر توسعه زیرساخت‌های عملیاتی و نظامی جدید اروپا از جمله ایجاد مراکز فرماندهی مشترک تأکید شده است.

«ورزلا فون در لاین» وزیر دفاع آلمان امروز در سخنانی در برلین اظهار داشت: آلمان در نظر دارد در قیاس با گذشته ایفای نقش نظامی خود در سطح جهان را افزایش دهد.

وزیر دفاع آلمان با بیان اینکه برای مقابله با ناآرامی‌های موجود در جهان باید از انزوای دوری کرد، افزود: باید مسیر حرکت را از انزوا به سمت تغییر بچرخانیم تا بتوانیم روی دیگری غیر از آنچه بر جهان حاکم است را ببینیم.

فون در لاین در ادامه تصریح کرد: وزارت دارایی آلمان با افزایش بودجه نظامی این کشور مسیر را برای ایفای نقش بیشتر در سطح جهان هموار کرده است.

موارد مورد تأکید در این گزارش تداومی کننده ایده ایجاد «ارتش اروپایی» است که توسط «خاویر سولانا» رئیس وقت سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) نیز مطرح شد و وی خواستار تقویت توانمندی‌های استراتژیک همکاریها در منابع بوده است.

همچنین «ژان کلود یونکر» رئیس شورای اروپایی با توجه به اینکه اکثر اعضای ناتو در درون اتحادیه اروپا قرار ندارند این سازمان را برای تأمین امنیت اروپا کافی نمی‌داند.

اروپایی‌ها در سال‌های اخیر از ایفای نقش جهانی خود محروم بوده‌اند و در تحولات وسیعی مثل جنگ افغانستان و عراق صرفاً مجبور به پیروی از سیاست‌های آمریکا بوده‌اند و تنها نقش تأیید کننده سیاست‌های

می‌گردد.

در تمامی این سال‌ها آمریکا که گرداننده اصلی ناتو است سعی کرده است برای حفظ موقعیت نظامی خود در اروپا و جهان، توان دفاعی کشورهای اروپایی را در سطحی ناقص و ناآرام نگه‌دارد تا از این طریق بتواند حضور نظامی خود در اروپا را توجیه و حفظ کند.

در صورت تشکیل چنین ارتشی اروپا اکثر هزینه‌های خود را صرف نیروهای مسلح خودش خواهد کرد و پول‌های خود را راهی جیب آمریکا نخواهد کرد.

ناتو همواره دارای دو وجه بوده است یکی وجه سیاسی این سازمان و دیگری وجه نظامی آن در وجه نظامی انجام عملیات‌ها با آن بوده است و در بخش سیاسی تصمیم‌گیری‌ها.

از آنجائیکه آمریکایی‌ها تأمین کننده حدود یک چهارم هزینه‌های این سازمان بوده‌اند همواره بازیگر اصلی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی این سازمان نیز بوده‌اند و عملاً دیگر کشورهای عضو تابع سیاست‌گذاری‌های جهانی این کشور بوده‌اند. نفوذ آمریکایی‌ها در این سازمان همواره موجب نارضایتی‌ها و اختلافاتی در درون این سازمان بوده است به ویژه فرانسوی‌ها همواره از این نفوذ ناراحت بوده‌اند بطوریکه فرانسوی‌ها بین سال‌های ۱۹۶۶ تا ۲۰۰۹ از این سازمان نظامی عقب کشیدند و در نتیجه مقر ناتو از فرانسه به بروکسل منتقل شد.

انگلستان که از منظر آن تشکیل ارتش اروپایی نوعی موازی کاری با ناتو است همواره یکی از سرسخت‌ترین مخالفان سیاست‌های دفاعی مشترک اروپا به طور عام و طرح عقیم مانده تشکیل یک «ارتش مشترک اروپایی» به طور خاص بوده و هست که اکنون با خروج این کشور از اتحادیه اروپا این طرح می‌تواند بار دیگر به صورت جدی مطرح شود.

مخالفت‌های مقامات انگلیسی با تشکیل ارتش اروپایی بعد از خروج این کشور از «برگزیت» موجب شد تا «مارتین شولتز»، رئیس پارلمان اروپا در اولین سفر خود به انگلیس بعد از برگزیت به آن پاسخ دهد و اعلام کند که انگلستان دیگر حق و توی برنامه‌ها و پیشنهادهای اعضای اتحادیه اروپا را ندارد و مقامات لندن خواست تا روند برگزیت را هر چه سریع‌تر اجرایی کنند.

آمریکا و مشروعیت بخشی به آنها را در مجامع جهانی داشته‌اند.

به نظر می‌رسد در پی جنگ‌های عراق و افغانستان و تحولات شرق اوکراین و همچنین با خروج انگلستان از اتحادیه اروپا، کشورهای عضو اتحادیه اروپا تصمیم دارند با تقویت توان دفاعی خود در داخل اتحادیه اروپا سیاست‌های مستقل تری در زمینه‌های دفاعی و سیاسی نسبت به آمریکا در قبال تحولات جهانی و روسیه اتخاذ کنند.

در این میان انگلستان که اخیراً نیز در پی رفراندوم این کشور تصمیم به خروج از اتحادیه اروپا گرفته است از مخالفان سرسخت تشکیل ارتش مشترک اروپایی است و بارها اعلام داشته است که به هیچ وجه به این ارتش نخواهد پیوست و با ایجاد آن مخالفت خواهد کرد.

تشکیل ارتش اروپایی بحث جدیدی نیست و حتی قبل از تشکیل اتحادیه اروپا این بحث وجود داشته است که انگلستان از همان زمان با تشکیل چنین ارتشی مخالفت داشته است.

مخالفت انگلستان می‌تواند دلایلی متعددی داشته باشد:

* انگلستان تشکیل ارتش اروپایی را مقدمه‌ای برای تضعیف وجهه نظامی و امنیتی خود می‌داند و در همین راستا معتقد است که اتحاد آلمان و فرانسه و به دنبال آن متحدان این کشورها می‌تواند موجب استحکام و تقویت این دو کشور شود و از این جهت احساس خطر می‌کند. * انگلستان از کاهش اقتدار و تضعیف ناتو که تحت نفوذ آمریکا است هراس دارد. با توجه به این موضوع که گرداننده اصلی ناتو آمریکا است و به دلیل این که انگلستان اصلی‌ترین شریک ایالات متحده در اروپا محسوب می‌شود، حفظ منافع آمریکا در این خصوص در اولویت قرار دارد. چرا که تشکیل ارتش اروپایی می‌تواند منافع آمریکا را نه تنها در اروپا بلکه در بدنه ناتو و کل جهان به خطر بیندازد و از این جهت بریتانیا یکی از مخالفان اصلی و سرسخت این ارتش محسوب می‌شود.

انگلیس یکی از بازوهای نظامی و اطلاعاتی اتحادیه اروپا بوده و با داشتن دیدگاه‌های فراتلانتیک و نزدیک به آمریکا همواره از جمله کشورهایی بوده که با تشکیل هرگونه ارتش اروپایی مخالف بوده است که دلیل این امر به پیوندهای عمیق این کشور با ایالات متحده باز



آسیا

دبیران: علی کاووسی نژاد
بنفشہ اسماعیلی

کارشناس آسیا پاسیفیک:

واشنگتن نگران افزایش قدرت پکن است

حنیف غفاری

چین یکی از قدرتهای جهانی محسوب می شود که طی سالهای اخیر هژمونی ایالات متحده آمریکا را در حوزه های مختلف به چالش کشیده است. متعاقب این مسئله، ایجاد و استمرار روابط راهبردی میان جمهوری اسلامی ایران و چین از اهمیت ویژه ای برخوردار است. در این خصوص گفت و گویی با دکتر سجاد بهرامی مقدم کارشناس امور آسیا پاسیفیک صورت داده ایم که از نظراتان می گذرد:

|| نقش راهبردی چین را در معادلات نظام بین الملل، خصوصا در شرایط فعلی چگونه ارزیابی و تحلیل می کنید؟

دنگ شیائوپینگ که در ۱۹۷۸ به رهبری چین رسید بر این باور بود که چین می بایست نقشی بی رنگ در امور بین المللی داشته باشد، این باور بر این منطق راهبردی مبتنی بود که بطور طبیعی رشد چین سبب افزایش ترس و در نتیجه مقابله جویی همسایگان می شود که متعاقبا محدودیت های بیرونی را برای افزایش قدرت چین افزایش می دهد و برای غلبه بر چنین محدودیت هایی بود که در ادامه آن، پکن مفهوم توسعه مسالمت آمیز را مطرح کرد. اقتصاد چین از ۱۹۷۸، که پکن بر ارتقاء سطح استانداردهای زندگی مردم متمرکز شده است تا سال ۲۰۱۵، با میانگین نرخ حدود ۱۰ درصد رشد یافته است، به طوری که سهم چین از مجموع تولید ناخالص داخلی سالیانه جهان از کمتر از دو درصد در سال ۱۹۹۰ به حدود پانزده درصد در سال ۲۰۱۵ رسیده است.

چنین ثروت اقتصادی به طور فزاینده ای منابع و اهرم های چین را برای پیش برد نوسازی نظامی و نفوذ خارجی افزایش داده است و این دولت در عرصه بین المللی به بزرگترین شریک تجاری برای ۱۲۵ دولت از جمله متحدین کلیدی ایالات متحده در آسیا پاسیفیک یعنی ژاپن و کره جنوبی تبدیل شده است. در مجموع رشد چشمگیر اقتصادی و نوسازی تدریجی نظامی سبب ارتقاء جایگاه بین المللی چین شده است و با افزایش بیشتر قدرت ملی، پکن رفته رفته از موضعی قوی تر وارد معادلات و موضوعات بین المللی شده و انتظار می رود که بیش از این نقش چین در موضوعات برجسته بین المللی پررنگ تر شود.

|| نگاه کلی ایالات متحده آمریکا (اعم از دموکراتها و جمهوریخواهان) نسبت به چین تهدید محور است. دلیل حاکمیت این نگاه نسبت به پکن در میان مقامات آمریکایی چیست؟

در سیاست بین المللی دولت ها با عدم قطعیت درباره رفتارها و سیاست های یکدیگر مواجه هستند. اغلب مصادیق تاریخی نشان می دهد که نرخ رشد بالای اقتصادی در بلند مدت محرک حیاتی ظهور

هژمون های جدید بوده است و ظهور هژمون های جدید با گسترش منافع و نفوذ منطقه ای و بین المللی آنها همراه بوده است.

بنظر می رسد ایالات متحده نگران تفوق و سلطه منطقه ای خود در آسیا پاسیفیک است که بطور فزاینده ای در پی رشد چین به چالش کشیده می شود. آنها نگران تضعیف موضع ایالات متحده در آسیا پاسیفیک و فرسایش مولفه های نظم منطقه ای تحت محوریت خود در نتیجه افزایش قدرت چین هستند، در دنیایی نامطمئن آنها نگران هستند که چین قدرت فزاینده اش را چگونه در خصوص همسایگان و متحدین آمریکا بکار خواهد گرفت. بر همین اساس است که ایالات متحده راهبرد بازمانده را در مقابله با چین اتخاذ کرده است.

|| رویکرد چین در منازعات مربوط به کره شمالی خصوصا مسئله هسته ای پیونگ یانگ را چگونه ارزیابی می کنید؟

بطور تاریخی چین نسبت به نفوذ قدرت های بزرگ در شبه جزیره کره با حساسیت نگرسته است. تا پیش از قرن نوزدهم، این حساسیت به لحاظ نقش

از طرفی سیاست های پکن در خصوص مسئله هسته ای پیونگ یانگ قویا متاثر از معادلات قدرت و نفوذ در شبه جزیره است و همچنان که سعی می کند که نفوذش را برای ممانعت از اوج گیری تنش ها بر سر مسئله هسته ای پیونگ یانگ بکار گیرد، از حمایت هایش از پیونگ یانگ برای فشار بر ایالات متحده، کره جنوبی و ژاپن استفاده می کند.

|| آیا دستگاه دیپلماسی ما توانسته است گامهای موثری در ایجاد مناسبات راهبردی و عمیق با پکن بردارد؟ کاستی ها و قوت های دستگاه دیپلماسی کشورمان را در این خصوص چگونه ارزیابی می کنید؟

در متن تحولی که با روی کار آمدن دنگ شیائوپینگ در سیاست خارجی چین روی داد، پکن از ۱۹۷۸، بنابه ضرورت هایی که برای رشد خود تصور نموده است، تمایل نیرومندی برای ایجاد ائتلافی راهبردی با کشورمان نداشته است. با این وجود ایران توانسته از ظرفیت های چین در زمینه های سیاسی و اقتصادی برای پیچیده تر کردن محاسبات دشمنان و رقبای منطقه ای و بین المللی بویژه در برهه هایی که با جنگ تحمیلی و نیز مسئله هسته ای مواجه شده بود استفاده کند.

البته به نظر می رسد که از سال ۲۰۰۹، پکن در مناقشات دریایی در دریای شرقی و دریای جنوبی



مواضع سرسختانه تری را علیه همسایگان و ایالات متحده اتخاذ کرده است که افزایش چنین تنش هایی و از طرفی افزایش بیشتر قدرت ملی چین این دولت را بیش از گذشته به همکاری های سیاسی و راهبردی با ایران راغب نماید و فرصت های بیشتری برای بهره گیری دستگاه دیپلماسی کشورمان از ظرفیت های چین فراهم شود.

|| تحلیل شما از چشم انداز رابطه ایران و چین چگونه است؟ در این خصوص دستگاه دیپلماسی ما باید چه گامهایی را بردارد؟

شاید بتوان این گونه ارزیابی کرد که بازار، سرمایه و

ژئوپولیتیکی بود که به امپراتوری ژاپن امکان می داد که از طریق آن اقتدار چین را در سرزمین اصلی به چالش بکشد و در نهایت نیز شبه جزیره کره نقش مهمی در تسهیل اشغال منچوری توسط ژاپن ایفا کرد.

بر این اساس بنا به دلایل ژئوپولیتیکی چین به کره شمالی به عنوان یک حائل و یک حوزه نفوذ می نگرد و به نظر می رسد که آمریکایی ها نیز پذیرفته اند که به نفوذ مسلط چین در کره شمالی احترام بگذارند و پیونگ یانگ نیز توانسته است در سایه حمایت های سیاسی پکن برنامه هسته ای خود را پیش ببرد.

گفتگو با استاد دانشگاه هایدلبرگ آلمان:

فرایند اصلاحات در میانمار روند ناقصی بوده است



وحیدپور تجریشی

پایین جامعه مدنی آغاز شد. همچنین عوامل دیگری در توانمندسازی جامعه مدنی و پیشبرد تغییرات موثر بودند که شامل نقشه راه تغییر رژیم نظامی و رسیدن به دموکراسی بود که از سال ۲۰۰۸ با واکنش جامعه جهانی در کمک به طوفان زدگان این کشور آغاز شد و انتخابات ۲۰۱۰ را در میانمار پی ریزی کرد.

|| شما در کتاب خود به نام «فهم اصلاحات در میانمار» به اختلاف طبقاتی میان شهرنشینان و روستاییان میانمار اشاره کرده اید. ریشه این اختلاف طبقاتی را در چه مسائلی می بینید؟

پیش از وقوع فرایند اصلاحات در میانمار، همه مردم این کشور فقیر بودند و تنها بخش کمی از مردم این کشور جزو طبقه متوسط بودند که در یانگون زندگی می کردند. با انجام اصلاحات اقتصادی و سیاسی در این کشور، وضع مالی بسیاری از جمعیت شهری بهتر هم شده است. هر چند سود ناشی از این اصلاحات چندان عاید مناطق روستایی و حومه نشینان نشد.

این مساله هم البته به بحث مالکیت زمین ها باز می گردد. بسیاری از مردم در مناطق روستایی به دلیل توسعه پروژه های مختلف، در حال از دست دادن زمین های خود هستند و در نتیجه هر روز به سمت فقر بیشتر پیش می روند.

|| نقش آمریکا را در فرایند انقلاب میانمار و مسائل پس از آن چگونه ارزیابی می کنید؟

من فکر می کنم منظور شما از انقلاب، اصلاحات است و نه انقلاب. آمریکا به هیچ وجه نقشی در روند اصلاحات میانمار نداشته است. چنانچه ایالات متحده حتی تحریم های جامعی هم علیه میانمار در نظر گرفت.

|| نظر شما در مورد آینده سیاسی «آنگ سان سوچی» چیست؟

«داو سو» (آنگ سان سوچی) در عمل رهبر میانمار به حساب می آید. البته وی با مشکلات فراوانی هم مواجه است که من در کتاب خودم (فهم اصلاحات در میانمار) به آن اشاره کرده ام.

انقلاب میانمار و اعتراضات شدید مردمی علیه حکومت نظامیان در این کشور که در ۱۵ اگوست ۲۰۰۸ رخ داد، به طور حتم یکی از بزرگترین تحولات سیاسی در آسیا به شمار می آید.

مانند هر انقلاب دیگری در جهان، شاید تغییر در سطح شکل سیاسی حکومت و نوع رژیم سیاسی به سرعت اتفاق بیفتد، اما ایجاد تغییرات زیربنایی در اقتصاد و مسائل اجتماعی امری تدریجی است که این فرایند هنوز در میانمار فعال است.

لذا ایجاد اصلاحات در میانمار روندی است که پس از فروپاشی حکومت نظامیان آغاز شده است.

«مری لال»، از اساتید دانشگاه های مطرح جهان همچون دانشگاه هایدلبرگ آلمان، دانشگاه ملی استرالیا، و دانشگاه ملی سنگاپور و از جمله محققان در زمینه سیاست و جامعه شناسی میانمار است که سالها بر روی مسائلی چون جامعه مدنی، فرایند صلح، اصلاحات آموزشی و ظهور ملی گرایی بودایی در این کشور مشغول فعالیت بوده و به مطالعه پرداخته است.

وی که از نزدیک با روند اصلاحات در میانمار طی سالهای پس از انقلاب در این کشور درگیر بوده، معتقد است که مردم این کشور از ابتدای دهه ۲۰۱۰ برای اعمال تغییر و اصلاحات در کشور خود به شدت تلاش کرده اند. به عقیده نویسنده، این جدیت و تلاش همگانی برای اصلاح در امور زیر ساختی کشور، از سال ۲۰۱۵ و پیروزی حزب اتحادیه ملی دموکراسی در انتخابات این سال، آگاهی مردم بیشتر هم شده است.

در همین راستا گفتگویی با این استاد دانشگاه انجام شده که در ادامه می آید.

|| انقلاب میانمار را چگونه ارزیابی می کنید؟ این انقلاب تا چه حد در برطرف کردن مشکلات اقتصادی و اجتماعی در این کشور نقش داشته است؟

به نظر من هیچ انقلابی در میانمار رخ نداد. تغییرات رخ داده در این کشور در قالب اصلاحاتی بود که از سطوح

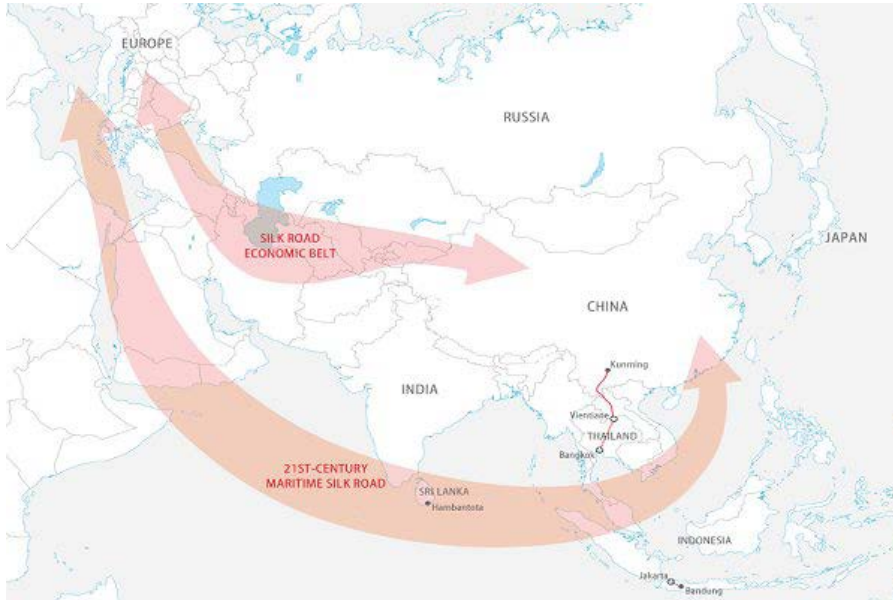
فناوری ایالات متحده در اقتصاد سیاسی بین المللی پس از جنگ جهانی دوم نقش مهمی در رشد اقتصادی متحدين و شرکای امنیتی آمریکا در آسیا پاسفیک داشته است.

در واقع محیط بین المللی یک عرصه سیاسی است و ایالات متحده بنا به دلایل و انگیزه های سیاسی امکانات اقتصادی خود را در جهت تسهیل رشد اقتصادی شرکای امنیتی خود به کار گرفته و پیوسته سعی کرده است که رقبای امنیتی را در مناطق مختلف با محدودیت هایی مواجه نماید و موانع را برای رشد و بالندگی آنها افزایش دهد. در این راستا ایالات متحده علاوه بر متحدين خود با اعمال فشارهای مختلف و نیز ارائه مشوق هایی به چین سعی کرده است که مانع از آن شود که کشورمان از ظرفیت های اقتصادی چین برای رشد اقتصادی خود استفاده نماید. گرچه در درجه اول نگاه ما به رشد درون زای کشور است اما چنین نگاهی به معنای عدم اغتنام فرصت های محیط بین المللی نیست و در این راستا چین بازاری برای صادرات و نیز منبعی برای جذب سرمایه خارجی محسوب می شود که دستگاه دیپلماسی کشورمان با بکارگیری سرمایه بیشتر متخصص انسانی بیش از این بر اغتنام فرصت های سیاسی و اقتصادی ناشی از رشد چین در جهت منافع ملی متمرکز شود.

|| مناسبات ایران و چین در دوران پسابرجام چگونه باید ترسیم شود؟ چین می تواند چه اقدامات موثری را در مسیر صیانت از برجام و مهار کارشکنی های آمریکا صورت دهد؟

واقعیت این است که در عرصه بین المللی بی اعتمادی دولت ها نسبت به یکدیگر بدهی است و قدرت و نفع مشترک است که ضامن قراردادهای است. لذا کشورمان می بایست بیش از این بر اغتنام فرصت های اقتصادی شامل جذب سرمایه ها و دسترسی بیشتر به بازارهای چین برای صادرات متمرکز شود و با گسترش محاسبه شده همکاری های اقتصادی و سیاسی بیش از این اهرم عمل های خود را برای تاثیرگذاری بر محاسبات ایالات متحده تقویت کند. در پایان از آنجا که مخارج دفاعی هر کشوری درصدی از تولید ناخالص داخلی آن کشور است. برای کشورمان یک ضرورت امنیتی است که در جهت افزایش قدرت ملی و ضریب تاثیرگذاری بر محیط بین المللی نرخ رشد اقتصادی نسبتا بالایی در طول دهه های پیش رو داشته باشد.

آیا فقط پکن سود خواهد برد؟ موانع موجود در احیای جاده ابریشم / چین و مشکل وام‌های اعطایی



اگر تجارت رونق نداشته باشد، فقط کشور چین سود حاصل از «طرح یک کمربند، یک جاده» را خواهد برد. موسسه تحقیقات سیاست خارجی مقاله‌ای با عنوان «چه کشوری از طرح «یک کمربند، یک جاده» نفع می‌برد؟» با قلم «فلیکس چانگ» منتشر کرده است که ترجمه آن پیش روی شماست.

چین با طرح ایجاد کمربند اقتصادی جاده ابریشم و جاده ابریشم دریایی قرن ۲۱ (طرح یک کمربند، یک جاده) تلاش می‌کند شبکه‌ای از زیرساخت‌ها را در اوراسیا ایجاد و از این طریق تجارت را رونق بخشد.

در نگاه اول اینطور به نظر می‌رسد تمامی کشورهایی که در مسیر این جاده قرار دارند، از اجرای طرح نفع ببرند. وام‌های دولت چین به این کشورها پروژه‌های زیربنایی در آنها را عملی می‌کند. کشورهای در حال توسعه که این پروژه‌ها در آنها اجرا می‌شوند، در آینده می‌توانند از نقاط ترابری غیرمستقیم و از توسعه صنایع جدید نفع ببرند. سپس این کشورها می‌توانند با درآمد حال از رشد اقتصادی وام‌های اخذ شده را پرداخت نمایند.

اما این پیش‌بینی در صورتی محقق خواهد شد که شبکه زیرساخت جدید ایجاد شده و تجارت رونق داشته باشد. صرف وجود جاده‌ها و بنادر تضمین نمی‌کند که تجارت شکوفا خواهد شد. قطعاً رشد اقتصادی در پایان می‌تواند به کشورهای در حال توسعه کمک کند وام‌های خود را بپردازند. اما در حال حاضر رشد اقتصادی چین و اتحادیه اروپا کند شده است. در واقع فعالیت‌های اقتصادی جهان کاهش یافته است. اگر تجارت رونق نداشته باشد و زیرساخت‌های سودآور مناسب ساخته نشوند، فقط کشور چین سود حاصل از «طرح یک کمربند، یک جاده» را خواهد برد.

مهمترین مسئله در طرح «یک کمربند، یک جاده» ارائه و اخذ وام است. وام‌های چینی ممکن است تسهیلات لازم را فراهم کنند و نرخ بهره پایین تری نسبت به سایر بانک‌ها داشته باشند، اما آنها وام هستند. چین می‌خواهد وام‌های اخذ شده پرداخت شوند. به علاوه وام‌های چینی اختصاص یافته به ساخت پروژه‌های زیربنایی به کشورهای در حال توسعه ارائه می‌شوند و انتظار است که آنها ساخت و ساز زیربنای را به شرکت‌های چینی محول کنند. بر اساس قراردادهایی که منعقد می‌شود، ریسک‌های مالی اجرای این پروژه‌ها بر عهده کشورهای در حال توسعه خواهد بود. اگر تجارت رونق داشته باشد قضایای مطرح شده اهمیت زیادی ندارد. اما وقتی تجارت رونق نداشته باشد، کشورهای در حال توسعه باید نگران باشند.

در گذشته بسیاری از کشورهای در حال توسعه که وام از کشور چین جهت اجرای پروژه‌های ساخت و ساز دریافت کرده بودند و متأسفانه این پروژه‌ها با شکست مواجه شده‌اند، در حال حاضر به شدت بدهکار هستند. وام‌دهنده‌ها در نهایت مجبور شده‌اند بسیاری از بدهی‌های خود را ببخشند زیرا به این نتیجه رسیده‌اند که وام‌گیرنده‌ها هرگز نمی‌توانند کل مبلغ وام را پرداخت کنند.

اخیراً چین بخشی از وام‌ها را به کشورهای در حال توسعه بخشیده است (در مجموع ۳۰۹ میلیارد دلار). اما این مقدار بخش کوچکی از کل بدهی‌های کشورهای در حال توسعه به چین است. برای مثال چین در سال ۲۰۱۵، ۴۰ میلیون دلار از بدهی دولت زیمبابوه را بخشید. این کشور حدود

یک میلیارد دلار دیگر به چین بدهکار است. البته باید گفت که دولت زیمبابوه در برابر لغو بخشی از بدهی‌ها متعهد شده است در ذخایر تبادلات ارزی خود از یوان چین استفاده بیشتری داشته باشد. به نظر کارشناسان، چین بخشی از این بدهی‌ها را لغو کرد تا به اهداف سیاست خارجی مورد نظر خود برسد.

با این حال هنوز کشورهایی هستند که از طرح تامین مالی چین حمایت می‌کنند. مثلاً «هاینندا راجاپاکسا» رئیس‌جمهور سابق سریلانکا از اعطای وام‌های چین با اشتیاق استقبال نموده و قصد داشت تسهیلات بندری و فرودگاه را همایان‌توتا بسازد. بعد از تکمیل، این بندر قرار بود، بزرگترین بندر در نوع خود در جنوب آسیا باشد. اما با کاهش تجارت دریایی، دولت جدید سریلانکا با ۱٫۱ میلیارد دلار بدهی به چین ساخت فرودگاه و بندر را متوقف ساخت. با این حال علی‌رغم انتقادات دولت جدید سریلانکا از دریافت وام‌های چینی توسط حکومت راجاپاکسا و کاستی‌های شرکت‌های ساخت و ساز چینی، دولت جدید چاره‌ای نداشت جز اینکه پروژه ساخت بندر و فرودگاه را به اتمام برساند و وام‌های چینی را پرداخت کند. در واقع شاید دولتمردان چین بر این عقیده باشند که وام‌گیرندگان در نهایت مجبور به پرداخت وام‌ها خواهند شد زیرا یک قصور آشکار دست‌رسی آینده کشورهای در حال توسعه به اعتبارات را به شدت محدود می‌کند.

با این وجود اخیراً برخی کشورهای آسیایی به راحتی با شرایط ارائه وام توسط دولت چین کنار نمی‌آیند. نمونه آن اندونزی در سال گذشته بود. سال گذشته، رقابت چین و ژاپن به عنوان دو غول بزرگ شرق آسیا در حوزه اقتصادی برای ساخت نخستین قطار سریع‌السیر اندونزی با برتری چینی‌ها پایان یافت و این قرارداد امضا شد. این خط آهن ۱۶۰ کیلومتری، جاکارتا پایتخت اندونزی را به باندونگ وصل می‌کند تا بخشی از برنامه «جوکو ویدودو» رئیس‌جمهور اندونزی برای تعمیر اساسی زیرساخت این کشور مجمع‌الجزایری و جذب سرمایه‌گذاران نتیجه دهد. بانک دولتی توسعه چین ۷۵ درصد از بودجه این طرح را برعهده گرفته و بقیه آن را شرکت راه آهن چین و کنسرسیوم اندونزی تامین می‌کنند. دولت اندونزی بودجه‌ای برای

این خط راه آهن در نظر نگرفته و تضمین دولتی نیز نیاز ندارد. یکی از دلایلی که مقامات اندونزی پیشنهاد ژاپنی‌ها را رد کردند در نظر گرفتن بودجه دولتی بود.

اما تا اینکه در زمینه دریافت وام از چین بسیار محتاط عمل کرده است. در طی چندین سال دولتمردان تا اینکه با هم‌تایان چینی خود در مورد ساخت قطار سریع‌السیر با مسیروطولانی بین کومنینگ و بانکوک مذاکره کردند. پس از کودتای نظامی تا اینکه در سال ۲۰۱۴، هر دو کشور به مذاکرات سرعت داده و خواهان گسترش روابط با یکدیگر شدند. اما شرایطی که چین پیشنهاد داد مورد قبول رهبران تا اینکه قرار نگرفت. نرخ بهره مورد نظر چین، ساختار مالکیت پیشنهادی چین و دیگر درخواست‌های چین در مورد حقوق استفاده از راه آهن مورد قبول رهبران تا اینکه قرار نگرفت. بنابراین تا اینکه طرح پروژه را با چین کنار گذاشت. در عوض تا اینکه تصمیم گرفت خط آهن بانکوک به ناخون راتجاسیما را بسازد. این مسیر بسیار کوتاه‌تر بود و هزینه ساخت آن نیز بر عهده تا اینکه بود. چین فقط تکنولوژی مورد نیاز را عرضه می‌کرد و بر فرایند ساخت و ساز نظارت داشت. اقدام مثبتی که دولت تا اینکه در این زمینه انجام داد این بود که ساخت و ساز این خط آهن را به شرکت‌های تا اینکه نه شرکت‌های چینی واگذار کرد.

چین ممکن است بر این باور باشد که نیازهای کشورهای در حال توسعه به وام کم بهره می‌تواند باعث اجرای «طرح یک کمربند، یک جاده» شود. اما رهبران این کشورها باید بدانند که اقتصاد داخلی چین بسیار ضعیف عمل می‌کند و چین به طور فزاینده در مورد حفظ توافق با شرکت‌های ساخت و ساز نگران است. آنها در مورد آنچه در کشورهای سریلانکا، تا اینکه و اندونزی رخ داده است باید آگاهی داشته باشند. این موارد به آنها کمک خواهد کرد تا در مورد اخذ وام از چین محتاط بوده و تمامی شرایط اخذ وام از این کشور را نپذیرند. اگر کشورهای در حال توسعه که در مسیر «طرح یک کمربند، یک جاده» قرار دارند این موارد را در نظر بگیرند، «طرح یک کمربند، یک جاده» چین به آسانی اجرا نخواهد شد.

سیاست گردشگری خارجی چین در خدمت دیپلماسی و قدرت نرم

سینا برحیان



دولت چین در مقایسه با دیگر کشورها از توریسم به عنوان نوعی از «دیپلماسی و قدرت نرم» استفاده می کند و به اشکال مختلف از آن بهره برداری می کند. بر اساس مقاله دکتر «تونی تسه» از مدرسه مدیریت هتل و توریسم دانشگاه پلی تکنیک هنگ کنگ، دولت چین در مقایسه با دیگر کشورها از توریسم به عنوان شکلی از «دیپلماسی و قدرت نرم» استفاده می کند. دولت جمهوری خلق چین با اعمال کنترل و تأثیر بر روند شکل گیری و توسعه گردشگری، جریان توریسم را بطور ناگهانی با دستورالعمل های سیاسی خود پیوند داده است. بررسی استفاده از توریسم در روابط بین الملل چینی ها نشان می دهد که چگونه چین حمایت و همچنین تحریم خود را بر دیگر کشورها اعمال می دارد.

با توجه به اندازه فزاینده ی بازار توریسم خارجی چین (گردشگران چینی که به قصد دیدن کشورهای دیگر از چین خارج می شوند) این کشور پتانسیل تأثیرگذاری مشخصی بر سطوح اقتصادی و سیاسی در سراسر دنیا را دارد. چین با جمعیت بزرگ، رشد فزاینده و سریع طبقه ی متوسط و اقتصاد شکوفای خود از بتانسیل رو به رشدی در بازار توریسم خارجی خود برخوردار است. افزایش هفت برابری در گردشگری خروجی چین از ۱۰ میلیون نفر در سال ۲۰۰۰ به بیش از ۷۰ میلیون نفر در سال ۲۰۱۱ خود شاهدهی بر این مدعا است.

در آینده نزدیک، جمعیت طبقه متوسط چین به اندازه ی کل جمعیت آمریکا خواهد شد و بر اساس گزارش سازمان جهانی گردشگری، پیش بینی می شود تعداد گردشگران چینی در سال ۲۰۲۰ به بیش از ۱۰۰ میلیون نفر برسد که این تعداد گردشگر به تنهایی ۱۴٪ از درآمد جهانی توریسم را تشکیل می دهد. پیش بینی می شود تعداد گردشگران چینی در سال ۲۰۲۰ به بیش از ۱۰۰ میلیون نفر برسد که این تعداد گردشگر به تنهایی ۱۴٪ از درآمد جهانی توریسم را تشکیل می دهد.

این افزایش تعداد گردشگر تأثیر شگرفی بر سیاست گردشگری چین و رابطه ی تعریفی آن با بسط قدرت نرم این کشور خواهد داشت.

واژه قدرت نرم در اواخر دهه ۸۰ میلادی قدم به عرصه ی ادبیات سیاسی گذاشته و مقصود آن توانایی یک کشور در متقاعد کردن دیگران برای انجام کاری های خود بدون به کاربردن زور و یا اجبار در انجام کاری غیر داوطلبانه می باشد. ژوزف نابی، بنیانگذار این واژه، معتقد است دولت ها به اندازه ی قدرت سخت، به قدرت نرم نیز در جهت متقاعد و مجبور سازی دیگران برای شکل دادن به نگرش ها و ملاحظات درازمدت نیازمندند.

با وجود اهمیت زیاد اقتصادی توریسم، هنوز توجه اندکی به کاربردهای آن به عنوان «رویکرد سیاسی اساسی» در سراسر دنیا شده است که این بطور مشخص تعجب برانگیز است. تأکید سیاستمداران تا بحال بر گردشگری بیشتر به عنوان اهمی اقتصادی و بستری برای توسعه منطقه ای بوده است. چین به عنوان یکی از اندک کشورهای در جهان با

بود و به کانادا فرار کرده بود را به چین عودت داد. این نمونه ای بارز از چگونگی استفاده چین از موافقت های گردشگری در جهت افزایش قدرت نرم و همچنین قدرت خود در مباحث پیشرفته ی دیپلماتیک است.

دولت چین همچنین از جریان گردشگری خارجی به عنوان مکانیزمی برای حمایت از سایر کشورها و مناطق استفاده می کند. هنگ کنگ و ماکائو دو منطقه نیمه خودمختار چین مثال هایی خوب از این سیاست هستند. هنگامی که هنگ کنگ با مشکلات اقتصادی در راه اتحاد دوباره با سرزمین مادری مواجه شده بود، دولت چین با ارایه برنامه سفر شخصی در سال ۲۰۰۳ به گردشگران خود اجازه داد بیشتر از تورهای گروهی، به صورت شخصی و انفرادی به هنگ کنگ سفر کنند. این تغییر سیاست برای هنگ کنگ ۳۰ میلیارد درآمد به ارمغان آورد. چین همچنین در نمونه ای مشابه پشتیبانی خود را از ماکائو که از سال ۱۹۹۹ به چین نزدیک شده است، نشان داده است.

به منظور کمک به اقتصاد این منطقه، دولت چین بازار صنایع بازی و سرگرمی را به روی سرمایه گزاران خارجی گشود و همچنین به چینی ها اجازه داد که برای قمار به ماکائو بروند. این در حالی است که در کشور چین قمار و قمار خانه غیر قانونی است و با متخلفان به شدت برخورد می شود. نتیجه ی این سیاست افزایش گردشگران ماکائو از ۵ میلیون نفر در سال ۲۰۰۱ به ۱۶ میلیون نفر در سال ۲۰۱۱ بوده است.

از دیگر موارد می توان به واکنش گردشگری چین به سونامی اقیانوس هند در تشویق گردشگران برای سفر به مناطق حادثه دیده در دسامبر ۲۰۰۴ اشاره کرد. در اوایل سال ۲۰۰۵ خط هوایی چین با برقراری پرواز مستقیم به پوکت تایلند، با اژانس های مسافرتی به منظور کمک به بازیافت صنعت توریسم منطقه شروع به همکاری کرد. همچنین زمانی که ژاپن با موقعیت سونامی مشابه در سال ۲۰۱۱ روبرو شد، چین به همین صورت به ژاپن و صنعت گردشگری آن کمک نمود. این عملکردها تنها نشاندهنده غرور آفرینی در کمک به همسایگان است بلکه به چین در ساخت و بسط

داشتن «سیاست عمومی بر توریسم خارجی» دارای موقعیت ایده آل برای تأثیرگذاری بر روابط بین الملل است. با وجود آنکه سیاست توریسم خارجی چین هرگز بصورت عمومی توضیح داده نشده است، دولت چین از توریسم به عنوان شکلی از قدرت نرم و تأثیر دیپلماتیک استفاده می کند. درک این مطلب البته موضوعی مهم حتی برای متخصصین چینی و مقاصد بین المللی است که با مشکلات و موانع بسیاری برای جذب بیشتر توریست چینی رو به رو می شوند. برای روشن سازی و درک این وضعیت، باید طبیعت سیاسی توریسم خارجی این کشور و تأثیرات سیاست گردشگری چین بر مقصد های گوناگون گردشگری بررسی شود. چین گردشگری خارجی خود را از طریق طرح «تایید وضعیت مقصد» یا به طور اختصار «ای دی اس»، مجموعه ای از موافقت نامه های دوجانبه با کشورهای دیگر که به توریست های چینی اجازه می دهد از طریق تورهای گروهی به خارج مسافرت کنند، کنترل می کند. اهمیت اقتصادی این برنامه به صورت گسترده به رسمیت شناخته شده است و تنها کشورهایی که بخشی از طرح «ای دی اس» هستند، اجازه دارند که بازار گردشگری خود را در چین تبلیغ و ترویج کنند. شایان ذکر است تا سال ۲۰۱۱، تعداد ۱۴۰ کشور به این طرح پیوسته اند.

ممانعت از اجرای موافقت نامه های گردشگری از طرفی خود ابزار سیاسی مهمی بشمار می آیند؛ به عنوان مثال چین با به تأخیر انداختن اجازه اجرای طرحی با دولت کانادا، در مقابل انتقاد این کشور از وضعیت حقوق بشر در چین، واکنش نشان داده است.

ممانعت از اجرای موافقت نامه های گردشگری از طرفی خود ابزار سیاسی مهمی بشمار می آیند. به عنوان مثال چین با به تأخیر انداختن اجازه اجرای طرح با دولت کانادا، در مقابل انتقاد کانادا از وضعیت حقوق بشر در چین و همچنین نشست نخست وزیر این کشور با دالای لاما واکنش نشان داده است. چین تنها زمانی اجازه ی اجرای موافقت نامه راداده است که دولت کانادا «لای چان زینگ» شخصی که متهم به فساد و قاچاق

معامله سایبری آمریکا و چین در سایه نگرشهای رئالیستی

مهدی پور حسینی



سایبری به سختی به همکاری های مشترک قابل تبدیل است؛ زیرا بی اعتمادی استراتژیک بین دو طرف شدید است. زیرا دو طرف در موضوعات اساسی حکمرانی اینترنت مانند جریان آزاد اطلاعات، محلی کردن و یا بین المللی شدن جریان اطلاعات در فضای مجازی، تعریف سایبر تروریسم (در حالی که ایالات متحده تعریف جز: نگر از سایبر تروریسم دارد چین تعریف گسترده ای از آن ارائه کرده است). شیوه اداره مراکز اصلی حکمرانی اینترنت مانند شیوه مدیریت شرکت آیکان که مسئولیت اصلی اداره اینترنت را بر عهده دارد، دارای اختلاف هستند. همچنین این دو کشور گفتمان های متفاوتی را در حوزه فضای مجازی پیگیری می نمایند و به همین دلیل به تقویت نهادهای بین المللی متفاوتی مشغول هستند؛ در حالی که ایالات متحده به تقویت نقش شرکت آیکان در اداره اینترنت و رویکرد چند ذی نفعی معتقد است، چین به نقش مهم آی تی یو و افزایش رویکرد دولت محور پرداخته است.

همچنین چین به ایجاد نهادهای بین المللی موازی با نهادهای بین المللی اداره کننده اینترنت پرداخته است. زیرا در نهادهایی که توسط این کشور ایجاد شده است، قدرت گفتمان سازی بیشتری دارد؛ نمونه این نهادها ایجاد کنفرانس جهانی اینترنت در دو سال گذشته بود. از طرف دیگر سازمان های نظامی و امنیتی آمریکا با رویکرد سایبری دولت اواما در قبال چین خیلی موافق نیستند. برخی از کارشناسان اعتقاد دارند که احتمال ضد حملات سایبری آمریکا به زیر ساخت های حیاتی چین وجود دارد. در مجموع می توان اینگونه نتیجه گرفت که گرچه توافق سال گذشته چین و آمریکا در حوزه امنیت سایبری تا حدی باعث تطبیف روابط دوجانبه در این حوزه شده است و کاهش حملات سایبری بین دو طرف شهادی بر این مدعا است ولی با توجه به وجود نگرش های رئالیستی در سیاست سایبری دو طرف به نظر می رسد که آمریکا و چین به ساختن زرادخانه سایبری و جاسوسی از شبکه های یکدیگر ادامه می دهند؛ با توجه به مواضع رئالیستی تر هر دو کاندیدای ریاست جمهوری در آمریکا به نظر می رسد دو کشور در همکاری های سایبری دچار مشکلات بیشتری خواهند بود.

با توجه به وجود نگرش های رئالیستی در سیاست سایبری چین و آمریکا به نظر می رسد که واشنگتن و پکن به ساختن زرادخانه سایبری و جاسوسی از شبکه های یکدیگر ادامه می دهند.

یک سال بعد از اینکه روسای جمهور دو کشور چین و آمریکا به توافقی در حوزه امنیت سایبری دست یافتند، ایالات متحده اعلام کرده است که تعداد هک های چینی ها از این کشور کاهش یافته است؛ گروه «فایر آی» گزارش داده که تعداد هک های مهم شبکه توسط هک های چینی از ۶۰ مورد در سال ۲۰۱۳ به ۱۰ مورد در سال ۲۰۱۶ رسیده است.

جان کارلین معاون دادستان ایالات متحده می گوید تعداد هک های چینی ها کاهش یافته ولی متمرکزتر و محاسبه شده تر شده است. یک ماه پس از توافق چین و آمریکا، چین معاهده مشابهی را با انگلیس در نوامبر ۲۰۱۵ امضا کرد. پس از آن چین، برزیل، روسیه، ایالات متحده و دیگر اعضای گروه ۲۰ نیز پذیرفتند هنجارهایی را در خصوص مسائل امنیت سایبری مانند سرقت از مالکیت معنوی را بپذیرند.

چین و ایالات متحده همچنین ۲ دور گفتگوی سایبری در دسامبر ۲۰۱۵ و ژوئن ۲۰۱۶ برگزار نمودند که در آن وزارت امنیت داخلی آمریکا و وزارت امنیت عمومی چین سرپرستی مذاکرات را بر عهده داشتند. خط تلفن اضطراری نیز بین دو طرف در ماه آگوست برقرار گردید.

ایالات متحده ادعا کرده است که تغییر در سیستم هک چینی با توجه به فشارهای خارجی ایالات متحده و برخی از اصلاحات داخلی چین انجام شده است. آمریکا معتقد است که تعقیب ۵ هکر چینی و تحریم اشخاص و نهادهای چینی که پشت سر سرقت های سایبری بوده اند به همراه سیاست ضد فساد رئیس جمهور جدید چین و سیاست مدرنیستی ایشان به همراه منافع این دو کشور در جهت جلوگیری از تکثیر قابلیت های تهجمی سایبری توسط گروه های غیردولتی و حملاتی که شبکه مالی جهانی را تهدید می کند به نزدیک شدن دیدگاه دو کشور در حوزه سایبری کمک کرده است.

ولی این نگرانی های مشترک و تحولات مثبت در روابط

پایه های قدرت نرم خود کمک کرده است.

علاوه بر این جریان گردشگری خارجی می تواند بیانگر و نشانه روابط مثبت با دیگر کشورها باشد. انگلیس، کره و تایلند مثال هایی روشن از چگونگی توسعه گردشگری چین به عنوان نشانه ای از روابط سیاسی مثبت بین کشورها هستند. در انگلستان، تلاش ها برای افزایش شمار توریست های ورودی بطور مشخص و قدرتمند بر بازار چین متمرکز شده است که شاهد این مدعا در سیاست، ساده سازی هرچه بیشتر فرایند گرفتن ویزای انگلیس برای چینی ها می باشد. کره و تایلند هم همچنین شاهد افزایش قابل ملاحظه در شمار گردشگران ورودی از چین هستند و سریلانکا پیشبینی میکند از تعداد ۲۵۰۰۰ گردشگر چینی در سال ۲۰۱۲ به ۳۰۰۰۰۰ در سال ۲۰۱۶ دست یابد. توسعه گردشگری چین در این کشورها به مصداق «گردشگران دیپلمات های غیر رسمی در ساخت زیر بنای قدرت نرم چین هستند» است.

در مقابل، مثال هایی از استفاده چینی ها از گردشگری به عنوان ابزاری برای تحریم در مقابل کشورهایی که با آنها دچار مشکل است، وجود دارد. برای مثال در زمان مناقشه بر سر جزایر «دیائو» با ژاپن، بسیاری از تورگردانان مطرح چینی تبلیغ و ترویج گردشگری در ژاپن را متوقف کردند. و بعضی از این شرکت ها سفرهای خود را به ژاپن لغو و مبالغ گرفته شده را به مشتری های خود پس دادند. این عمل منجر به کاهش ۷۰ درصد تعداد گردشگران چینی ورودی به ژاپن در سال ۲۰۱۲ گردید. مشابه همین عملکرد، در همان سال در مورد فیلیپین به دلیل مناقشه با این کشور بر سر جزیره هوانگیان صورت گرفته است.

با وجود آن که این تصمیمات به ظاهر تجاری بوده اند، تصمیم سازی ها به نوعی با تشویق و اطلاع دولت چین صورت گرفته است. و در این مورد گردشگری به عنوان یک تنبیه استفاده شده است. البته شایان ذکر است، چین به اندازه کافی قدرتمند است که از گردشگری به عنوان تحریم استفاده کند.

با توجه به نوع نگاه چین به گردشگری خارجی خود، بازارهای مقصد نه تنها باید «نیازها و خواسته های مشتری های خود» را پوشش دهند بلکه باید درک مطلوبی از «سیاست ها و خط مشی» حاکم بر قوانین بازی داشته باشند. در پایان و در یک دید وسیع تر باید خاطر نشان کرد که دیپلماسی چین در سیاست گذاری توریسم خارجی خود این پتانسیل را دارد تا توانایی این کشور را در «احتمال پذیرفته شدن نتایج مطلوب خود در جبهه بین الملل» افزایش دهد.

توافق صلح کابل با حکمتیار؛ گامی برای مذاکره با طالبان

علی کاوسی نژاد



توافقنامه صلح دولت وحدت ملی افغانستان و حزب اسلامی حکمتیار می‌تواند زمینه ساز شروع مذاکرات با گروه طالبان باشد و همچنین می‌تواند فصل تازه‌ای در برقراری صلح و ثبات در افغانستان باشد.

در یکسال و نیم گذشته گفتگو بین مقامات دولت وحدت ملی افغانستان و نمایندگان حزب اسلامی افغانستان به رهبری «گلبدین حکمتیار» با وساطت شورای عالی صلح افغانستان در جریان بود و فرودهای در این میان بر سر مذاکرات صلح بین دو طرف بوجود آمد اما در نهایت ۲۲ سپتامبر برابر با یکم مهر ماه پیش نویس توافقنامه ای که در سه فصل و ۲۶ ماده بین دولت و حزب اسلامی حکمتیار تنظیم شده بود، در حضور مقامات عالی رتبه دولت افغانستان از جمله «محمد حنیف اتمر»، «سید احمد گیلانی» رئیس شورای عالی صلح افغانستان و «محمد امین کریم» نماینده ارشد حزب اسلامی به رهبری گلبدین حکمتیار به امضای طرفین رسید و بدین گونه فصل تازه‌ای در برقراری صلح و ثبات در افغانستان باز شد.

هر چند در راه رسیدن به این توافق مهم بین طرفین اختلافاتی در ابتدای امر وجود داشت اما با مشورت‌ها و رایزنی‌ها سران دولت افغانستان و حزب اسلامی، مراحل سخت و دشوار طی شد تا امروز توافقی مهم را در افغانستان شاهد باشیم.

حزب اسلامی به رهبری گلبدین حکمتیار در شروع مذاکرات صلح شرایطی را مد نظر داشت که برآورده شدن آنها چندان سهل و آسان نبود و در مواردی عمل کردن به این خواسته‌ها ناممکن به نظر می‌رسید. از جمله خواسته‌ها و مطالبات حزب اسلامی می‌توان به خروج نیروهای نظامی ناتو از افغانستان، آزادی زندانیان حزب اسلامی از زندان‌های افغانستان، خارج شدن نام گلبدین حکمتیار و حزب اسلامی از لیست سیاه سازمان ملل، خروج مهاجران افغانستانی از پاکستان و بوجود آوردن شرایط مساعد برای اسکان آنها در داخل افغانستان اشاره کرد.

از مواردی که در بالا بدان اشاره شد خروج نیروهای آمریکایی و ناتو از افغانستان ناممکن به نظر می‌رسید، چون دولت وحدت ملی افغانستان و دولت آمریکا طبق توافقنامه ای که به امضا رسانده اند نیروهای آمریکایی تا سال ۲۰۱۷ میلادی می‌توانند در افغانستان حضور داشته باشند. از سوی دیگر باید این نکته را در نظر داشت که نیروهای آمریکایی و ناتو در حال حاضر در افغانستان حضور دارند و «باراک اوباما» رئیس جمهور آمریکا در ماه‌های گذشته با توجه به افزایش قدرت طالبان و حملات آنها به شهرهای مختلف در افغانستان طی حکمی اختیارات جنگی نیروهای امنیتی افغانستان را افزایش داد تا آنها بتوانند در رویارویی با اعضای طالبان آزادی عمل بیشتری داشته باشند و از سوی دیگر اوباما بجای کاهش نیروهای آمریکایی از ۹۸۰۰ تن به ۵۵۰۰ نفر تعداد آنها

را به ۸۴۰۰ نفر تغییر داد و این خود بدان معناست که ایالات متحده آمریکا تمایل چندان به خروج از افغانستان ندارد.

حزب اسلامی حکمتیار با چشم پوشی از خروج نیروهای ناتو تا پایان سال ۲۰۱۶ میلادی خواستار تعیین یک برنامه زمانی مشخص برای خروج نیروهای ناتو از افغانستان توسط دولت این کشور شده است. پس از امضای پیش نویس توافقنامه صلح بین دولت وحدت ملی افغانستان و حزب اسلامی این کشور نهادهای بین المللی و کشورهای منطقه از توافق صورت گرفته بین دو طرف حمایت کردند و آنرا قدمی مثبت در راه برقراری صلح و ثبات در افغانستان دانستند. در این میان «حامد کرزی» رئیس جمهور پیشین افغانستان نیز حمایت خود را از توافقنامه صلح اعلام کرد و آنرا زمینه‌ای برای پیشبرد صلح در این کشور خواند.

حامد کرزی که در دوره حکومت خود از حمایت دولت آمریکا برخوردار بود در سالهای اخیر زبان به انتقاد از دولت واشنگتن گشوده است و دخالت آمریکا در امور داخلی افغانستان را در تضاد با قانون اساسی این کشور خوانده است. همانگونه که می‌دانیم دولت وحدت ملی افغانستان با میانجیگری «جان کری» وزیر امور خارجه آمریکا پس از بروز اختلافات در انتخابات ریاست جمهوری افغانستان در توافقنامه ای که بین «اشرف غنی» رئیس جمهور و «عبدالله عبدالله» رئیس اجرایی دولت وحدت ملی افغانستان صورت گرفت مقرر شد که پس از گذشت دو سال از تشکیل دولت وحدت ملی اقدامات لازم برای برگزاری تشکیل «لویه جرگه» و نیز انجام اصلاحات در قانون انتخابات این کشور صورت گیرد، تا پست ریاست اجرایی به نخست وزیر تعیین شود. سران دولت وحدت ملی افغانستان باید با کنار گذاشتن اختلافات خود زمینه را برای اجرایی شدن متن توافقنامه صورت گرفته، فراهم آورند.

از جمله اقدامات مثبتی که دولت وحدت ملی افغانستان بدان دست یافته است امضای توافقنامه صلح با حزب اسلامی حکمتیار است و این خود دستاوردی بزرگ در راه برقراری ثبات و امنیت در افغانستان است. هر چند عبدالله در ابتدا از ایجاد چنین توافقی چندان مطمئن به نظر نمی‌رسید اما یک هفته مانده به امضای این توافق، موضعی مثبت و همسو با سیاست‌های دولت

وحدت ملی اتخاذ نمود.

بدون شک توافق ایجاد شده بستری مناسب را برای انجام مذاکرات با گروه طالبان افغانستان و نیز ایجاد صلحی پایدار در این کشور فراهم می‌سازد. از سال ۲۰۱۳ میلادی تاکنون تلاش‌هایی به میزبانی اسلام آباد و کابل برای انجام مذاکرات با گروه طالبان صورت گرفته است اما هر زمان علل و عوامل متعددی آنرا بسوی شکست سوق داده اند.

مذاکرات صلح با طالبان در ابتدا به میزبانی اسلام آباد و موسوم به مذاکرات «هری ۱» با حضور رهبران و نمایندگان دولت افغانستان و پاکستان صورت گرفت. اما پس از انتشار خبر ناگهانی مرگ «ملا عمر» رهبر اسبق طالبان این مذاکرات به حالت تعلیق در آمد و در این گروه انشعاباتی صورت گرفت و گروهی به رهبری «ملا رسول» که در پاکستان مستقر بود اعلام موجودیت کرد. بروز این اختلافات میان گروهی چندان شدت گرفت که اعضای وابسته به گروه «ملا رسول»، «ملا اختر منصور» رهبر سابق طالبان را عامل بیگانگان و نیروهای خارجی عنوان کرده بر علیه وی دست به مبارزه زد. در این بین تعدادی از نیروهای دو طرف کشته و زخمی شدند.

در این بین نشست‌هایی مقدماتی برای انجام مذاکرات صلح در افغانستان شکل گرفت و نمایندگان کشورهای افغانستان، پاکستان، چین و آمریکا پنج دور از نشست‌های مقدماتی را در اسلام آباد و کابل تشکیل دادند اما در نهایت گروه طالبان اعلام کرد؛ تا خروج نیروهای ناتو از افغانستان از حضور در هر گونه نشست در راستای برقراری صلح در افغانستان خودداری می‌کند و به جنگ علیه نیروهای خارجی و افغانستانی ادامه می‌دهد.

در این اثنا گلبدین حکمتیار از رهبران جهادی افغانستان و رهبر حزب اسلامی این کشور اعلام کرد با تعیین شرایطی حاضر است با دولت وحدت ملی افغانستان مذاکره کند. در این میان حکمتیار از شرط خروج نیروهای خارجی از افغانستان چشم پوشی کرد تا بتواند بار دیگر خود را از انزوای سیاسی در افغانستان بیرون بیاورد و نقشی در برقراری صلح در این کشور داشته باشد. از جمله شروطی که حکمتیار بر آنها در توافقنامه صلح تاکید کرده است اعطای مصونیت سیاسی و قضایی به اعضای حزب اسلامی از سوی دولت افغانستان، خارج شدن نام این حزب از لیست سیاه سازمان ملل و فعالیت



مهدی پور حسینی

معامله سایبری آمریکا و چین در سایه نگرشهای رئالیستی

سایبری به سختی به همکاری های مشترک قابل تبدیل است؛ زیرا بی اعتمادی استراتژیک بین دو طرف شدید است. زیرا دو طرف در موضوعات اساسی حکمرانی اینترنت مانند جریان آزاد اطلاعات، محلی کردن و یا بین المللی شدن جریان اطلاعات در فضای مجازی، تعریف سایبر تروریسم (در حالی که ایالات متحده تعریف جزءنگر از سایبر تروریسم دارد چین تعریف گسترده ای از آن ارائه کرده است).

شیوه اداره مراکز اصلی حکمرانی اینترنت مانند شیوه مدیریت شرکت آیکان که مسئولیت اصلی اداره اینترنت را بر عهده دارد، دارای اختلاف هستند. همچنین این دو کشور گفتمان های متفاوتی را در حوزه فضای مجازی پیگیری می نمایند و به همین دلیل به تقویت نهادهای بین المللی متفاوتی مشغول هستند؛ درحالی که ایالات متحده به تقویت نقش شرکت آیکان در اداره اینترنت و رویکرد چند ذی نفعی معتقد است، چین به نقش مهم آی تی یو و افزایش رویکرد دولت محور پرداخته است.

همچنین چین به ایجاد نهادهای بین المللی موازی با نهادهای بین المللی اداره کننده اینترنت پرداخته است. زیرا در نهادهایی که توسط این کشور ایجاد شده است، قدرت گفتمان سازی بیشتری دارد؛ نمونه این نهادها ایجاد کنفرانس جهانی اینترنت در دو سال گذشته بود. از طرف دیگر سازمان های نظامی و امنیتی آمریکا با رویکرد سایبری دولت اوباما در قبال چین خیلی موافق نیستند. برخی از کارشناسان اعتقاد دارند که احتمال ضد حملات سایبری آمریکا به زیر ساخت های حیاتی چین وجود دارد.

در مجموع می توان اینگونه نتیجه گرفت که گرچه توافق سال گذشته چین و آمریکا در حوزه امنیت سایبری تا حدی باعث تلطیف روابط دوجانبه در این حوزه شده است و کاهش حملات سایبری بین دوطرف شاهدهای بر این مدعا است ولی با توجه به وجود نگرش های رئالیستی در سیاست سایبری دو طرف به نظر می رسد که آمریکا و چین به ساختن زرادخانه سایبری و جاسوسی از شبکه های یکدیگر ادامه می دهند؛ با توجه به مواضع رئالیستی تر هر دو کاندیدای ریاست جمهوری در آمریکا به نظر می رسد دو کشور در همکاری های سایبری دچار مشکلات بیشتری خواهند بود.

با توجه به وجود نگرش های رئالیستی در سیاست سایبری چین و آمریکا به نظر می رسد که واشنگتن و پکن به ساختن زرادخانه سایبری و جاسوسی از شبکه های یکدیگر ادامه می دهند.

یک سال بعد از اینکه روسای جمهور دو کشور چین و آمریکا به توافقی در حوزه امنیت سایبری دست یافتند، ایالات متحده اعلام کرده است که تعداد هک های چینی ها از این کشور کاهش یافته است؛ گروه «فایر آی» گزارش داده که تعداد هک های مهم شبکه توسط هکرهای چینی از ۶۰ مورد در سال ۲۰۱۳ به ۱۰ مورد در سال ۲۰۱۶ رسیده است.

جان کارلین معاون دادستان ایالات متحده می گوید تعداد هک های چینی ها کاهش یافته ولی متمرکزتر و محاسبه شده تر شده است. یک ماه پس از توافق چین و آمریکا، چین معاهده مشابهی را با انگلیس در نوامبر ۲۰۱۵ امضا کرد. پس از آن چین، برزیل، روسیه، ایالات متحده و دیگر اعضای گروه ۲۰ نیز پذیرفتند هنجارهایی را در خصوص مسائل امنیت سایبری مانند سرقت از مالکیت معنوی را بپذیرند.

چین و ایالات متحده همچنین ۲ دور گفتگوی سایبری در دسامبر ۲۰۱۵ و ژوئن ۲۰۱۶ برگزار نمودند که در آن وزارت امنیت داخلی آمریکا و وزارت امنیت عمومی چین سرپرستی مذاکرات را بر عهده داشتند. خط تلفن اضطراری نیز بین دوطرف در ماه آگوست برقرار گردید.

ایالات متحده ادعا کرده است که تغییر در سیستم هک چینی با توجه به فشارهای خارجی ایالات متحده و برخی از اصلاحات داخلی چین انجام شده است. آمریکا معتقد است که تعقیب ۵ هکر چینی و تحریم اشخاص و نهادهای چینی که پشت سر سرقت های سایبری بوده اند به همراه سیاست ضد فساد رئیس جمهور جدید چین و سیاست مدرنیستی ایشان به همراه منافع این دو کشور در جهت جلوگیری از تکثیر قابلیت های تهاجمی سایبری توسط گروه های غیردولتی و حملاتی که شبکه مالی جهانی را تهدید می کند به نزدیک شدن دیدگاه دو کشور در حوزه سایبری کمک کرده است.

ولی این نگرانی های مشترک و تحولات مثبت در روابط

حزب اسلامی در انتخابات افغانستان است.

توافقنامه صلح با حزب اسلامی در طی دو مرحله صورت می گیرد؛ در مرحله نخست توافقنامه به امضای نمایندگان حزب اسلامی، دولت وحدت ملی و شورای عالی صلح افغانستان رسید و در مرحله دوم پس از آزادی اعضای این حزب از زندان های افغانستان توافقنامه صورت گرفته به امضای نهایی گلبدین حکمتیار و اشرف غنی خواهد رسید. آزادی زندانیان حزب اسلامی از زندان های افغانستان ضامن حفظ و بقای توافق صورت گرفته و اجرای تمام مفاد موجود در آن است. از دیگر مفاد مهم این توافقنامه بازگشت مهاجران افغانستانی از پاکستان به وطن خود و انجام اقدامات مناسب برای اسکان آنها در داخل خاک افغانستان است.

در این میان فعالان حقوق بشر و نمایندگان پارلمان افغانستان مخالفت خود را با اعطای مصونیت قضایی به گلبدین حکمتیار و اعضای این حزب اعلام کرده اند و آنرا مخالف قوانین حقوق بشری در جهان می دانند. اعضای حزب اسلامی در دوره مخالفت خود با دولت افغانستان در درگیری های مسلحانه تعدادی از نیروهای امنیتی و مردم افغانستان را کشته اند و این موضوع باعث شده است فعالان حقوق بشر در این کشور با اعطای مصونیت قضایی به اعضای حزب اسلامی مخالفت کنند و در یکم مهر ماه مصادف با امضای توافقنامه صلح در شهر کابل تظاهرات اعتراض آمیزی را انجام دهند.

با وجود مخالفت های ناچیز در مقابل توافق صورت گرفته می توان گفت که دولت وحدت ملی افغانستان در سیاست خود در راستای برقراری صلح در کشور موفق نشان داده است و این خود می توان به صلحی گسترده و پایدار در این کشور تبدیل شود و زمینه را برای مذاکرات با گروه طالبان فراهم نماید. محمد رضا بهرامی؛ سفیر جمهوری اسلامی ایران در کابل با استقبال از توافقنامه صلح دولت وحدت ملی افغانستان و حزب اسلامی حکمتیار اظهار امیدواری کرده است سایر گروه های مسلح به این توافق بیبوندند.

جمهوری اسلامی ایران از هرگونه توافق صلحی که به برقراری صلح و ثبات در افغانستان منجر شود حمایت قاطع می کند. انجام مذاکرات مسالمت آمیز بین دولت وحدت ملی و گروه های مسلح می تواند راه را برای صلحی پایدار در کشوری که مردم ستمدیده آن قربانی جنگ هستند، باز کند.

نشست بروکسل با موضوع افغانستان / اعطای کمک سه میلیارد دلاری به کابل

علی کاوسی نژاد



یازدهمین کنفرانس بین المللی بروکسل با موضوع افغانستان در حالی برگزار می شود که دولت کابل به کمک سه میلیارد دلاری کشورهای حامی افغانستان چشم دوخته است. یازدهمین کنفرانس بین المللی بروکسل با موضوع افغانستان در کشور بلژیک در حالی برگزار می شود که می توان انتظار داشت علاوه بر کشورهای عضو اتحادیه ناتو و آمریکا کشورهای دیگری نیز در این کنفرانس شرکت کنند و در این میان «سرتاج عزیز» مشاور امور خارجه پاکستان در این کنفرانس شرکت خواهد داشت.

یازدهمین کنفرانس بین المللی بروکسل با موضوع همکاری برای برقراری صلح و ثبات در افغانستان برگزار می شود و «شرف غنی» رئیس اجرایی دولت وحدت ملی افغانستان نیز در این کنفرانس شرکت دارند. قبل از برگزاری این کنفرانس اختلافاتی بین سران دولت وحدت ملی افغانستان بروز کرد که با میانجیگری رهبران جهادی افغانستان و مقامات کشورهای دوست و متحد دولت کابل این اختلافات رو به کاهش گذاشت و در نهایت رهبران دولت وحدت ملی توانستند در دیدارهایی دوجانبه به حل و فصل اختلافات خود پرداخته و امید به برقراری وحدت و انسجام را در میان رهبران دولت به ملت افغانستان هدیه کنند.

موفقیتی که دولت وحدت ملی افغانستان قبل از برگزاری کنفرانس بروکسل توانست بدست آورد امضای توافقنامه صلح با حزب اسلامی افغانستان به رهبری «گلبدین حکمتیار» بود موفقیتی که دولت وحدت ملی افغانستان قبل از برگزاری کنفرانس بروکسل توانست بدست آورد امضای توافقنامه صلح با حزب اسلامی افغانستان به رهبری «گلبدین حکمتیار» بود که می توان آنرا یکی از تلاش های جدی سران دولت افغانستان برای برگزاری صلح و ثبات در این کشور دانست. هر چند حکمتیار خود در مراسم امضای توافقنامه صلح در کابل حضور نداشت و از طریق ویدیو کنفرانس در این مراسم شرکت کرد، اما سران دولت وحدت ملی، رهبران جهادی افغانستان، نمایندگان حزب اسلامی و مقامات دولتی افغانستان با شرکت در این مراسم بدان مشروعبیت داده و حمایت خود را از دولت و ملت افغانستان در راستای رسیدن به صلح پایدار نشان دادند. از جمله شروطی که حکمتیار و حزب اسلامی افغانستان بر آن تاکید کرده است فراهم آوردن بستری مناسب از سوی دولت وحدت ملی برای شرکت نمایندگان حزب اسلامی در انتخابات آتی افغانستان است که این خود نوید دهنده صلح و تفاهم بین دولت و حزب اسلامی افغانستان است. تا جایی که حکمتیار در مراسم امضای

توافقنامه صلح توسط اشرف غنی از گروه های مخالف دولت از جمله گروه طالبان خواست تا به روند صلح در افغانستان پیوسته و صلح در این کشور را تجربه کنند. در این میان تنها گروهی که مخالفت خود را با توافقنامه صلح دولت افغانستان و حکمتیار نشان داد و در جهت تضعیف دولت وحدت ملی قدم برداشت گروه طالبان بود. گروه طالبان به رهبری «ملا هیبت الله آخوند زاده» که مخالف حضور نیروهای خارجی در افغانستان هستند همزمان با برگزاری کنفرانس بروکسل تهاجمی گسترده را به شهرهای «قندوز» و «ناوه» آغاز کرد و توانست شهر ناهه را به تصرف خود در آورد اما با مقاومت نیروهای امنیتی افغانستان نه تنها شهر ناهه از تصرف گروه طالبان خارج شد بلکه گروه طالبان در تهاجم ۲ هزار نفری خود به قندوز توانست برای بار دوم در طول یکسال گذشته کنترل این شهر را بدست بگیرد.

حملات گروه طالبان به شهرهای افغانستان همزمان با برگزاری کنفرانس بروکسل در واقع ضعیف نشان دادن دولت وحدت ملی در برقراری و حفظ امنیت در این کشور است. شورشیان طالبان به کمک نیروهای طالبان پاکستان قصد سیطره بر شهر راهبردی قندوز را داشتند که با مقاومت نیروهای امنیتی افغانستان روبرو شدند. از سویی سازمان اطلاعات پاکستان «آی اس آی» نیز در برنامه ای بلندمدت تصمیم دارد که رهبری و مرکزیت گروه طالبان را به ولایت هلمند افغانستان انتقال دهد و ماروز گذشته شاهد آن بودیم که اعضای طالبان با یورش به شهر «ناوه» تا ساعاتی کنترل آنرا بدست گرفتند.

«خواجه محمد آصف» وزیر دفاع پاکستان نیز در روزهای گذشته و قبل از برگزاری کنفرانس بروکسل اعلام کرد که سیاست اسلام آباد در قبال افغانستان تغییر خواهد کرد. پاکستان که از همگرایی و نزدیکی دولت افغانستان و هند بیمناک است تصمیم دارد به شگردهای مختلف دولت وحدت ملی افغانستان را در آستانه برگزاری نشست بروکسل تحت فشار

همگرایی منطقه ای و رفاه» در جهت یکپارچه سازی همکاری های اقتصادی و منطقه ای برای برقراری صلح و ثبات در افغانستان برگزار می شود.

دولت وحدت ملی افغانستان باید گزارشی جامع از تلاش های خود برای مبارزه با فساد و نیز برقراری صلح و ثبات در این کشور ارائه کند و به نوعی دولت وحدت ملی باید حمایت کشورهای شرکت کننده را برای کمک به افغانستان جلب نماید. اشرف غنی قبل از عزیمت به بروکسل اقداماتی را در دستور کار دولت خود قرار داده است یکی از این اقدامات انجام اصلاحات در نظام انتخاباتی افغانستان در راستای هموار ساختن زمینه برای برگزاری انتخابات آینده در این کشور است، علاوه بر این موضوع دولت وحدت ملی افغانستان توانست با انجام مذاکرات سازنده با حزب وحدت ملی افغانستان به رهبری حکمتیار توافقنامه صلح را به امضا رساند.

در راه اجرایی شدن توافقنامه صلح با حکمتیار موانع و محدودیت هایی قضایی و بین المللی وجود دارد. گلبدین حکمتیار و حزب اسلامی افغانستان در لیست سیاه سازمان ملل و آمریکا قرار دارد و اشرف غنی تلاش خواهد کرد در کنفرانس بروکسل حمایت سازمان ملل را برای خارج کردن نام حکمتیار و حزب اسلامی افغانستان از لیست سیاه این سازمان جلب کند.

«بان کی مون» دبیر کل سازمان ملل نیز در این کنفرانس شرکت می کند. وی در اظهارات خود در دیدار با مقامات دولت افغانستان در مجمع عمومی سازمان ملل برای حمایت همه جانبه از افغانستان در کنفرانس بروکسل قول مساعده داده بود. در کنفرانس بروکسل که گفته می شود در آن ۷۰ کشور جهان و ۲۰ سازمان بین المللی برای کمک به برقراری صلح و ثبات در افغانستان شرکت خواهند داشت دولت وحدت ملی افغانستان می تواند با دستاوردی بزرگ از این کنفرانس به کابل باز گردد.

دولت کابل چشم به کمک سه تا پنج میلیارد دلاری کشورهای عضو ناتو و آمریکا دوخته است که می تواند تا سال ۲۰۲۰ ادامه یابد اما در مقابل دولت افغانستان نیز باید شرایطی را مهیا کند که پناهجویان افغانستانی به کشور بازگردند.

کشورهای حامی بیم آن دارند که با وجود فساد مالی در افغانستان کمک مورد نظر حیف و میل شود و مردم افغانستان نتوانند به نحو مطلوب از این کمک های مالی و بهبود وضعیت زنان و کودکان، تعلیم و آموزش کودکان، مبارزه با فساد و پولشویی، برقراری صلح و ثبات، توسعه ظرفیت های تجاری و اقتصادی در افغانستان از جمله موضوعاتی است که در نشست بروکسل به آنها پرداخته می شود.

قرار دهد تا جایی که مرزهای پاکستان در ایامی که تجار افغانستانی قصد ترانزیت کالاها و محصولات خود به هند را داشتند دولت اسلام آباد مرزهای «چمن»، «انگور ادا» و «واهاگا» را به روی بازرگانان افغانستانی بست. اشرف غنی نیز در تماس با مقامات دولت هند از آنها خواست تجار افغانستانی از طریق هوایی محصولات خود را به هند صادر کنند و در مقابل از پرداخت مالیات نیز معاف شوند.

یازدهمین کنفرانس بین المللی بروکسل در راستای نشست سال ۲۰۱۲ توکیو برگزار می شود، در نشست توکیو تصمیم بر آن شد که کشورهای عضو ناتو تا سال ۲۰۱۶ میلادی سالیانه ۴ میلیارد دلار به افغانستان کمک کنند و زمان این توافقنامه در سال جاری میلادی به پایان می رسد و کشورهای عضو ناتو و آمریکا با تعیین شروطی قصد دارند سالیانه مبلغ ۳ میلیارد دلار تا سال ۲۰۲۰ به افغانستان کمک مالی پرداخت کنند.

از جمله شروطی که کشورهای عضو ناتو و آمریکا برای دولت وحدت ملی افغانستان تعیین کرده اند می توان انجام اصلاحات انتخاباتی، تلاش برای برقراری صلح در افغانستان، مبارزه با فساد در کشور و همچنین بازگشت پناهجویان افغانستانی به کشورشان است. در نشست ماه ژوئیه کشورهای عضو ناتو که در ورشو برگزار شد تصمیم بر آن شد که کمک به افغانستان تا سال ۲۰۲۰ میلادی ادامه یابد و این خود می تواند بدان معنا باشد که نیروهای خارجی قصد دارند تا سال ۲۰۲۰ در افغانستان حضور داشته باشند و این خود برقراری صلحی پایدار در افغانستان را به چالش خواهد کشاند چون یکی از شروط طالبان برای پیوستن به روند صلح در این کشور خروج نیروهای خارجی از افغانستان است.

در حاشیه کنفرانس بروکسل و در چهارم اکتبر نشست «جنسیت- زنان توانمند، افغانستان مرفه» برای حفظ حقوق زنان و توانمندسازی آنها و نشست دیگری نیز با عنوان «همکاری اقتصادی منطقه ای-»

دلایل یورشهای اخیر طالبان در افغانستان / لزوم انجام مذاکرات صلح

علی کاوسی نژاد



گروه طالبان پس از امضای توافقنامه صلح بین دولت کابل و حزب اسلامی حکمتیار حملات خود را به شهرهای افغانستان تشدید کرده است.

پس از امضای توافقنامه صلح بین دولت کابل و حزب اسلامی حکمتیار و درست پیش از برگزاری نشست «بروکسل» در بلژیک با موضوع افغانستان، گروه طالبان حملات خود را به ولایات و شهرهای مهم افغانستان شروع کرد و این حملات در روزهای اخیر چنان شدت گرفته است که تعداد بسیاری از اهالی شهرهای «فراه» و «لشکرگاه» و «قندوز» آواره و بی خانمان شده اند.

امضای توافقنامه صلح بین دولت افغانستان و حزب اسلامی حکمتیار در یکم مهرماه را می توان موفقیت بزرگ «اشرف غنی» رئیس جمهور و «عبدالله عبدالله» رئیس اجرایی دولت وحدت ملی افغانستان دانست، اما در این میان گروه طالبان که مخالف ادامه حضور نیروهای آمریکایی و ناتو در افغانستان هستند با برنامه ای از پیش تعیین شده قبل از برگزاری کنفرانس بروکسل در مورد افغانستان به شهر «قندوز» حمله بردند و توانستند بخش هایی از این شهر را به تصرف خود درآورند و بر میدان اصلی شهر مسلط شوند.

با تشدید درگیری ها در قندوز ژنرال «مراد علی مراد» معاون رئیس ستاد ارتش افغانستان راهی این شهر شد تا فرماندهی عملیات نظامی را به عهده گرفته و شهر را از لوٹ طالبان پاکسازی کند اما دفع حملات طالبان در این شهر چندان آسان به نظر نمی رسد و ژنرال «عبدالرشید دوستم» معاون اول رئیس جمهور افغانستان خود شخصا به منطقه رفته و فرماندهی جنگ در شهر قندوز را به عهده گرفت.

در این میان والی قندوز با انتقاد از عملکرد ژنرال مراد علی مراد در رویارویی با شورشیان طالبان وی را مسئول سقوط بخشی از شهر قندوز خواند و با اظهاراتی جنجالی کشته شدن تعدادی از غیر نظامیان در این شهر توسط طالبان را قضا و قدر الهی خواند. اشرف غنی نیز در واکنش به اظهارات والی قندوز اعلام کرد بعضی از مقامات امنیتی دولت به جای عمل کردن به وظایف خود در حفظ و برقراری ثبات و امنیت در افغانستان، کشته شدن غیر نظامیان را قضا و قدر الهی می خوانند.

پیش از این نیز اظهارات «حامد کرزای» رئیس جمهور پیشین افغانستان در مورد تسلط گروه طالبان بر شهرهای افغانستان، باعث نگرانی مقامات دولت افغانستان به ویژه عبدالله عبدالله شد. کرزای ماه پیش در گفتگو با رسانه ها عنوان کرده بود گروه طالبان افغانستانی هستند و حق دارند بر قسمتی از خاک افغانستان تسلط داشته باشند، اما نیروهای آمریکایی و ناتو نیروهای بیگانه هستند و باید هر چه زودتر این کشور را ترک کنند.

اظهارات کرزای پیش از امضای توافقنامه صلح توسط اشرف غنی و گلبدین حکمتیار رهبر حزب اسلامی افغانستان مطرح شد و با واکنش سخت عبدالله

مواجه شد. چنین اظهارات نسنجیده ای در موارد حساس امنیتی می تواند فضای موجود در افغانستان را به نفع نیروهای مخالف دولت تغییر دهد و عزم آنها را برای حمله به شهرهای افغانستان افزایش دهد. از سویی دیگر دولت افغانستان در طول سالهای گذشته بارها به پاکستان هشدار داده است با گروه های تروریستی از جمله گروه تروریستی «حقانی» در این کشور مبارزه کند شبکه حقانی که از شاخه های انشعابی طالبان پاکستان است در حملات به شهرهای افغانستان و انجام عملیات تروریستی نقش مهمی ایفا می کند.

«رحمت الله نبیل» سرپرست شورای امنیت ملی افغانستان نیز در اعتراض به ادامه همکاری دولت افغانستان با پاکستان از سمت خود استعفا داده بود. وی بر این باور بود که عوامل حملات تروریستی در افغانستان که از اعضای گروه تروریستی شبکه حقانی هستند و در زندان های این کشور بسر می برند باید اعدام شوند. ارتباط سازمان اطلاعات پاکستان (آی ای سی) با شبکه حقانی موضوعی است که باعث نگرانی مقامات دولتی کابل شده است. بعضی از کارشناسان بر این باورند که سازمان اطلاعات پاکستان که وابسته به ارتش این کشور است در ارتباط مستقیم با گروه طالبان پاکستان است و در حملات اخیر طالبان افغانستان به ولایت هلمند افغانستان نیز نیروهای شبکه تروریستی حقانی نیز مشارکت دارند.

روز گذشته شهر «لشکرگاه» مرکز ولایت هلمند افغانستان مورد هجوم شدید گروه طالبان قرار گرفت و اعضای این گروه با ورود به بخشی از شهر با انجام حمله انتحاری تعدادی از نیروهای امنیتی افغانستان را کشتند اما با مقاومت نیروهای امنیتی این حمله طالبان دفع شد و آنها به عقب رانده شدند. حمله طالبان به شهر لشکرگاه باعث رعب و وحشت در میان اهالی شهر شد و بیش از ۳۰۰۰ نفر از شهروندان لشکرگاه به شهرهای مجاور آواره شدند.

علاوه بر لشکرگاه، شهر «فراه» نیز مورد یورش طالبان قرار گرفته است و به شمار آوارگان افغانستانی اضافه شده است. اوضاع امنیتی در افغانستان به گونه ای نا به سامان است که امروز منابع امنیتی در ولایت «فاریاب» اعلام کردند شهر «غورماچ» به تصرف طالبان درآمده است و این خود یاس و نا امیدي را در میان شهروندان

افغانستانی افزایش داده است. علاوه بر تصرف شهرهای راهبردی افغانستان بدست طالبان مسئله مهم تری که برای دولت وحدت ملی افغانستان بوجود آمده است. ورود سیلی عظیمی از مهاجران و پناهنجویانی است که در چند ماه گذشته از پاکستان و کشورهای اروپایی به کشور برگشته اند باعث افزایش نگرانی دولت مرکزی شده است.

وزارت مهاجرت افغانستان تحت فشار جامعه جهانی به ویژه کشورهای حوزه اتحادیه اروپا و پاکستان مجبور به امضای توافقنامه ای شده است که طبق آن دولت افغانستان موظف است بستر مناسبی برای بازگشت مهاجران افغانستانی مهیا نماید تا بلکه بتواند از کمک های جامعه جهانی در

سالهای آینده برخوردار شود. در کنفرانس بروکسل کشورهای حامی افغانستان اطمینان دادند که در راستای حفظ و برقراری صلح و ثبات در افغانستان کمک های مالی خود به دولت کابل را ادامه دهند. با توجه به وعده هایی که به دولت کابل داده شده است کشورهای حامی افغانستان در سالهای آینده ۱۵ میلیارد دلار به این کشور کمک مالی می دهند. دولت پاکستان با اعطای بورسیه های تحصیلی و کمک مالی ۵۰۰ میلیون دلاری قصد دارد با دولت هند در کمک به دولت افغانستان رقابتی تنگاتنگ داشته باشد تا در جامعه جهانی با انزوا روبرو نشود و از نزدیکی بیش از پیش کابل و دهلی نو جلوگیری کند.

کمک های میلیارد دلاری کشورهای حامی افغانستان شاید در کوتاه مدت بتواند وضعیت اقتصادی موجود در این کشور را بهبود بخشد اما در عمل آنچه که باعث افزایش نا آرامی ها در افغانستان می شود این است که دول خارجی از جمله آمریکا و کشورهای عضو ناتو با ادامه حضور نظامی خود در این کشور روند صلح دولت و گروه طالبان را با چالش بزرگی مواجه ساخته اند و تا هنگامی که نیروهای بیگانه در خاک افغانستان حضور داشته باشند اوضاع امنیتی در این کشور نا آرام و متلاطم خواهد بود. چند صباحی است که گروه طالبان با افزایش توان نظامی خود توانسته است به شهرهای بزرگی در افغانستان حمله ور شود و سایه سنگین ترس و وحشت در ولایات مختلف افغانستان افزایش یافته است. با تأملی در اوضاع امنیتی افغانستان می توان به این نتیجه رسید که دخالت کشورهای منطقه از جمله آمریکا، کشورهای عضو سازمان ناتو و به ویژه پاکستان امنیت این کشور را با مخاطرات بسیاری روبرو ساخته است. انجام مذاکرات دولت افغانستان و گروه طالبان با مشارکت کشورهای منطقه از جمله هند، پاکستان، روسیه و جمهوری اسلامی ایران می تواند به برقراری صلح در افغانستان کمک کند.

می توان از طریق انجام مذاکرات سازنده با گروه طالبان به نا آرامی های اخیر در این کشور پایان داد. چون کشورهایی که با افغانستان مرزی مشترک داشته و به نوعی با فرهنگ این کشور آشنایی بیشتری دارند می توانند راهکارهای مناسبی برای برقراری صلح و ثبات در افغانستان ارائه دهند.



امریکا

دبیران: فرزاد فرهاد توسکی
شقایق لامع زاده

رهبری هژمونیک آمریکا در خاورمیانه از دست رفته است



«بروس هال» هژمونی آمریکا را در خاورمیانه رو به افول می‌داند و می‌گوید آمریکا مجبور است با سیر به شدت نزولی نفوذش در خاورمیانه که نتیجه اقدامات بی‌ثبات کننده این کشور است کنار بیاید.

«رابرت کوهن» از نظریه پردازان برجسته نهادگرایی نولیبرال معتقد است که شاهد این هستیم که قدرت رهبری هژمونیک ایالات متحده آمریکا بعد از دهه ۱۹۷۰ میلادی دچار افول شده است.

کوهن معتقد است به رغم اینکه قدرت رهبری آمریکا کاهش یافته است رژیم‌های بین‌المللی که بعد از جنگ جهانی دوم از جمله صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و گات(سلف سازمان تجارت جهانی) ایجاد شدند در دوره افول هژمون نیز پابرجا خواهند بود.

در همین رابطه گفتگویی با پروفیسور «رودنی بروس هال» از نظریه‌پردازان برجسته مکتب سازهانگاری (جامعه‌شناسی تاریخی) در روابط بین‌الملل انجام شده است که در ادامه از نظر می‌گذرد.

«بروس هال» به نسل دوم نظریه پردازان مکتب سازهانگاری تعلق دارد. وی علاوه بر سابقه خدمت در دانشگاه ایالتی «آیوا» و دانشگاه «براون» ایالت رودآیلند به مدت ۱۰ سال در دانشگاه «آکسفورد» انگلستان به

امر تدریس مشغول بوده است. بروس از سال ۲۰۱۳ تا کنون نیز استاد روابط بین‌الملل در دانشگاه «ماکائو» چین بوده است. وی نویسنده و ویراستار آثار متعددی است که از آن میان می‌توان به «سیستم بانک مرکزی به عنوان حکومت جهانی: اعتبارسازی مالی»، «ظهور سازمان‌های خصوصی در حکومت جهانی» و «هویت ملی - جمعی: ساختارهای اجتماعی و سیستم‌های بین‌المللی» اشاره کرد. اخیرترین اثری که وی در امر ویرای آن مشارکت داشته است کتاب «کاهش خشونت مسلحانه با تکیه بر مدیریت نهادهای غیر دولتی» است. بروس از اعضای هیئت تحریریه فصلنامه مطالعات بین‌الملل دانشگاه آکسفورد بوده است.

سازهانگاری نظریه‌ای اجتماعی به شمار می‌رود و یک روش شناختی قدیمی است که دست کم به آثار قرن هجدهم «گیامباتیستا ویکو» بر می‌گردد. این نظریه در حوزه روابط بین‌الملل نیز مباحث جدی را وارد کرده است.

|| مایل هستیم که سوالاتی را درباره زوال قدرت هژمونیک آمریکا مطرح کنیم. به اعتقاد نظریه پردازانی چون «رابرت کوهن» شاهد افول قدرت هژمونیک آمریکا بعد از دهه ۱۹۷۰ میلادی هستیم. آیا شما معتقد به افول قدرت هژمونیک آمریکا هستید؟

در کل من با ادعاهایی مبنی بر رو به زوال رفتن هژمونی ایالات متحده آمریکا به صورت مطلق موافق نیستم. مهم است که مقدمه این اظهارات را به پاسخ «نه» از بابت تمایز بین زوال مطلق و زوال نسبی زمین کنیم. استدلال‌هایی درباره زوال هژمونی آمریکا نسبت به سایر قدرت‌های رو به رشد، به صورت دوره‌ای در ادبیات روابط بین‌الملل و به ویژه در رسانه‌های معتبر به چشم می‌خورد و آنها معمولاً حتی در خصوص این زوال نسبی نیز غلو می‌کنند. این تب آکادمیک

داریش سخن گفت.

در این میان، تداوم افزایش هزینه‌های زندگی نیز با سرعت ادامه داشت تا اینکه در اوایل دوران ریاست جمهوری ریگان، «پل والکر» رئیس وقت فدرال رزرو آمریکا با اتکا به ذخایر ارزی کشور، نرخ تورم را کاهش داد.

بی‌شک اینها مشکلات حقیقی بودند و در همان حال که منتقدین داخلی استدلال می‌کردند که طرح تقویت نظامی ریگان خیلی هزینه‌بر است، «پل کندسی» یکی از مورخان بدبین دانشگاه «ییل» کتابی را با عنوان «صعود و سقوط ابرقدرت‌ها» منتشر کرد که در سال ۱۹۸۷ میلادی برای هفته‌ها صدرنشین لیست پرفروش‌ترین‌های روزنامه «نیویورک تایمز» بود.

این کتاب استدلالی را مبنی بر زوال نسبی بریتانیا به عنوان یک ابرقدرت در نتیجه توسعه امپراتوری این کشور ارائه داد و پیش‌بینی کرد که به زودی تقدیر مشابهی در انتظار ایالات متحده خواهد بود که به نوبه خود رهبری جهان را به کشورهای در حال رشدی چون آلمان و ژاپن محول می‌کند و همانگونه که شما اشاره کردید، «رابرت کوهن» اثر تاثیرگذار خود به نام «بعد از هژمونی» را با رویکرد نهادگرایی نولیبرال در سال ۱۹۸۴ میلادی و فقط چندین سال قبل از کتاب کندسی منتشر کرد.

با این حال، کتاب کوهن همچنان به فروش می‌رسد حال آنکه این مطلب درباره کتاب کندسی صدق نمی‌کند و این به آن خاطر است که هدف کوهن در واقع تصریح جایگاه قدرت نسبی آمریکا در آن دوره نبود بلکه قصد وی به چالش کشیدن تئوری رئالیستی رایج در آن روزگار از منظر نهادگرایی نولیبرال بود - مکتبی متفاوت از تئوری روابط بین‌الملل.

در این کتاب کوهن تئوری ثبات هژمونیک را به چالش کشید، تئوری که استدلال می‌کند که یک هژمون

آخرین بار در اواسط دهه ۱۹۸۰ میلادی پدیدار شد. در آن سال‌ها فقط ۱۰ سال از پایان جنگ غیر اخلاقی ویتنام می‌گذشت - که با شکست دولت ویتنام جنوبی در مقام متحد واشنگتن پایان گرفت - و واشنگتن به تازگی حملات ناتوان کننده تورم شدید اقتصادی را پشت سر گذاشته و می‌توان گفت که در حال خروج از یک دهه رکود اقتصادی و تورم شدید بود حال آنکه آمریکا در عین حال شاهد سرعت رشد اقتصادی کشورهایی مثل آلمان و ژاپن در پشت سر گذاشتن معیارها و سطوح رشد تعریف شده از سوی خود نیز بود.

در این دوره، طرح «رونالد ریگان» رئیس‌جمهور وقت آمریکا مبنی بر تحکیم ساختار نظامی با هدف احیاء برتری نیروهای مسلح که در اواخر جنگ ویتنام به واسطه سهل‌انگاری نسبی دچار خلاء شده بود، جریان داشت. این بازسازی هزینه بسیار سنگینی داشت و کشور آمریکا همزمان با کسری‌های هنگفتی در دو بخش بودجه و تجارت دست و پنجه نرم می‌کرد.

قبل از انتخاب ریگان در سال ۱۹۸۰ میلادی، «جیمی کارتر» ظاهراً در حالیکه تعدادی از اتباع آمریکایی از سوی نیروهای انقلابی ایران به گروگان گرفته شده بودند، با ناکارآمدی ۴۰۰ روز پر تردید را پشت سر گذاشت و این در حالی است که ساکنین آمریکا با قیمت‌های نجومی نفت که حاصل دومین تحریم نفتی اعمال شده از سوی کشورهای عربی (به دنبال جنگ شش‌روزه اعراب با رژیم صهیونیستی موسوم به «یوم کپور») بود، دست به گریبان شده و مجبور بودند در فصل زمستان درجه وسایل گرمایشی خود را کم کنند. این دوره‌ای است که سقف سرعت مجاز در بزرگ‌راه‌های کشور ۵۵ مایل در ساعت (۸۸ کیلومتر در ساعت) بود تا در مصرف بنزین صرفه جویی شود. در این هنگام بود که کارتر از رخوتی که گریبان آمریکا را گرفته و از حس شرمساری در روزهای پایانی دوره زمام

دهد. به عنوان مثال در بعد نظامی، آمریکا ۱۲ ناو هواپیمابر دارد که با رزمناوها و ناو شکن های مجهز به موشک های هدایت شونده، ناوچه های سبک، زیردریایی های حامل موشک های بالستیک و مین یاب و غیره پشتیبانی می شوند. این شیوه قدرت پراکنی در عرصه جهانی است. حالا مقایسه کنید که نزدیکترین رقیب آمریکا یعنی چین فقط یک یا بهتر است بگوییم یک و نیم ناو هواپیمابر دارد (یکی از آنها در حال ساخت است). با این حساب دیگر نیازی نیست که درباره تهدید حاصل از رقم باورنکردنی هزاران بمب اتمی بلااستفاده، صحبت کنیم. بحث های زیادی پیرامون ناکارآمدی تسلیحات هسته ای به عنوان بخشی از دارایی های نظامی وجود دارد. مردم به تسلیحات هسته ای به چشم یک تهدید واقعی نگاه نمی کنند چرا که اگر مورد استفاده قرار بگیرند، هر سانتیمتر مربع از خاک کشوری که از آن استفاده کرده به وسیله یک قدرت هسته ای دیگر که از توان ضربه دوم برخوردار است، دود می شود به هوا می رود. با این حساب، برای سه دهه آینده، ایالات متحده آمریکا تهدید واقعی علیه برتری نظامی خود از سوی هیچ کشوری حس نمی کند و حتی اگر بر فرض محال چنین تهدیدی هم وجود داشته باشد، آن را جدی نمی گیرد.

|| در بعد اقتصادی پیش بینی ها حاکی از آن است که چین از آمریکا در چند سال آینده پیشی خواهد گرفت.

در این میان، نرخ تولید ناخالص داخلی چین به سبقت گرفتن از نرخ رشد آمریکا ادامه می دهد اما واقعیت آن است که در صورت عدم بازنگری، مدل رشد اقتصادی چین به پایان بهره وری خود نزدیک می شود. چین اگر خواهان تدام رشد اقتصادی است باید به سرعت نرخ ارزش افزوده را زیاد کند. چین به مانند آنچه که شرکت های فراملیتی در هر جایی انجام می دهند، در حال انتقال بخش زیادی از خط تولید خود به کشورهایی با نرخ دستمزد کمتر است و در عین حال بر روی فناوری های رباتیک نیز سرمایه گذاری می کند تا اتکا به نیروی انسانی را که نرخ دستمزد آن روز به روز بالاتر می رود، کم کند و البته چین با برخی مشکلات روبروست که اغلب کشورها فاقد آن هستند. اما از همه اینها هم که بگذریم از عواقب سیاست تک فرزندی چین نباید غافل شد. اگر روند جمعیتی به همین منوال ادامه پیدا کند، در ۳۰ سال آینده، جمعیت چین با کاهشی ۶۰۰ میلیون نفری روبرو خواهد شد حال آنکه الان هم چین جایگزینی برای نیروی کار قدیمی خود ندارد و در آینده، هند به مراتب از چین به عنوان پر جمعیت ترین کشور دنیا، جلو خواهد زد.

در حال حاضر، چین ۲۰ درصد جمعیت جهان و هشت درصد زمین های قابل زرع آن را در اختیار دارد و این ریخت شناسی جمعیت با ماهیت انتقال قدرتی که در شرف وقوع باشد، جور در نمی آید.

روند جمعیت شناسی روسیه به مراتب از این بدتر است. اما اگر همه مسائل جمعیتی و نظامی را هم کنار بگذاریم، دلار به عنوان یکی از ذخایر ارز جهانی همچنان بی رقیب است. چین برای آنکه ارزش یوان را با هدف افزایش نرخ صادرات و اشتغال در طول دوره گذار اقتصادی دستکاری کند، چاره ای جز خرید مقادیر



خیل عظیمی از پناهجویان مسلمانی که از سوریه و دیگر نواحی تحت اشغال داعش در خاورمیانه گریخته اند، نتیجه معکوسی برای «آنگلا مرکل» صدر اعظم آلمان و مبتکر این طرح به دنبال داشته است. اروپایی ها درک نمی کنند که چگونه می توان مردمی که به باور آنها از توانایی ادغام در فرهنگ آنها برخوردار نیستند را پذیرفت و به همین دلیل است که در تلاش برای معکوس کردن تصمیمات مرکل از قدرت رای خود استفاده می کنند و درست به همین دلیل است که اخراج دسته جمعی مهاجرین گریخته از بحران های اخیر خاورمیانه، در دستور کار بسیاری از کشورهای اروپایی قرار گرفته و اگر به مرحله اجرا درآید، اقدام زیننده ای نخواهد بود. اصلا اگر این مصاحبه به جای آمریکا پیرامون زوال هژمونی اروپا بود، شاید نتیجه بهتری از آن حاصل می شد.

|| اگر فرض را بر این بگذاریم که آمریکا بر تری هژمونی خود را بر خاورمیانه از دست داده است، باید بپذیریم که سعودی ها و اوپک هم بر تری هژمونی خود بر بازار نفت را از دست داده اند.

پژوهشگر فقید انگلیسی «سوزان استرنج» که متخصص روابط بین الملل بود، حدود ۲۵ الی ۳۰ سال پیش، با استدلال درباره «اسطوره ماندگار هژمونی گم شده» به این مسئله در آخرین بخش از تئوری «آمریکای رو به زوال» پاسخ می دهد.

وی این اثر را در سال ۱۹۸۷ میلادی - یعنی همزمان با کتاب کندی - منتشر کرد. استرنج حدود ۲۹ سال پیش، در میان بسیاری مطالب دیگر، شماری از حقایق محکم را بیان کرد که تا امروز پابرجا هستند. اما از همه اینها که بگذریم، خدشه ای در برتری اقتصاد و بازارهای مالی آمریکا ایجاد نمی شود - عواملی که به تهنایی از عمق و پویایی کافی برای حمایت از ذخایر ارزی جهان برخوردار هستند. جهان همچنان تحت کنترل یک رژیم تجارت آزاد است که به نوعی برای همه مگر برخی کشورها سودآور است.

|| در بعد نظامی چه تهدیدی می تواند در آینده متوجه آمریکا باشد؟

در بعد نظامی آمریکا بیشترین هزینه ها را انجام می

فاعدتا ایالات متحده آمریکا) نهادهایی را تاسیس کرد که در راستای تامین اهداف آن بعد از جنگ (جهانی دوم) بود و مادامیکه هژمون سرباست و به طور ادواری سیستم را حفظ می کند، این سیستم هم دوام می آورد. وقتی هژمون در مقایسه با سایر عوامل رو به تحلیل می رود، یا از نهادهای موجود برای حفظ برتری هژمونیک خود استفاده می کند یا به دلیل عدم پرداخت هزینه های جانبی که لازمه حفظ آنهاست به این نهادها مجال زوال می دهد.

وقتی سیستم در مقایسه با سایر عوامل رو به تحلیل می رود، یا از نهادهای موجود برای بقای هژمونی خود استفاده می کند یا به دلیل عدم پرداخت هزینه های جانبی که لازمه حفظ آنهاست به این نهادها مجال زوال می دهد.

|| بله کوهن معتقد است که حتی با افول هژمون باز شاهد تداوم فعالیت رژیمهایی چون صندوق بین المللی پول، بانک جهانی و گات هستیم. آیا خود این نهادها که متکی به اقتصاد هژمون هستند در دوره افول قدرت هژمون تضعیف نشده اند؟

کوهن به زوال نسبی قدرت آمریکا در روزگار نگارش این اثر می پردازد و با این حال، این موضوع را مد نظر قرار می دهد که «نهادهای هژمونیک» وابسته به نظام مالی «برتون وودز» همچنان در حوزه های رقابتی خود به منزله هسته حکومت جهانی بودند.

در آن زمان، با توسعه وام دهی که در قبضه بانک جهانی بود، با متوازن کردن بدهی هایی که همچنان به وقت تنگدستی از سوی صندوق بین المللی پول پرداخت می شد، با ثابت ماندن جایگاه دلار آمریکا در راس هرم ارزهای جهانی تا به این ترتیب رایج ترین ارز خارجی برای تامین کالاهای اساسی باشد، جهان همچنان به گونه ای موثر پایبند حاکمیت قانونی یک نظم تجارت جهانی لیبرال (گات) و بعدها سازمان تجارت جهانی) بود.

از سوی دیگر حساب اقتصادی ژاپن در سال ۱۹۸۹ میلادی شکست. ژاپن در سال میلادی جاری (۲۰۱۶) همچنان کشوری با نرخ تورم منفی است یا بهتر است بگوییم اصلا تورم اقتصادی ندارد. در این میان، اقتصاد همچنان پر جنب و جوش آلمان پرچمدار اتحادیه ای رو به ضعف و اروپایی رو به زوال است که در حال حاضر در روندی معکوس طعم بدایقالی را می چشد بدایقالی که در درجه نخست با بحران بدهی هایی همراه بود که راه خلاصی از آن با اقدامات ریاضتی عجین شد که بیش از همه یونان و اسپانیا را با موج وحشتناک بیکاری مواجه کرد و باعث فرار مغزهای جوان از کشورهای اروپایی از جمله ایرلند شد.

|| مایل هستیم تضعیف هژمون را در رژیمهایی چون اتحادیه اروپا نیز مورد توجه قرار دهیم. آیا برگزیت نیز باعث تضعیف اتحادیه اروپا نخواهد شد چرا که یکی از اعضای مهم خود را از دست می دهد؟

البته اروپا این روزها درگیر «برگزیت» هم هست چرا که انگلستان - به عنوان یک عضو مؤسس و یکی از بزرگترین قدرت های اقتصادی اروپا - به خروج از این اتحادیه رای داد و این بسیار محتمل است که انگلستان آخرین کشوری نباشد که به چنین اقدامی مبادرت می کند. واقعیت آن است که طرح خیرانه اروپا به پذیرش

با سیر به شدت نزولی نفوذ خود که متاثر از عملکرد این کشور در سطح منطقه است، کنار بیاید. به نظر می آید که روسیه به این موقعیت به چشم یک فرصت نگاه می کند تا نفوذ خود را در سطح جهانی افزایش دهد و از آنجایی که هنوز مشخص نیست که گسترش دامنه نفوذ روسیه با چه هدفی انجام می شود، آمریکا هوشیاری چندانی نسبت به آن نشان نمی دهد.

از سوی دیگر، اغلب یا دستکم بیشتر نیروهای سکولار مصر، روند اسلامی کردن این کشور را معکوس کرده و موجب آرامش خاطر اسرائیلی ها شده اند حال آنکه سیاست «باراک اوباما» رئیس جمهوری آمریکا در قبال درگیری اسرائیلی ها و فلسطینی ها به سرد شدن رابطه بین واشنگتن و تل آویو منجر شده است. در این میان، تداوم بحران در یمن و لیبی شرایط برای رشد و نمو داعش را بیش از پیش فراهم می آورد. با این وجود، درحالیکه آمریکا به طور قطع با زوال شدید نفوذ خود در سطح منطقه روبرو است، توجه چندان زیادی به این موضوع نمی کند چراکه افزایش سطح استقلال آمریکا در عرصه انرژی آن هم به مدد نفت شیل و تکنولوژی شکافت هیدرولیکی، وابستگی و به تبع آن میزان علاقه این کشور به منطقه خاورمیانه را کمتر می کند.

سعودیها به عنوان متحدین شناخته شده آمریکا در سطح منطقه، به یمن اعمال فشار آمریکا بر تولیدکنندگان داخلی به ویژه آن دسته از تولیدکنندگانی که بر روی چاه های شیل کوچکتر با تکنولوژی شکافت هیدرولیکی پایتتر کار می کنند، اوپک را به سطح بالاتری از تولید



خود برخوردار بوده است. همچنین، نمی توان گفت که چین با گشاده رویی و آغوش باز از کشورهای آسیای شرقی و جنوب شرقی استقبال می کند. از میان تعداد بیشماری از کالاهای با کیفیت که چین به اقاصی نقاط دنیا صادر می کند، هیچ یک برند جهانی محسوب نمی شوند مگر اینکه شاید بخواهیم کامپیوترهای «لنوو» را از این قاعده مستثنی کنیم که مرغوبیت خود را به شرکت ای بی ام (IBM) با ۲۰ سال قدمت در عرصه علوم و تکنولوژی کامپیوتر مدیون هستند.

|| اگر شما معتقد هستید که آمریکا همچنان هژمون جهانی است و توان مدیریت و رهبری بحرانهای جهانی را از دست نداده است چرا بر اساس این تئوری بحرانهای خاورمیانه تداوم یافته است؟ آیا این به معنای رد استدلال شما نیست؟

شاید بتوان گفت که ایالات متحده آمریکا در یک حوزه - یعنی خاورمیانه - هژمونی خود را از دست داده است؛ البته اگر اصلا در آنجا صاحب هژمونی بوده باشد؛ خاورمیانه ای که این روزها به شدت بی ثبات است و می توان دلیل آن را در خرابی هایی که آمریکا در عراق به بار آورده، ناتوانی واشنگتن به برقراری ثبات در عراق و افغانستان دوره پساجنگ و نتایج ناخواسته «بهار عربی» که در روزهای نخست مورد استقبال قرار گرفت؛ جستجو کرد.

تداوم بحران سوریه و پیشروی های داعش که ناشی از خلاء قدرت در سطح منطقه است، به چالشی جدی برای اروپا بدل شده که با سیل مهاجرتی روبرو است که در جستجوی سرپناه و زندگی بهتر، خاورمیانه را ترک کرده اند. با این حال، آمریکا نفع خود را در آن نمی بیند که درگیر یک جنگ زمینی ناتمام با نیروی مهاجمی شود که ارتقاء جایگاه خود را مدیون دو دسته از جوانان مسلمان است که یکی در اثر ناتوانی به ادغام در جامعه و گرفتاری در دام بیکاری ناشی از ضعف اقتصادی اروپا به تروریسم می پیوندد و دیگری برای فرار از بطالتی که پول نفت به زندگی اعراب خلیج فارس می آورد.

پیش بینی می کنم که آمریکا از تحمل ضربه ناخواسته ای که از تبعات اعزام نیروی زمینی در سطح وسیع برای مبارزه با داعش است، پرهیز می کند. هیچ یک از نهادهای دولتی آمریکا که اهل تفکر و تامل باشد، دست به چنین اقدامی نمی زند. ایالات متحده مجبور است

عظیمی از دارایی هایی که با دلار قیمت گذاری می شوند، ندارد تا به این ترتیب شالوده ارزی خود را محکم نگه دارد.

|| اختلافات چین با همسایگان در دریای چین جنوبی و دخالت آمریکا در این اختلافات این بحث را پیش آورده که ممکن است تقابلی نظامی در این منطقه رخ دهد. نظر شما در این خصوص چیست؟

اقدامات پکن در دریای چین جنوبی تا کنون نتیجه ای جز موازنه قدرت با کشورهای کوچکتر منطقه نداشته است. این کشورها به آغوش امنیتی آمریکا رفته اند و عاقبت آنکه باز هم شاهد حضور نظامی آمریکا در فیلیپین هستیم و می بینیم که قرار است آمریکا در کره جنوبی سیستم ضد موشک «تاد» را مستقر کند و از سوی دیگر تایوان هم پذیرای محموله های جدیدی از توسعه یافته ترین سیستم های تسلیحاتی آمریکا بوده است و ویتنام هم به نوبه خود به دنبال بهبود رابطه امنیتی با واشنگتن است و در حال ریزنی برای واگذاری مجدد تسهیلات دریایی خلیج «کمران» به ایالات متحده است و صدها کارخانه چینی را در واکنش به ساخت سکوهای حفاری چین در محدوده ای که دولت هانوی آب های ویتنام می خوانند، تعطیل کرده است. اندونزی قایق های ماهیگیری چین را با کمال میل منهدم می کند. استرالیا میزبان سنگرهای جدید تفنگداران دریایی آمریکا می شود. ژاپن نیروهای دفاع ملی خود را تقویت می کند و آماده خلاصی از منشور صلح می شود حال آنکه جوانان ژاپنی از اینکه همچنان حکم بازنده را داشته باشند به ستوه آمده و اهمیتی نمی دهند که مسئولیت جنگی را که ۷۰ سال پیش به پایان رسید، به عهده بگیرند. اگر قرار است چالشی از جانب چین علیه هژمونی آمریکا وجود داشته باشد، این چالش نمی تواند از جانب همین کشوری باشد که در حال حاضر دیگر کشورهای کوچک آسیا-پاسفیک حاضر نیستند تا در مقام یک هژمونی منطقه ای با آن همکاری داشته باشند.

در نهایت، مسائل مرتبط با «قدرت نرم» که «جوزف نای» مفصل به آن پرداخته است نیز به میان می آید. نای در یکی از تازه ترین آثار خود، به این نکته می پردازد که علیرغم برخورداری از فرهنگی باستانی و باشکوه، چین از توانایی اندکی برای به نمایش گذاشتن قدرت نرم در راستای جذب دیگر کشورها به مدار

تداوم بحران سوریه و پیشروی های داعش که ناشی از خلاء قدرت در سطح منطقه است، به چالشی جدی برای اروپا بدل شده که با سیل مهاجرتی روبرو است که در جستجوی سرپناه و زندگی بهتر، خاورمیانه را ترک کرده اند

رسانده اند. با این حال، اقدام آنها آنقدر هم که انتظار می رفت رضایت بخش نبوده است حال آنکه تولید کنندگان مستقل سرشان را پایین انداخته و تا جایی که پول و اعتبار کافی برای تضمین عملیات های خود را داشته باشند، به حفاری ادامه می دهند.

اگر فرض را بر این بگذاریم که آمریکا برتری هژمونی خود را بر خاورمیانه از دست داده است، باید بپذیریم که سعودی ها و اوپک هم برتری هژمونی خود بر بازار نفت را از دست داده اند. در حال حاضر شرکت های حفاری کانادا و آمریکا که به طور مستقل کار می کنند و همچنین آنهایی که در عرصه حفر چاه های نفتی شیل و شکست هیدرولیکی فعالیت می کنند، تولید کنندگان کلیدی بازارهای نفتی جهان به شمار می روند. با این حساب، شاید باید بگوییم که دیگر دوره نفت بشکه ای ۱۰۰ دلار به پایان رسیده است.

در این میان، سرمایه گذاری های کلان در صنعت اتومبیل های الکتریکی و حتی خودکار (بدون راننده) که از هم اکنون تاثیر خود را بر بازار خودرو گذاشته اند، مشکلی به دیگر مشکلات تولید کنندگان نفت افزوده است.

دفنس وان تحلیل کرد؛

یمن، قبرستان دکترین اوباما/ آمریکاشریک جنایات سعودی



هزینه های ناشی از جنگ نیابتی عربستان در یمن عظیم بوده و جبران ناشدنی است. «دیفنس وان» مقاله ای با عنوان «یمن، قبرستان دکترین اوباما» با قلم «ساموئل آکفورد» منتشر کرده است که ترجمه آن پیش روی شماست. سه شنبه گذشته «باراک اوباما» رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا، آخرین سخنرانی خود را در اجلاس سالانه مجمع عمومی سازمان ملل ایراد کرد. وی سعی داشت خود را خوش بین نشان دهد؛ اما لحن کلامش کاملا اندوهناک بود. او در سخنانش آرزوی اصلاح سیاست های جهانی را کرد و گفت: چرخه جنگ و درگیری در جهان همچنان تداوم دارد. اوباما درخصوص جنگ و درگیری در منطقه خاورمیانه گفت: جناح های مخالف در سال های گذشته به جایی رسیده اند که به جنگ های داخلی نظیر سوریه، کمک می کنند و به گروه هایی همچون داعش می پیوندند. تفکر فرقه گرایی و افراط گرایی و خونریزی چیزی نیست که بتوان به سرعت روند پیشرفت آن را وارونه کرد. من معتقدم لازم است درباره ماهیت این مناقشات صادق باشیم و جامعه بین المللی باید در این راستا با جناح های مختلف تعامل داشته باشد نه این که درصد تخریب آن ها برآید. در این میان عنصری نظامی نیز وجود دارد. این بدین معناست که متحد بودن برای از میان بردن شبکه های نظیر داعش که هیچ احترامی برای بشریت قائل نیست، امری ضروری است. این بدین معناست که در کشورهای نظیر سوریه که هیچ پیروزی نظامی نهایی وجود ندارد ما باید از طریق دیپلماسی به دنبال پایان دادن به خشونت ها و امدادسانی به افراد نیازمند و حمایت از افرادی باشیم که به دنبال سازش سیاسی هستند.

عواقب مداخله نظامی آمریکا در جنگ یمن با محاصره حفقان آور مردم یمن که محتاج کمک های بشر دوستانه هستند، توسط دولت عربستان تشدید می شود

اما یک روز بعد از این سخنرانی، نمایندگان مجلس سنای آمریکا با رد درخواست توقف فروش سلاح به عربستان سعودی، به اجرای توافق نظامی ۱.۱۵ میلیارد دلاری چراغ سبز نشان دادند. قرارداد ۱.۱۵ میلیارد دلاری فروش سلاح به رژیم سعودی تنها بخش کوچکی از مجموعه قراردادهای فروش سلاح به عربستان از سوی آمریکاست. دولت اوباما تاکنون فروش ۱۰۰ میلیارد دلار سلاح به عربستان را تایید کرده است.

اما در حال حاضر، یک سال و نیم از آغاز جنگ یمن می گذرد. مخالفان فروش تسلیحات به عربستان معتقدند آمریکا با فروش سلاح های جنگی به این کشور در کشتار مردم بی گناه یمن شریک است. باید گفت این قضیه، در تضاد کامل با

سخنان اوباما است که خواستار توقف جنگ های نیابتی در خاورمیانه است. عربستان سعودی از مارس ۲۰۱۵ مداخله نظامی در یمن را آغاز کرده و شبه نظامیان حوثی و متحدان آنها را هدف قرار داده است. در واقع عربستان در حمایت از منصور هادی و علیه نیروهای انصارالله و حامیان علی عبدالله صالح به یمن حمله کرد. زمانی که پادشاه عربستان مداخله نظامی در یمن را اعلام کرد آمریکا بلافاصله به حمایت اطلاعاتی و لجستیکی عربستان پرداخت.

بر اساس گزارشات فرماندهی مرکزی ایالات متحده آمریکا، این کشور در ۱۸ ماه گذشته بیش از ۴۰ میلیون پوند صرف سوخت رسانی به جنگنده های سعودی کرده است. باید گفت که عربستان سعودی بدون حمایت مستقیم آمریکا و کمک های نظامی این کشور از جمله سوخت گیری هواپیماهای جنگی در این جنگ شکست خواهد خورد.

حامیان حمایت تسلیحاتی آمریکا از عربستان سعودی معتقدند بعد از توافق هسته ای دولت اوباما با ایران، کمک به رژیم سعودی لازم و ضروری است. آنها معتقدند جنگ یمن، جنگی نیابتی با ایران بوده و در این جنگ باید از عربستان سعودی حمایت کرد. مخالفان از جمله شماری از نمایندگان جمهوری خواه (سناتور کنتاکی و سناتور رندپوال) و دموکرات ها (سناتور کریس مورفی) در مجلس سنا از همکاران خود خواستند تا درخصوص هزینه های گرفتاری آمریکا در جنگ یمن، تجدیدنظر کنند. پال و مورفی در مورد طرح فروش تسلیحات به عربستان سعودی، تاکید کردند اجرای این توافق فعالیت عربستان که نقض حقوق بشر در یمن است را تشدید کرده و ممکن است بر رقابت تسلیحاتی در منطقه خاورمیانه دامن بزند. مورفی گفت: همه بمب هایی که آمریکا در اختیار عربستان سعودی قرار داده است، بر سر غیرنظامیان و حوثی ها در یمن ریخته می شود و از این بمب ها علیه «القاعده، دشمن قسم خورده ما» استفاده نمی شود. وی گفت این جنگ همچنین موجب شده است تا القاعده و داعش با سرعت بیشتر و به صورت گسترده تر رشد کنند.

باید گفت که کمک های نظامی آمریکا به دولت عربستان سعودی در جنگ یمن، تلاش های دیپلماتیک این کشور در صحنه بین المللی را از بین برده است. در ماه آگوست دولت آمریکا اعلام کرد که جنگ در یمن باید خاتمه داده شود به همین منظور «جان کری» وزیر امور خارجه این کشور به جده سفر کرده و با مقامات سعودی، امارات متحده عربی و نمایندگان بریتانیا و سازمان ملل در عربستان ملاقات کرد. برخی از مردم یمن به این سفر خوش بین بوده و امیدوار بودند که کری - کسی که بارها گفته است جنگ در یمن راه حل نظامی ندارد - بتواند از نفوذش در عربستان استفاده کرده و به کاهش حملات هوایی علیه یمن کمک کند. اما باید گفت که جان کری یمن را با یک نقشه مبهم برای استقرار صلح که امتیازات خاصی را برای حوثی های یمن در نظر گرفته و باعث خشم مقامات سعودی شد، ترک کرد. با این حال جان کری دولت

سعودی ها، غیرنظامیان را مورد حمله قرار داده است. دولت عربستان سعودی متهم به نقض حقوق بشر و قوانین بین المللی است به همین جهت مانع تلاش سازمان ملل جهت انجام تحقیقات گسترده در یمن است. زمانی که سازمان ملل عربستان را در لیست نقض حقوق کودکان و کشتار آنها قرار می دهد، مقامات سعودی به سرعت سازمان ملل را به قطع بودجه تهدید می کنند.

**بر اساس گزارش سازمان ملل،
تاکون بیش از ۲۲۰۰ شهروند
غیرنظامی در یمن به دلیل حملات
هوایی سعودی ها جان خود را از
دست داده اند.
سعودی ها در حملات هوایی خود
به یمن، مدارس، بیمارستان ها،
کارخانه ها و مناطق مسکونی را
هدف قرار می دهند**

زمانی که جت های عربستان پلی در صنعا - پلی که تقریباً همه کمک های سازمان ملل از آنجا منتقل می شد - را هدف قرار داده و تخریب کرد، برخی از دولتمردان در کاخ سفید از موقعیت امریکا در یمن برآشفتنند. بعد از این حادثه، «سامانتا پاور» سفیر امریکا در سازمان ملل در صفحه توئیتر خود نوشت: حملات هوایی به بیمارستانها و مدارس و زیرساخت ها در یمن غیر قابل تحمل بوده و باید متوقف شود. پنتاگون پل صنعا را در فهرست مکانهایی قرار داده بود که نباید بمباران شود. عواقب مداخله نظامی امریکا در جنگ یمن با محاصره حفقان آور مردم یمن که محتاج کمک های بشر دوستانه هستند، توسط دولت عربستان تشدید می شود. اما درست چند روز بعد از حمله به پل صنعا، فرماندهی مرکزی امریکا اعلام کرد که ما به سوخت گیری جت های عربستان سعودی ادامه می دهیم و اگر عربستان از جت های بیشتری استفاده کند ما سوخت بیشتری را فراهم خواهیم کرد.

در اینجا باید گفت که سازمان ملل نیز از دولت عربستان سعودی حمایت می کند. در ماه آوریل گذشته قطعنامه ای که توسط دولت عربستان پیش نویس شده و توسط بریتانیا در سازمان ملل ارائه شد با حمایت امریکا مواجه شد. این قطعنامه از حوثی های یمن می خواست عقب نشینی کرده و سلاح خود را زمین گذاره و با مقامات عربستان وارد مذاکره شوند.

با توجه به سیاست ها و انگیزه های دولت اوباما در طراحی حوادث در خاورمیانه باید گفت که اوباما علاقه چندانی به تغییر وضع موجود در منطقه خاورمیانه ندارد حتی اگر این واقعیت به معنی حمایت از حمله نظامی یک کشور به مردم بی پناه یمن - ملتی که در دید اوباما خوار است - باشد.

یکی از مقامات کاخ سفید به طور خلاصه دیدگاه اوباما در مورد یمن را اینگونه بیان می کند: حوثی ها گروههای شبه نظامی تندرو هستند که سزاوار هیچ نعمتی نیستند.

آمریکا درخصوص جنگ یمن چه تصمیمی اتخاذ خواهد کرد.

دیدگاه مقامات پنتاگون درخصوص جنگ نیابتی یمن متفاوت است. برخی از مقامات پنتاگون نسبت به این جنگ علاقه بسیاری نشان داده و گفته اند که متحد ما در منطقه یک حمله نظامی را رهبری می کند. آنها معتقدند این جنگ همان چیزی است که می خواستند. با این حال، برخی دیگر نیز نسبت به این جنگ اظهار کردند نمی دانند سعودی ها در یمن به دنبال چه هستند. مدت کوتاهی پس از حمله عربستان به یمن «ژنرال لوید آستین» فرمانده فرماندهی مرکزی ایالات متحده امریکا در کنگره گفت: ما واقعا هدف عربستان سعودی در یمن را نمی دانیم. عربستان در یمن چه می خواهد؟ رئالیسم یا نسخه رئالیسم اوباما شاید هنوز هم شانس پیروزی در جنگ یمن داشته باشد. «استفان سچ» سفیر ایالات متحده در یمن در طی سالهای ۲۰۰۷-۲۰۱۰ گفت: من فکر نمی کنم که دولت امریکا با شور و شوق به جنگ یمن رفته باشد اما با اطمینان می گویم که دولت عربستان با شور و شوق - به خصوص بعد از توافق هسته ای ایران - به این جنگ رفته است.



عربستان را جهت اجرای نقشه صلح تحت فشار قرار نداده و در طی ۲۴ ساعت بعد از بازگشت کری به واشنگتن، حملات هوایی ائتلاف عربستان علیه یمن را تشدید شده و متحدان آنها در روی زمین حملات تازه ای را در شمال غربی یمن آغاز کردند. حوثی ها نیز با حملات منسجم به مرزهای عربستان به آنها پاسخ دادند. «فارتا ال مسلیمی» تحلیلگر ساکن بیروت در مورد سفر جان کری به عربستان گفت: تلاش های دیپلماتیک ایالات متحده در جنگ یمن بسیار ضعیف بوده و جان کری یمن را با چاره اندیشی موقت ترک کرد. تلاش های امریکا بسیار ناامید کننده است. با وجودی که بحران یمن در مقایسه با بحران سوریه ساده تر حل می شود، اما باید گفت که ایالات متحده در مورد یمن نگرانی خاصی ندارد و علاقه ای جهت خاتمه آن ندارد. در یمن جایی که واشنگتن نفوذش را در پی ارتباط گسترده با کشورهای حاشیه خلیج فارس افزایش داده، بعید است امریکا قماری را انجام دهد که در مورد سوریه انجام داد: یک قرارداد آتش بس بین اسد و حامیانش (ایران و روسیه) از یک طرف و شورشیان سوریه و حامیانشان (آمریکا و متحدان منطقه ای) از

طرف دیگر. این توافق در حال حاضر در پی بمباران نیروهای اسد توسط امریکا و حملات هوایی روسیه به کاروان کمک های سازمان ملل اجرا نشده است. عدم اجرای قرارداد آتش بس مذکور امید را برای هر گونه تلاشی که بحران در یمن را خاتمه دهد کاهش داده است.

یک منتقد اتحاد عربستان - امریکا می گوید: بعد از حادثه بهار عربی در کشورهای عربی منطقه خاورمیانه که باعث برکنار شدن تعدادی از متحدان امریکا در منطقه شد و بعد از توافق هسته ای ایران، دولت اوباما با دولت عربستان سعودی در برخی زمینه ها دچار اختلاف شده است. اما باید گفت که تداوم حمایتش از رژیم سعودی در یمن مبهم و گیج کننده است. در واقع اوباما با حمایت از عربستان در جنگ یمن سخنان خود درخصوص تلاش های دیپلماتیک برای پایان دادن به جنگ و درگیری در منطقه خاورمیانه را زیر سوال برده است. در صورت قطع شدن حمایت های تسلیحاتی و نظامی دولت اوباما از عربستان باید دید رئیس جمهور بعدی

برنامه بلندمدت سعودی ها درخصوص جنگ یمن نامشخص است. در اینجا این سوال مطرح می شود که چرا عربستان سعودی به فکر حمله یمن افتاد؟ خلبانان عربستان مهارت بمباران هوایی را چگونه کسب کرده اند؟ چرا آنها غیرنظامیان را هدف قرار می دهند؟

بر اساس گزارش سازمان ملل، تاکنون بیش از ۲۲۰۰ شهروند غیرنظامی در یمن به دلیل حملات هوایی سعودی ها جان خود را از دست داده اند. سعودی ها در حملات هوایی خود به یمن، مدارس، بیمارستان ها، کارخانه ها و مناطق مسکونی را هدف قرار می دهند. سخنگوی مرکز فرماندهی ایالات متحده امریکا گفت: تانکر های ایالات متحده سوخت مورد نیاز جت های سعودی را انتقال می دهند صرف نظر از اینکه هدف عربستان در یمن چیست. برای آمریکایی ها مهم نیست هدف حملات هوایی سعودی ها چیست و آنها به حمایت خود از عربستان ادامه خواهند داد. بر اساس تحقیقات انجام شده از آغاز جنگ یمن تا کنون، یک سوم حملات هوایی

گفتگو با تحلیلگر ایرلندی:

حمله آمریکا به دیر الزور تعدی بود/ احتمال وقوع جنگ جهانی در سوریه

مرجان شیخی



فینیان کانینگهام، کارشناس امور بین المللی و تحلیلگر بحران کنونی سوریه، در گفتگو با خبرنگار مهر زوایای مختلف اهداف جنگی آمریکا در سوریه را مورد بحث قرار داد.

به اعتقاد وی، حملات هوایی اخیر تحت رهبری آمریکا بر مواضع ارتش سوریه که در پی آن دست کم ۶۰ سرباز کشته شدند، عاملانده صورت گرفته است. وی همچنین تاکید دارد که این حمله، برخلاف ادعای آمریکا، با روسیه هماهنگ نشده بود و درخواست وزیر خارجه آمریکا جان کری برای ایجاد منطقه پرواز ممنوع در سوریه - که روسیه را از انجام حملات هوایی باز می دارد در حالیکه به هوایماهای جنگی آمریکا اجازه ادامه حملات را می دهد - در واقع «رد گم کنی» است برای آمریکا تا تروریست های نیابتی خود را از آنچه قرار است برای آن ها شکستی تاریخی باشد، نجات دهد. «این نظریه پرداز ایرلندی همچنین اذعان داشت که «شکست آتش بس مهر تاییدی بر همدستی واشنگتن با شورشیان در جنگ سوریه است.» متن کامل این گفتگو را در ادامه می خوانید.

جنگنده های ائتلاف تحت رهبری آمریکا، ۱۷ سپتامبر (۲۷ شهریور) به پایگاه ارتش سوریه در «دیرالزور» در شرق این کشور حمله کردند که در پی آن نزدیک به ۸۰ سرباز سوری جان خود را از دست داد و دست کم ۱۲۰ تن دیگر زخمی شدند. ارتش آمریکا مدعی شد که هدف جنگنده ها تروریست های داعش بوده و اگر حملات هوایی به سربازان سوری برخورد کرده، کاملا غیرعمدی بوده است. این در حالی است که روسیه و سوریه اظهار داشتند که حملات هوایی ثابت می کند آمریکا و متحدانش از مواضع داعش حمایت می کنند. شما این ماجرا را چگونه ارزیابی می کنید؟

باور ادعاهای رسمی آمریکا مبنی بر اینکه حمله به پایگاه ارتش سوریه در دیرالزور «اتفاقی» بوده - طوری که رسانه های غربی به طور خودکار و بدون مطرح کردن هیچ پرسشی به آن پرداختند - به طرز فجیعی ساده لوحانه است. صحبت از یک پایگاه کلیدی سوری با صدها سرباز و فرودگاه است.

بنا به گزارش ها، ارتش آمریکا این مقر را به مدت دو روز قبل از حمله زیر نظر داشته بود. این حمله - که دست کم با چهار هوایمای جنگی و یک پهپاد صورت گرفت - یک ساعت به طول انجامیده و همزمان با حمله ی زمینی تروریست های داعش به این پایگاه اتفاق افتاده است. از آنجایی که می دانیم واشنگتن به طور پنهانی از مارس ۲۰۱۱ تا کنون در حال حمایت مسلح کردن و تمرین دادن گروه های تروریستی نیابتی در جنگ کثیف خود برای تغییر نظام سیاسی در سوریه بوده است، ناگزیر از این نتیجه گیری هستیم که اقدام آمریکا در دیرالزور حمله ای خونین و عاملانده علیه ارتش سوریه بود تا نیروهای تروریستی نیابتی را روی زمین و

روس ها از حادثه بسیار موثق تر و منطقی تر است.

انزاع دیپلماتیک بین آمریکا و روسیه مرتباً شدت می گیرد، و از آن طرف افزایش خشونت در سوریه، پیمان آتش بسی را که اوایل این ماه بسته شده بود، با شکست رو به رو کرد. حالا وزیر خارجه آمریکا جان کری پیشنهاد ایجاد منطقه پرواز ممنوع بر فراز آسمان مناطق تحت نفوذ مخالفان به اصطلاح میانه روی سوریه را داده است با این ادعا که از حمله ی دولت سوریه به «اهداف غیرنظامی به بهانه حمله به النصره» جلوگیری کند. با توجه به اینکه وابستگی جبهه النصره به گروه تروریستی القاعده ثابت شده، آیا این درخواست به حمایت آمریکا از تروریست ها در سوریه صحنه نمی گذارد؟

بله، چنین استنباطی کاملاً منطقی است. درخواست جان کری برای ایجاد منطقه پرواز ممنوع به نظر تلاش عاجزانه ای از سمت ائتلاف آمریکایی حامی تروریست است تا سپری برای نیروهای جنگنده زمینی نیابتی خود در سوریه دست و پا کند. ایجاد مناطق پرواز ممنوع خیلی وقت است که توسط ترکیه و عربستان درخواست شده و حالا آمریکا هم به نظر می آید از چنین اقدامی حمایت می کند. جریان از این قرار است که جنگ پنهانی ائتلاف تحت رهبری آمریکا برای تغییر حکومت در سوریه از جانب نیروهای قدرتمند و مرکب از ارتش سوریه، روسیه، ایران و حزب الله با شکست روبروست.

نبرد حلب حاکی از شکست نهایی توطئه بین المللی به رهبری آمریکا است که تلاش دارد با تهدید و ارباب، ملت سوریه را به تسلیم در برابر طرح هژمونیک خود برای تغییر رژیم وا دارد. با توجه به ریسک بالای این ماجرا درماندگی آمریکا بابت شکست خوردن در جنگ

در راستای هدف تغییر نظام سیاسی در سوریه تقویت کند. شک و تردید روسیه و سوریه نسبت به ادعاهای آمریکا که خلاف این قضیه است، کاملاً به جاست. چنین ادعاهایی تنها فریبکاری حقیرانه و منفوری است تا بر آنچه که به واقع جنایت جنگی آمریکاست، سرپوش گذاشته شود.

آمریکا ادعا می کند که حملات هوایی با هماهنگی روسیه صورت گرفته و بافاصله بعد از اینکه مقامات روسی به آنها خبر دادند که ممکن است مواضع ارتش سوریه را هدف گرفته باشند، این حملات را متوقف کردند. این در حالی است که روسیه، آمریکا را بابت عدم هماهنگی حملات مقصر می داند. کدام طرف راست می گوید؟ ادعاهای آمریکا مبنی بر از قبل در جریان گذاشتن روسیه در مورد جزئیات حمله را هم سخت می توان جدی گرفت. طبق قرار هماهنگی نظامی بین آمریکا و روسیه، دو طرف موظفند یکدیگر را در جریان مانورهای هوایی شان قرار دهند.

در رابطه با حادثه ی دیرالزور، این احتمال هست که آمریکایی ها هشدار مبهمی به روسیه درباره ی عملیات هوایی در آن بخش از کشور داده باشند، اما جای تردید است که این اطلاعات با جزئیات همراه بوده و آنقدر دقیق بوده باشد تا روسیه را به درستی از وقوع این «حمله تصادفی» علیه ارتش سوریه در پایگاه دیر الزور آگاه کند.

این ادعا نقض امتناع آشکار و پابرجای آمریکایی ها برای هماهنگی با روسیه در عملیات به ظاهر علیه گروه های تروریستی در سوریه در یک سال گذشته است. بعد از یک سال که از هماهنگی با روس ها در مورد این قضیه سر باز زدند، حالا از ما انتظار دارند که باور کنیم آمریکایی ها ناگهان از سیاست عملی عدم همکاری خود روی برگردانند. در این مورد هم، روایت

حمله به کاروان کمک رسانی در حلب هم نمونه دیگری از همین اقدامات دروغین تبلیغاتی آمریکا است تا سوریه و روسیه را بدنام کند و برای خودش امتیازات سیاسی، از جمله همین درخواست برای ایجاد منطقه پرواز ممنوع، بدست آورد.

اگرچه آمریکا اذعان داشته توانایی کنترل گروه‌های مسلح را در زمان برقراری آتش بس دارد، با این حال این گروه‌ها مرتکب صدها مورد نقض آتش بس شده‌اند و واشنگتن قادر به کنترل آن‌ها نبوده است. برخی معتقدند آتش بس اخیر و شکست متعاقب آن ثابت می‌کند میان آمریکایی‌ها و متحدان سابقشان نظیر ترکیه، عربستان و قطر اختلافاتی وجود دارد. این کشورها از درخواست‌های آمریکا اطاعت نکردند و اجازه دادند گروه‌های تروریستی و مسلح در سوریه پیمان آتش بس را نقض کنند. ارزیابی شما از این موضوع چیست و اگر این موضوع صحت دارد، فکر می‌کنید سناریوهای بعدی آمریکا در سوریه چه خواهد بود؟

از وجود اختلاف چندان بزرگی بین آمریکا و همدستانش در توطئه تغییر حکومت سوریه اطلاعی ندارم. البته همیشه بین این کشورها بر سر تاکتیک تنش وجود داشته، طوری که ترکیه و عربستان برای انجام عملیات نظامی خود در سوریه شور و هیجان بیشتری نسبت به آمریکا از خود نشان می‌دهند. برداشت من از شکست آتش بس این است که این ماجرا بی شک همدستی واشنگتن در جنگ تروریسم دولتی در سوریه را ثابت می‌کند. این واقعیت که درخواست واشنگتن از «شورشیان میانه رو» برای جداشدن از «تروریست‌ها» به طرز چشمگیری بی اثر بود، نشان می‌دهد روایت رسمی غرب در مورد بحران سوریه تماما دروغ است. ادعای آمریکا مبنی بر حمایت از «مخالفان سکولار» در یک «شورش حامی دموکراسی» و در عین حال جنگ آن‌ها علیه تروریسم مشخص شد که چیزی جز به سرخه گرفتن حقیقت نیست؛ حقیقتی که در آن واشنگتن و مشتریان ناتو و عربش با به کار گیری گروه‌های تروریستی مختلف به عنوان نیروهای زمینی نیابتی خودشان، مقصر اصلی در به راه اندازی جنگ علیه سوریه هستند.

آتش بس بلافاصله به دست تمام این گروه‌های شورش‌ی نقض شد و از قرار معلوم، آنطور که واشنگتن و رسانه‌های جمعی گوش به فرمانش طی شش سال گذشته ادعا می‌کردند، هیچ فرق بین آن‌ها نبود. آمریکا تحمل نداشت به این بارقه خیره کننده از حقیقت اجازه خودنمایی بدهد و به نظر من، این همان دلیل مهمی بود تا آمریکا آتش بس را پایان دهد. حالا که تروریست‌های نیابتی آمریکا در معرض شکست قرار گرفته‌اند، سوریه با خطر قریب الوقوع حمله مستقیم آمریکا و همدستان ناتو و دیکتاتور عربش رو به روست. اشغال اخیر خاک سوریه توسط نیروهای نظامی ترکیه و آمریکا منادی واهمه‌انگیزی است که جنگ پنهانی برای تغییر حکومت در سوریه ممکن است به جنگی آشکار و بین‌المللی تبدیل شود که یک سمت آن ناتو و سمت دیگر آن روسیه و ایران قرار گرفته‌اند.

پرسش یا تاییدی منتشر شد. طبق منابع موثق، ماهیت آسیبی که به کامیون‌های امداد رسان وارد شده، نشان می‌دهد آن‌ها یا به آتش کشیده شدند یا از روی زمین به آن‌ها شلیک شده است. این شواهد ادعاهای دولت آمریکا و رسانه‌های غربی مبنی بر اینکه کامیون حامل کمک‌های بشردوستانه مورد اصابت حمله هوایی روسیه یا سوریه قرار گرفته است را نقض می‌کند. به علاوه، مقامات روسی و سوری قویا این اتهام را رد کرده‌اند. در ضمن، ویدیویی که پهنای روسی تهیه کرده نشان می‌دهد کاروان کمک رسانی بدون هیچ آسیبی از منطقه غربی حلب که تحت کنترل دولت سوریه است عبور کرده و به محله شرقی تحت کنترل شورشی‌ها وارد شده است. یک وسیله نقلیه خمپاره انداز متعلق به شورشیان هم از کنار کاروان رد شده است.

از زمانی که آتش بس اجرا شد، گروه‌های شورش‌ی مسلح غیر قانونی که همان تروریست‌های نیابتی ائتلاف آمریکایی هستند، در حال گلوله باران و تک تیراندازی در مسیر پیشنهادی امداد رسانی به شرق حلب هستند. این شبه نظامیان حتی هشدار می‌دادند که در اعتراض به آتش بس پیشنهادی، به کاروان‌های بشردوستانه حمله خواهند کرد. اینکه دقیقا چه اتفاقی برای آن کاروان مورد حمله افتاد، نامشخص است. اما بسیار قابل تصور است که این حمله توسط گروه‌های تروریستی مورد حمایت آمریکا صورت گرفته و بعد طی یک اقدام دروغین تبلیغاتی، آن را به نادرستی به نیروهای روسی یا سوری نسبت دادند. در طول نزدیک به شش سال جنگ پنهانی تغییر حکومت سوریه، ما شاهد موارد بسیاری از چنین اقدامات دروغین تبلیغاتی بوده ایم. مثلا کشتار «الحوله» در ماه مه ۲۰۱۲ (که طی آن گروه‌های تروریستی خانه‌های مردم را آتش زدند و مدعی شدند ارتش سوریه این منطقه را گلوله باران می‌کند) و اتهام حملات شیمیایی در غوطه شرقی در ماه اگوست ۲۰۱۳ که با پوشش جنجالی رسانه‌های غربی همراه بود که این حملات را به نیروهای دولت سوریه نسبت می‌دادند.

حال آنکه واقعیت این بود که این حملات از جانب نیروهای تروریستی تحت حمایت غرب بود. با توجه به این رفتار سیستماتیک، کاملاً محتمل است که

پنهانی خود روزه روز بیشتر می‌شود. درخواست جان کری برای محدود کردن منطقه پرواز در سوریه که تحت لوای حفاظت از کاروان کمک‌های بشردوستانه در نشست سازمان ملل مطرح شده بود، در واقع ردگم کنی است برای آمریکا تا تروریست‌های نیابتی خود را از آنچه قرار است برای آن‌ها شکستی تاریخی باشد، نجات دهد.

اگر حرف از کاروان‌های امداد رسانی شد؛ یکی از همین کاروان‌های تحت پوشش سازمان ملل و هلال احمر در حوالی شرق حلب درست دو روز بعد از حمله هوایی آمریکا به مواضع ارتش سوریه مورد حمله قرار گرفت. سازمان ملل ابتدا مدعی شد که این یک «حمله هوایی» بوده، اما هیات روسی اظهار داشت نه نیروی هوایی روسیه و نه سوریه در این حمله نقشی نداشته‌اند. این اظهار نظر موجب شد سازمان ملل در بیانیه اش حمله هوایی را به «حمله نامعلوم» تغییر دهد. از طرف دیگر، آمریکا بدون ارائه هیچ مدرکی، دولت سوریه یا روسیه را مقصر می‌داند. برداشت شما از این ماجرا چیست؟ آیا می‌توان نتیجه گیری کرد که این حمله، هوایی بوده اما توسط نیروهای آمریکایی صورت گرفته و سازمان ملل تحت فشار واشنگتن مجبور به تغییر بیانیه اش شده، درست همانطور که در مورد یمن و تحت فشار عربستان حرف خود را پس گرفت؟

خب این دقیقا روش معمول تبلیغاتی غرب است. اتهام‌هایی زده می‌شود و بعد رسانه‌های جمعی غربی به آن پر و بال می‌دهند، بدون اینکه شواهد و مدارکی ارائه دهند. نوعی گزاره گویی است که با تکیه بر ادعای ماکد و مکرر سعی دارد درجه ای از اعتبار پیدا کند. حامیان رسانه‌ای گروه تروریستی النصره که به نیروهای کلاه سفید معروفند و خود را به عنوان امداد رسان معرفی می‌کنند، خیلی راحت درست در زمان و مکان مناسبی بودند تا از حمله به کامیون‌های حامل کمک‌های بشردوستانه فیلم تهیه کنند. فیلم هم طبق معمول توسط رسانه‌های غربی بدون هیچ



نشال اینترست بررسی کرد؛

دلایل شکست توافق آتش بس در سوریه / عدم کنترل آمریکا بر برخی گروه‌ها



یک پایگاه تحلیلی در مطلبی به دلایل شکست آتش بس در سوریه پرداخته و عدم کنترل آمریکا بر برخی گروه‌های معارض و تروریست را از دلایل شکست آتش بس عنوان کرده است.

پایگاه تحلیلی-خبری «نشال اینترست» اخیراً مقاله‌ای با عنوان «دلایل شکست توافق آتش بس در سوریه» با قلم «آنتوان عیسی» منتشر کرده است که ترجمه آن پیش روی شماست.

واقعیت این است که سقوط آتش بس اخیر در سوریه باعث شگفتی نشد. در واقع اکثر ناظران بین‌المللی در مورد حفظ آتش بس قبل از اینکه ۱۲ سپتامبر اجرا شود، بدبین بوده‌اند. درست مانند توافقه‌های سابق آتش بس که با شکست مواجه شده‌اند، در هفته اول اجرای این توافق نیز جهان شاهد اتهامات طرفین علیه یکدیگر بود، قبل از اینکه آتش بس به طور کامل نقض شود. در حال حاضر روسها و آمریکایی‌ها یکدیگر را به شکست و نقض توافق آتش بس متهم می‌کنند. مثلاً بعد از حمله ایالات متحده آمریکا به نیروهای ارتش سوریه در ۱۷ سپتامبر واشنگتن ادعا کرد که این حمله یک تصادف بوده است اما روسها ادعاهای آمریکایی‌ها را نپذیرفتند و وزیر دفاع روسیه گفت: برای دولت روسیه ادامه آتش بس بی‌معنی است.

علی‌رغم حمله به کاروان کمک‌های بشردوستانه سازمان ملل، مقامات آمریکا، روسیه و سازمان ملل در هفته گذشته تأکید کردند، آتش بس هنوز به قوت خود باقی است.

واقعیت این است که حامیان خارجی نیروهای شورشی و دولت سوریه هیچ علاقه‌ای به خاموش کردن شعله‌های جنگ در این کشور ندارند. خواهیم دید که این واقعیت دلیل اصلی اینکه چرا توافق آتش بس در سوریه با شکست مواجه می‌شود، است.

اکنون «سرگئی لاروف» وزیر امور خارجه روسیه و «جان کری» وزیر امور خارجه آمریکا این تصور را در اذهان عمومی ایجاد کرده‌اند که به طور خستگی‌ناپذیر جهت انعقاد توافق آتش بس پایدار تلاش کرده‌اند. آنها به مدت یک سال در مذاکرات مربوط به ایجاد ثبات در سوریه مشارکت داشته‌اند اما واقعیت این است که آتش بس از همان ابتدا به شکست محکوم بوده است. در زیر دلایل شکست آتش بس اخیر در سوریه آورده شده است.

۱. فقدان ساز و کار اجرایی

حصول اطمینان از اینکه طرفین متخاصم با توافق آتش بس موافق بوده و اجرای توافق آتش بس از طریق در نظر گرفتن اقدامات تنبیهی برای طرفی که آن را نقض کند، کلید اساسی حفظ توافق آتش بس است. این واقعیت فاکتور بسیار مهمی است که فقدان آن در آتش بس‌های اخیر آمریکا و روسیه در سوریه مشاهده می‌شود. در این توافق هیچ

همکاری خود با گروه فتح الشام یا داعش ادامه دهند و انگیزه‌ای جهت فاصله گرفتن از آنها نداشته باشند، بسیار مشکل است که توافق آتش بس در سوریه اجرا شود.

۳. فقدان مسیر سیاسی مشخص جهت پایان دادن به جنگ

فقدان مسیر سیاسی مشخص جهت خاتمه دادن به جنگ، یکی از مهمترین علت‌های نقض توافق آتش بس ۱۲ سپتامبر است. علی‌رغم ماهها مذاکرات مستقیم روسیه و آمریکا در مورد سوریه، هیچ یک طرحی جامع یا مسیری مشخص را برای خاتمه بحران در سوریه پیشنهاد نداده‌اند. آنها هیچ طرحی برای تشکیل دولت انتقالی نیز ندارند. ایالات متحده و متحدانش هنوز بر مواضع خود - کناره‌گیری بشار اسد از قدرت - تأکید می‌کنند اما آنها جهت چگونگی تعیین جانشین وی و سازماندهی نهادهای قدرت بعد از حذف دولت اسد از قدرت پیشنهادی ارائه نداده‌اند. آنها همچنین در مورد اینکه رهبر جایگزین چگونه کشور را متحد می‌کند و یا شکل ساختاری دولت انتقالی چگونه خواهد بود پیشنهادی ارائه نداده‌اند.

۴. روابط دو جانبه آمریکا و روسیه

واقعیت این است که جنگ سوریه توسط لایه‌های دیگر تعارض که در هم تنیده شده‌اند، پیچیده‌تر می‌شود. مداخله روسیه در سوریه بدون شک تحت تأثیر تعارض این کشور با آمریکا قرار دارد و روسیه تمایل دارد به عنوان قدرت جهانی شناخته شود. تمایل آمریکا جهت همکاری با روسیه در جنگ سوریه به رسمیت شناختن چنین وضعیتی است. بنابراین توافق آتش بس اخیر در سوریه و تلاش‌های قبل از آن درون پارادایم روابط دوجانبه آمریکا و روسیه تفسیر می‌شود.

مکانیسمی جهت تنبیه بازیگرانی که توافق را نقض کنند در نظر گرفته نشده است. همچنین در توافق آتش بس یاد شده، یک منطقه غیر نظامی در جاده کاستیلو در حلب - منطقه‌ای که شریان اصلی جهت دسترسی به مناطق در اختیار معارضان در شرق حلب است - در نظر گرفته شده است، اما مأموران امنیتی این منطقه غیر نظامی نیروهای روس - یکی از مهمترین بازیگران درگیر در جنگ - نه نیروهای حافظ صلح سازمان ملل متحد هستند. بنابراین باید گفت که تعهد قدرتهای خارجی به توافق آتش بس در سوریه همیشه شکننده بوده است. آتش بس موثر باید شامل اقدامات تنبیهی علیه ناقضان آن باشد و باید یک مکانیسم اجرای موثر در قالب نیروهای مشترک و متحد سازمان ملل جهت اجرای آن ایجاد شود.

۲. عدم نفوذ بر کلیه بازیگران مداخله‌کننده

باید گفت که قدرتهای خارجی درگیر در جنگ سوریه بر طرفین متخاصم کلیدی در جنگ - دولت و شوشیان سوریه - نفوذ داشته‌اند اما آنها بر چند بازیگر نفوذی نداشته و نمی‌توانند اقدامات آنها را کنترل کنند. این بازیگران می‌توانند به راحتی توافق آتش بس را نقض کنند. بازیگران ذکر شده، گروه فتح الشام وابسته به گروه القاعده و داعش که در خاک سوریه حضور دارند، است. روابط روبه‌رشد این بازیگران با شورشیان سوری در حلب باعث می‌شود که آتش بس به سختی اجرا شود. هم مسکو و هم واشنگتن از شورشیان سوری خواسته‌اند جهت اجرای توافق از این بازیگران فاصله بگیرند. واقعیت این است که گروه وابسته به القاعده می‌خواهد هر توافق آتش بسی را که به ایجاد صلح و ثبات در سوریه کمک می‌کند، از بین ببرد. اگر شورشیان سوری به

عبدالحمیدیاتی

استقرار گلا دیاتور در «شام» و نگرانی درباره توسل به زور

شرط لغو تحریم‌های ضد روسی گذاشت و اعلام کرد: واشنگتن و متحدانش با بی‌شرمی از بازداشتن مسکو سخن می‌گویند.

در این بیانیه آمده است: مسکو مجبور به انجام این تدبیر شد، زیرا موافقتنامه (تعلیق شده) را از گام‌های مهم خلع سلاح اتمی می‌داند، ولی متأسفانه اخیراً آمریکا اقدام‌های غیردوستانه‌ای انجام داده و با توسل به بهانه‌های واهی، تحریم‌های مختلفی از جمله اقتصادی علیه روسیه وضع کرده است.

لاوروف: مداخله‌ها خاورمیانه را به خاک و خون کشیده است

وزیر امور خارجه روسیه گفت مسئولان آمریکایی که توافق با مسکو را به شکست کشانده‌اند طرحی برای توسل به زور در سوریه آماده می‌کنند.

وی گفت به رغم تصمیم آمریکا در خصوص تعلیق همکاری در زمینه آتش‌بس در سوریه، روسیه به تلاش‌های خود برای حل بحران سوریه ادامه خواهد داد.

لاوروف همچنین در انتقاد از سیاست‌های آمریکا در خاورمیانه گفت: ثبات خاورمیانه بر اثر مداخله‌های خارجی با هدف پیشبرد طرح تغییر حکومت‌ها متکی به زور بر هم خورده و به خاک و خون کشیده شده است.

لاوروف به مناسبت فرا رسیدن سال جدید هجری قمری در نشستی با حضور سفیران کشورهای اسلامی گفت: رویدادهای کنونی پیامد سیاست‌های کشورهای

است که برای پیشبرد نظریه تغییر حکومت‌ها از جمله با استفاده از زور، تغییر موازنه قوا در منطقه و تحمیل اقدام‌های یکجانبه بدون توجه به سنت‌های تاریخی و فرهنگی کشورهای منطقه اقدام می‌کنند.

مناقشه در عراق، لیبی، یمن و سوریه نمونه‌های بارز پیامدهای چنین رویکردهایی است. اوضاع محدوده مناقشه فلسطین و اسرائیل ناآرام و روند حل و فصل مسائل خاورمیانه به بن بست خورده است.

هدف ویرانگر

صحبت‌های لاوروف و اقدام روسیه در استقرار سامانه ضد موشکی پیشرفته نشان می‌دهد روس‌ها احتمال حمله گسترده آمریکا در سوریه را نزدیک‌تر از هر زمان دیگری می‌دانند.

در صورت حمله آمریکا بدون شک این اقدام واکنش روسیه را در بر خواهد داشت و این یعنی طولانی‌تر شدن بحران سوریه.

این وضعیت در حالی است که از چند ماه قبل امیدها برای حل بحران سوریه از طریق دیپلماسی قوت گرفته بود و برقرار دوره‌ای آتش‌بس چند روزه در سوریه این نوید را می‌داد که شاید رنج پنج ساله مردم سوریه در آستانه پایان یافتن باشد اما کارشکنی‌های غربی

و عربی و اقدام اعراب خلیج فارس در تسلیح و حمایت از گروه‌های شورشی سوری و تفکیک تروریست‌ها از سوی آمریکا و دسته‌بندی آنها در گروه‌های خوب و بد موجب شده تا جنگ با تروریسم در سوریه به مانعی بزرگ برخورد کند.

هدف غرب و اعراب در این میان آن است که سوریه را تبدیل به یکی از حوزه‌های نفوذ خود کنند و این یعنی آنکه بحران سوریه همچنان ادامه خواهد داشت هدفی شوم که جز ویرانی برای اهل شام چیزی به ارمغان نمی‌آورد.



از نوع Gladiator 23-SA است و از طریق بندر طرطوس وارد سوریه شده و علاوه بر استفاده از آن برای هدف قرار دادن موشک‌ها، از این سیستم می‌توان علیه جنگنده‌های دشمن نیز استفاده کرد.

این برای نخستین بار است که روسیه سامانه 23-SA Gladiator را در خارج از مرزهای خود مستقر می‌کند. به گفته مقامات آمریکایی این سیستم ضد موشکی وارد سوریه شده و بخشی از عملیات استقرار آن انجام شده است.

مقامات آمریکایی با اشاره به پیشرفته بودن این سیستم ضد موشکی می‌گویند: جهه النصره که نیروی هوایی ندارد، داعش هم موشک کروز در اختیار ندارد پس چرا روسیه این سیستم را در سوریه مستقر کرده است؟ احتمال دارد که هدف از استقرار این سامانه مقابله با حملات احتمالی آمریکا علیه مواضع روسیه در سوریه بوده باشد.

ایراز نگرانی دی میستورا

استفان دی میستورا، فرستاده ویژه سازمان ملل متحد در امور سوریه از قطع تماس‌های دوجانبه بین آمریکا و روسیه ابراز نگرانی کرد.

بیانیه این دیپلمات سازمان ملل ساعاتی بعد از آن گزارش شد که وزارت خارجه آمریکا اعلام کرد تمامی تماس‌های دوجانبه با روسیه درباره سوریه را تعلیق کرده است.

در همین حال سخنگوی وزارت خارجه روسیه، اقدام واشنگتن را مایه تأسف خواند و گفت آمریکا به دلیل عدم عمل به تعهداتش در سوریه، به دنبال مقصر جلوه دادن دیگران است.

اقدام پیش‌دستانه پوتین

اما پیش از اعلام قطع همکاری‌های آمریکا و روسیه بر سر سوریه، «ولادیمیر پوتین» رئیس‌جمهور روسیه، در اقدامی عجیب از تعلیق همکاری‌های هسته‌ای مسکو-واشنگتن خبر داد.

رئیس‌جمهوری روسیه با هشدار به آمریکا برای تداوم و تشدید کارشکنی‌های ضدروسی، دیروز (دوشنبه) توافق اتمی کاهش ذخائر غنی‌سازی پلوتونیوم بین دو کشور را تعلیق کرد.

وزارت خارجه روسیه نیز برای احیای این توافق پیش

توقف همکاری آمریکا و روسیه در سوریه و متعاقب آن انتشار خبرهایی در مورد استقرار سامانه ضد موشکی پیشرفته در این کشور نشان می‌دهد «اهل شام» فصلی جدید از اختلافات مسکو-واشنگتن را تجربه می‌کنند.

روسیه و آمریکا نتوانستند بر اختلافات خود در مورد سوریه غلبه کنند و سرانجام دولت آمریکا اعلام کرد تمامی تماس‌ها با روسیه را بر سر پایان دادن به خشونت‌ها در سوریه به حالت تعلیق درآورده است.

«جان کری» سخنگوی وزارت خارجه آمریکا، در بیانیه‌ای گفت: «ایالات متحده مشارکت خود را در گفتگوهای دوجانبه با روسیه که به منظور حفظ آتش‌بس (در سوریه) بود، متوقف می‌کند. این تصمیمی نبود که به راحتی اتخاذ شده باشد.»

وی همچنین مسکو را به رعایت نکردن تعهدات خود در قبال این آتش‌بس متهم کرد.

پیشتر گنادی گاتیلوف، معاون وزیر خارجه روسیه، به خبرگزاری تاس گفته بود: «تمامی ارتباطات‌ها میان ارتش روسیه و آمریکا متوقف شده و اطلاعاتی (درباره سوریه) مبادله نمی‌شود. ما تلاش می‌کنیم برای ازسرگیری آتش‌بس در سوریه با آمریکایی‌ها به توافق برسیم. علیرغم وجود تماس‌های متعارف میان دیپلمات‌های روس و آمریکایی، این مسئله همچنان محقق نشده است.»

این مقام روس همچنین تأکید کرد مسکو در خصوص سرنوشت بشار اسد، رئیس‌جمهور سوریه، با واشنگتن گفتگو نمی‌کند.

استقرار گلا دیاتور در سوریه

بدنبال این اقدام سه تن از مقامات نظامی آمریکا با تأیید این خبر به فاکس نیوز گفتند: روسیه در آخرین نشانه از افزایش کمک‌های خود به سوریه یک سامانه پیشرفته ضد موشکی را در این کشور مستقر کرده است.

به نوشته فاکس نیوز این اقدام روسیه بعد از شکست طرح آتش‌بس در سوریه انجام شده است و در حالیکه هنوز انگیزه روسیه از استقرار این سامانه ضد موشکی مشخص نیست مقامات نظامی می‌گویند این سیستم می‌تواند جلوی هر نوع حمله موشکی آمریکا به سوریه که با موشک‌های کروز انجام می‌شود را بگیرد.

به گفته مقامات آمریکایی این سامانه ضد موشکی

سفیر سابق آمریکا در عربستان:

«جاستا» عربستان را در شوک فرو برده است / احتمال عقب نشینی کنگره

وحید پور تهریشی



معاون پیشین وزارت خارجه آمریکا با اشاره به اینکه قانون «جاستا» عربستان را در شوک فرو برده است گفت: این قانون به روابط استراتژیک ریاض و واشنگتن لطمه نخواهد زد.

رای مثبت اعضای کنگره آمریکا به قانون رسیدگی به جنایات احتمالی دولت عربستان سعودی در پرونده حادثه ۱۱ سپتامبر که به «جاستا» موسوم شده، اختلاف میان دولت و کنگره آمریکا را بیش از پیش نمایان کرده و در عمل، به رقابتی میان اکثریت جمهوریخواهان کنگره و دولت دموکرات «باراک اوباما» تبدیل شده است.

کنگره آمریکا با وجود فرمان وتوی رئیس جمهوری این کشور مبنی بر عدم پذیرش تصویب چنین قانونی، توانست با کسب اکثریت آراء وتوی «اوباما» را ملغی کرده و نهایتاً لایحه مذکور را به تصویب نهایی رسانده و تبدیل به قانون کند. مخالفین این قانون اما معتقدند که تصویب آن می تواند ضربه ای بزرگ به منافع ملی این کشور و رابطه پر سود میان واشنگتن و ریاض وارد کند. ضمن اینکه آنها معتقدند، از آنجا که کمیسیون تحقیق در مورد واقعه ۱۱ سپتامبر نتوانسته هیچ سند معتبر و مشخصی دال بر دست داشتن مستقیم دولت سعودی و مقام های عالی رتبه این کشور در این حمله تروریستی پیدا کند، لذا تصویب چنین قانونی نیز کمکی به خانواده های جانباختگان این حمله تروریستی نکرده و آنها نخواهند توانست حقانیت خود را در دادگاه ثابت کنند. در خصوص این موضوعات گفتگویی با «ریچارد مورفی» سفیر پیشین آمریکا در عربستان انجام داده ایم که در ادامه می آید.

مورفی از دیپلمات های کهنه کار آمریکایی است با دهها سال کار در خاورمیانه و کشورهای عربی. وی در سالهای جنگ ایران و عراق سفیر آمریکا در عربستان سعودی و بعد معاون وزیر خارجه در امور خاورمیانه بود.

باراک اوباما رئیس جمهوری آمریکا طرح «جاستا» را وتو کرد، در حالیکه کنگره وتوی را باطل کرد. دلایل این امر چه بود؟

رای کنگره بازتاب دهنده همدلی و حمایت از خانواده های قربانیان آمریکایی حادثه ۱۱ سپتامبر بود. این رأی دارای بازخورد منفی بر روابط بین المللی آمریکا خواهد داشت. تعدادی از اعضا ظننین بودند که دولت سعودی و یا مقام های ارشد آن در حملات ۱۱ سپتامبر القاعده نقش داشته اند و این در حالی بود که گفته شد هیچ مدرکی مبنی بر این دخالت که حاصل تحقیقات ناشی از یک دوره مطالعه جامع پرونده این حمله که به دست کمیسیون (تحقیق) یازده سپتامبر در سال ۲۰۰۲ و ۲۰۰۱ انجام شد، به دست نیامده است. هرچند اکثر اعضا به پیشنهاد خانواده های قربانیان رای دادند تا آنها بتوانند به دادگاه رجوع کنند آنها را خود را به چشم ایزاری علیه عربستان سعودی نگاه نمی کنند

آیا تصویب این قانون نشان دهنده آن است که عربستان اهمیت استراتژیک خود را

برای آمریکا از دست داده است؟

خیر، اهمیت عربستان سعودی برای آمریکا همچنان حفظ خواهد شد. چند تن از رهبران کنگره نیز به شکلی عمومی بر این موضوع تاکید کرده و متعهد شده اند که هر کاری لازم باشد برای جلوگیری از ضربه خوردن به روابط دوجانبه میان دو کشور خواهند کرد.

کدام گروه ها و جریانات در سنای آمریکا بر تصویب این قانون و رد وتوی اوباما یافشاری کردند؟

در سنای نوعی همدلی و یکصدایی در خصوص لغو فرمان وتوی رئیس جمهور وجود داشت و در مجلس نمایندگان هم فضا به همین گونه بود و اکثریت نمایندگان از آن حمایت می کردند. یعنی این یک مساله حزبی نبود.

مجلس مشورتی عربستان سعودی تصویب این قانون را مایه ایجاد نگرانی در جامعه بین المللی دانسته است. تبعات تصویب چنین قانونی چه خواهد بود؟

این رای در فضای بین المللی بازخوردی منفی داشته است. من فقط می توانم بگویم که رای به چنین مساله ای دولت سعودی را در شوک فرو برده و احساس (نارضایتی) خود را به دولت (آمریکا) هم انتقال داده اند.

به نظر می رسد کنگره تلاش خود را برای ملغی کردن این قانون آغاز کرده است. نظر شما درباره این مساله چیست؟

اعلام شده اعضای کنگره نیز با اینکه با این کار چه آسیبی به دکتترین مصونیت حکومتی وارد کرده اند آگاه نیستند و یا برایشان مهم نیست که رای آنها چه تبعات منفی بین المللی به خصوص در رابطه دوجانبه با عربستان سعودی خواهد داشت. باید دید که کنگره نهایتاً چگونه متوجه این موضوع خواهد شد و با آثار منفی به جای مانده (از این رای) چه می خواهد بکند.



تغییر ادبیات «دوترته» در قبال آمریکا همزمان با سفر به ژاپن

نیازی به حضور نظامیان خارجی در این کشور ندارد.

قرارداد همکاری دفاع پیشرفته (ای دی سی آ) توافقی میان آمریکا و فیلیپین برای تقویت اتحاد این دو کشور در منطقه جنوب شرق آسیا است که در سال ۲۰۱۴ میلادی به امضا مقامات این دو کشور رسید.

آمریکا بر اساس این قرارداد، نیروهای خود را به فیلیپین گسیل می دارد و اجازه افزایش تجهیزات پایگاه های فیلیپین را برای استفاده نیروهای آمریکایی و فیلیپینی دارد. البته در قرارداد ذکر شده است که آمریکا اجازه ایجاد پایگاه نظامی دائمی

رئیس جمهوری فیلیپین که به داشتن تفکرات ضد آمریکایی مشهور شده، همزمان با سفر به ژاپن ادبیات خود در قبال واشنگتن را تغییر داد. رودریگو دوترته رئیس جمهوری فیلیپین همزمان با سفر به ژاپن از ادبیات نرم تری در قبال آمریکا استفاده کرد.

دوترته پیش از ترک مانیل به مقصد توکیو گفت: اتحاد ما با آمریکا همچنان باقی است. هیچگونه نگرانی درباره اتحاد ما وجود ندارد و ما نیازی به اتحاد با دیگر کشورها نداریم. دوترته در حالی این اظهارات را بیان می کند که در روزهای اخیر عنوان کرده بود فیلیپین

در فیلیپین را ندارد و نیروهای فیلیپینی می توانند از کشتی ها و هواپیماهای آمریکایی استفاده کنند. آمریکا از سال ۲۰۱۱ میلادی راهبرد منطقه ای خود را بر آسیا متمرکز کرده است. کاخ سفید معتقد است که برای کسب منافع بلند مدت واشنگتن، هیچ منطقه ای مهمتر از آسیا نیست.

حنیف غفاری

استاد روابط بین الملل:

بان کی مون کی مون استقلال رأی نداشت / ساختار سازمان ملل باید اصلاح شود

اما این جایگاه مهم، محدود به مباحث مربوط به قدرت در سیاست بین الملل امروز است.

|| بان کی مون به مدت ده سال دبیر کلی سازمان ملل متحد را بر عهده داشت. عملکرد دبیر کل کره ای سازمان ملل متحد را در این مسند چگونه ارزیابی می کنید؟

بان کی مون در دوران ماموریت خود رویکردی محافظه کارانه داشت و مواضع روشن و شفاف در مسائل و موضوعات اختلافی مهم در نظام بین الملل اتخاذ نمی کرد. وی در قبال رژیم صهیونیستی و جنایات این رژیم برخورد و مواجهه ملایمی داشت. وی در قبال بحران های جاری در منطقه و جهان اسلام نیز همسویی خود با ایالات متحده آمریکا را حفظ می کرد.

این در حالی بود که به عنوان مثال در دوران حضور پطرس غالی و خاویر پرز دکوئیبار در مسند دبیر کلی سازمان ملل متحد، شاهد چنین محافظه کاری و انفعالی نبودیم. به عنوان مثال در دوران دکوئیبار بود که عراق به عنوان طرف متجاوز در جریان جنگ تحمیلی با کشورمان شناخته شد.

به طور خلاصه باید تاکید کنم که بان کی مون در چارچوب محدودیت های ترسیم شده از سوی قدرت های بزرگ حرکت می کرد و در کارنامه وی، حرکتی استقلال طلبانه مشاهده نمی کنیم.



|| لزوم اصلاح ساختار شورای امنیت سازمان ملل متحد و فزاینده آن، تجدید نظر در قوانین و قواعد جاری در این سازمان بین المللی را چگونه تحلیل می کنید؟

در خصوص اصلاح ساختار شورای امنیت و سازمان ملل متحد ایده های مختلفی وجود دارد که بر روی آنها مطالعه داشته و در این خصوص پیشنهادهایی را نیز قبلا ارائه داده ام. در این خصوص، ایده های رادیکال و واقع گرایانه ای وجود دارد.

در هر حال، اصلاح بنیادین ساختار شورای امنیت سازمان ملل متحد نیازمند تحقق پیش شرط هایی در نظام بین الملل است. دیدگاه من این است که باید در این خصوص با رویکردی واقع گرایانه حرکت کرد. به عنوان مثال در قبال حق وتوی اعضای دائمی شورای امنیت سازمان ملل متحد باید تعدیل صورت گرفته و حدود و ثغور حق وتو را به گونه ای تعریف کرد که قدرت های بزرگ نتوانند در موضوعات اختلافی مهم به اصلی ترین نظر دهنده تبدیل شوند.

مثلا ایالات متحده آمریکا با استفاده از همین حق وتو، همواره زمینه را برای عدم محکومیت رژیم صهیونیستی در سازمان ملل متحد و استمرار جنایات این رژیم آماده می کند.

همچنین در گامی دیگر، لازم است در بافت شورای امنیت سازمان ملل متحد اصلاحات و تعدیل هایی صورت گیرد. در این خصوص ایده های قابل مطالعه ای وجود دارد، از جمله اینکه از میان کشورهای اسلامی و کشورهای جهان سوم، اعضای به صورت دائمی در این مجموعه حضور داشته باشند.

در هر حال مهم ترین چالش موجود، ساختار قدرت در نظام بین الملل است و تا زمانی که این معضل حل نشود، انجام اصلاحات مذکور نمی تواند چاره ساز باشد. ضمن اینکه قدرت های بزرگ در راستای حفظ منافع خود، حتی با انجام اصلاحات در ساختار سازمان ملل متحد نیز مخالفت می کنند.

متحد نیز نقش کلیدی و مهمی ایفا می کند. همچنین وی مدیر مجمع عمومی و دبیر اجرایی مجمع عمومی سازمان ملل متحد محسوب می شود.

پس اگر تنها جایگاه دبیر کل سازمان و وظایف آن را بخواهیم مدنظر قرار دهیم، وی دارای جایگاه مناسب و مهم و تاثیر گذاری است. اما اگر بخواهیم جایگاه واقعی وی را بر اساس سیاست بین الملل و قواعد حاکم فعلی بر نظام بین الملل مورد فحص و بررسی قرار دهیم موضوع متفاوت خواهد بود.

دنیای امروز، دنیای سازمان ملل متحد و استناد به حقوق بین الملل و مواردی از این قبیل نیست. دنیای امروز، دنیای سیاست بین الملل است. در این معادله، باید نگاه ویژه ای که نسبت به مقوله قدرت در سیاست بین الملل وجود دارد مورد مذاقه قرار گیرد.

بر این اساس، باید توجه داشته باشیم که انتخاب دبیر کل سازمان ملل متحد در قالب سیاست استصوابی شورای امنیت صورت می گیرد. شورای امنیت در انتخاب دبیر کل سازمان ملل متحد نقش اساسی دارد و اگر لابی های اولیه و قدرتمند حاکم بر شورای امنیت نسبت به فردی در تصدی گری این سمت اطمینان نداشته باشند یا نسبت به مواضع وی منتقد باشند، اساسا اجازه تصدی گری این پست به وی داده نمی شود و فرد مورد نظر در همان مرحله اولیه از تصدی گری پست دبیر کلی سازمان ملل متحد کنار گذاشته می شود. بنابراین نقش قدرت های بزرگ در این فرآیند غیر قابل انکار است. حتی اگر دبیر کل سازمان ملل متحد پس از انتخاب به عنوان این سمت، موضعی بر خلاف اراده قدرت های بزرگ اتخاذ کند، از سوی این قدرت ها تحت فشار قرار خواهد گرفت. نمونه این موضوع را در دوران تصدی گری «پطرس غالی» و «خاویر پرز دکوئیبار» در سازمان تجربه کردیم.

برخی از مواضع این دو به گونه ای بود که قدرت های بزرگ خواستار برکناری آنها قبل از به پایان رسیدن دوران ماموریتشان بودند. در یک جمع بندی کلی باید تاکید کنم اگرچه جایگاه دبیر کل در سازمان ملل متحد مهم است،

سرانجام دوران ماموریت بان کی مون به عنوان دبیر کل سازمان بین الملل متحد به پایان رسید و «آنتونیو گوترس» ۶۷ ساله به عنوان دبیر کل جدید این مجموعه برگزیده شد. حال سوال اصلی اینجاست که آیا تغییر دبیر کل سازمان ملل متحد می تواند منجر به تغییر در رویکرد این سازمان در نظام بین الملل و حساسیت بیشتر این سازمان نسبت به بحران های جهانی شود؟ به عبارت بهتر، آیا ساختار حاکم بر سازمان ملل متحد اجازه مانور آزادانه دبیر کل را در قبال بحران های بین المللی خواهد داد؟ در این خصوص گفت و گویی با دکتر «رضا سیمبر» استاد رشته روابط بین الملل صورت داده ایم که از نظراتان می گذرد:

|| همان گونه که مستحضر هستید، دوران ماموریت بان کی مون در مسند دبیر کلی سازمان ملل متحد به پایان رسید و آنتونیو گوترس جایگزین وی شد. آیا این جا به جایی، موجب تغییری اساسی در سازمان ملل متحد خواهد شد؟

برای پاسخ به این سوال باید در وهله اول بر روی شخصیت حقوقی دبیر کل سازمان ملل متحد متمرکز شد نه شخصیت حقیقی آن. دبیر کل به عنوان تجمیع کننده امور و موضوعات در سازمان ملل ایفای نقش می کند. یکی از وظایف مهم دبیر کل این است که گزارش های لازم را به مجمع عمومی و شورای امنیت سازمان ملل متحد منتقل کند. بنابراین دبیر کل به مثابه قاضی یک پرونده ایفای نقش می کند.

از این رو دبیر کل در سازمان ملل متحد دارای نقش و جایگاهی تاثیر گذار است. دبیر کل سازمان ملل متحد وظیفه دارد اخبار و داده ها و اطلاعات مهم در خصوص مسائل و معضلات بین المللی را به موقع و در زمان مناسب به اعضای سازمان ملل متحد و اعضای شورای امنیت منتقل کند.

دبیر کل در کمیسیون های حقیقت یاب سازمان ملل

استاد روابط بین الملل:

دموکراسی غربی ثبات به خاورمیانه نمی آورد/ انرژی اولویت آمریکا

فاطمه محمدی پور

سال هاست قلب زمین زخم خورده از جنگ های پیاپی است و هر روز لشکر نامیدان این منطقه بزرگ تر می شود. بحران پشت بحران. جنگ پشت جنگ و انگار فرصت فکر کردن در این میدان جنگ بزرگ از همه گرفته شده است. راستی دلیل این همه بحران و ادامه آنها چیست؟ این موضوع را با «دکتر ابراهیم عباسی» استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز به بحث گذاشتیم که در ادامه می آید.

|| برخی از تحلیلگران معتقدند، تداوم و طولانی شدن بحران های خاورمیانه از جمله بحران سوریه ناشی از ساختار نظام بین الملل است. به این معنا که به علت نبود قدرت هژمون و تکثر در قطب بندی در ساختار نظام بین الملل هیچ قدرت فائقه ای که بتواند یک نظام هژمونیک را اداره کند وجود ندارد. نظر شما در این ارتباط چیست؟

تا چند دهه گذشته می توانستیم بگوییم که ساختار نظام بین الملل بر بحران های منطقه ای تاثیر زیادی دارد و متغیر اصلی است. این نظریه مربوط به قرن بیستم تا دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی است. اما در حال حاضر تحولاتی در جهان به وقوع پیوسته که باید جهت بررسی بحران های منطقه ای بر هر سه سطح تحلیل بین المللی، منطقه ای و محلی توجه کنیم.

امروزه اقتصاد نیز متغیر مهمی است که باید مد نظر قرار گیرد. ما باید به سطح ملی - فرهنگ سیاسی، سطح سواد و آگاهی مردم و ارتباط آنها با جهان خارج - توجه ویژه داشته باشیم. به نظر من در مورد بحران سوریه و بحران های خاورمیانه، نظام بین الملل تاثیر گذار است اما سایر متغیرها هم نقش دارد. در اینجا باید گفت که اخیرا نظام بین الملل و قطب های قدرت در مقابل تحولات منطقه ای زمانی که بدانند توان کنترل اوضاع را ندارند، مقاومت نمی کنند. وقتی تحولات ایجاد شد سعی می کنند آنها را کنترل کنند. مثلا در لیبی کشورهای بزرگ وقتی متوجه شدند نمی توانند کنترل اوضاع را داشته باشند، مقاومت نکرده و این کشور را رها کردند. آنها حتی نتوانسته اند جایگزین مناسبی در لیبی بیابند.

|| خیزش های عربی نشان از این موضوع داشت که مقوله امنیت انسانی موضوع مهمی است. آیا شما معتقد هستید که



امنیت انسانی باید پارادایمی مورد توجه نخبگان سیاسی این کشورها باشد؟ آیا نخبگان به مطالبات مردمی ذیل امنیت انسانی تن خواهند داد؟

تا به حال در صحنه خاورمیانه بیشتر امنیت سخت افزاری و امنیت انرژی مهم بوده است. اما تحولاتی در این منطقه به وقوع می پیوندد که بر مفهوم امنیت تاثیر گذاشته و یادآور امنیت انسانی در نظریه «بوزان» است.

«بری بوزان» در سال ۲۰۰۳ و قبل از وقوع بهار عربی بر امنیت انسانی تاکید کرده است. اهمیت امنیت انسانی را در خاورمیانه بعد از بهار عربی به وضوح مشاهده می کنیم. حکمرانی خوب، سطح سواد، سطح رفاه جوامع انسانی شاخص های امنیت انسانی هستند که در انقلاب های عربی نقش داشتند. در تونس بالا رفتن سطح آگاهی مردم و شکاف بین انتظار و واقعیت باعث ایجاد بحران شد.

بنابراین نخبگان باید به مقوله امنیت انسانی توجه کنند چون نقش بسیار زیادی در شکل گیری بحران های منطقه ای دارند. حتی کشورهای غربی هم اخیرا به امنیت انسانی در خاورمیانه توجه کرده اند. به عنوان مثال بانک جهانی در حال حاضر بحث توسعه پایدار را در خاورمیانه به پیش می برد. یکی از شاخص های توسعه پایدار حکمرانی خوب و رابطه خوب بین دولت و مردم و انجام پروژه های مشترک اقتصادی مهم مردم با دولت ها است.

در مورد توجه نخبگان در خاورمیانه به مقوله امنیت انسانی باید گفت نخبگان این کشورها هنوز در چارچوب امنیت سخت افزاری پیش می روند. اما بانک جهانی، صندوق بین المللی پول و اتاق های فکری در زمینه امنیت انسانی در خاورمیانه متون مختلفی منتشر می کنند. نخبگان در خاورمیانه نهایتا مجبور هستند به امنیت انسانی تن داده و آن را در نظر گیرند.

|| در حالی که ثبات متحدان برای آمریکا در اولویت است، چگونه این کشور می تواند میان مطالبات مردمی (امنیت انسانی) و امنیت دولتی (state security) پیوند برقرار کند؟ آیا اساسا در جوامع بسته خاورمیانه

چنین پیوندی می تواند برقرار شود؟ استراتژی غرب در خاورمیانه در زمینه دموکراسی نوعی جایجایی آرام است. هانتینگتون در این ارتباط می گوید، معمولا دموکراسی ها یا با انقلاب ها یا همراه با اصلاحات می آیند. اگر دموکراسی در نتیجه انقلاب وارد جامعه شود، به دیکتاتوری ختم می شود.

بنابراین کشورهای غربی تنها راه ورود دموکراسی به خاورمیانه را جایجایی و اصلاحات آرام می دانند. مثلا آمریکا سعی کرده است در این کشورها دموکراسی نیم بندی را ایجاد کرده و دموکراسی را به عنوان پروژه ای در خاورمیانه به آرامی و کنترل شده پیش ببرد. در حالت کلی آمریکا در وهله اول به امنیت ملی این کشورها اهمیت می دهد سپس به مقوله دموکراسی توجه می کند. مثلا در کویت توانسته برخی اصول دموکراسی را پیاده کند یا در عربستان مجلس مشورتی ایجاد کند. اما باید گفت که امنیت انرژی و امنیت رژیم صهیونیستی برای آمریکا در خاورمیانه مهم است و در مرحله بعد به امنیت انسانی در این کشورها توجه می کند.

ما خاورمیانه را نباید جوامع بسته بدانیم. اینطور نیست که اگر دموکراسی از غرب وارد شود، ثبات در این کشورها ایجاد می شود. اگر به گذشته خاورمیانه برگردیم می بینیم که این منطقه در گذشته ساختارهای اجتماعی خاص خود را داشته و مهد تمدن های بزرگ بوده است. در این منطقه ادیان مختلف یهودی، مسلمان و مسیحی کنار یکدیگر به صورت مسالمت آمیز می زیسته اند. اما از زمانی که دموکراسی و توسعه به صورت نخسه پیچی و تجویزی وارد خاورمیانه شد، فضای این منطقه معما گونه و امنیتی شد.

ما در گذشته در خاورمیانه گروه هایی داشته ایم که با یگدیگر گفتگو می کردند. نیازهای یکدیگر را برطرف می کردند و صلح گرم میان کشورها حاکم بود. این گروهها به امنیت انسانی توجه می کردند. بنابراین امنیت انسانی در گذشته در خاورمیانه وجود داشته است.

بنیان های اجتماعی در منطقه خاورمیانه وجود دارند و ما باید این بنیان ها را بر مبنای حقوق انسانی مبتنی بر اصول و آیین خاورمیانه بازسازی کنیم. در این صورت می توان مشکل امنیت در خاورمیانه را حل کرد و جلوی افراط گرایی در منطقه را گرفت.

گفتگو با استاد دانشگاه آلاباما:

«جاستا» کار کرد انتخاباتی دارد/هراس عربستان از افشای اطلاعات

پیمان یزدانی

|| کدام گروه‌ها و احزاب بر تصویب این لایحه اصرار داشته‌اند؟ چرا؟

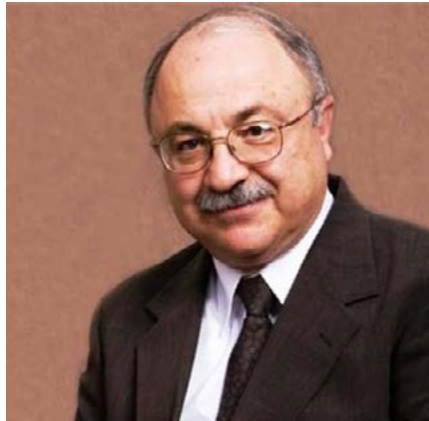
این لایحه از حمایت هر دو حزب در کنگره برخوردار بوده است حتی برخی از حامیان عربستان هم در کنگره با آن همراهی کردند و مخالفت جدی با آن نکردند. همانطوریکه در پاسخ سوال قبلی گفتم فضای ضد تروریسم در جامعه آمریکا شرایط را برای حامیان عربستان جهت مخالفت با این لایحه سخت کرده است زیرا رقبای آنها در صورت این کار می‌توانند آنها را متهم به نرمش در برابر تروریسم کنند.

|| مجلس مشورتی عربستان سعودی درباره این مصوبه هشدار داده و اعلام داشته است این قانون جامعه بین المللی را نگران کرده و تبعات زیادی نیز برای عربستان خواهد داشت؟

یک دکترین در حقوق بین الملل وجود دارد بنام «مصونیت حاکمیت» که بر اساس آن شهروندان خصوصی یک کشور نمی‌توانند دولت‌های خارجی را در دادگاه‌های داخلی خود تحت پیگرد قرار دهند. سعودی‌ها احتمالاً مد نظرشان این دکترین است. مهمترین نگرانی سعودی‌ها در حال حاضر از این است که شکایات زیادی از آنها در دادگاه‌های آمریکا مطرح شود. حتی اگر این شکایان در دادگاه‌ها پیروز نشوند سعودی‌ها نگران هستند تا در روند این دادگاه‌های احتمالی اطلاعاتی که به جایگاه آنها ضربه بزند افشا شوند.

|| به نظر می‌رسد کنگره تلاش‌هایی را برای بی‌تاثیر کردن مصوبه خود آغاز کرده است. نظر شما در این خصوص چیست؟

مصوبه کنونی دارای نقابسی است که می‌تواند کار را برای شکایت شاکیان از عربستان سعودی سخت کند. با اینحال تعجب نخواهم کرد اگر کنگره مصوبه را ضعیف تر کند زیرا حامیان سعودی‌ها در کنگره عموماً قوی هستند و بسیاری از اعضای با نفوذ کنگره از لابی‌های عربستان در آمریکا بهره‌مند بوده‌اند.



آنها اهمیت زیادی دارد. در نتیجه سیاستمداران آمریکایی باید در حوزه‌های انتخاباتی خود وانمود کنند که در مقابل تروریست‌ها و حامیان آنها محکم ایستاده‌اند تا بتوانند در انتخابات آرای مردم را جلب کنند. به همین جهت فشار بر روی کنگره هم زیاد است. کنگره آمریکا به یکباره ضد سعودی نشده است بلکه زمانی که برای تصویب این لایحه انتخاب کرده زمان درست و دقیقی است با اینحال حامیان سیاست‌های عربستان هنوز در کنگره حضور دارند.

|| آیا تصویب این لایحه در کنگره آمریکا به معنی این است که عربستان اهمیت استراتژیک خود را برای آمریکا از دست داده است؟

تردید وجود ندارد که اهمیت استراتژیک، تاریخی و سنتی عربستان در حال تغییر برای آمریکا است. با اینحال عربستان نقش مهمی در سیاست‌های خاورمیانه ای آمریکا به ویژه در خلیج فارس خواهد داشت. به عبارتی دیگر عربستان سرمایه‌ای استراتژیک برای آمریکا باقی خواهد ماند اما سرمایه‌ای که ارزش آن برای آمریکا چند بعدی است.

«نادر انتصار» با اشاره به جایگاه عربستان در سیاست منطقه ای آمریکا به تشریح دلایل نگرانی سعودی‌ها از تصویب قانون «جاستا» توسط کنگره ایالات متحده پرداخت.

قانون عدالت در برابر حامیان تروریسم معروف به «جاستا» چندی پیش توسط اکثریت مجلس نمایندگان و سنا به تصویب رسید و توی «باراک اوباما» توسط کنگره باطل شد.

اما این لایحه با رد توی اوباما توسط سنا به قانون تبدیل شد.

بر اساس این قانون که هدف اصلی اش عربستان است خانواده قربانیان حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر اجازه شکایت علیه عربستان و دیگر کشورهای را که در حملات تروریستی به خاک آمریکا مشارکت داشته‌اند را می‌توانند در دادگاه‌های آمریکا تحت تعقیب قرار دهند. بلافاصله بعد از تصویب این قانون خانواده یکی از قربانیان این حادثه از دولت عربستان شکایت کرد و اولین دادخواست از ریاض در آمریکا بابت نقش آفرینی در حادثه ۱۱ سپتامبر به ثبت رسید.

تصویب این قانون نگرانی‌هایی را برای حاکمان عربستان سعودی به وجود آورده است. در خصوص اهمیت این موضوع گفتگویی داشته‌ایم با پروفیسور «نادر انتصار» استاد علوم سیاسی دانشگاه آلاباما جنوبی آمریکا داشته‌ایم که مشروح آن در زیر آمده است.

|| باراک اوباما قانون «جاستا» را که به تصویب کنگره آمریکا رسیده بود را و تو کرد و متعاقب آن کنگره توی اوباما را باطل کرد. چرا کنگره آمریکا مخالف عربستان سعودی شده است؟

به یاد داشته باشید که امسال سال انتخابات است و موضوع تروریسم و چگونگی تنبیه تروریست‌ها و حامیان

گزارش تکان دهنده درباره افزایش جنایات علیه مسلمانان در آمریکا



ها و ویدئوهای وحشتناک داعش به احساسات منفی علیه مسلمانان در جامعه آمریکا دامن زده است.

در این گزارش آمده است: ناآگاهی در مورد دین اسلام و عدم تعامل معنی‌دار با مسلمانان صلح دوست در کنار تبلیغات و اقدامات اقلیتی از افراط‌گرایان خشونت‌گرا تاثیر فراوانی در ایجاد نگرش‌های منحرف، سوءبرداشت‌ها و نگرانی‌ها در مورد مسلمانان آمریکایی داشته است. برخی اظهارات ضد اسلامی نامزدهای انتخاباتی آمریکا در آستانه برگزاری انتخابات ریاست جمهوری را نیز نباید در این خصوص بی‌تاثیر دانست. «دونالد ترامپ» نامزد جمهوریخواه خواستار ممانعت از ورود مسلمانان به خاک آمریکا شده بود.

از سوی دیگر تحقیقات اخیر موسسه «پیو» نشان داده است رویکرد آمریکایی‌ها در قبال مسلمانان از دیگر اقلیت‌های دینی در این کشور منفی‌تر است.

یک رسانه غربی با ارائه آماری از افزایش ۸۹ درصدی جنایت علیه مسلمانان در آمریکا خبر داد.

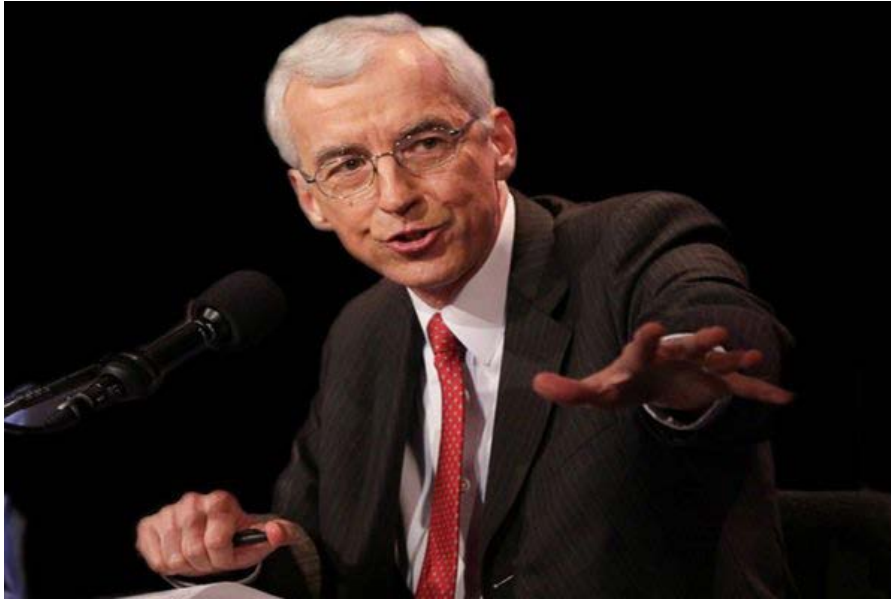
بر اساس مطالعه‌ای که بر روی ۲۰ ایالت آمریکا و شهر نیویورک انجام شده و نتایج آن قرار است برای سازمان جرم‌شناسی جامعه آمریکا ارسال شود، جرائم ناشی از نفرت در آمریکا به‌طور کلی حدود ۶ درصد افزایش یافته، این در حالی است که این جرائم علیه مسلمانان افزایشی ۸۹ درصدی داشته است.

بر اساس این گزارش، جرائم ناشی از نفرت تنها در شهر نیویورک، ۲۴ درصد افزایش یافته است.

در این گزارش، افزایش هراس از مسلمانان، حملات تروریستی اخیر در اروپا و آمریکا، اظهارات متعصبانه خشونت‌گرایان علیه غربی‌ها از جمله دلایل افزایش جرائم ناشی از نفرت علیه مسلمانان عنوان شده است. بر اساس این گزارش، جنگ سوریه و همچنین اعلامیه

گفتگوی اختصاصی با مقام سابق سیا:

ترامپ اتهامات جدیدی علیه هیلاری کلینتون رو خواهد کرد



مرسوم و رایج بوده است و تا به حال خیلی مرسوم نبوده است که یک کاندیدایی که در راس کار نیست در انتخابات پیروز شود و جانشین رئیس جمهوری شود که هم حزبی خودش است. آخرین باری که این اتفاق افتاد در سال ۱۸۵۶ بود که کاندیدای دموکرات موفق به این کار شد.

|| ترامپ رسانه ها را متهم به اقدامات هماهنگ علیه خودش می کند. به نظر شما رسانه ها در تخریب وجهه وی تا چه حد موفق بوده اند؟

ترامپ این اتهامات را وارد می کند چون در حال باختن است. شخصیت وی با اظهارات و عملکردش متفاوت است بطوریکه رسانه ها قادر به تخریب آن نیستند.

|| با توجه به اینکه زمان کمی تا انتخابات ریاست جمهوری باقی مانده است، آیا در این مدت باقی مانده ممکن است شاهد مطرح شدن موضوعاتی باشیم که بتواند بر روی نتایج انتخابات تاثیر گذار جد باشد مثل فیلمی که از فساد اخلاقی ترامپ منتشر شد؟

اکثر رجزخوانی های موجود در مهمات خانه هر یک از جناح ها خرج شده اند. در زمان باقی مانده تا انتخابات به احتمال زیاد شاهد تکرار نقطه نظرات قبلی بطور مکرر خواهیم بود. با این وجود کاندیدایی که عقب است یعنی ترامپ سخت تلاش خواهد کرد تا چیزی جدید رو کند. اما اگر وی بخواهد چیز جدیدی را مطرح کند یقینا آن مسئله سیاست عمومی نخواهد بود و بیشتر اتهاماتی جدید علیه هیلاری کلینتون و سوابق او خواهد بود.

|| اخیرا فیلمی از «دونالد ترامپ» کاندیدای جمهوری خواه انتخابات ریاست جمهوری آمریکا درباره اظهارات وی درباره زنان که بیانگر فساد اخلاقی وی است، منتشر شده است که موجب کاهش محبوبیت وی شده است. پیش بینی شما از نتایج انتخابات ریاست جمهوری آمریکا چیست؟

نظرسنجی ها، بازارهای شرط بندی و هر کسی که قویا و تعصبی به اردوگاه ترامپ اعتقاد ندارد، انتظار دارد که هیلاری کلینتون برنده انتخابات شود. من هم بر این باورم که هیلاری کلینتون پیروز خواهد شد هر چند هیچگاه نمی توان امکان بروز تحولاتی را که منجر به از بین رفتن شانسی وی شود را نادیده گرفت.

|| با وجود بسیاری از فشارها و افشاگری ها، چرا هنوز دونالد ترامپ به عنوان رقیب انتخاباتی مانده است؟ اساسا چه گروه های در انتخابات به وی رای خواهند داد؟

برخی از حامیان ترامپ به بیان تعصبات و پیش داوری های خود در خصوص وی پرداخته اند. اما اکثر حامیان وی، ترامپ را به عنوان ابزار مهمی برای تغییر می پندارند بدون اینکه فکر کنند که وی واقعا چه نوع تغییراتی می خواهد ایجاد کند.

بسیاری از حامیان وی کسانی هستند که احساس می کنند از نظر اقتصادی عقب مانده اند. ترامپ سیاست ها و برنامه های خاصی برای بهبود وضع اقتصادی این افراد ارائه نمی کند و آنچه هم که اعلام داشته موجب خواهد شد اوضاع اقتصادی آنها بدتر شود.

ترامپ تلاش می کند رای هر کسی را که از وضع موجود ناراضی است را جلب کند. اینگونه ناراضی ها و تمایلات برای تغییر احزاب در کاخ سفید در تاریخ آمریکا

«پل پیلار» با تشریح برنامه احتمالی «دونالد ترامپ» در روزهای باقی مانده تا انتخابات آمریکا وی را فاقد برنامه دانست و تصریح کرد سیاست هایش موجب بدتر شدن وضع حامیانش خواهد شد.

انتشار فیلمی درباره اظهارات «دونالد ترامپ» نامزد جمهوری خواه انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۶ آمریکا که زمان زیادی تا برگزاری آن باقی نمانده است درباره زنان که بیانگر فساد اخلاقی وی است، موجب شد که آرای وی تا حدود زیادی ریزش کند.

در پی این اقدام همچنین شماری از زنانی که در سال های مختلف با وی همکاری داشته اند از رفتار آزار دهنده و ناشایست وی با زنان در سال های گذشته خبر داده اند که این امر نیز در کاهش میزان محبوبیت وی تاثیر زیادی داشته است.

با این حال ترامپ ساعاتی قبل از آغاز مناظره خود با «هیلاری کلینتون»، نامزد حزب رقیب دموکرات، ویدئویی در پاسخ به واکنش های گسترده به اظهارات رکیکش درباره زنان منتشر کرد.

در این ویدئو که در هتل تاریخی «واترگیت» ضبط شده، سه زن که می گویند قربانیان تجاوز جنسی بیل کلینتون هستند، به رأی دهندگان درباره دیدگاه های «هیلاری کلینتون» درباره زنان هشدار می دهند.

در خصوص میزان تاثیر افشاگری ها درباره فساد های اخلاقی کاندیدها در نتایج انتخابات ریاست جمهوری آمریکا گفتگویی با «پل پیلار» از اساتید دانشگاه «جورج تاون» آمریکا انجام شده است که در ادامه می آید. وی در گذشته کارشناس و رئیس بخش تحلیل عملیات سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) بوده است. پیلار تاکنون مسئولیت های متعددی را بر عهده داشته است که از آن جمله می توان به ریاست واحدهای تحلیل عملیات های سیا در خاور نزدیک، خلیج فارس و جنوب آسیا اشاره کرد. پیلار همچنین سابقه حضور در شورای امنیت ملی آمریکا را به عنوان یکی از اعضای اصلی در کارنامه کاری خود دارد.



دفس وان تحلیل کرد؛

تقابل ترامپ با د کترین ترومن / هیلاری می خواهد آمریکا پلیس جهانی باشد



باشم که مردم انتظار دارند. من می خواهم در داخل و در خارج خواسته مردم را پاسخگو باشم. می خواهم تصمیماتی اتخاذ کنم که صلح و رفاه بیشتر برای مردم به ارغمان آورده و همچنان آمریکا در جهان با اقتدار و قدرتمند باشد.

به همین علت موقعیت کلینتون خیلی بهتر از ترامپ است زیرا ترامپ نمی خواهد آمریکا سیستم بین الملل را رهبری کند تا زمانی که در داخل به اندازه کافی قدرتمند نشده است. ترامپ به صراحت می گوید: آمریکا نباید ارزشهای خود را ترویج کند زمانی که ارزشهایش در داخل توسط مسائل داخلی لکه دار شده است. متحدین آنهایی که به آمریکا تکیه می کنند در واقع گدایانی هستند که ثروت آمریکا را غارت می کنند. عقیده ای که رهبری سیستم بین الملل توسط آمریکا باعث پیشرفت صلح و رفاه می شود، اشتباه است زیرا امورات بین المللی بر اساس حاصل جمع جبری صفر است. در این میان آمریکا تمام ثروت و امتیازات خود را از دست می دهد. آمریکا در واقع گردن کلفت احمق است که به طور سیستمی توسط هر کسی غارت می شود.

راسموسن می گوید: من علاقه ای به انتخاب یکی از کاندیدای ریاست جمهوری در آمریکا ندارم. اما اگر ترامپ به عنوان رئیس جمهور آینده انتخاب شود، من در مورد پایان نظم جهانی به رهبری آمریکا نگران می شوم زیرا اگر نظم کنونی

پلیس داشته باشد و نظم را برقرار نماید. این دو دستگی نشان می دهد که ایالات متحده نمی تواند به طور بالقوه هر مشکلی را در هر مکانی حل نماید. ترامپ با این حال فراتر رفته است. وی که خود را به عنوان نامزد حفظ نظم و قانون معرفی کرده است می گوید: ایالات متحده نه تنها نمی تواند پلیس جهان باشد بلکه نیازی نیست در اجرای قوانین بین المللی و اعاده نظم آنچنان که در حال حاضر درگیر شده، درگیر شود. بیش از هر نامزد ریاست جمهوری در آمریکا ترامپ نظریه ترومن در مورد مدیریت سیستم بین الملل توسط آمریکا را زیر سوال برده است. این نظریه که بعد از جنگ جهانی دوم توسط ترومن طراحی شد، ارزش آمریکا را بسیار دانسته و معتقد است که با توجه به قدرت سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی آمریکا باید مدیریت نظم در سیستم بین المللی را برعهده گیرد. ایجاد پیمان ناتو، پیمان تجارت آزاد، پیمان گسترش سلاح های هسته ای، معاهدات دوجانبه دفاعی، ساخت پایگاههای نظامی در خارج از آمریکا و ... در این راستا صورت گرفته است.

کلینتون این سیستم و نظریه را مورد تحسین قرار می دهد و در اولین مناظره می گوید: آیا ما خواستار رهبری جهان با قدرت و بر اساس ارزش های خودمان هستیم؟ قطعاً بله. من می خواهم این کار را انجام دهم. من می خواهم رهبری

نامزد حزب دموکرات و بسیاری از رهبران حزب جمهوری مانند «مایک پنس» - شخصی که ترامپ به عنوان نامزد معاون اول ریاست جمهوری معرفی کرده است - است.

این شکاف در دومین مناظره میان کلینتون و ترامپ عمیق تر شده است. در این مناظره ترامپ از مایک پنس به علت حمایت از بمباران نیروهای سوری توسط آمریکا در صورتی که روسیه و حکومت اسد به بمباران شهر حلب ادامه دهند، به شدت انتقاد نمود. این در حالی است که کلینتون در پاسخ به بمباران هوایی روسیه فقط خواستار ایجاد منطقه پرواز ممنوع در سوریه شد.

به عبارت دیگر پنس و کلینتون می خواهند آمریکا نقض قوانین بین المللی جنگ را مورد بررسی قرار داده و نظم در سیستم بین الملل را مدیریت کند. ترامپ در مقابل می خواهد آمریکا نقض قوانین بین المللی اگر باعث از بین رفتن داعش می شود را نادیده گیرد. وی در این ارتباط می گوید: من اسد را اصلاً دوست ندارم. اما اسد نیروهای داعش را می کشد.

روسیه نیروهای داعش را می کشد. در واقع ترامپ به صراحت این تصور را که آمریکا باید پلیس بین المللی بوده و نظم در سیستم را مدیریت کند، نپذیرفته است. با این حال سیاستمدارانی مانند برنی سندرز، باراک اوباما، جورج بوش پسر و پدر دارای این تصور بوده و هستند که آمریکا باید در جهان نقش

پایگاه تحلیلی «دفس وان» اخیراً مقاله ای در مورد ارتباط موقعیت جغرافیایی ایالات متحده آمریکا با انتخابات ریاست جمهوری در این کشور با قلم «یوری فریدمن» منتشر کرده است.

فریدمن در این مقاله پس از توضیح موقعیت جغرافیایی آمریکا اظهارات «آندرس فوگ راسموسن» دبیر کل سابق ناتو در مورد انتخابات ریاست جمهوری آمریکا را ذکر کرده و تبیین می کند. این تحلیل در ادامه آمده است.

ایالات متحده آمریکا دارای جمعیت زیاد و سرزمین وسیع بوده و رابطه خوبی با کشورهای شمال و جنوب خود دارد. این سرزمین پهناور در شرق و غرب به اقیانوس منتهی می شود. همانطور که راسموسن می گوید: آمریکا توسط همسایگان دوست و ماهی ها مرزبندی شده است. بر اساس موقعیت جغرافیایی راسموسن استلال می کند که آمریکا دارای نعمت و مواهب زیادی است، بر همین اساس دیدگاههای «دونالد ترامپ» و «هیلاری کلینتون» نسبت به جهان گسترده می تواند پاسخگوی نیازهای مردم این کشور باشد.

«آندرس فوگ راسموسن» دبیر کل ناتو در کتاب معروف خود با عنوان «اراده رهبری» توضیح داده است: وقتی به دهکده جهانی توجه می کنیم، ایالات متحده کشوری بزرگ و ثروتمند با دیوارهای بلند بوده که اطراف آن را خندق احاطه کرده است. این در حالی است که سایر کشورهای بزرگ و ثروتمند در مکان های خطرناک و در جوار همسایگان خطرناک قرار دارند. در طول تاریخ این موقعیت جغرافیایی بی نظیر باعث شده آمریکا دو نقش در نظام بین الملل ایفا کند. در زمانهایی آمریکا نقش پلیس را در نظام بین الملل بازی کرده است. در این نقش آمریکا وظیفه حفظ نظم در سیستم بین الملل را داشته و اطمینان حاصل کرده است که دیگر بازیگران به قوانین نظام بین الملل احترام می گذارند. در زمانهایی نیز ترجیح داده نقش دروازه بان را داشته و آنچه در صحنه بین الملل رخ می دهد را نادیده بگیرد مگر اینکه تاثیر مستقیم بر امنیت ملی این کشور داشته باشد.

واقعیت این است که «دونالد ترامپ» نامزد حزب جمهوریخواه در انتخابات ۲۰۱۶ ریاست جمهوری آمریکا می خواهد ایالات متحده فقط نقش دروازه بانی داشته باشد. خواسته ترامپ در تضاد کامل با خواسته «هیلاری کلینتون»

گفتگوی اختصاصی با عضو شورای روابط خارجی آمریکا: «هیلاری کلینتون» به اسرائیل کاملاً وفادار است



مهدی ذوالفقاری

تا چه اندازه در افکار عمومی از عدم محبوبیت برخوردار است. من تا کنون هرگز دو نامزدی که تا این میزان از فقدان مقبولیت در انظار مردم برخوردار باشند، ندیده ام.

نماینده سابق کنگره آمریکا درباره ادامه فعالیت های ترامپ به عنوان یک رقیب در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا علیرغم فشارها و افشاکاری های زیاد علیه وی و اینکه چه گروه هایی به وی رأی می دهند؛ خاطر نشان کرد: تعداد زیادی سفیدپوست می شناسم که علیرغم کارهای طاقت فرسا و یدی که انجام می دهند، از وضعیت اقتصادی خود ناراضی هستند. این افراد معتقدند مدت های مدیدی است که در سیاست مغفول واقع شده اند. این افراد از ترامپ حمایت می کنند که البته حق دارند.

عضو پیشین مجلس نمایندگان آمریکا ادعای ترامپ درباره اقدام هماهنگ رسانه ها در راستای تخریب شخصیت وی را اینگونه تشریح کرد: به هر حال، نمونه های ترامپ در کشورهای مختلف جهان نیز وجود دارند؛ کسانی که عوام فریبی کرده و به اقتضای زمان حرف می زنند. البته کماکان بر این باورم که هیلاری اگر چه با آرای نزدیک اکثریت پیروز میدان خواهد شد، آرای مردم نیز آشکارتر می شود.

وی در ادامه برخی از اقداماتی که لازم است پس از مشخص شدن برنده نهائی انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا به انجام برسد را اینگونه توصیف کرد: آمریکا پس از اتمام انتخابات، اقدامات آشتی جویانه سیاسی جدی را به انجام خواهد رساند. به نظر من هیلاری به برجام پایبند خواهد ماند و درک می کند که شرایط باید بُرد-بُرد ادامه یابد. از سوی دیگر، وی کاملاً به حمایت و دفاع از اسرائیل پایبند خواهد بود.

وی در پایان افزود: امیدوارم ایران نیز بتواند هدایت گر سازنده و مفیدی در زمینه یافتن راهکاری برای پایان دادن به خشونت ها در سوریه به شمار آید.

نماینده سابق کنگره آمریکا با معرفی ترامپ به عنوان یک عوام فریب، پیش بینی کرد کلینتون پس از پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری با اختلاف اندک، برجام را به عنوان توافقی برد-برد ادامه خواهد داد. پس از مشخص شدن نتیجه دولت سرنوشت ساز «سه شنبه بزرگ» و راه یافتن «هیلاری کلینتون» و «دونالد ترامپ» نامزدهای منتخب انتخابات درون حزبی آمریکا به رقابت های نفس گیر کنونی برای تسخیر کاخ سفید، اهتمام رقباء نیز برای جلب تعداد بیشتری از آراء مردم به اوج خود رسیده است؛ تا جائیکه که برای پیمون این راه از هیچ اقدامی علیه یکدیگر دریغ نمی کنند.

در این شرایط، انتشار ویدئوهایی مبنی بر اظهارات نامزد جمهوریخواه درباره زنان با واکنش های متفاوت مواجهه و علاوه بر افشای برخی از ویژگی های شخصیتی «دونالد ترامپ»، به دستاویزی برای بهره برداری رقیب دموکرات وی نیز مبدل شده است. «جیمز چارلز اسلتری» نماینده سابق کنگره آمریکا و عضو شورای روابط خارجی این کشور در پاسخ به سؤال خبرنگار مهر درباره آثار و تبعات ویدئوهای اخیر پیرامون سخنان «دونالد ترامپ» درباره زنان و نقش این ویدئوها بر افت محبوبیت این نامزد جمهوریخواه در انتخابات آتی ریاست جمهوری این کشور، گفت: افراد بسیاری از ادامه تلاش های «دونالد ترامپ» در رقابت های انتخابات ریاست جمهوری آمریکا پس از افشای اظهارات جنجال آمیز وی درباره برخی موضوعات از قبیل سخنان جاهلانه و توهین آمیز وی علیه زنان متعجب هستند.

وی در خصوص این موضوع که چرا علیرغم سخنان غیراخلاقی ترامپ ولی هنوز رقیب قدرتمندی برای هیلاری کلینتون است تصریح کرد: به عقیده من چنین اوضاعی نشان می دهد که «هیلاری کلینتون»

از بین رود هم برای آمریکا و هم برای جهان خوشایند نیست.

راسموسن - کسی که ناتو را در سال ۲۰۱۴ وقتی پوتین در اوکراین دخالت نظامی کرد، رهبری می کرد- به طور آشکارا با تحسین اقدامات پوتین توسط ترامپ و خودداری وی از انتقاد علیه تجاوزات روسیه مشکل دارد. وی همچنین در مورد این تفکر ترامپ - عدم دفاع از اعضای ناتو اگر آنها تعهدات مالی اتحاد نظامی را برآورده نکنند - نگران است.

راسموسن در این ارتباط می گوید: اگر اتحاد ناتو توسط روسیه مورد حمله قرار گیرد و اگر اتحاد توان پاسخگویی نداشته باشد، قطعاً فرو خواهد پاشید. ترامپ، پوتین رئیس جمهور روسیه و برخی دیگر را مورد تحسین قرار داده است. به نظر من ترامپ سیاست های داخلی را بهتر مدیریت می کند. همچنان که در صحبت های ترامپ مشخص است وی معتقد است جهان بدون درگیر شدن آمریکا در بحران ها می تواند مدیریت شده و نظم در آن برقرار شود.

راسموسن معتقد است: آمریکا با توجه به قدرت نظامی، اقتصادی، فرهنگی و دیپلماتیک خود باید نقش رهبر نظام بین الملل را عهده دار شود. سازمان ملل و اتحادیه اروپا بیش از حد ضعیف بوده و از لحاظ داخلی دارای مشکلاتی هستند، بنابراین نمی توانند این مسئولیت را عهده دار شوند. کشور چین جهت مدیریت نظام بین الملل فاقد اعتبار است. دولت روسیه نیز قدرت لازم برای مدیریت نظام بین الملل را ندارد. پس آمریکا تنها ابرقدرتی است که می تواند این مسئولیت را عهده دار شود.

وی استدلال می کند که باراک اوباما در دوره ریاست جمهوری اش، درجه ای از انزوای ترامپ را نشان داده که دارای عواقب شومی برای ایالات متحده آمریکا بوده است. اگر آمریکا در دوره اوباما همان سیاست دولتهای پیشین و رهبری نظام بین الملل را ادامه داده بود، روسیه نمی توانست به راحتی به اوکراین حمله کرده و در سوریه حملات بی پروا هوایی انجام دهد. با توجه به حمله ۱۱ سپتامبر باید گفت که به نفع آمریکاست که به دشمن خود حمله کند قبل از اینکه آنان به آمریکا حمله کرده و منافع این کشور را در خطر قرار دهند. البته هزینه نظامی آمریکا و مدیریت نظام بین الملل بسیار زیاد است ولی واقعیت این است که ارزش این اقدامات نیز بسیار زیاد است. با مدیریت نظام بین الملل توسط آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم عصری از صلح و رفاه در آمریکا وجود داشته و به مدت ۷۰ سال جنگ هسته ای و جنگ جهانی رخ نداده است. اکثر مردم آمریکا از لحاظ اقتصادی نفع برده اند وقتی در جهان صلح آمیز تجارت آزاد بر اساس قوانین خاص رونق داشته است. آمریکا سیستم بین الملل حال حاضر را طراحی کرده است و بدون شک اگر نقش بین المللی خود را کاهش دهد این سیستم دچار اختلال می شود. کشورهای دیگر و به خصوص دموکراسی های همفکر باید منابع بیشتری را صرف کمک به آمریکا و انجام وظایف کلانتری این کشور کنند.